پیروزی

درکنار فعالیت‌های چریکی :

فلسطین ارتش منظم خلقی تشکیل می‌دهد

مصاحبه با سرتیپ ستاد سعدصایل، عضو شورای‌فرماندهی کل‌نیروهای "العاصفه" ص۵۴

شماره چهارم - دی ۱۳۵۹

قیمت ۹۰ ریال

تحلیلی جامع از زمینه‌ها و علل گرانی ارزاق ـ تورم و اثر آن بر زندگی مردم و بویژه قشرهای فقیر و کم‌درآمد ـ جیره‌بندی و مسائل آن ـ وابستگی اقتصادی و اثر آن‌بر قیمت‌ها

گرانی گلوی زحمتکشان را میفشارد

حضور نظامی امریکا درمدیترانه گسترش مییابد

صفحه ۶۴

با واژه تلخ شکنجه

صفحه ۴۷

روز به روز

چکیده‌ای از رویدادهای هر روز آذرماه درایران وجهان صفحه ۸۹

مالیات جیب‌های خالی را خالی‌تر می‌کند

صفحه ۲۹

درمدارس چه میگذرد؟

گزارشی از بحران موجود در موسسات آموزشی‌کشور و جدولی ازوضعیت‌بعضی مدارس در تهران و شهرستانها صفحه ۳۷

درآستانه تدوین قانون مطبوعات

صفحه ۵۱

هنر

نقدی برکتاب "نینا" و فیلم "سیل‌پابرهنه‌ها" ـ یادی‌از "نیما" صفحه۷۷

پیروزی

ماهنامه سیاسی ـ اجتماعی
زیر نظر شورای نویسندگان

شماره چهارم ـ دی ۱۳۵۹

نشانی : تهران ـ صندوق پستی ۱۱۳ ـ ۵۴
تلفن : ۸۳۸۸۶۳

'پیروزی' مشترک می‌پذیرد

بهای اشتراک : ـ ۶ شماره ۵۰۰ ریال
ـ ۱۲ شماره ۱۰۰۰ ریال

برای اشتراک مجله مبلغ لازم را به حساب جاری شماره ۳۶۲ بانک صادرات شعبه ۳۱۳۶ تهران واریز کنید و رسید آنرا با ذکر اینکه مجله را از چه شماره‌ای میخواهید به نشانی پستی ما بفرستید .

برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ، وکالاهای مربوط به آن‌ها آگهی میپذیریم

حرف اول

درستگراست ، چشم‌ها باز و بیدار ، می‌جنگد ، ومی‌میرد . وجای او را باز برادر او ، یا همسایه‌اش و یا همکارش می‌گیرد . درکارخانه‌است ، یابیشتراز "شیفت" خودکارمی‌کند ، یاکمتراز آنچه‌باید دستمزد می‌گیرد . بزرگراست ، بسیار بیشتراز توان‌خود کارمی‌کند ، وبس‌کمتراز نیازخود می خورد ، امابازشکرخدا می‌گوید . خانه‌دارا‌ست‌و باندازه‌ٔ "شیفت" همه‌ٔ کارگران خانه ـ فرزند ، شوهروپا ـ پدر ـ کارمی کند ، پاسپای همه‌ٔ آنان . ازاینهمه کارگله فارغ‌شد برای مردان جمبه قند می‌شکند ، پیراهن‌میدوزد ، نان می‌پزد . کارمنداست ، در انتظار روزهای بهتری که ازهزینه اجاره‌ٔ خانه‌و قسط فرش وخرج فرزند چیزی باقی‌بماند ، اضافه حقوقه‌ای‌پرداخت‌نشده‌را درخیال خود جمع میزند تا ازآن رقمی صوری‌ومجازی‌را "پس‌انداز" اکند . دانشجوست ، ماشین نویس‌است ، مستخدم است ، باغبان باغچه‌های‌سبز محله‌های مرمری است . رفتگر خیابانهایی‌است که برای او جز غبارو ـ غصه ندارد . راننده وسایل نقلیه‌ایست که خوداورا به‌جایی‌نمی‌برد ، کارگراست ، بیکاراست ، درجستجوی‌کاراست . . .

این‌توده‌عظیمی‌است که هر روز میلیون میلیون درجستجوی نان‌هر روزهٔ خود تکاپو می کند . هرچه میشود کار اوست و هرچه باید کرداو می کند . هم‌اوست که سنگر می کند . هم‌اوست که می‌جنگد . هم‌اوست که کشته میشود . هم‌اوست که برای برادران‌بمبه‌سیب‌و سیگارو پتو می‌برد . هم‌اوست‌که‌برای‌آنان پیراهن میدوزد وقند‌می‌شکند . وهم‌اوست که خرج‌بنیه‌را هم‌ازجیب‌قنوت خود می‌پردازد . این توده‌ٔ زحمتکش وتهیدستی‌است‌که با اینهمه‌سخاوت وگشاده‌دستی ، خود "گنجشک‌روزی" است ونان ساده‌ٔ هر روز خویش را جز باکارمداوم وخستگی ناپذیر ، بدست نمی آورد . اگریکی‌دوروز کارنکند ، گرسنه می‌ماند و نظامی که برای دریافت‌سهم خودازهرسکه‌اوآماده‌ایستاده‌است ، او رافراموش می کند .

*

جنگی‌که‌همچنان ادامه‌دارد‌و بظاهر پایان نزدیکی برآن نمی توان دید ، بیش‌ازپیش‌سنگینی باری راکه زحمتکشان و تهیدستان کشورمان بردوش‌دارند ، می نمایاند . درحالیکه شرایط‌روزهای پیش ازجنگ نیز فداکاری و ایثار طاقت‌فرسایی‌ازسوی توده‌های‌محروم کشور را ایجاب می کرد ، وضعیت جنگی ، با شرایطی که‌طبعاً" بدنبال می آورد ونیز باسهانه‌ئی‌که‌برای تحمیل شرایط ویژه‌بدست می‌دهد ، این توده‌هارا هرچه محروم‌تر می‌کند‌وهرچه بیشتر به کار ، وگاه بیکاری می کشد .

درحالیکه توده‌ٔ زحمتکش‌حدت‌شرایط ـ چه‌عادی‌و چه جنگی ـ را باپوست‌و گوشت خوداحساس و تحمل می‌کند ، وازنظر روحی‌در معرض سخت‌ترین نگرانی‌هاونشویش‌ها درباره‌ٔ حال‌و آینده خوداست . هرچه‌بیشتر به انجام کار داوطلبانه‌یا چشم‌پوشی‌ازبخشی‌ازدستمزد ناچیز خویش‌نیز دعوت می‌شود .

ازمصائب‌جنگ وپیامدهای آن‌سخن گفته‌ایم . وضعیت صدها هزار آواره‌ٔ جنگ رانیز تصویرکرده‌ایم. در این‌شماره "پیروزی" ازهزینه‌"کمرشکنی‌سخن‌می‌گوئیم که نه‌فقط جنگ ، بلکه همه نظام اجتماعی کشور ، به محروم ترین وتهیدست‌ترین توده‌های‌کشورمان تحمیل می‌کند .

مالیات‌ها ، چه‌مستقیم وچه‌غیرمستقیم ، که‌درتئوری برای عادلانه ترکردن نظام توزیع درآمدملی و گسترش‌زمینه‌های رفاه‌اجتماعی‌است ، همیشه وکمابیش‌منحصرا "ازفقیرترین ومحروم ترین قشرهای اجتماعی دریافت میشود . جیره‌بندی ، یاآنکه به توزیع‌عادلانه‌تر مایحتاج مردم کمک می‌کند ، چیزی را ازآنان‌که بسیار می‌خورند وکم‌کارمی‌کنند ، یا اصلا" کار نمی‌کنند ، نمی گیرد . بلکه تنها قوت لایموت توده‌های میلیونی را ، در مختصرترین حدخود ، تنظیم میکند . بعبارت دیگر ، این ، جیره بندی "نداری" است . ازدست "سیر"گرفتن وبه "گرسنه" دادن نیست . تقسیم‌عادلانه گرسنگی ، میان گرسنگان‌است . و مالیات مستقیم‌در سرسربنگاه آخر برج ، در پای صندوق پرداخت دستمزد ، تا دینار آخر از زحمتکش "گنجشک ـ روزی" وصول میشود . اما نه ازآنانکه اگر بهای صندوقی میروند ، برای انباشتن است و"بارهم داشتن . . .

این‌توده‌های‌زحمتکش و ایثارگر کمسخاوتمندانه‌ازتن وروان ودسترنج‌خویش مایه‌می‌گذارند ، خواستار ایفای‌نقش‌براستین خویش‌درهرآنچه‌به سرنوشت آنان مربوط میشود ـ یعنی‌همه‌چیز ـ هستندو هرنهاد و حکومتی‌که‌این حق‌را بشناسد و در برابر آن ، بر وظیفه خود ، که تنها ادای‌دین توده‌ها ومقابله به مثل آنهمه خدمت‌های‌اوست ، باور داشته‌باشد ، باید براین خواست تن در دهد . تسلیم‌شدن به وسوسه‌ٔ فرمانروائی‌بر گرده‌ٔ توده‌ها ، بمراحتی‌ازهرکس‌برمی‌آید ، آنچه همت می‌خواهد و محک‌صداقت‌و حقانیت هرحاکمیت‌است ، امانت‌داری نسبت به توده‌ها و برآورد خواسته‌هائی است که تا"مین آنها ، وظیفه و "ماموریت" هرحاکمیت مردمی‌است .

هیچ‌نوع شرایط ویژه یا اوضاع فوق‌العاده ، هرگز نباید چشم‌پوشی ازاین وظیفه یاموکول‌کردن آن‌به فرصتی‌دیگر ـ خارج‌از خواست توده‌های‌مردم ـ را توجیه کند .

هرعملکردی ازسوی حاکمیت ، که‌این خواست‌را ندیده انگارد ، یاآن‌را ثانوی بداند ، مقابله با اراده توده‌هاست ودر نهایت به جدا افتادن‌حاکمیت ازآنان منتهی میشود . درحالیکه هرنوع شرایط استثنائی‌و موقعیت اضطراری ، به‌شرط انطباق باخواست ها وهدف دراز مدت مردم ، قابل توجیه وتحمل پذیراست ، هیچ‌چیزنباید خارج ازاین هدف‌و معابر باآن خواست ، برتوده‌هاتحمیل‌شود . استفاده ـ یا سوء استفاده ـ ازشرایط اضطراری‌برای به کرسی نشاندن منافعی‌جدا از منافع توده‌ها ، بزیر پاگذاشتن اصل خدشه ناپذیر حاکمیت مردم‌است .

تحدید آزادیهای‌فردی‌و اجتماعی به بهانه ـ واقعی یا غیر واقعی ـ حضور همه جاگیر دشمن

سوءاستفاده‌دگر ، سوءاستفاده‌ازداوطلبی‌فداکارانه مردم برای کار بیشتر در شرایط‌ویژه و بهره‌وری ازآن در خدمت منافع گروهی ، اعمال‌فشار وتعمیض به بهانه تخفیه در صفوفی‌که ضوابطی‌خود ساخته آن‌را یک شکل وهمگون می خواهد‌واصل‌اساسی گونه‌گونی‌نیروهای‌اجتماعی‌را نفی می کند ، خود محور بینی‌و تحمیل "بینش‌گروهی" بعنوان "سرنوشت‌ملی" ، و خلاصه‌هرمنشی که‌با استفاده‌ازپشتوانه واقعی یاادعائی‌توده‌ها به مقابله باخواست وانتظارات همین توده هاروند ، حق‌ناشناسی‌از آنهمه ایثار وازخود گذشتگی‌است که بر برشمردیم .

خیل عظیمی کمبا صبر و تحمل ، بربسیاری شرایط ناخواسته از جانب او ، گردن‌می‌نهد ، این‌شرایط را تازمانی تحمل می‌تواندکرد که باهمه‌ٔ ناخواستگی وناچاری ، اصل حاکمیت وسیادت اورا مخدوش نکند . وضعیت فوق‌العاده را تازمانی‌تحمل‌می‌کند که خود بصورت "وضعیت" ـ بمفهوم عام و ثبات‌یافته‌ٔ آن ـ درنیاید . واز این روست‌که باهرنوع شرایط تحمیلی ، که بوسیله وضعیتی بوجود آمده درخارج ازخواست او توجیه‌شود ، مقابله خواهدکرد .

ازاین گذشته ، تحمل اینهمه ایثار و نامرادی‌ازسوی توده‌های زحمتکش‌ها ، به امید و درجهت‌شرایط نوینی‌است‌که برای توده‌هاگشایشی وفراغتی‌را بدنبال داشته‌باشد . بامید روزی که اینهمه رنج و تلاش داوطلبانه ، سرمایه‌ای انباشته‌شودکه با اتکا برآن ، زمان نگاهپوها و بدنبال نان دویدن‌ها‌پایان‌یافته‌باشد . به انتظاروزی که این همه لب‌بستن‌ها وبازوگشادن‌ها ، سرانجام به آرمیدن‌بازوها وگشودگی‌زبان‌ها و دهان‌ها برسد .

اکنون ، در تداوم نابسامانی‌ها وکاستی‌هایی‌که شرایط جنگی آن را دوچندان می‌کند ، اینکه این شرایط بعنوان زمینه‌ای‌ساعد برای تحمیل بعضی وضعیت‌های اجتماعی یا توجیه بعضی گردارهای مغایر با خواست توده های ایثارگر و بردبار نگارگرفته شود ، نگران کننده‌است . این نگرانی بویژه هنگامی سنگین تر می‌شودکه بدلیل همین‌زمینه‌ٔ مساعد برای‌بهره‌برداری ازشرایط خاص ، گمانی درپی تداوم بخشیدن‌به‌شرایط باشند .

اکنون به دومین سالگرد انفجار خشم سهمگین توده‌هائی که زور وتزویر و استثمار را دیگر تحمل نمی گردند نزدیک می‌شویم . ازگذشته‌ئی‌که‌هنوز چندان نگذشته ، وازطنین فریادهای‌رهائی بخشی‌که هنوز فرونشسته‌اند گهیم . درامانت خیانت نکنیم . آنچه‌اکنون تنها برای‌چندروزی نزدماست ، ازآن توده عظیمی‌است‌که هرچه میشود کار اوست ، هرچه‌باید کرداومی‌کند وهم اوست که خرج همه چیز را از جیب قنوت خود می دهد . و آن‌روز که این جیب تا نهایت تکانده‌شده‌باشد ، زمان تکان هاست . . .

گرانی
گلوی زحمتکشان را می‌فشارد

توده‌های زحمتکش، در ستیزند : در جبهه‌ها، در شهرها، در زیر حمله‌های هوایی و بمباران‌ها در جنگ نظامی، در جنگ سیاسی و گسترده‌تر و مهم‌تر از همه، در جنگ اقتصادی . در ستیزبا فروشندگان و در کشاکش با قیمت‌ها که انفجارآمیز، از امروز به فردا و ساعت به ساعت بالا میروند . و در ستیز باخود و اعضای خانواده، برای سرکوب طبیعی‌ترین خواست‌ها برای مسکن، ارزاق و پوشاک . و کیفیت و کمیت کالاها چقدر سریع کاهش می‌یابد، و ناامنی اقتصادی و هول‌و هراس و کابوس توده‌های زحمتکش‌را از رشد سرطانی قیمت‌ها، جز خود آنان، کسی نمی‌تواند به درستی تصویر کند : این احساس که قیمت‌ها هرمقدار میتوانند باشند، و قدرت خرید آنان یارای رقابت و ادامهٔ این مسابقه نابرابر را ندارد.

گرانی مرزهای روانی حدنصاب‌معقول را شکسته است : تورم لزوما " به "۱۰۰ درصد" محدود نمی‌شود ! و این احساس که گویی برکالاها نمی‌توان "قیمت" گذاشت، همه‌گیر است . همه‌چیز خریدار را به شتاب وامیدارد، عجله برای تبدیل هرچه سریع‌تر "پول" به "کالا" .

از کف‌دادن "پول" هرچند دردناک، ایمنی کاذب و درعین‌حال موقت در خریدار بوجود می‌آورد، انتظار برای پائین‌آمدن قیمت‌ها بیهوده است، از این رو، این کالاست که به شدیدترین صورت ممکن به صورت "بت" درمی‌آید و پول بعنوان حلال مشکلات، بخش عمده‌ای از نقش خود را از دست میدهد .

و صاحبان و تولیدکنندگان کالا و فرمانروایان وسائل تولید و تصمیم‌گیران "میزان مصرف مایحتاج عمومی" ، بیش از پیش اهمیت می‌یابند . این گروه، صنفی را بوجود می‌آورند که در تمام جبهه‌های جنگ حاصل کار و زندگی توده‌های زحمتکش را می‌مکند : در شهرها، با حمله‌های هوایی و بمباران، که تولید صنایع نظامی‌شان آب می‌شود و مردم بی‌پناه را در این تجارت دُوب می‌کند، در جنگ‌های سیاسی ـ روانی که محرومان را مسخ میکند و مهم‌تر از همه در جنگ اقتصادی ! اما این "قوم" خود در پس پرده‌اند و نه روبه‌روی توده‌های زحمتکش، و جنگ را بدست خود آنها می‌گردانند و خود تا حد امکان صحنه‌گردانند و در صورت ممکن به حمایت توده‌ها تظاهر و گاه "عمل" نیز می‌کنند . و درحالی که با "افراطی‌ترین" خواستهای مردم در "حرف" همراهند ، در هر فرصتی، در عمل، و از هر سمتی، و اغلب از روبرو ، دشنه‌های مسموم و دستهای مکنده‌شان را با جسم و خون آنها آشنا می‌سازند . این نامردمی در همهٔ جبهه‌ها و بخوبی در روزمره‌ترین و معمول‌ترین شکل آن، در کار خرید و فروش مایحتاج عمومی، خود را نشان می‌دهد .

آنها در تحولات چند سال گذشته و در جنگ بویژه ، برای سرمایه‌های جهانی کاسهٔ داغ‌تر از آش بودند و در این خوش‌خدمتی سود فراوانی نقدیم کارتل‌ها و تراست‌ها کردند .در طول این مدت‌هرگاه که تجار بزرگ و متوسط و به تبع آنها خرده‌فروشان کارشان را تعطیل کردند تا به مردم بگویند همراه با آنها هستند ، زحمتکشان عزا گرفتند که فردا بازار بیشتر از پیش شیرهٔ جانشان را خواهند مکید . آنها در هر جنگی که خریداران ، آگاهانه و متحد و با حمایت دولت به مقابلهٔ آنها برنخیزند ،پیروزند . ودر این دوسال تَکاف میان فقر و ثروت نه تنها گشاده ماند ، که عمیق‌تر نیز شد .

گروه‌های متوسط، که حداقل پس‌اندازی و درآمد ثابت دارند ، برای خرید شتاب افزون‌تری از خود نشان می‌دهند چرا که شاهد آب‌شدن درآمد خود هستند . اما گروه‌های "بالا" و "تهیدست" چندان

سراسیمه نیستند . چرا که اولی از پیش برنامه ریزی کرده است‌و دومی چیزی برای حفظ‌کردن ندارد و شرایط نیز طوری نیست که "چیز"ی بدست آورد . اما هرسه گروه خریدار در یک مورد اتفاق نظر دارند : "قیمت‌ها انفجارآمیز صعود می‌کنند" ، تا "مین معاش و زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش هر روز دشوارتر می‌شودو این جنگی است فرسایشی برای آنان که می‌خواهند هرچه بیشتر زحمتکشان را به زانو درآورند .

آنها که جزو گروه‌های متوسط مرفه به بالا بحساب می‌آیند در برابر این گرانی وضع بهتری دارند ، از پیش فکرش را کرده‌اند ، تاحد امکان ذخیرهٔ مواد غذائی و پوشاک دارند ،با پشتوانه‌ای از پس‌انداز و امیدی نسبی به شغل‌و آینده، نگرانی زیادی ندارند . ثروتمندان همچنان در برابر این وضع مصون‌اند . برخی از آنها که خود از سردمداران شبکهٔ توزیع کالاها هستند ، حتی با مولد برق احتمال فساد مواد غذایی‌شان را در سردخانه‌های خانگی به حداقل می‌رسانند . ضمن آنکه دائم به ذخائر خودنیزمیافزایند .

قانون قیمت

قیمت یک کالا ، بطور معمول باید از هنگام تولید تا ورود به بازارو رسیدن به دست مصرف‌کننده حداکثر ۴۰ درصد افزایش پیدا کند . این رقم "طاغوتی" است و در اوج وابستگی رژیم قبلی وضع شده است ، با اینحال همین نیز به هیچ صورت رعایت نمی‌شود . سهم وارد کننده (حدود ۱۷ درصد) ، بنکدار، خرده‌فروش که هرکدام انواعی یافته‌اند و فاصلهٔ تولید و رسیدن کالا تا مصرف را هرچه طولانی‌تر کرده‌اند ، بیش از حد مجاز است ، آنهم حدی که مربوط به دوران غارت نفت است . امروز یک دوچرخه که با قیمتی کمتر از ۵۰۰۰ ریال وارد می‌شود تا بیش از ۱۷۵۰۰ ریال به دست مصرف‌کننده می‌رسد که حدود بیش از ۲۵۰ در صد افزایش است ، این رقم به هیچ روی با ۴۰ درصد "طاغوتی" نیز قابل قیاس نیست .

یک سرمایه‌دار کوچک بازار اعتراف میکند که "بعد از انقلاب و فرار بخشی از سرمایه‌داران ، اوضاع برای بازاری‌ها بهتر شد . و آنها نتوانستند تا حدی جای خالی را پر کنند . سرمایه‌ام بسرعت رشد کرد . و همین‌طور کسانی که با سرمایه‌ای کمتر از من شروع کرده بودند" . به عبارت ساده‌تر اینگونه سرمایه‌داران نتوانستند به محدودهٔ خود ، به بازار داخلی هرقدر که میخواهند فشار بیاورند . آنهم بدون گسترش نیروهای تولیدی، و از راه معمول و سنتی احتکار، کم‌فروشی ، بدفروشی ، و در یک کلام "غیر اقتصادی" ! همانگونه که گرانی‌و کمبود تقریبا " به هر شهر ، روستا و خانه‌ای رسیده و به همهٔ کالاها و خدمات سرایت کرده است .

در این رقابت جهنمی برای گرانتر کردن کالاها ، سرمایه‌داران حتی به رزندگانی که در جبهه ها می جنگند تا " میهن عزیز" را برای ادامه حیات آنان نیزپاسداری کنند ،رحم نکردند ، بلکه بعکس کوشیدند از فرصت به بهترین صورت بهره‌برداری‌کنند .وقتی‌شایع‌شدکه "بازار جبهه‌ها" آماده جذب کالاست ، قیمتها تکان خورد ، بعضی سرمایه‌داران و محتکران در آغاز پا پیش نهادند و هدایایی برای جنگ زدگان فراهم ساختند . این پوششی بود برای مرحله بعد و بالا بردن قیمتها .اما بی گیری اثرات جنگ نشان داد که آنها چگونه تلاش کردندبسرعت جای خالی هدایای جنگ را پر و لبریز کنند : در پاسخ به دختران و زنانی که حاضر بودند برای رزمندگان لباس و پوشاک گرم بدوزند ، وسایل اولیه ای مانند ماشین دستباف ، نخ و کاموا گران ، کمیاب و گاه نایاب شد ! یکی از مسئولانی که در آغاز سرما به بازار رفته بود تا برای مناطق جنگ زده پتو خریداری کند گفت : " قیمتها را آنقدر بالا برده بودند که صرف ـ نظر کردیم و فکر کردیم بهتر است خود مستقیما از خارج پتو وارد کنیم ! "

آنان همچنین کالاهایی را گران کردند که ارتباط کمی با شرایط خاص جنگ داشت . این کالاها از

چای و میخ ونکمه تا رنگ و دوچرخه و سیگار و کبریت و نمک را در بر میگیرد .یکی از مسئولان کارخانه کبریت سازی اعلام کرد که این واحد تولیدی با تمام ظرفیت کار می‌کند و با وجود کاهش مصرف دخانیات ـ بعلت گرانی سیگار ـ کمبود این کالا مربوط به احتکار است . قیمت کبریت که قبل از جنگ هر ۱۰۰ عدد۲۵۰ ریال بود ، بعد از جنگ به ۵۵۰ رسید که خاموشی " بهانه " مناسبی برای این افزایش بیش‌از ۱۰۰ درصد بود .

گرانی نمک از این جهت قابل توجه است که اوج سود جویی‌را نشان می‌دهد . کالایی که تقریبا با صرف‌ساده ترین و کمترین نیروی کار تهیه می‌شودو به وفور در کشور ما موجود است ،با دور کردن از دسترس مردم یعنی با احتکار، با افزایشی چشمگیر به مردم فروخته می‌شود .

مشکل مضاعف بیکاران

هر چند مشکل گرانی برای همه قشرها دردآوراست ، اما باید تاکیدکرد که یک گروه بیش از همه زیر فشار مادی و روحی ناشی از آن قرار دارد: بیکاران . درست است که تقریبا همه حرفه ها به کسادی کشانده شده، اما مسلم است که یک کالا کمتر از هر چیز دیگری خریداردارد: " نیروی کار" . مساله ای که بویژه در میان کارگران ساختمانی قابل بررسی است . " صنایع ساختمانی " ، تنها " صنعت " عمده ای بود که دهها صنعت وابسته داشت و میلیون ها نفر از این راه ـ که جزو خدمات است و نه صنایع تولیدی و زیر بنایی ـ امرار معاش می‌کردند .

این گروه که ظاهرا در آغاز انقلاب و همراه تلاشهای " سازندگی " می‌رفتند تا جذب زمین و روستا شوند ، از آنجا که باغداری ، دامداری ، مرغداری ، گندوداری و کشاورزی نیز عمیقا وابسته بود و نیز اشکالات بزرگ و کوچکی بر سر " اصلاح " زمین و زندگی روستا فراهم آمد ، در میانه راه از حرکت باز ماندند .از سوی دیگر شروع سرما که خود آغاز بیکاری سنتی و فصلی آنهاست ، همراه با کاهش قدرت خرید ،گرانی موجود را برایشان سنگین‌تر ساخت . از دید یک مصرف‌کننده علت‌گرانی‌را اینطور میتوان تصویرکرد :

" تعیین قیمت کالا با سرمایه دار است . اوست که کالای تولید شده توسط کارگران را قیمت گذاری می‌کند و برای اینکه هر دفعه کالایش را گرانتر بفروشد، عرضهٔ آنرا کم می کند ، یعنی احتکار می‌کندو کمبود مصنوعی بوجود می‌آوردو پس از اینکه تقاضا در بازار زیاد شد آنوقت کالایش را کم کم و با قیمت بیشتر روانه بازار می‌کندو دولت هم نمی‌خواهد و یا نمی تواند از کار آنها جلوگیری کند . سرمایه داران از طرفی به بهانهٔ جنگ با افزایش ساعات کار و بدون اضافه دستمزد کارگران را بکار وامیدارند و وقتی

دستمزد کارگر، اما نه مزدی را که حق او است به او پرداختند ، او را بحال خودنمی گذارندتااز دستمزدش طبق دلخواه بهره گیرد. آنها کارگران را از دم صندوق دستمزد تا لحظه ای که آنان آخرین دینار دستمزدشان را خرج کنند، دنبال می‌کنند و در هر قدم دامی برایش پهن می‌کنند تا به سود خود اضافه کنند، یکی از عادی ترین این نیرنگها ، بازی با قیمتها ، گران کردن کالاها و کاهش قیمت پول است . بهمین علت سرمایه‌داران هرروز چاق تر و چاق تر و زحمتکشان و مزد بگیران لاغـر ولاغـرتر میشوند . در کشور ما نیز سرمایه دار حاکم بر قیمت گذاری است و اوست که هر روز به دلخواه قیمت کالای خود را برای اندوختن ثروت بالا می‌برد و دولت هم در مقابل کاری انجام نمی‌دهد . البته هشدار می‌دهد و گوشزد می‌کند ولی من طی این دو سال اخیر ندیده ام که در مقابل این سرمایه داران عمل مثبت و انقلابی انجام داده باشد. سال گذشته بنی صدر در سخنرانی بازار به تجار هشدار داد و آنان را از خطر سیل نارضایی مردم از گرانی آگاه کرد و به آنان دو هفته مهلت داد تا خودشان قیمت اجناس را پائین بیاورند ز گفت در غیر اینصورت مردم می‌آیند و اجناس شما را مصادره می‌کنند . اما آنها کماکان با اجحاف و احتکار و گرانی مردم را در وضع بسیار بدی قرار داده اند .چه کسانی از این وضع رنج میبرند؟ کارگران و سایرزحمتکشان ، دهقانان ، کارمندان‌کم حقوق ومتوسط‌حقوق و آنها که منتظر اول ماه هستند اینها نه تنها قدرت اندوختن ندارند بلکه هر روز از قدرت خریدشان کم می‌شود. با توجه به بیکاری وسیع ، معلوم است که چه بر سر آنان آمده است .و کسی هم نیست چاره سازی کند. در این میان هستند کسانی که گرانی کالا بر زندگی آنها تاثیر نمی‌گذارد و همچنان اجناس خود را با قیمت گران می خرند و ذخیره هم می‌کنند و کفشان هم نمی‌گرد .اینها از دسته بولداران و اغلب خود از سرمایه داران هستند .

این کارگران و سایر محرومانند که باید کمتر بخورند و کمتر بپوشند .

اخیرا دولت دست به جیره بندی بعضی‌کالاها زده‌است ولی این جوابگوی نیاز مردم نیست . جیره بندی‌بخودی خود کار خوبی است ولی اینکه چه کسی ، چگونه و با چه هدفی آنرا انجام می‌دهد ،جای حرف دارد. دولت روغن ، پودر ، قند و شکر ، نفت و بنزین را جیره بندی کردهولی نحوه توزیع آن بسیار ضعیف وحتی ابتدایی است . مثلا اعلام میشود مردم می‌توانند برای گرفتن پودر لباسشویی‌مراجعه کنند . به مغازه ها می‌رویم ، می بینیم پودر دربا می دهند . می پرسیم چرا پودر ماشین لباسشویی نمی دهید. جواب می‌دهند فقط همین را داریم ! یعنی کلی صف و سلسله مراتب برای گرفتن یک کوپن و یک کوپن هم برای چند بسته پودر دربا ! جیره بندی برنج هم کمبودهایی دارد. مثلا یک خانوار چهارنفره فقط ۶ کیلو برنج دریافت می‌کند . آنهم برای مدتی نامعلوم و برنجی که از خارج وارد می‌شود .چرابرنج ـ های ایرانی را که تاجران انبار کرده اند و به قیمت خون پدرشان می فروشند از چنگ این زالوها در نمی آورند و به قیمت عادلانه در دسترس مردم نمی‌گذارند؟ مگر دولت نماینده مردم ضعیف نیست ؟ مگر دولت نماینده سرمایه داران‌است ؟"

در مناطق جنگ‌زده

گرانی و کمبود در مناطق جنگ‌زده مانند خوزستان و ایلام و مناطق پشت جبهه مثل فارس ، اصفهان و خرم‌آبادو نیز شهرها وروستاهای درگیر جنگ‌در کردستان و آذربایجان‌بسیار محسوس است . و این در شرایطی‌است که برای رساندن آذوقه و وسایل زندگی‌به این مناطق‌درگیر درجنگ با عراق تلاش بسیاری صورت می گیرد . در این مناطق که در حالت عادی همواره قیمت‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ در صد گران تر از شهرهای بزرگ بوده ، بروز جنگ گرانی بیشتری رابه‌همراه‌داشته‌است . افزایش قیمت های مواد غذایی در این شهرها بین ۲۰ تا ۱۰۰ در صد است و در برخی موارد تخم مرغ بویژه در دوره های کمبود

مرحله ای آن تا حدود ۲۰۰ درصد گرانترنفروش‌میرسد . این گرانی و کمبود درگرارشهای رادیو ـ تلویزیون از برخی مناطق جنگ زده نیز کتمان نمی‌شود . بعلاوه با یک بررسی اجمالی در روزنامه ها و نوجه به درد دلهای مردم در نشریات می‌توان به دلواپسی مردم از گرانی پی برد که اغلب بصورت افزایش قیمتها ، کم فروشی و کاهش مرغوبیت جنس و خدمات عرضه میشود .

گرانی و تورم کشاورزان را چنان زیر تاثیرقرارداد که بسیاری از آنها از فعالیت چشمگیر سال گذشته دلسرد شدند که اثرات آن از هم اکنون آشکار شده است . کمبودداروهای حفظ دام بشکل دیگری خود را نشان می‌دهد . به گفته یک دامدار آذربایجانی : " کمبود یک نوع دارویی ساده و ارزان باعث شده است که بسیاری ازگوسفندان تلف شوند ." می توان مجسم کرد که تلفات وارده می‌تواند به گرانی کل تولید گوشت و افزایش تعداد گوسفندان و کمبود گوشت تاثیر گسترده ای‌بگذارد .کمبود و گرانی شکر نیز به کندو داران خسارت بسیاری می‌زند . یک کندودار گله می‌کند که : " زنبورها در مدت کوتاهی از سال که ذخیره غذایی‌شان ته می‌کشد باید از شکر تغذیه کنند تا زنده بمانند اما تهیه این کالا در شرایط‌حاضر برایمان بسیار دشواراست و در صورت امکان بر قیمت ها اثر شدید خواهدگذاشت ."

محسن‌نوربخش معاون‌کل‌وزارت دارایی درمصاحبه‌ای که با روزنامه کیهان (پنجشنبه ۲۷ آذر)انجام داد وضع‌آن یادآور دائمی بودن قیمت های‌جدید بنزین شد ،در باره" وضع نابسامان کشاورزی گفت : " پنج استان گندم خیز ما که عمارنند از : خوزستان ، کرمانشاهان ، ایلام ، لرستان و آذربایجان غربی به خاطر شرایط جنگی امکانات کافی برای کشت ندارند و یک مقدار هم شرایط جوی باعث کاهش تولیدات شده است . البته عوامل انسانی نیز به علت عدم سازماندهی در برنامه کشت و تـولیدات بازدهی لازم را نداشته است ."

سیر قیمت‌ها

بحران اقتصادی ایران که در سال ۵۷ رژیم وابسته شاه را سرنگون کرد ، بعد از سقوط آن نیز با گسترش و عمق بیشتر ادامه یافت و با اوجگیری جنگ ایران و عراق شتابی افزونتر گرفت . در این مدت قدرت خرید کارگران و زحمتکشان پیوسته کاهش یافت . بحران اقتصاد وابسته ایران که خود را در همه سطوح زندگی مردم وارد کرده ، بیش از هر چیز در بالا رفتن انفجار آمیز قیمتهای مایحتاج عمومی و ثابت ماندن یا حداکثر افزایش بسیار ناچیز دستمزدها ، و بالاتر از آن شیوع بیکاری ظاهر شد .

سرمایه داران که همواره به نحو مطلوب از شرایط نامطلوب به سود خود وبه‌ضرربردم بهره گرفته با جنگ ایران و عراق بهانه ای تازه یافتند تا به " کمبود و گرانی " ، رنگی مشروع بزنند . شبکه وسیع تاجران ،با خودداری از عرضهٔ معمولی کالا ، انبارهای خود را باز هم لبریزتر کردند تا با در انحصار گرفتن تمامی کلای در حد " تخصص" شان ، قیمت ها را آنطور که صلاح خویش می‌دانند ، به "بازار"

تحمیل کنند .سیر افزایش قیمتها که ازحدود هشت سال قبل با افزایش قیمت نفت و سرازیر شدن درآمد ـ های آن در ایران خیز جدیدی بخود گرفت ، در تحولات چند سال اخیر هر بار اوج بیشتری‌پیدا کرد و از آغاز پائیز سال جاری و تشدید جنگ ایران و عراق ابعادی بی سابقه پیدا کرد .

محاصره اقتصادی‌که با آغاز گروگانگیری در آبان ماه ۵۸ ، از سوی امریکا وبرخی‌کشورهای‌اروپای‌غربی بویژه آلمان فدرال اعمال‌شد ، از ورود کالاهای این‌کشورها به ایران جلوگیری‌نکرد بلکه بدلیل تهیه همان کالاها بکمک چند واسطه بیشتر ، افزایش قیمتها را بدنبال‌آورد . بعلاوه‌تجاربزرگ وسرمایه‌داران‌وابستهای که قبل از محاصره انبارهایشان لبریز از کالاهای امریکایی ، اروپایی وژاپنی بود ، پس از مـدتـی تـامل قیمتهای خرید بعد از تحریم را به مصرف‌کنندگان تحمیل‌کردند .

بطورکلی متوسط قیمتها در پایان نابسامان‌گذشته نسبت بعفصل مشابه جاری حدود ۲۵ درصد زیاد شده است ، درحالی‌که دستمزدها حدود نصف این رقم بالا رفته ودر برخی موارد نه تنها افزایش نیافته بلکه بصورتهای مختلف ازقبیل سودویژه،کمکهای نقدی‌وجنسی‌واضافه‌کارواضافه‌حقوق (برای‌کارمندان) کاهش چشمگیر نیز داشته است .

میزان‌افزایش قیمتها از سال قبل تا پیش‌از جنگ ، در مورد مواد غذایی ، وسایل منزل ، حمل ونقل دخانیات وکالاها وخدمات دیگربر اساس آمار بانک مرکزی حدود ۵۰ درصد ثبت شد . وافزایش قیمتها از آغاز پائیز ،(تشدید جنگ ایران وعراق) تا آغاز زمستان نزدیک به ۲۵ درصد برآورد میشودکه در صورت ادامه روند موجود میزان نرخ تورم تا زمستان سال آینده به حدود ۱۰۰ درصد خواهد رسید .لازم بـه یادآوری است‌که هزینه درمان نیز با وجودی‌که بخش عمده‌آن مستقیما " بر عهده زحمتکشان نیست ازسال گذشته تا شروع فصل زمستان بیش از ۱۵ درصد بالا رفته است .

رئیس بانک مرکزی در اواخر بهار سال جاری ، دریک مصاحبه تلویزیونی از اعلام نرخ تورم‌خودداری کرد ولی با لحنی توام با شوخی یادآور شدکه این رقم هنوز به ۱۳۰ درصد ، یعنی میزان تورم دراسرائیل نرسیده است !

لازم به یادآوری است که براساس ارقام رسمی ، میزان افزایش قیمتها در مورد۴۰کالای اساسی در سال۵۸ ، به ۵۰ درصد رسید .

کالا و قیمت انحصاری

بطورکلی هدف از تولید یا تهیه وسایل تولید است یا ساختن‌وسایل‌مصرفی .سرمایه‌داران‌وانحصارات جهانی همواره مارا در شرایطی نگاه داشته‌اند که نتوانسته‌ایم به تولید جدی وسایل تولید وایجاد صنایع مادر در تمام‌رشته‌ها بپردازیم . به این ترتیب تلاش سرمایه‌داری جهانی تا حداممکان براین‌پایه‌قرارداشته است‌که با صدور کالای مصرفی یا صدور سرمایه برای تهیه این کالاها در داخل‌کشور یک بازار وسیع فروش درکشورمان ایجادکند . آنچه بعنوان‌محصول از خارج وارد می‌شود یا در داخل تولید می شود نیزبعنوان کالا در دست بخش تجاری قرار می‌گیرد تا میان مصرف‌کنندگان توزیع شود .به این ترتیب قیمتها مستقل از خواست وشعور مصرف‌کنندگان وتحت‌تاثیر عرضه وتقاضا تعیین می‌شود . هر کالا باید با توجه بهارزش آن بفروش برسد وارزش‌کالا با زمان‌کار انجام‌گرفته در تولید آن نسبت مستقیم دارد . قیمت جز شکل‌پولی ارزش‌کالا نیست وقیمت یک کالا در بازار نشان میدهدکه متوسط‌کار اجتماعی لازم برای تولید آن‌محصول چقدر است . ارزش کالا با توجه به قیمت تمام شده کالا و سود تعیین می شود وسود همان ارزش اضافی است‌که در شیوه تولید سرمایه‌داری بعنوان بخشی از دستمزد پرداخت نشده‌کارگر، به جیب مالکان‌ابزار تولید می رود .

ارزش اضافی‌که پایه سود را تشکیل میدهدودر روند تولید توسط کارگران ایجاد می‌شود ، بدون آنکه دستمزد مربوط به آنرا دریافت‌کنند ، در درجه اول توسط سرمایه‌دار صنعتی که مالک کارگاه است‌تصاحب میشود. سرمایه‌دار صنعتی بخشی از این ارزش را به بازرگان واگذار می‌کند تا امر توزیع‌و فروش آنرا به انجام برساند. سرچشمه سود بازرگانی بخشی از ارزش اضافی است‌که‌کارخانه‌دار در عوض فروش کالا تسلیم تاجر میکند .به این ترتیب کالا که ارزش مصرف اجتماعی دارد ، یعنی یکی از نیازهای انسان را برآورده می‌کند با انحصار در دست شبکه های تولید وتوزیع ، بدست نیازمند نمی رسد ، مگر از طریق خرید وفروش‌و مبادله. در این حالت خصوصیت اولیه واساسی‌کالاکه نیاز مصرفی انسان است ، در واقع از بین می رود ، وقتی نان حکم یک کالا را دارد، اگر انسان از گرسنگی هم بمیرد تا وقتی پول آنرا ندهد ، یا کالای دیگری را بآن عوض نکند ، به نان نمی رسد . وثروت نیز بصورت انبوه بزرگی از " کالا "جلوه‌گر میشود ، ثروتمند در یک نگاه " اخلاقی" وسایل وکالاهایی را بفراوانی در اختیار داردکه نیازهای‌افراد را باید طبعا" برطرف‌کند. ماهیت‌این نیازها هرچه باشد ، خواه از تشنگی و گرسنگی سرچشمه‌بگیرند و خواه نیاز دیگری را چون پناهگاه وپوشاک را تامین‌کنند یا بخدمت فرهنگی ومعنوی درآیند ، بواسطه آن انسان دوام می‌یابد و این سودمندی بواسطه خواص مادی کالاست . کالا تنها معرف این است که‌در تولیدش نیروی‌کار صرف شده است واز این جهت ارزش بحساب می‌آید . خاصیت دوگانه‌کالا نیز مربوط‌به همین‌کار نهفته است : ارزش مصرف وارزش مبادله. سرمایه‌دار خود نمی تواند ثروت خویش رامصرف‌کند ، بلکه آنرا بخاطر مبادله نگاه می دارد وباز به این ترتیب دیگران را از مصرف آن محروم می‌کند .

وقتی‌ارزش‌کالاراکنار بگذاریم ،تنهایک خاصیت‌آن باقی می‌ماند ،همه‌کالاهامحصول‌کارهستند : ازممدن تا کارخانه ، ازکارخانه تا انبار . وازآنجا ، چه دشوار بدست مصرف‌کنندگان میرسد .همان‌کالایی که نیلوو وچکیده جان‌کارگران‌است ، بسختی بدست آنان می رسد ، و برایشان بسیار بیگانه است وبرای به دست آوردنش ، در جهت رفع حوائج زندگی ، باید آخرین رمق هایشان را در اختیار فروشندگان قرار دهند ، انفجار قیمتها چون نیر خلاصی‌آخرین نفس هایشان را باز می سازد وآنها بیش از پیش احساس می‌کنند که درباز پس‌گرفتن محصول‌کار خودشان ، نا توانند .

شبکهٔ استثمار

در مقابل ، شبکه بهم پیوسته‌ای از واردکنندگان ، تجار ، عمده فروشان ومیدان‌داران وسلف‌خرها همه چیز را در دست دارند . محصول برنج شمال در دوهفته آخر شهریور، تقریبا" به‌تمامی وحداکثر به قیمت ۱۴۰ ریال از شالی‌کاران خریداری‌شد. همین‌برنج در پایان مهرماه کیلویی ۲۰۰ ریال ودرآخر آبان ماه کیلویی ۲۲۰ ریال بدست مصرف‌کننده رسید و درآخر بائیز کیلویی ۲۵۰ ریال فروخته‌شد. درحال‌حاضر بسیاری از مردم شمال در مصرف برنج که غذای اصلی شان را تشکیل میدهد وهمچنین از خرید مرکبات که خود پرورش می دهند ، نا‌توان هستند .

این کشاورزان ، باغداران وشالیکاران وقتی می خواهند یک کالای مورد نیاز اعم از صنعتی ، شیمیایی یا مصرفی را از تهران به گیلان یا مازندران حمل‌کنند ناچارند بیش از سه برابر نرخ سال گذشته را به عنوان خرید یا کرایه حمل ونقل بپردازند . گرانی وکمبود منحصر به یک حوزه نیست‌و تمام زمینه ها (داروهای رفع آفات وحفظ دام وطیور . . .) را در بر می گیرد .گرانی شکر وکمبود چوب‌به کندو داران و تولید عسل لطمه بسیار وارد می سازدکه به نوبه خود زمینه های وابستگی را تشدید می‌کند . برای مثال باغداران آذربایجان با دشواری می توانند داروهای مناسب برای دفع آفات را تهیه‌کنند .به گفته یکی از دست اندرکاران یک بسته ۶۰۰ سانتیمتر مکعبی سوپر اسیدکه قبل از بهمن۵۷ به مبلغ ۹۰۰ریال‌فروخته می شد وفراوان بود ، در بهار وتابستان سال جاری به ۲۲۰۰ ریال رسیدو با اوج‌گیری جنگ‌گرانترونایاب‌تر شد .این کمبود وگرانی آشکارا بر بازده محصول ومرغوبیت آن اثر خواهند داشت .

سرمایه ها بویژه در بخش تجاری با تعیین قیمتهای انحصاری‌سود انحصاری کلانی را که به مراتب بیشتر از سود متوسط است بدست می‌آورند .این عمل بطورکلی‌از طریق چپاول منابع طبیعی ،استثمار نیروی‌کار ارزان وتسلط بر بازار کشورهای توسعه نیافته وایجاد جنگهای مناسب در جهت‌ایجاد زمینه گسترده برای فروش وسائل نظامی وغیر نظامی ، صورت می‌گیرد .قیمت انحصاری مخارج تولید وحداکثر سود راکه از نرخ سود متوسط به مراتب بیشتر است ، در برمی‌گیرد .قیمت‌انحصاری‌بیش‌از قیمت تولید است‌ومعمولا" از ارزش کالا نیز فراتر می رود ، اما در عین حال نمی تواند مرزی راکه بوسیله ارزش‌کالا تعیین می شود از میان بردارد . سطح بالای قیمتهای انحصاری ، کل مبلغ ارزش‌وارزش اضافی تولید شده در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را تغییر نمی دهد .آنچه به جیب انحصارات می رود ، نیروی‌کار وذخایر کشورهای وابسته است . انحصارات قیمتها را به چنان سطحی بالا می برندکه از ارزش کالا بیشتر است و از این راه نتایج حاصل از ارتقاء بارآوری‌کار وتنزل مخارج تولید را به جیب می زنندوبیوسته بیکاری بیشتری را نیز در جهان سرمایه‌داری بوجود می‌آورند .

یکی از مهمترین وسایل افزایش انحصاری قیمتها سیاست کمرک دولتهاست . در عصر رقابت آزاد ، معمولا کشورهای ضعیف‌تر حقوق گمرکی را بالا می‌بردند تا صنایع داخلی را دربرابر رقابت های خارج حمایت‌کنند . امروز افزایش حقوق گمرکی ابزار حمایتیست برای تسخیربازارهای جدید . افزایش حقوق گمرکی باعث می‌شودکه قیمتهای انحصاری درداخل‌کشورها ثابت بماند . دراین میان زیانهای ناشی از صادرات به قیمت بسیار ارزان تر بوسیله بازار داخلی کشور انحصارگر جبران می‌شود و همینکه بازار خارجی بوسیله انحصارات تسخیر شد و به آنان وابسته شد ، کالاها را به بهای گران انحصاری بفروش می‌رسانند .

رقابت عرضه و تقاضا

درحالت عادی ورقابت آزاد ، ارزش یک کالا دربازار با رقابت در صفوف خریداران و فروشندگان ، با رابطه و تناسب عرضه وتقاضا تعیین می‌شود . رقابتی‌که قیمت کالا بوسیله آن تعیین می‌شود ، ممکن است بصورتهای رقابت میان فروشندگان ، رقابت میان خریداران ورقابت میان خریداران و فروشندگان جلوه‌گر شود . در رقابت میان فروشندگان ، آنکس‌که بتواند خوبترین وارزانترین کالا را نسبت به سایرین عرضه‌کند ، می‌تواند رضای خود را از میدان بدرکرده بازار فروش رابدست آورد . این رقابت با انحصار درقیمت های عمده‌فروشی از طریق انحصار سرمایه بازرگانی در دست شبکه عمده‌فروشان از بین رفته است وتفاوت قیمتها می‌تواند با انگیزه سودجوئی ، شکاف درمیان خریداران و عواملی از قبیل کمبود دربازار و یا تعداد دستهایی‌که تا رسیدن کالا بیابن بازار موثربوده ، تغییرکند .

در رقابت میان خریداران ، ناایمنی و شتاب وعجله میان آنها باعث می‌شودکه تروتمندان تقریبا" با هرقیمت ، کالای موردنیازشان را خریداری کنند . اغلب شاهد بوده‌ایم‌که حرکت یک خریدار بسوی یک کالا ، چه هجومی را برای خرید ودرنتیجه خریدهای‌جنبی وابسته‌به‌آن‌بدنبال داشته است .

عمده‌ترین رقابت میان خریداران و فروشندگان صورت می‌گیرد . دسته اول می‌خواهند ارزان بخرند ودسته دوم می‌خواهند تا حدامکان گران بفروشند . نتیجه این رقابت ــ با وجود انحصار قیمتها ــ تا حد زیادی به موفقیت دسته اول یعنی صف خریداران بستگی دارد .آن ارتشی‌که درداخل صفوفش کوچکترین برخوردی روی داده باشد ، پیروزی نهایی را از آن رقیب خواهد کرد . اما خریداران به دلیل نبود حمایتی اساسی از مصرف‌کنندگان و احساس‌ناایمنی اقتصادی بدلیل قرار گرفتن درشبکه‌ای از ترس و نگرانی درباره گرانی وکمبود روزافزون ، برای خرید هرچه بیشتر، بجای اتحاد با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و فروشندگان با استفاده از این فرصت حداکثر قیمت دلخواه را به آنها تحمیل می‌کنند تا بیشترین سود را تصاحب کنند .

خریداری‌که در شرایط بحران قیمتها کیسول گاز حداکثر ۲۰۰ ریالی را تا ۵۰۰ ریال خریداری می‌کند به نحوی قیمت جدید (تورم موقت ۱۵۰ درصدی) را مبنای محاسبه بعدی خریداران و فروشندگان قرار می‌دهد .

یک کالا در یک لحظه معین در تمام پهنه بازار تقریبا" به یک قیمت فروخته می‌شود . این قیمت درصورتی درطول زمان حفظ می‌شود که انگیزه های مشخص آنرا تغییر ندهد . قیمت برمبادلات یک کالا

حکمفرماست و به‌اعتبار این قیمت است‌که عرضه کالا با تقاضا برابر می‌شود . درحقیقت برای حکومت یک قیمت واحد بربازار ، لازم است فروشندگان نتوانند قیمتهای مختلف را به گروههای خریداران تحمیل کنند . اما همانگونه که یادآور شدیم تغییری در هریک از انگیزه های عناصر مشکله بازار ، از انحصارات و انحصار در قیمتها در سطح جهانی تا سرمایه تجاری مربوط به ایران و احساس ناامنی خریداران و نابرابری قدرت خرید مصرف‌کنندگان ، دگرگونی مشهودی درطول شبکه زنجیره‌ای توزیع وتولید بوجود می‌آورد .

بدین‌ترتیب مشکل اساسی افزایش قیمت ها را باید در "انحصارها" جست . احتکار درواقع نوعی "انحصار" است ، انحصار درمیدانی محدودتر . محتکر درواقع نوعی انحصارگر است ، اما بصورت بسیار بدوی ، و هنگامی رذیلی‌کنیم " توجه" انحصارات جهانی محسوب می‌شود . محتکرکه نظر به‌ثروت اندوزی دارد و کارنلها وتراستها الگوی رشد آنی او هستند ، به‌ابتدایی‌ترین ودرغیرحال وحشیانه‌ترین شکل ممکن دست به تلاش برمی‌دارد . دراین‌حال احتکار درخانه‌ها درابعادی گسترده انجام می‌گیرد با ایجاد عمده‌کردن این واقعیت به دلایل بسیار از جمله معلول بودن این نوع احتکار و تاثیر اندک آن

درگرانی ، علت افزایش قیمت ها را نشان نمی‌دهد . درمورد این نوع احتکار تنها می‌توان به ذکر این نکته بسنده کردکه علت عمده احتکار خانگی دراحساس ناایمنی اقتصادی و صرفا" به دلیل "گرانی" است ، ولی قدرت خرید اینگونه مصرف‌کنندگان درهرحال پائین نیست ، بعبارت دیگر شواهدی وجود ندارد که به این‌گروه از مصرف‌کنندگان اطمینان بدهدکه " فردا نیز این کالا وجود دارد ، به‌اندازه کافی و با قیمت مناسب" . با ایجاد همین‌نوع از احتکار از جهتی به سرمایه های تجاری ، واسطه ها وخرده فروشان امکان واجازه می‌دهد بعنوان مساعد دانستن جو بازار قیمتها را بالا ببرد .

درمسیر شناخت شبکه‌ای از سرمایه‌دارانی که در بخشهای تولید وتوزیع"تلاش" می‌کنند وخود عملا کارگزاران انحصارات جهانی‌اند ، باید نگاهی به سرمایه های جهانی کرد و نقش واسطه های ایشان را در ایران بررسی کرد ودریابان به عملکرد آنها درارتباط با فروشندگان و خیل مصرف‌کنندگان نظرانداخت.

ریشهٔ گرانی

گرانی ، به مفهومی که امروز بصورت افزایش قیمتها و کاهش قدرت خرید وبالا رفتن تقاضا دربرابر عرضه (تورم) مطرح می‌کنیم ، با پیدایش مشکلات مربوط به رشد سرمایه‌داری و بویژه سرمایه‌داری جهانی مشخص شد . این بحران ، از آغاز قرن‌حاضر شدت‌گرفت ، دردهه ۱۹۳۰ به مرحله نازمای قدم گذاشت ودریکی دودهه گذشته جزیی جدایی‌ناپذیر از بحران دنباله‌دار نظام سرمایه‌داری جهانی را شکل داد . به‌این‌ترتیب سودجویی ، هزینه های سنگین اداری ونظامی ، تورم وگرانی قیمتها و بیکاری و جنگهای اقتصادی و سیاسی و نظامی جـزئی از این نظام است .

بحران عام سرمایه‌داری‌که نتیجه مشکلات و تضادهای اجتناب‌ناپذیر این نظام است بصورت گرانی وبیکاری وجنگ وقیام وانقلاب ظاهر می‌شود ودرمسیر تکامل خویش مجموعه اقتصاد سرمایه‌داری را درهم می‌ریزد و فاجعه‌ای بمراتب شدیدتر از سوانح طبیعی را برجای می‌گذارد . دربحران سالهای ۳۳ ــ ۱۹۲۹ ، تولید جهان به کمتر از نصف قبل آزآن رسید وکشورهای بزرگ سرمایه‌داری حدود ربع قرن به عقب بازگشتند ، حدود ۴۰ میلیون نفر بیکار و هزاران موسسه ورشکست شدند و زیانی‌که به اقتصاد سرمایه‌داری واردآمد بیش ازخسارات ناشی از جنگ اول جهانی بود .

اقتصاد سرمایه‌داری وارد آمد بیش از خسارات ناشی ازجنگ جهانی اول بود ، اما لبه تیز بحران و نیروی ویرانگر آن علیه کارگران وتولیدکنندگان وسرمایه‌داران کوچک بود . درغوض موسسات بزرگ از امواج بحران ، قدرتمندتر از سابق بیرون‌آمدند و سرمایه‌ها در دست‌گروه‌کوچکی متمرکز شد .

آغاز بحران با پیدایش اضافه تولید همراه است ؛ بازار ازکالاهایی پرمی‌شودکه مشتری ندارد . بعد تولید کالا متوقف می‌شود و موسسات یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند و افزایش لشگر بیکاران متقابلا فروش کالا را با دشواری بیشتری روبرو می‌سازد . اما این اضافه تولید نسبی است و کالای اضافه برمصرف مورد نیازجامعه وجود ندارد . درنتیجه درست درزمانی‌که انبارها از خوراک وپوشاک پرمی‌شود ، میلیونها نفرگرسنه و برهنه می‌مانند ، چراکه هدف ازگردش سرمایه‌داری کالا ، بهیچوجه توزیع محصولات میان نیازمندان نیست بلکه نقدکردن ارزش اضافه موجود (یعنی سهم پرداخت نشده کـارگـر) وتا وقتی مشتری پولداری نیابند کالا درانبار می‌ماند .

تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری نشان میدهدکه این بحرانها به این نظام تولیدی اختصاص دارند وجوامع پیش از آن هرگز با چنین پدیده‌ای روبرو نبوده‌اند . نخستین بحران بزرگ در ۱۸۲۵ انگلستان را فراگرفت و سپس هر ۸ تا ۱۲ سال یکبار تکرار شد وکشورهای وابسته به‌این نظام‌را با شدتی بیشتر دربر گرفت ، از بحران ۳۳ ــ ۱۹۲۹ به بعد با تنظیم اقتصاد سرمایه‌داری بصورت دولتی ــ انحصاری ،

فاصله بحرانها با تغییراتی ، کوتاهتر شد .

بحران با وجودی‌که نتیجه طبیعی نظام سرمایه‌داری است ، اما خود مسکنی است برای بهبود موقت این نظام و برقراری تناسب کوتاه مدت لازم میان رشته های گوناگون تولید ، که بصورتی بسیار کورکورانه وخشن و ویرانگر صورت می‌گیرد . از این‌رو حالت بحرانی برای همیشه اقتصاد سرمایه‌داری را فرا نمی‌گیرد بلکه همچون ماعقدای براقتصاد فرود می‌آید ، آنرا در هم می‌ربزد ولی به نوبه خود سبب می‌شود که تناسب ضروری میان رشته های گوناگون برقرار شود و اقتصاد سرمایه‌داری از نوجان بگیرد ، رونقی پیدا کند و به سطح بالاتری برسد تا دوباره بصورت بحرانی فاجعه‌آمیزتر برسرمردمان زحمتکش فرودآید . به‌این‌ترتیب می‌توان بحران سرمایه‌داری را به مصیبتی چون زلزله تشبیه‌کردکه هرچندگاه فرامی‌رسد و خسارات و تلفات بی‌شماری ببار می‌آورد . با این تفاوت‌که وسعت وشدت زلزله ، امروز با دقت قابل پیش‌بینی است و با تدابیر گوناگون می‌توان ازخسارات‌ش جان بدربرد و ازشدت تلفات جلوگیری‌کرد ، اما آسیب های وحشتناک فقر ، بیکاری ، گرانی و جنگ ناشی ازبحرانهای اقتصاد سرمایه‌داری را چگونه می‌توان مانع شد ، که هربار با جنگهای خوزه‌ای ، بویژه درکشورهای توسعه نیافته و وابسته حیات مردمان بسیاری را به خطر می‌اندازد ؟

به‌این‌ترتیب با ابقای نظام سرمایه‌داری باید همواره انتظار معاشی را داشت‌که ابعادش درهردوره گسترده‌تر شده است . قلمروی‌کدگرانی ، فقر ، بیماری ، ویرانی و جنگ وآوارگی جزئی از آنست .

بحران کنونی ، دنباله بحران سرمایه‌داری جهانی در دهه های گذشته‌است ، "رکود تورمی" ، رکود همراه با تورمی‌که خود پیوستگسترش می‌یابد ، امریکا ، اروپای غربی و ژاپن وکشورهای سرمایه‌داری وابسته به آنها از فراگرفته و با چاره های پیش ساخته و آشنانه تنها حل نشده ، که تشدید نیز یافته است .

عامل گرانی در ایران

علت اصلی بحران اقتصادی ایران " وابستگی" است و سرمایه تجاری عمده‌ترین حلقه واسط با سرمایه‌داری جهانی وعامل اصلی "واردکننده" این بحران محسوب می‌شود . دراین حالت است‌که می‌بینیم ما هرجا بجایی‌کالا بسوی مصرف‌کنندگان ، قیمت آن همچون بهمنی سنگین ، "گران" تر میشود . ودریابان ، سنگینی چنین‌باری برروش وسیع‌ترین قشرهای مردم قرار می‌گیرد . به‌این‌ترتیب کلید مشکل را باید دربخش تجاری جستجو کرد . با بررسی کوتاهی درباره سرمایه تجاری درایران درچند دهه گذشته به نقش آن درگرانی بهتریی می‌بریم :

امپریالیسم امریکاکه ازشهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ درهمه دستگاههای ایران نفوذ کرده بود ، آماده می‌شد تا سراسر اقتصاد ایران را تسخیرکند .

سرمایه‌داری متوسط و سوداگر و توزیع‌کننده ایران‌که در بازار تجسم می‌یافت و بیرون ازجایگاههای تصمیم‌گیری قرار داشت و به ظواهر و سبک زیست سنتی ــ مذهبی آراسته بود ، وحدت منافع خود با امپریالیسم را با صبر و تسلیم دربرابرآن نشان داد . در این مدت زمینه‌ای برای رشد مستقل قشری از سرمایه‌داران که براستی بتوان آنها را "ملی" نامید بوجود نیامد وبعکس با رسوخ روزافزون سرمایه خارجی درراقتصاد ایران ، این زمینه بالقوه ، بدون مقابله‌ای قهرآمیز ، منهدم شد وقشرهای کوچک و سرمایه‌داری ، بیش از پیش درشبکه اقتصاد وابسته کشور ادغام شدند و از این رهگذر بهره‌وری بی‌سابقه یافتند . سرمایه‌داری متوسط ایران ، خواسته یا ناخواسته ، نقش دوگانه‌ای بسود امپریالیسم و سرمایه‌داری بزرگ ایفا کرد و پاداشی سخاوتمندانه‌گرفت .

سرمایه‌داری متوسط ایران ، به هزینه خویش، برای توزیع کالاها ، چه وطنی ، چه خارجی وچه

مونتاژ ، شبکه‌ای از پیش آماده درسراسرکشور داشت . وجود چنین شبکه‌ای ، دریک‌کشور عقب‌مانده ، برای سرمایه‌داران بزرگ همانقدر مهم است‌که وجود شالوده هایی چون خطوط حمل ونقل ، پست و تلگراف ، تلفن و رادیو ــ تلویزیون . بدینسان میان سرمایه های بزرگ امپریالیستی و وابسته از یک سو وسرمایه کوچک و متوسط تجاری از سوی دیگر ، نوعی تقسیم کار بسود هردو طرف برقرار شد وروند همزیستی میان آن‌دو پدید آمد .

همچنین این شبکه توزیع‌کالا ، سرمایه‌داری وابسته راکه در حال پیشروی به همه حیات اقتصادی کشور بود ، از جابجایی‌های بزرگی‌که می‌توانست ازنظر برخورد های طبقاتی خطرناک باشد ، واز رویا رویی مستقیم با توده های مردم معاف داشت . پس می‌توان همکاری سرمایه های متوسط وکوچک تجاری با سرمایه های وابسته و بزرگ را درعین حال ازدواجی میان امپریالیسم و بخشی از سنت های وابسگرایانه " وطنی" دانست . بدین‌ترتیب این سرمایه های تجاری درعین مشارکت در جشنواره جباول آریامهری ، جزو بخش تصمیم‌گیرنده جامعه هم نبود وهمین موقعیت به او اجازه دادکه با نزدیک شدن مرگ نظام آریامهری ، نه تنها " بهانقلاب بپیوندد" بلکه آنرا مشخصا" تجلی آرمانهای خود در قالبی دیگر بداند . این سرمایه‌داری ، پول می‌خواست و حفظ اسرار زدوبندهایش ، و هرتزد درنظام آریامهری فراهم بود . این طبقه نه تنها مولود صرفا" درونی جامعه ما ورشد نیروهای مولد آن بلکه

کاشته وپرورده وزائده ومکنده امپریالیسم بوده است . این طبقه انگل و مصنوعی گذشته از وابستگی به امپریالیسم ، بدرآمد عظیم وبادآورده ملی ایران ، به نفت،که به‌تصاحب مشترک امپریالیسم ودربار درآمده بود نیز وابستگی داشت وازآن تغذیه می‌شد ، بدرجه‌ای‌که استثمار نیروی کار کارگران در مقایسه با سهمی‌که از این غارت ملی بدست می‌آمد ، نحت‌الشعاع قرار می‌گرفت و دارای اهمیت کمتری می‌شد .

تولید این‌درآمدعظیم‌از راه استخراج وفروش نفت صرفا" به ابتکار امپریالیستها وبرحسب نیازمندیها وآرمندیهای آنان صورت می‌گرفت وته برمبنای یک برنامه اقتصاد ملی ، پدید آوردن ارتشی برحجم و خرید میلیاردها دلار جنگ‌افزار فوق مدرن ، وسیله‌ای بود برای پخش بولهای نفت ودادن تنفس مصنوعی اقتصاد رکود زده امریکا و چنین بود سرنوشت سایر پروژه ها : اول ایجاد درآمدهای کاذب به ابتکار وخواست امپریالیستها و بعد خرج آنها بسود همان امپریالیستها و شرکای وابستگان داخلی آنها . توزیع درآمدی‌که سرمایه‌داری دلال و وابسته تا خاندان پهلوی و تاجر بازاری هریک بحسب موقعیتش سهمی ازآن برمی‌گرفت و سهم ناچیزی نیزکه عاید زحمتکشان می‌شد ، درعرصه مبادله نابرابر کالا از طریق احتکار و انحصار وتقلب ونیز بصورت انواع مالیاتها و عوارض پیدا ونابیدا ، ربا ورشوه و جرایمها ، بسود غارتگران و به زیان زحمتکشان ، بازپس‌گرفته می‌شد .

درشیوه تولید سرمایه‌داری رشد یافته ، استخراج ارزش اضافی ، شکل نخستین و پایه‌ای استثمار است و همه اشکال دیگر بدان وابستهاند . اما درااقتصاد وابسته ایران ، بویژه بعد از "انقلاب‌سفید" شاه وامریکا ، اینگونه استثمار زحمتکشان درعرصه تولید ، اهمیت‌کمتری یافت . با ایجاد دراین اقتصاد همه شکلهای استثمار درکار بودند ودرکنار اینها بهره‌کشی از زحمتکشان بصورت گرانی بیداد می‌کرد . ولی درآمد نفت‌که غارت آن مهمترین ونخستین شکل استثمار ملت ایران بود ، ازراه ایجاد قوه خرید و تقاضای مصنوعی‌نامتناسب ومتورم ، ودوشیدن این قدرت خرید بوسیله همه قشرهای سرمایه‌داری ، به سایر شکلهای استثمار نیز تحقق بخشید . این‌درآمد نفت وقوه خرید از شدت استثمار کارگران و سایر زحمتکشان می‌کاست . اما حال‌که این‌درآمد بشدت‌کاسته شده سرمایه‌داران همچنان می‌خواهندکالای خـــود را بـــا چندین برابر نرخ سود عادی بفروشند واز ادامه کسب وکار نیز مطمئن‌باشند . اما آنها دیگر نمی‌توانند با داشتن سودگزاف (که به لطف درآمد نفت بود) برمزدها بیفزایند و اوجگیری مبارزه را به تاخیر اندازند وبنابراین در شرایطی‌که با محدود شدن استخراج و تولید نفت بهره‌کشی از نیروی کار زحمتکشان می‌رود تا بصورت یگانه منبع ثروت‌اندوزی باشد ، رویای ثبات اگر به کابوس انقلاب تبدیل نشود ، چندان نزدیک نخواهد بود .

انحصارات صنعتی ، تجاری و مالی جهان ، هنوز هم بیشترین درصد ازدرآمد ملی را بخود

اختصاص می‌دهند . درحالی‌که ، سهم میلیونها نفر ازمردم از حدود ۱۵ درصدکمتر است . این تقسیم " غنائم " ناحد زیادی به‌کمک شبکه شکه توزیع کالا صورت می‌گیرد .

امروز بیش از ۲۵۰ هزار واحد صنفی ، عمده‌فروش وخرده‌فروش ، شبکه وسیع بازرگانی را (فقط در تهران) تشکیل می‌دهند ، از این‌عده ۲۰ هزار نفر یعنی حدود ۸ درصد عمده فروش وبقیه خرده‌فروش هستند . دراین شبکه بیش از ۱۰۰ هزار کارمند وکارگر کار می‌کنند ، اما سهم (سرمایه تجاری) بازرگانان از درآمد ملی نزدیک به ۵۰ درصد است و ۴۲ درصد به خرده فروشان تعلق می‌گیرد ، درحالی‌که سهم بقیه (کارگران وکارکنان) که تعدادشان بیش از ۵ برابر بازرگانان است، ۸درصد است . به‌این‌ترتیب تعدادکمی عمده‌فروش ، بخش اعظم درآمد را می‌بلعند و جزیی فروشان عملا" کارمندان آنها هستند . هرقدر جزیی فروشان بیشتر به مردم اجحاف‌کنند و با گرانفروشی وکم‌فروشی ونظایرآن بخواهند بردرآمد خود بیفزایند و بیشتر به کارگران و شاگردان خود فشار آورند ، سرانجام باید تحویل عمده‌فروشان بدهند ، که آنان هم بنوبه خود اسیر انحصارات جهانی‌اند . بنابراین مجموع سودی‌که از استثمار کارگر ، بدست و منحصرا" بوسیله سرمایه‌دار صنعتی درعرصه تولید استخراج شده است ، بطور خلاصه میان او ، تجار وخرده‌فروش تقسیم می‌شود . یک‌بررسی کوتاه بخوبی نشان می‌دهدکه سهم

سرمایه‌داری متوسط وخرد از نعمتهای جامعه ، بهیچ‌روی عادلانه نیست . رقابت آزاد وپیشرفت مداوم نیروهای تولیدی نیازمند حذف دستهای زائد درعرصه تولید وتوزیع است . دیگر نمی‌توان پذیرفت‌که جمعی عاطل وزیانمند با انواع نیرنگها ، تبانی و زدوبند درمسیر تولید به مصرف کمین‌کنند و هریک بابت اجازه عبور کالا " حقی " از مصرف‌کننده زحمتکش مزد بگیر وحقوق‌بگیر، بستانند .

تلاش دولت

با تشدید جنگ واعمال قوانین خاموشی درکار تعطیلات و وقفه های " نظاهراتی " ودرنتیجه کاهش زمان تولید و توزیع ، دولت ناچار به اظهار نظر صریح ودخالت بیشتر شد .

قائم مقام وزارت اقتصادی ودارایی درباره تورم واقدامات دولت درجهت مبارزه باآن (کیهان ۲۷ آذر) می‌گوید :"قیمت ها بیشتر دراثر سودجوئی واحتکار بالا رفته است واصولا دولت درنظردارد که کالاهای ضروری را تاحد امکان با قیمت مناسب دراختیار مردم قرارداده وبرتوزیع عادلانه آن نیز نظارت کامل داشته باشد و بهمین علت درکوتاه مدت طرح جیره‌بندی کالاها ومواد ضروری راپیاده‌کرده است ولی در درازمدت دولت درجهت تنظیم وبرنامه‌ریزی بازار پیش خواهد رفت ."

با بررسی‌گرانی درسطوح مختلف نتیجه‌گیری ما این بودکه "سودجویی" واحتکار بخشی جدایی ــ ناپذیر از جریان سرمایه‌داری جهانی و سرمایه‌داری بازرگانی است . ونیز نظارت دولت برتوزیع برخی کالاها با چه دشواریهایی روبرو بوده است حال ببینیم برنامه‌دولت درزمینه های مختلف اقتصادی که مستقیما" به تورم وگرانی مربوط می‌شود چیست :

بدنبال تصاعد قیمتها دولت به تلاشهایی برای توزیع برخی کالاها و جیره‌بندی مواد سوختی و بعضی مواد مورد نیاز عموم همچون قند وشکر وروغن و پودر لباسشویی دست زد و به مجازات محدود محتکران پرداخت . تلاش دولت برای جلوگیری ازگرانی ، صرفنظر از ایجادمراکز توزیع‌کالا ، بطور عمده درجهت مبارزه با معلول بود . افزایش قیمتهای کالاهایی‌که اساسا" درکنترل دولت قرار دارند ، به سرمایه‌داران اجازه دادکه هرگونه‌که مایلند ، قیمتهای مورد خواست و نظرشان را بربازار تحمیل‌کنند ، گرانی‌گوشت و آرد به میزان ۱۰۰ درصدکه از طرف بنی‌صدر اعلام شد سنایی قانونی برای تورم را وضع کرد . این افزایش درمورد قیمت بنزین‌که بیش از ۲۰۰ در صد بود در بقیه قیمتها منعکس شد وهزینه حمل ونقل را افزایش داد .

افزایش قیمت سوخت به بنزین منحصر نشد بلکه به مصرف گاز نیز منتقل شد ، بعلاوه فرآورده های نفتی مثل روغن موتور نیز تحت تاثیر این افزایش قیمت قرار گرفتند . دولت همچنین مالیات های غیرمستقیم دیگری (برق وآب) وضع‌کرد که بطور عمده پرداخت آن بردوش بیشترین مصرف‌کنندگان یعنی توده های مردم خواهد بود .

اقدام دولت بطورکلی به بخش توزیع‌آنهم نه بطور کامل ، بلکه دربرخی زمینه ها محدود می‌شود . جیره‌بندی بنزین ، نفت و قند وشکر با مشکلات زیاد همراه بود بصورتی که بسیاری از این مواد بازار سیاه پیدا کرد . جیره بندی باید از یک زمینه‌مساوی ، از داشتن ونداشتن آغاز شود . جیره‌بندی قند و شکر هنگامی شروع شدکه بطور معمول هرخواربارفروشی چند گونی از این محصول را داشت و طبعا" محتکران که " آینده نگر"بودند ذخیره بیشتری داشتند . همین خود فرصت مناسبی برای بازار سیاه قند وشکر فراهم ساخت‌که بقول برخی تا کیلویی ۸۰ ریال خرید وفروش می‌شد .

یکی از مشکلات عمده ، توزیع نابرابر درسطح شهر و بطور مثال ندادن نفت به برخی مردم ازجمله حاشیه نشینها و کارگران ساختمانی بود .

بطور کلی ، درجریان جیره‌بندی نیزآنهاکه پول داشتند ، کمتر دچار مشکل بودند ، این گروه توانستند از راههای گوناگون مساله کمبود ، گرانی و جیره‌بندی را بخوبی برای خویش حل‌کنند . برای مثال خرید یک وانت مدل پائین (۱۳۴۹) با قیمتی زیاد (حدود ۵۰ هزار تومان) توانست مصرف بنزین اتومبیلهای مدل بالای آنها را درتمام ساعات (غیرممنوع عبور وموردرتهران) فراهم سازد .

مشکل جیره‌بندی درکالاهایی مانند نان بصورت ندادن سهمیه بموقع ، پخت کم ودرنتیجه توزیع نامرتب وپائین بودن سطح کمی و کیفی این کالای اساسی ظاهر شد . دریک محاسبه ساده ، برخی نانوایان با کم‌فروشی ، از هر ۴۰۰ نان ، ۱۰۰ نوبان به مصرف‌کننده ظلم می‌کنند . این مشکل ، علاوه بر سودجویی ، از احساس ناامنی طبقه متوسط ونیز نبود نظارت وکنترل برکار فروشندگان سرچشمه می‌گیرد . بعلاوه صنف نانوایان خود به نوعی این حرفه را دراینحصار گرفته ومانع از ایجاد نانوایی و برقراری رقابت آزاد بیشتر بمنظور تعدیل درعرضه وتقاضاست . وهمین امر نیز به سهمیه نامناسب وبازار سیاه دامن می‌زند .

تعاونی‌ها نیزکه می‌توانند به نوعی ایجاد کننده تعادلی درتوزیع‌کالا باشند ، ناآگاهانه یا آگاهانه، برای جلوگیری ازگرانی تلاشی واقعی نکردند . این مراکز توزیع که تعدادشان نیز کم نیست ، با سهل‌انگاری ، کم فروشی و بی توجهی به مشتریان ، ضمن گرانتر کردن کالاها (نخود ، لوبیا ، روغن مازولا ، انواع مربا .....) عملا" مردم را به سوی بخش خصوصی سوق دادند . بعلاوه کامیونهای "جهاد با فروش" میوه وخواربار درکنار این تعاونی ها که سرمایه و پرسنلی جداگانه را بخدمت می‌گیرند عملا" به رکود کسب آنها کمک کرد . ضمن آنکه قیمت برنج دراین تعاونی ها از ۷۰ به ۹۰ ریال افزایش یافت . با ایجاد تعاونی ها بخلاف عمده فروشان وخرده فروشان بخش خصوصی کالاها را نه به بهای " روز " بلکه با قیمتهای خریده شده درگذشته بفروش می‌رساندند .

جیره‌بندی وگرانی قند وشکر خود تاثیر زیادی برقیمت کالاها داشت که افزایش بهای انواع شیرینی ازآن‌جمله است . گرانی همچنین برکالایی مانند پنیرکه غذای حداقل مردم است نیز انرگذاشت ومتوسط قیمت این کالا را حدود ۲۵ درصد بالابرده این افزایش قیمت‌که درمدت‌کوتاهی از شروع جنگ صورت‌گرفت ، برانواع مواد غذائی از جمله غذاهای کمکی نوزادان نیز اثرداشت .

بعلاوه دولت‌کوشید با مجازات محتکران گرانی را مهارکند . مجازات گروهی از محتکران چند روز زندان ، قطع سهمیه ونصب نابلوگرانفروشی بود . لازم به یادآوری است‌که بیش از ۸۰ درصد مجازات شوندگان خرده فروش وکاسب بودند و کمتراز ۵ درصد "بازرگان" بحساب می‌آیند . با ایجاد دریک نمونه قابل توجه درمبارزه با گرانفروشی ، صاحب یک سردخانه که ۱۸ هزار کیلو گوشت احتکار کرده بود ، پس از دستگیری و محاکمه دادگاه انقلاب به ۱۰ سال زندان ومصادره سردخانه محکوم شد .

ایجاد ۱۶ مرکز دولتی تهیه وتوزیع کالاکه تاکنون ۳ مرکز آن ــ قلرات . قماش وچوب وکاغذ ــ تاسیس شده ، تلاشی اساسی برای مهار گرانی بنظر میرسد . اما با توجه به عملکرد مراکز ایجاد شده نیز می‌توان مشاهده کردکه افزایش قیمتها دراین بخش نیز چشمگیر بوده است و مثال‌آن گران‌تر شدن آهن ، کاغذ (دفترچه و کاغذ روزنامه) و چوب درزمانهای مورد بررسی است .

نقش بودجه

یک عامل عمده‌گرانی از جانب دولت را باید دربودجه پیگیری‌کرد . بودجه عمومی دولت " بناچار " باید از مالیاتهای غیرمستقیم تغذیه شود وبویژه آنکه‌کاهش چشمگیر تولید وفروش نفت ونقش عمده‌ای‌که این کالا در بودجه داشت ، سهم مردم در بودجه اصال روشن‌تر می‌شود . ضمن آنکه ، بودجه

نقش اهرم اصلی توزیع درآمد ملی را دارد . حال باید دیدکه چنین بودجه‌ای که براساس مالیاتهای سنگین از توده های مردم تدوین شده ، چگونه می‌تواند به نوبه خود در تحول قیمتها تاثیربگذارد :

ستون درآمد بودجه دولتی از مالیات کارگران وسایر توده ها پر می‌شود . اما ستون هزینه ها تقریبا" بطور کامل درخدمت سرمایه‌داران است واگر بغرض دراین ستون مبلغی برای خدمات عمومی وکمک به کارگران درنظرگرفته شده باشد تنها پوششی برای پنهان نگاه داشتن هدف اصلی بودجه دولتی است . بعلاوه تورم از جهتی وسیله‌ایست برای تامین بودجه مورد نیاز دولت چراکه دولت می‌تواند به کمک مردم،تورم ونامشخص بودن قیمتها وارزش واقعی آنها ، بودجه دولت را بردوش توده ها متکی کند . باید یادآور شدکه بودجه ایران درتوزیع‌درآمد نقش مهمی دارد ، چراکه درآمد نفت مستقیما" وارد بودجه می‌شود وبعد ازکسر سهم انحصارات ، میان طبقات مختلف تقسیم میشود .

سهم عمده هزینه ها نیز بطور انحصاری به بخش نظامی واداری واگذار می‌شود .

کمبود پول

یکی دیگر از عللی‌که درجریان جنگ گرانی راباپیشتر برمردم تحمیل کرد کمبود پول بود . این‌کمبود ابعاد روانی‌گرانی را افزایشی چشمگیر داد . مردم ازسویی بالا رفتن قیمتها را شاهد بودند واز طرف دیگر نبود پول یعنی این وسیله دسترسی به کالا را احساس می‌کردند واین خلاء وشکاف خود برفشار روانی گرانی می‌افزود .

به گفته یک تاجر بزرگ بازار درهفته اول جنگ ۴ میلیارد تومان پول از بانکها خارج شد . این رقم بهیچ روی نمیتواند چزو پس‌انداز گروههای متوسط وکم‌درآمد باشد . خارج‌کردن پول از گردش که تقریبا" از آغاز قیام با انواع ذخیره‌سازی پولهای درشت درخانه ها و حجره ها ادامه داشت درجریان جنگ اوجی تازه گرفت تاجایی‌که تقریبا" همه مسوولان درخواست‌کردندکه " مردم" به بانکها اعتماد کنند وپس‌اندازهای خود را به این مراکز بازگردانند و حتی برای این دسته از مشتریان " جایزه" نیز معین کردند . وشاید بهمین سبب بودکه بانک مرکزی از مدتها قبل از فروش سکه های طلا خودداری می‌کرد ، چراکه چک های تضمینی وانکاسهای ۱۰ هزار ریالی جدید نیز بدلیل ذخیره سازی و احتکار شخصی ، بسرعت نایاب شد . ضمن آنکه انتشار چکهای تضمینی بجای برگردن خلاء پول در بازار ، بدلیل نداشتن ظاهر یک پول محکم وایجاد یک احساس "پول بی‌پشتوانه" خواه درست یا نادرست ، وعدم استقبال برخی مردم ، برکمبود پول مهر تایید زد وخود برگرانی اثرگذاشت .

دراین بحران داخلی ، بدگمان ما پول نقش دیگری از هزار چهره خود راشان داد . ونقش بالقوه نیروومند ودرظاهر بی‌برکت‌آن ، همچنان بصورت یک واسطه ناتوان بروزکرد : پول درگرانی سه ماه گذشته ، از ایفای بسیاری از وظایف خویش عاجز ماند . این ناتوانی تقریبا" بهنگام هرخرید وفروش

آشکار می‌شود ، درهرمعامله احساس می‌شود این فروشنده است‌که زیان می‌کند ، گرچه اندکی بعد و با مقایسه قیمتهای گذشته تاسف خریدار ازگرانی خود می‌نماید . همه نگاهها به " کالای " خریده شده دوخته می‌شود ونه به پول‌که از دست می‌رود . مهم کالاست ، نه پول واین بی‌توجهی خریداران به ارزشی‌که پرداخت می‌کنند ، کلید سودآوری وعامل رضایت خرده فروشان ، عمده فروشان و سرمایه‌داران تجاری را بدست می‌دهد . دراین گرانی وکمبود ، پول نتوانسته است ایفاگر تمامی وظایف خویش بعنوان وسیله پرداخت و مقیار ارزش باشد ، اما تا حد زیادی ، بویژه با احتکار پولهای درشت ، به وسیله زراندوزی تبدیل شده است .

فروش دلار از سوی بانک مرکزی با بیش از ۱۰۰ درصد افزایش نسبت به سال گذشته ، اعلام محاصره‌اقتصادی و توجه به این نکته‌که کلیه اعتبارات وارداتی حوزه دلار (وکشور های وابسته به سرمایه‌داری غرب) می‌بایست به تائید واشنگتن برسند ، ابعاد نوینی راکه سرچشمه اساسی آن وابستگی است بخوبی نشان می‌دهد . دراین میان افزایش قیمت طلا بمیزان ۱۵۰ درصد نسبت به سال قبل شاخص مناسبی برای مقایسه کاهش ارزش پول و درنتیجه پائین آمدن قدرت خرید مزدبگیران ثابت درمابر کالاهای اساسی است . اگر بخواهیم این مقایسه را با " اولین بهار آزادی" بعمل بیاوریم ، میزان تورم ، بیشتر خود را نشان می‌دهد . چراکه اولین سکه " بهار آزادی " حدود ۶۰۰۰ ریال از بانک مرکزی خریداری شد درحالی‌که هم‌اکنون به حدود ۲۷۰۰ تومان رسیده است یعنی ۳۵۰ درصد افزایش !

سیاست اقتصادی دولت

بدنبال رشد بیش از پیش مشکلات گوناگون ازجمله ناسامانی اقتصادی وتورم وگرانی ، دولت جمهوری اسلامی بالاخره سکوت طولانی خود درباره سرمایه های خارجی را شکست و خطوط عمده‌ای از این سیاستها را مطرح ساخت . لازم به یادآوری است‌که دراین مدت ، دولت هیچگاه صریحا" برمسوولیت خود دربرابرداری فقر وگرسنگی وافزایش رفاه مادی توده های مردم نکته نکرد وآنرا به عملکرد روابط سرمایه‌داری واگذاشت . دراین فاصله وضع مالکیت صنایع ، به مناسبت موقعیت‌شان ، کمابیش واز جهات گوناگون بصورت گذشته باقی ماند ؛ واحد های بزرگ ، به دولتی که با نظارت دولت به فعالیت ادامه دادند ، برخی با مشارکت سرمایه‌داران و نظارت دولت اداره می‌شوند و پاره‌ای صنایع در دست سرمایه‌داران وابسته باقی ماندند .

روزنامه کیهان در روز چهارشنبه ۲۶ آذر ازقول رادیو کلن مطلبی چاپ کردکه نقطه نظرهای دولت را درباره سیاست اقتصادی ایران بخوبی نشان می‌دهد :

" محمد علی رجایی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران درمصاحبه با خبرنگار روزنامه "ویس‌دویچه

غم انگیزی را برای زحمتکشان پیش‌خرید کند .

از نظر تاریخی ، توسعه بخش توسعه یافتهٔ جهان (کشورهای بزرگ سرمایه‌داری) ، نتیجه و متمم بخش توسعه نیافته است . این دو بخش ، دو روی یک سکه اند . تکامل سرمایه‌داری به نحوی اجتناب ناپذیر در یک قطب توسعه و در قطب دیگر توسعه نیافتگی ایجاد می‌کند . کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته ، جزیره هایی جدا از یکدیگر نیستند ، آنها بالاو پائین یک قلمرو واحد را تشکیل می‌دهند .

به این ترتیب همه چیز در این کشورها بهم پیوسته ودر ارتباط بنظر میرسد . در وهله نخست انتظار یا امید به اینکه روابط بین کشورهای پیشرفتهٔ و توسعه نیافته به توسعه گروه دوم بیانجامد ، نابجاست . بازرگانی ، سرمایه‌گذاری و کمک ، دقیقا وسایلی هستند که بوسیلهٔ آنها کشورهای پیشرفته ، توسعه نیافته ها را مورد بهره کشی قرار میدهندو آنها را در شرایط عقب ماندگی نگه می‌دارند .این امر در مورد بازرگانی بخوبی شناخته شده است . مبادله مواد خام با کالاهای ساخته شده به بازسازی و ابدی ساختن رابطهٔ موجود و نه به چیزی دیگر ، منجر میشود . در این روابط ، مطلقا عنصری برای توسعه کشورهای توسعه نیافته وجود ندارد . بلکه درست عکس‌آن است و در مورد سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه نیافته ــ صدور سرمایه ــ و نیز آنچه کمک به کشورهای توسعه نیافته خوانده می‌شود و اغلب " توسعه اقتصادی " عنوان می‌شودصادق است .بطور کلی هر قدر " کمک " بیشترباشد ، توسعه کمتری بوجود میاید . بخشی از این کمک جنبهٔ نظامی دارد . و بخش عمدهٔ سهم ناچیز "کمک اقتصادی " نیز در خارج و داخل حیف و میل می‌شود.

یک مقام سابق " سازمان کمکهای خارجی امریکا" در پاسخ انتقاد به این کمکها می‌گوید : " بسیاری از انتقادها به این سبب است که منتقدین می اندیشند هدف رشد اقتصادی است ، در حالی که چنین هدفی اصلا در کار نیست . احتمالا هدف ایجاد یک پایگاه ، بدست آوردن رایی مساعد در سازمان ملل یا حفظ کشوری از تجزیه ، یا هر دلیل دیگری از این قبیل است .هدف هر چیزی هست جز توسعه اقتصادی . هدف حفظ سرمایه‌های بزرگ درکشوری توسعه نیافته است ".

این واقعیت ، با مبارزات سالهای اخیر مردم کشورمان که همراه با افشاگری بخشی ازروابط غارتگرانه " وابستگی" بود ، مهر تائیدی تاریخی گرفت . اما ضرورت اساسی بازگویی آن از آنروست که تلاشهای موجود ، خواسته یا ناخواسته سمت و سوی بازگشت به گذشته را در نظر می‌آورد . این واقعیت هنگامی معنی پیدا می‌کند که بیاد بیاوریم در دو سال گذشته تلاشی جدی در برابر هجوم سرمایه داری صورت نگرفته است . به این ترتیب با اتخاذ سیاستهایی که اقتصاد سرمایه‌داری را احیا می‌کند ، ایران می‌تواند بر توسعه نیافتگی اش ادامه دهد ، بویژه در شرایطی که ایران با دشواری می‌تواند از بار خسارات و تلفات چند سال گذشته آنهم با سیاست سرمایه‌داری کمر راست کند . نگاهی به آخرین نظریات این گرایش را در سیاست خارجی ، داخل طرحها و برنامه های اجرای سرمایه‌داری نشان می‌دهد .

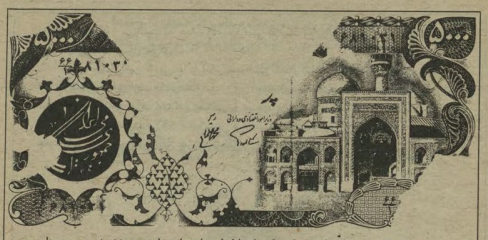

در یک نظر سیاست اقتصادی دولت را در ارتباط با سرمایه های خارجی و بخش خصوصی و برنامه ــ ریزی و بودجه و گرانی موجود می‌توان بصورت زیر تصویر کرد :

تورم و گرانی ، چون موجی از بحران سرمایه‌داری جهانی ، وقتی به کشور ما می‌رسدبه کمک سرمایهٔ داری وابسته ، بویژه بخش‌تجاری و دستهای بی شماری که در سر راه تولید به مصرف کمین کرده اند ، ابعادی غیر قابل تحمل پیدا می‌کند .با جنگ ایران و عراق ، سرمایه‌داران بهانه یافتند تا همچنان بر ثروت خودَ بیفزایند . بهانه بودن جنگ وفنی آنکارتر می‌شود که بدانیم قیمت‌کالاهای اساسی ، در جریان جنگ طولانی ویتنام حتی یک درصد نیز بالا نرفت ، و این کنترل قیمتها جز با اعمال سیاست درست از طرف نیروهای انقلابی میسر نشد ، سیاستی که امروز نیز در نیکاراگوئه شاهد آنیم .

سیاست های اقتصادی دولت ، بر اساس آنچه تاکنون صورت گرفته و بعنوان برنامه های آتی این دولت مطرح اندو نیز با توجه به منابع درآمد این سیاستها بنظر نمی‌رسد که درمهار قیمتها موفقیت ــ آمیز باشند . عبارت " کشف منابع جدید مالیاتی " ، در حالی که تلاش محدودی برای بهره گیری همه جانبه از نیروهای انسانی و منابع فنی‌و طبیعی صورت‌می‌گیرد ، همچنین وضع انواع مالیات و عوارض نشانگر بار تازه ای بر دوش تهی‌دستان است . بعلاوه هر حرکتی که بهٔ انحصارات سرمایه‌داری‌امکان تاخت تاز بدهد، حیات اقتصادی ایران را دیر یا زود زیر تسلط خویش در میاورد . از طرف دیگر با تقویت بخش خصوصی و دمیدن روح تازه به کالبد نیمه جان سرمایه‌داری وابسته و بویژه بخش تجاری آن که در پیوند زنده با انحصارات رشد می‌کند ، راه تنفس توده های زحمتکش مسدود می‌شود و مردم مبارز و ملت آزاده ای را که بسته در برابر حوضه های مرگ تدریجی سرمایه‌داران جهانی قرارمی‌دهد .

حرف آخر

حرف آخر و یک توصیه : ارقام‌مربوط به قیمت ها و شرایط بازار " بی روح " ترین شکل "تورم" و گرانی را نشان می‌دهدو در نتیجه تمام ابعاد این مشکل اجتماعی ــ اقتصادی ــ سیاسی رادربرندارد‌وبه عبارتی بسیار ناقص است . با انتشار اینگونه ارقام سعی می‌شود تا حد امکان انواعی از فشار بر زحمتکشان و محرومان تصویر شود . و هر قدر این ارقام " رسمی " تر باشد ، بیشتر جنبه های " احساسی " زندگی را می‌پوشاندو بهر حال انواعی ازفشار بر محرومان را نشان نمی‌دهد ، این ارقام از کاستی هاو کمبودهای کیفی زندگی مردم سخن زیادی نمی گویند ، از صف ها و زمانهای بسیاری که درطول و عرض‌آنها تلف می شود و نیز از جنبه های معنوی و روحی زندگی و آسیبهای مربوط به آنها ، و‌از آنچه برای هرزحمتکشی

بعنوان " فراغت " می‌بایست به حساب آید . فراغتی که دست کم برای آمادگی مجدد به‌کار و بازتولید ابزی حیاتی است ، سخن نمی‌گویند .

با اینحال اگر این کاستی ها را اساس و توجیهی پایدار برای تداوم اجحاف کنونی نپنداریم ، فایده‌ٔ بسیاری از این ارقام حاصل شده است : این اجحاف‌خود به نحوی مفید است و این فایده از آنجا میاید که شرط رهایی مصرف کنندگان زحمتکش را در خود دارد ، که مصرف‌کنندگان نیک بدانندکه برای خرید ، نگهداری و مصرف هر کالا ، چه بهایی می‌پردازند ؛ گوشت و پوست و خوشان را ! و بیاموزند که چگونه باید ارزش نیروی کار ، یعنی عمرو هستی‌شان را پاس بدارند .

برخی منابع این گزارش :

۱ ــ نظرخواهی ازمردم
۲ ــ روزنامه‌ها ، نشریات‌و رادیوتلویزیون
۳ ــ جندکتاب "اقتصادسیاسی" ، (جواتشیر ، زندیرودی ، ۳و۲و۱و . . .)
۴ ــ محمد سوداگر : بررسی نظریه‌های مربوط به امپریالیسم ، مرداد ۱۳۵۸
۵ ــ یوسف جوابودی : تسخیر کیهان ۱۳۵۹
۶ ــ پل‌سوئیزی ــ ادوارد باناللو : نقدی بر پاره‌ای ازنظریه های رایج در سرمایه داری غرب ، ترجمه‌فرهاد نعمانی ــ منوچهرساجیان
۷ ــ هاری دیکس : ارزش ، ترجمه ب . کیوان اردیبهشت ۱۳۵۸
۸ ــ جکرایج : جامعه‌شناسی فقر ، ترجمه احمدکریمی ، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۶
۹ ــ ی . وارگا : سرمایه‌داری درقرن معاصر ، ترجمه‌جعفر جاوید‌فر ــ روح‌الله‌عباسی ۱۳۳۸ (۱۳۵۷)
۱۰ ــ جون رابینسون : فلسفه اقتصادی ، ترجمه بابزید مردوخی ، کتابهای جیبی ، ۱۳۵۲ .

نظام مالیاتی ایران ، مالیات مستقیم از حقوق بگیران را سروقت و تا آخرین‌دینار می گیرد امابرای سرمایه‌داران چندین راه فرار می گذارد

مالیات جیب‌های خالی را خالی‌تر می کند

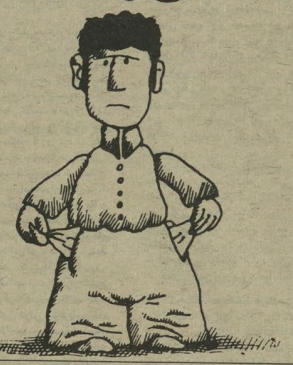

قیمت سیگار دوبرابرشد . . . گوشت از کیلوئی ۱۳ تومان به ۲۵ و ۴۰ تومان افزایش یافت ، قیمت شکر برای مصارف غیر خانگی چندبرابرشد . . . قیمت بنزین سه‌برابرشد . . . قیمت برق بالا رفت (بمنظور صرفه جوئی ؟) و . . .

سیر صعودی دریافت مالیات های غیر مستقیم همچنان ادامه دارد و هر روز که میگذرد کالای دیگری گران میشود . عوارض‌گمرکی ، سود بازرگانی ، مالیات از کالاهای "انحصار دولت" و برداشت‌هائی از این‌ردیف که قدرت خرید مصرف کنندگان را کاهش‌میدهد هر روز بعدوسیعتری می یابد ودرعین حال ، دولت با عدم پرداخت‌های کنکی در مورد کالاهائی همچون شکر (که اصطلاحا "سوبسید" نامیده‌میشود) بخش دیگری ازدرآمد مردم را بطور غیر مستقیم به خزانه خود سرازیر میکند .

بااستفاده ازمشورت‌های بعضی از مدیران باسابقه دولتی در وزارت دارائی که قبل یا بعداز بازنشستگی درخدمت این شرکت ها و موٴسسات درمی آیند ، علیرغم صدها میلیون تومان عملکرد سالانه ، مقدار ناچیزی سود منعکس میکنند .

اگرسرمایه‌داران بزرگ به آنطریق ازپرداخت مالیات فرار میکنند ، سرمایه‌داران خرده پا ، صراحتا" ازمالیات دادن خودداری میکنند و سال به سال ، آگهی های وزارت دارائی در روزنامه های کثیرالانتشار است که مرتب از موٴدیان بسیار محترم مالیاتی تقاضا میکند با استفاده از فرصت ، تخفیف وغیره . . . بیابند و بدهی ۱۰ سال گذشته خودرا بپردازند .

نتیجه اینکه ضعف سیستم دریافت مالیات در ایران باعث میشود که امکان وصول مالیات از آنها که بیشتر وظیفه پرداخت مالیات را دارند وجود نداشته باشد و مسؤولان بعدازانقلاب هم بجای اینکه این ضعف را برطرف کنند ، سراغ وضع مالیاتهائی که وصل آن امکان پذیرو ساده‌است‌میروند که از همه سهل الوصول تر " مالیات های غیر مستقیم " است .

غیرازصدها نوع مالیات غیر مستقیم که گفتیم پرداخت کننده تمام آنها توده‌های پائینی و متوسط مردم هستند ، بررسی چند نوع مالیات غیر مستقیم تازه ای که وضع شده ثابت میکند که پرداخت کننده آنها هم بازهمان گروه از مردم تهیدست و متوسط الحال هستند . معمارت بهتر ، هیچیک از مالیات‌های غیر مستقیم‌اخیر به کالا یا خدماتی که منحصر به قشرهای بالای جامعه باشد اختصاص ندارد احتیاج به توضیح زیادی نیست که مصرف کنندگان کالاهائی از قبیل گوشت ، سیگار ، شکر و . . . چه کسانی هستند . این کالاها نه تنها به مصرف طبقه بالا اختصاص ندارد بلکه مورد نیاز اقشار وسیع جامعه‌است و چون‌تعداد مصرف کنندگان طبقه بالا در مقایسه با اقشار وسیع مردم بسیار اندک است ، کل پرداخت آنهاهم بابت مالیات غیر مستقیم بادشده ، رقم کوچکتری را نسبت به پرداخت توده های مردم نشان میدهد . اولین نتیجه چنین حربهای درزندگی پائین‌ترین اقشار جامعه ظاهر میشودکه بخاطر عدم توانائی پرداخت قیمت جدید تن به محرومیت میدهند و ازمصرف خودداری میکنند .

مثال عینی این موضوع "گوشت" است و یا بخشی ازشکر که ارطریق غیر خانگی و باقیمت بالاتر درنهایت به مصارف‌خانگی میرسد . معنای گرانی شکر برای مصرف غیر خانگی یعنی مالیات‌غیرمستقیم بروی انواع شیرینی ، بیسکویت ، کیسوت و . . . ، درمورد بنزین هم محاسبه نشان میدهد که ازلحاظ حجم پرداخت ، این توده های مردم هستندکه مالیات غیر مستقیم تازه وضع‌شده را باید بپردازند ، چیزی‌که هست‌سهم طبقه متوسط درمقایسه با پائین تری ها بیشتراست . برحلاف بعضی از اظهار نظرها بسیاری از اتومبیل داران نه ازروی تشخص طلبی ؛ بلکه از فرط استیصال اتومبیل دار شده‌اند واز اتومبیل بعنوان وسیله امرار معاش استفاده میکنند .

مصرف بنزین فقط برای اتومبیل هم نیست ، موتورهای جوشکاری ، مولد های برق نقاط دورافتاده وسیلوتها بوتو سیکلت در برت ترین دهات کشور محتاج بنزین هستندکه اینها هم ازقشرهای پائینی جامعه هستند .

بعنوان خاتمه اشاره‌ای هم به جنبه حقوقی و قانونی مسأله مالیات می کنیم : مطابق اصل‌پنجاه‌و یکم قانون اساسی : " هیچ نوع مالیاتی وضع نمیشود مگر بموجب قانون . . . " اما این اصل در مورد مالیات های غیر مستقیمی که وضع شده چه قبل از تشکیل دولت فعلی و چه بعداز آن رعایت نشده ونمام افزایش‌قیمتها ، بدون‌تصویب قانونی صورت پذیرفته است .

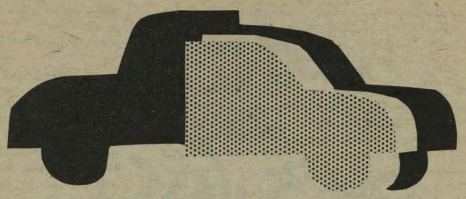

مسافرکش‌های شخصی تهران «موقتا» می آیند

۶۰۰۰ مسافرکش شخصی‌تهران که بدنبال کمبودوجیره بندی بنزین تنها محل درآمد خود را از دست داده‌بودند ، بادریافت سهمیه‌ٔ بنزین بکارمشغول میشوند . بر اساس طرح "سرویس موقت حمل‌ونقل مسافر شهری" که از سوی سازمان ترافیک و شهرداری تهران اعلام شده ، مسافرکشهای شخصی قرار است در خطوط اتوبوسرانی شرکت واحد و تحت کنترل‌شهرداری مسافران را جابجا کنند ؛ هم اکنون این طرح به مرحله‌اجرا رسیده است . با این وصف ، هم در خود طرح و هم در شرایط و نحوهٔ اجرای آن مسایلی وجود دارد که مورد اعتراض مسافرکشهای شخصی است .

برای بررسی و شناخت کم و کیف مسایل مربوط به طرح و هم چنین شنیدن حرفهای مسافر ــ کشهای شخصی به محل اجتماع آنها ، جلو شهرداری منطقه ۶ خیابان ایرانشهر میرویم :

جمعیت زیادی جلو شهرداری جمع شده‌اند . شاید بیش از هزار نفر . صف بسته‌اند . دو ردیف و سه ردیف . به نوبت داخل محوطه پارکینگ شهرداری میشوند و فرمهای مربوطه را می گیرند . . . آنقدر زیادند که صف خیابان ایرانشهر را طی کرده و توی خیابان طالقانی پیچیده است . کاغذهای مارکدار سازمان ترافیک دستشان است . با همدیگر صحبت میکنند . بحث می‌کنند . بیشتر نگران هستند . بعضی ها هم شوخی میکنند ، شاید معتقدند : " کاچی به از هیچی ! " مسئولان ، حالا قبولشان دارند . خیلی دوندگی کرده‌اند تا گزراه این مرحله رسانده‌اند . آنقدر جلوی شهرداری و سازمان ترافیک جمع شده‌اند که همدیگر را به قیافه می‌شناسند . گاه همدیگر را به اسم هم صدا میزنند .

درست در بالای سر صف ، روی تابلوی بزرگ " طرح سرویس موقت حمل و نقل مسافر شهری " کدبه‌در وردوی‌پارکینگ‌شهرداری نصب‌شده ، میخوانیم : "متقاضیان که ۴ فرزند صغیر و بیشتر دارند روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۴ و ۵ /۹/۵۹ مراجعه کنند .

متقاضیانی که ۳فرزند صغیر دارند روزهای شنبو یکشنبه ۷و ۵۹/۹/۸ مراجعه کنند .

متقاضیانی که دو فرزند صغیر دارند روزهای دوشنبه و سه شنبه ۹و ۵۹/۹/۱۰ مراجعه متقاضیانی‌کدیک‌فرزندصغیر . . . "

عده زیادی هم پراکنده‌وگروه گروه‌دور هم در اطراف اداره شهرداری جمع شده‌اند . تبادل نظر میکنند . اینها تاحالا نتوانسته‌اندکاری‌ازپیش‌ببرند ، با زن نداشته‌اند و یا بچه‌ا شاید هم‌فاقد شرایط دیگرسازمان ترافیک و شهرداری بوده‌اند . . .

با اینهمه ناامید نیستند . هنوز هم دنبال کارتان هستند . پیگیری میکنندداردند تصمیم میگیرند که روز شنبه آینده جلو

وزارت کشور جمع شوند با سازمان ترافیک. بعضی‌ها هم پیشنهاد میکنندبطرف منزل‌امام‌راهپیمائی کنند.

رانندگان مسافرکش‌شخصی که بعدنبال جنگ‌وکمبودوجیره‌بندی بنزین شغل‌خودرا ازدست‌داده اند برای امکان ادامه‌کار خود به هر دری زده‌اند. کارشان‌راآنقدر پیگیری‌کرده‌اند تا توانسته‌اند — حداقل بیش‌ازنیمی‌شان — حالا جلوی شهرداری برای گرفتن جیره بنزین اجتماع‌کنند. آنها قبلا هم اجتماع کرده‌اند. هرروز جلو سازمان‌ترافیک جمع شدند. جلو نخست‌وزیری و وزارت کشور هم رفته‌اند. روزهای اول مسوولان آنهارا جدی‌تر جدی‌تر نگرفتند. اما بعدکه‌مسافرکشهای شخصی دیگر خبردارشدند، هر روز بیشتر از روز پیش خود را جلوی سازمان‌ترافیک رساندند و سرانجام مسوولان را متقاعد کردند تا آنها را جدی بگیرند و حرفشان را گوش کنند.

مسوولان سازمان ترافیک و شهرداری سرانجام برآن شدند که تحت ضوابط‌و شرایطی تعدادی از مسافرکشهای شخصی را که واقعا مسافرکش بودند در خطوط اتوبوسرانی شرکت واحد بکار مشغول کنند. به این منظور سازمان ترافیک و شهرداری بایستی شرایط زیر را اعلام و از واجدین شرایط‌خواست تا با مدارک لازم و در روزهای تعیین شده به شهرداری خیابان ایرانشهرمراجعه‌کنند: "متقاضی باید دوسال سابقه گواهی نامه رانندگی و بیش از ۲۳ سال داشته باشد. مالکیت اتومبیل باید بنام متقاضی باشد. اتومبیل از نظر پرداخت مالیات سالانه، بیمه، جریمه‌رانندگی و عوارض باید بلامانع باشد. متقاضی شغل دیگری نداشته باشد. —معرفی‌نامه‌ازمسجد محل اقامت متقاضی — متقاضیان متاهل و دارای اولاد صغیر حق تقدم دارند..."

همچنین شهرداری پایتخت اعلام کرد: "برای اجرای طرح" سرویس موقت حمل و نقل مسافر شهری" روزانه۱۵۰ لیتر بنزین به قیمت لیتری ۳۰ ریال به مسافر کشهای شخصی داده میشودو از آنها ماهانه ۶۰۰ تومان عوارض دریافت خواهدشد، و آنها موظفند در خطوط تعیین شده شرکت واحد و تحت کنترل مسافران را به مقصد برسانند."

بر اساس گزارش شهرداری تا کنون حدود۱۱هزار متقاضی به شهرداری مراجعه کرده‌اند. اما طرح فوق بیش از ۶۰۰۰نفر را در بر نخواهدگرفت، و ۵ هزار نفر بقیه فعلاازنظرخودشان‌بلاتکلیف هستند. اما از نظر شهرداری تکلیفشان معلوم است: "در طرح سرویس موقت حمل و نقل مسافر شهری‌جائی‌برای‌آنها‌نیست" اما متقاضیانی که واجد شرایط‌بوده — اند و گارشان در مرحله اجرائی است —(تاکنون حدود۱۰۰۰مسافر کشی شخصی‌به‌کار مشغول‌شده‌اند و بقیه به‌تدریج‌مشغول‌میشوند) حرف هائی دارند و اعتراضاتی:

بیشترین اعتراض مسافرکشهای شخصی متوجه قیمت‌بنزین و پرداخت ماهی ۶۰۰ تومان‌عوارض است. به‌حرفهای‌بعضی‌ازرانندگان گوش‌کنیم:

— "بااین ترتیب روزی ۴۵تومان پول بنزین‌میشود. روزی۲۰تومان هم باید عوارض‌بدهیم. یعنی روزی ۶۵ تومان هزینه بی‌برو و برگرد. پول تعمیر و استهلاک ماشین را هم که حساب‌کنیم، در مجموع میشود روزی چیزی حدود ۱۰۰ تومان خرج. و حال آنکه با روزی ۱۵ لیتر بنزین به طور متوسط بیشتر از ۱۵۰ تا ۱۷۰ تومان در نمی‌آید. یعنی روزی ۵۰ تا ۷۰ تومان درآمد. با این گرانی این درآمد کم کجایمان رامیگیرد؟ پول گرایه خانه بدهیم یا خرج زن و بچه؟!"

— " درآمد روزانه بستگی به محل خط دارد. اگر وضع خط از نظرمسافر-و ترافیک خوب باشد، با این مقدار بنزین میشود روزی تا ۲۵۰ تومان هم کارکرد. و اگر خط، ترافیک شلوغی‌داشته باشدو مسافرکافی هم نباشد، روزی ۱۵۰ تومان هم به زحمت گیر می‌آید."

راننده دیگری وسط حرف همکارش می‌پردو می‌گوید" ولی آخر برادر! همه که خط‌آب و نان دار گیرشان نمی‌آید. همه که تاتس ندارند. پاژنی..."

رانندگان مسافرکش شخصی اعتراض خود را به مسئولان هم اعلام‌کرده اند. یکی از مسئولان سازمان ترافیک در پاسخ به اعتراض آنها گفته است: "کشور در حال حاضر با کمبودبنزین رو بروست و دادن بیشتر از ۱۵ لیتر بنزین در روز مقدور نیست. از طرف دیگر اگر درآمد مسافرکشهای شخصی زیادباشد، آنوقت کارمندان دولت هم استعفا میدهند وبه مسافرکشی رومی‌آورند..."

اما رانندگان مسافرکش شخصی این دلایل را قبول ندارند. آنها عنوان میکنند."

—ما حرفی درمورد مقدار بنزین نداریم. خوب جنگ است‌دیگر. اما چراقیمت بنزین رابرای ما ۳۰ ریال حساب‌میکنند؟ و چرا روزی ۴۰ تومان عوارض‌میگیرند؟"

با همهٔ این حرفها، کارمسافر کشهای شخصی موقت است. شهرداری تهران اعلام کرده است " به محض اینکه خطوط اتوبوسرانی تهران، پاسخگوی مسافران شد، طرح " سرویس موقت حمل و نقل مسافر شهری" لغو خواهد شد." ●

درمدارس چه می گذرد؟

بحران دردمدارس‌که به زمینه های متعدد اجتماعی، سیاسی و صنفی واز جمله فعالیت سیاسی درمحیط های آموزشی مربوط میشود این روزها به مسئله‌ای حاد درجامعه تبدیل شده است. هرروز خبرهای زیادی از تعطیل و منحل شدن مدارس در شهرستانها و تهران بگوش میرسد، که عمدتا" ناشی از اختلاف‌ها و درگیریهایی میان دانش‌آموزان و مسؤولان مدارس است. یکی از عمده‌ترین مضمون های این برخوردها، فعالیت سیاسی درمحیط‌آموزشی است‌که با مخالفت شدید مسئولان مدارس وآموزش و پرورش روبرو است وعمق و گسترش این برخوردها نشان میدهدکه درمقابل، بسیاری از دانش‌آموزان، خواهان فعالیت سیاسی دردمدارس هستند.

تابعه گسترش بحران و اختلال درکار مدارس از جمله مسائلی بودکه قبل از مهرماه نیز درصحبتهای روزمره مردم بگوش میرسید. حتی رادیو تلویزیون، وروزنامه ها نیز خبرها و مقالاتی درجهت پیشگیری از این بحران منتشر کردند. درعین حالی‌که هیچگونه تفسیر وتحلیلی درباره ریشه های بحران بمدارس، چه از طرف مسوولان و چه از سوی وسائل ارتباط جمعی ارائه نشد، مضمون اصلی اخبار و موضع‌گیریها درباره" بحران موسسات آموزشی این بود که " ضد انقلابیون" قصد اخلال دردمدارس را دارند و " پدر ومادرها نباید اجازه دهند که فرزندانشان بازیچه دست گروههای ضد انقلابی شوند". همزمان با اول مهرماه، جنگ ایران وعراق آغاز شدکه بحران موسسات آموزشی وسائل دیگر جامعه را تحت‌الشعاع قرار داد. اما با فروکش کردن رعب و وحشت و نگرانی ناشی از جنگ و همچنین عادی شدن وضعیت جنگی برای مردم، دوباره این مسائل سر از پرده بیرون آوردند و بهمین دلیل اکنون شاهد اوج‌گیری بحران جدیدی در مدارس هستیم، بحرانی‌که بویژه با تعطیل بودن دانشگاهها بیشتر جلب توجه می‌کند و عملا تمامی نظام آموزشی را دربر میگیرد تعطیل دانشگاه که بگفته مسوولان یکی از مهم‌ترین هدفهای آن متوقف کردن فعالیت سیاسی دانشجویان بود خود به عاملی برای گسترش فعالیت سیاسی دانش آموزان بدل شد. درحالیکه مسوولان موسسات آموزشی خواهان پیشبرد این نظریه هستندکه دانش‌آموزان درمحیط های آموزشی باید تنها به درس خواندن وفراگیری آنچه به آنان آموخته میشود، مشغول باشند، دانش‌آموزانی‌که خواهان ادامه فعالیت های سیاسی نیز هستند به اهمیت این فعالیت ها درکنار آموزش اشاره می‌کنند. به گفته آنان آموزش بعنوان روند دگرگونی یک انسان است. وبهمین جهت نباید مساله آموزش جوانان را تنها به یادگیری کتب درسی محدودکرد". آنان می‌گویند: "برای ساختن انسانی نوین، که میخواهد جامعه‌ای با نظام عادلانه بی‌ریزی کند باید به مسئله آموزش جوانان نگرشی همه جانبه داشته باشیم. وتنها با فراگرفتن دروس نظری نمی‌توان به این هدف رسید."

از آنجائی‌که امروزه مسائل سیاسی در رابطه‌ای تنگاتنگ با مسائل روز مره جامعه ما قرارگرفته، طبعا" دانش‌آموزان نیز از چنین مقوله‌ای برکنار نیستند به این ترتیب و براساس ضرورت موجود، نسل جوان‌که بخش عمده‌ای از بارسنگین انقلاب را در کشورمان بعهده دارد، خواهان آن است‌که دانشگاه ودبرسه را به بستری برای پرورش آگاهی و روحیه انقلابی تبدیل‌کند و درنتیجه فعالیت سیاسی را بصورت جزئی لاینفک از زندگی دانش‌آموزان تلقی می‌کند. نگاهی‌گذرا به روزهای قیام ۲۲ بهمن نقش واهمیت شرکت دانش‌آموزان درایس رویدادها را بخوبی نشان میدهد. اعتصابات سیاسی دردمدارس، راهپیمایی و تظاهراتی‌که بوسیله آنها برپا می‌شد و بالاخره حماسه سیزده آبان اوج پرشکوه فعالیت و شرکت دانش‌آموزان درانقلاب را نشان میدهد. همانگونه‌که شمار بسیاری از شهدای این روزها را دانش‌آموزان و نوجوانان تشکیل میدادند. دانش‌آموزان درمخالفت با نظریه "آموزش تنها" خواست‌هایی را عنوان می‌کنندکه بصورت زیر می‌توان جمع‌بندی کرد:

" ما سالهاست‌که با این کتابها که قصدی جز آموزش فرمول‌وار یک سلسله مطالب جدا ازواقعیات وآموختن واطاعت کورکورانه ومحدودکردن دایره‌ی فعالیت ذهن را ندارند، آشنایی کامل داریم و دیگر نمی‌خواهیم خودمان را با آنها سرگرم ودلخوش کنیم. ما می‌خواهیم تاریخ به ما بگویدکه طبقات و نظامهای مختلف اجتماعی چرا و چگونه بوجود آمده‌اند، که درکدام کشورها مردم برعلیه جور وستم بپا خاسته‌اند و چرا؟، جغرافیا نشان دهد که امپریالیستها چگونه وکجاها کشورهای تحت سلطه را بین خود تقسیم کرده‌اند، علوم اجتماعی بمابگوید که انقلاب چطور انجام می‌گیرد و چگونه میتواند به پیروزی برسد، قوانین تحول اجتماعی را به ما یاد بدهد و اشکال و علل وجودی روابط متفاوت انسانها را درهرنظام اجتماعی توضیح دهد، ریاضیات و جبر بما یاد بدهند که چرا هنوز هم یک با یک برابر

نیست: از هندسه بگویدکه چگونه بوجودآمده و رشد کرده است، فارسی بما یاد بدهدکه جان را درتپر بایدکرد همچون آرش، علوم از تکامل، تحول وزوال بگوید و درساعات انشاء معلم بما بگوید که چدکسانی انقلاب کردند و چدکسانی آن را به سازش کشاندند، امپریالیزم را تعریف کند وبگویدکه راه رسیدن به آزادی چیست؟"

ریشه‌های بحران

برای پی‌بردن به ریشه های بحران باید نظری به گذشته بیفکنیم:

از جمله نتایج قیام شکوهمند بهمن بوجود آمدن شرایطی بودکه برسترآن فعالیتهای سیاسی با گسترش وتنوع قابل ملاحظه‌ای صورت می‌گرفت. مردم میهنمان که وسیعا" بمیدان مبارزه فدامپریالیستی کشیده شده بودند، برای تداوم این مبارزه وکسب وگسترش آگاهی، فعالیتهای سیاسی را درکلیه حوزه های جامعه توسعه می‌دادند. این فعالیتها بیش ازهمه در دانشگاهها و مدارس انجام می‌گرفت. ما همه روزه شاهد برپائی نمایشگاه،نمایش فیلم، سخنرانی و یا تظاهرات درمحیط دانشگاه و یا دبیرستان ها بودیم. اما این وضع چندان پایدار نماند. چیزی از بازگشایی مدارس نگذشته بودکه درگیری طرفداران فعالیت سیاسی دردمدارس، با مسوولان این موسسات آغاز شد، که مشخص‌ترین جنبه آن درگیری میان هواداران گروههای سیاسی و انجمن های اسلامی بود. براثر این برخوردها بسیاری از شورّاهای مدارس منحل شد، دانش‌آموزان از طرف مسوولان مورد توبیخ قرار گرفته ودربعضی موارد اخراج شدند. این وضع‌تا قبل از انقلاب فرهنگی در اوائل سال جاری ادامه داشت. انقلاب فرهنگی‌که همزمان با پایان سال تحصیلی انجام می‌گرفت دانشگاهها را برای مدت نامعلومی تعطیل کرد ومدارس را تا اطلاع ثانوی بست.

تابستان فصل پاکسازی مدارس بودکه درجریان آن بسیاری از آموزگاران بخاطر عقاید سیاسی خود کنار گذاشته شدند که این خود نیز برحران افزود. بطوری‌که دربابان این فصل بنابرآمار وزارت آموزش و پرورش بیش از ۱۵ هزار نفر از آموزش وپرورش تصفیه شدند. آموزش و پرورش همزمان با شروع ثبت نام مجدد اعلام کردکاولیای دانش‌آموزان باید تعهد کنندکه فرزندانشان دست به فعالیت سیاسی در محیط مدرسه نخواهند زد و درغیراینصورت باید اخراج شوند. این شکل تعهد گرفتن نیز با مخالفت دانش‌آموزان روبرو شد ومقاومت‌هایی را بدنبال‌آورد. اما بدلیل پراکندگی دانش‌آموزان بطور مشخص انعکاس نیافت ودانش‌آموزان به این تعهد اجباری گردن نهادند.

بازگشایی مدارس درحالیکه چند ماه از انقلاب فرهنگی وبسته شدن دانشگاه و سایر محیط های آموزشی می‌گذشت، نوید بخش بود وبنظر رسید که موسسات آموزشی کار عادی خود را ازسرمی‌گیرند وادامه میدهند. اما در اواخر شهریور ماه باپیش‌بینی بحران و بمنظور جلوگیری از آن، شایعه توطئه "ضد انقلابی" دردمدارس، از جانب نهاد های دولتی وبا وابسته بآن ها برسرزبانها افتاد. بطوری‌که آیت‌الله منتظری از مردم خواست‌که برای جلوگیری از این توطئه در روز اول مهرماه راهپیمایی‌کنند. این دعوت با پاسخ مثبت مسوولان آموزشی، سپاه پاسداران، نهضت آزادی‌،کمیته های انقلاب اسلامی، انجمنهای اسلامی، مجاهدین انقلاب اسلامی و بعضی از سازمانهای سیاسی از جمله حزب توده و اکثریت سازمان فدائیان خلق روبرو شد.

همانگونه‌که گفتیم بازگشایی مدارس با شروع جنگ همزمان شد ودرحالی‌که انتظار می‌رفت بیش از ۱۰ میلیون دانش‌آموز راهی مدارس شوند بسیاری از مدارس مناطق جنگی همچون خوزستان، ایلام، کرمانشاهان تعطیل شد. علاوه براین بنابه تصمیم وزارت آموزش وپرورش مدارس کردستان ولرستان نیز تا اطلاع ثانوی بسته می‌ماند.

حجت‌الاسلام مشکینی، مدیرکل آموزش وپرورش لرستان در شهریور ماه گذشته درمورد عدم بازگشایی مدارس این استان چنین گفت: " تا تصفیه کامل و دگرگونی اساسی در تمام شئون آموزش وپرورش زنگ مدارس بصدا درنمی‌آید". او همچنین گفت: "و تا زمانی‌که روسای مکتبی جهت واحد های آموزش و پرورش شهرستانها و مناطق تابعه استان و مقاطع تحصیلی دبستان، راهنمایی، ودبیرستان درنظر گرفته نشود وکلاس بازآموزی وایدئولوژی و تعلیم روش

قرآن، برای معلمان وراهنمایان تعلیماتی به پایان نرسد ، مدارس همچنان تعطیل است " .

مدارس کردستان‌که سال گذشته را در شرایط جنگی گذرانده ، واین شرایط دانش‌آموزان را نیز بناچار درگیر مسائل جنگی کرده بود بنابراظهار دولت بملت " عدم امنیت و حضور ضد انقلاب" درمنطقه بسته شد ، آموزش وپرورش این منطقه بکلی منحل گردید و دربی آن علاوه بر صدهزار دانش‌آموز ۱۲ هزار کادر آموزشی نیز بیکار می‌شوند . درچنین شرایطی مدارس تهران و شهرستانها شروع بکار کردند .

سکوت سنگین تابستان حیاط مدارس را صدای ۱ – ۲ – ۳ – ۴ ورزش صبحگاهی و "مرگ برآمریکا" دانش‌آموزان شکست وزندگی درمدارس از سرنوع شد اما دیری نپائیدکه محیط بظاهر آرام مدارس ، متشنج شد ، که علل آن را می‌توان بطور فهرست‌وار بشرح زیر برشمرد :

شوراها وسائل مربوط به آن ، پخش اعلامیه و فروش نشریه گروههای سیاسی ، حمایت ازآموزگاران اخراجی ، ورزش وسرود صبحگاهی ، اعتراض به مسوولین امور تربیتی ، اخراج دانش‌آموزان و . . . به بررسی هرنیک از این علل می‌پردازیم :

شوراهای دانش‌آموزان

پس از سقوط رژیم پهلوی شرکت مردم در ارگانهای تصمیم‌گیری بطور جدی مطرح شد و باتوجه به شور انقلابی مردم برای شرکت درامور اجتماعی شوراها بمثابه وسیله‌ای درجهت اعمال قدرت مردمی مورد توجه قرار گرفت . دانش‌آموزان نیز برای محو آثار نظام آموزشی رژیم گذشته درآموزش وپرورش وشرکت فعال درامور مدارس خود به تشکیل شورا در دبیرستانها پرداختند ، با توجه به شرایط انقلابی جامعه این خواست نمیتوانست مخالفتی را برانگیزد وبهمین دلیل نظریه تشکیل شوراها پذیرفته شد . درسطح مدارس نیز با تشکیل شوراها مخالفت چندانی نشد . اما بشرطی که نمایندگان شورا مورد قبول مسوولان مدرسه و وزارت آموزش وپرورش باشند .

اصل انتخابی بودن نمایندگان با این مسئله که نمایندگان باید مورد تایید ریاست دبیرستان قرار گیرند درتناقض قرار گرفت و همین تناقض آغازگر درگیری‌های مختلف در دبیرستانها شد . شوراهایی که منتخب دانش‌آموزان بود با مخالفت مسوولان روبرو می‌شد ، که حمایت دانش‌آموزان از شورا در موارد بسیاری اعتراض و تحصن دانش‌آموزان را بدنبال آورد . نمونه‌ای از این برخورد و پیامدهای آن را می‌توان درمورد شورای دبیرستان دخترانه ولی‌الله نصر تهران مشاهده کرد :

شورای دبیرستان ولی‌الله نصر عمدتا" از نمایندگان واقعی دانش‌آموزان تشکیل شده ومورد حمایت آنان بود . دراین دبیرستان کلیه فعالیتهای صنفی ، سیاسی زیر نظر و با رهبری شورانجام می‌گرفت . بهمین دلیل مدیر مدرسه اعلام کرد که " شورا را قبول ندارم ، شورا باید اسلامی باشد و شعار آن اللهاکبر و تا وقتی نمایندگان شورا اینها باشند من شورا را قبول ندارم " و شورا را منحل کرد دانش آموزان خواهان تجدید انتخابات شدهاند . اما مدیر مدرسه اعلام داشته که : " اگر بعد از انتخابات مجددا" شما نماینده بشوید من شورا را منحل خواهم کرد . " دانش‌آموزان به مدیر اعتراض کردهاند و قرار شدهکه انتخابات مجددی صورت گیرد . پیرامون این مسئله بحثهای زیادی بین دانش‌آموزان درجریان است .

برای اینکه ببینیم دیدگاه دانش‌آموزان درمورد شورا چگونه است با چند تن از دانش‌آموزان صحبت کردیم . نکات زیر نظر یکی از دانش‌آموزان عضو شورای دبیرستان انوشیروان دادگر است ، که بخوبی " جو " حاکم برمدارس ونحوهٔ موضع‌گیریهای دانش‌آموزان را نشان میدهد : " شورا درواقع ارگانی در جهت تحقق خواستهای صنفی ، سیاسی دانش‌آموزان است . خواست های بچه ها نسبت به گذشته از صنفی به سیاسی ارتقاء پیدا کرده است یعنی آنها خواهان آزادی فروش نشریات ، پخش اعلامیه در مدرسه ، تشکیل کتابخانه ، تشکیل شورای علمی هستند و میخواهند که مانند یک عنصر مفید درجامعه فعالیت کنند . شورای مدرسه ما براساس رای‌گیری "دمکراتیک" و با اکثریت آراء انتخاب شد وازحمایت کلیه بچه ها برخوردار بود . نیروهای "سازشکار" در این شورا رایی نداشتند شورا بیشتر خواسته های بچه ها را که سیاسی بود مطرح می‌کرد . ودرقبال هرحادثه‌ای درمدرسه دست به موضعگیری می‌زد . اما مسوولین مدرسه شورا را برسمیت نمی‌شناختند و بهمین دلیل هنگامی‌که شورا از دانش‌آموزان خواست تا برای تشکیل کتابخانه کتاب بیاورند مسوولین مدرسه‌کتابهاراگرفته‌وبعضی ازآنهاراآتش‌زدند . شورا از دانش‌آموزان‌خواست‌کهدست به‌تحصن‌بزنند و مسوولان مدرسه برای جلوگیری از ادامه تحصن پذیرفتند که کتابها را به‌دانش‌آموزان برگردانند . "

یکی از مسوولان دبیرستان نوشیروان دراین‌مورد می‌گوید : " من خودم با شورا موافق نیستم چون ما با یک سیستم قانونی کار می‌کنیم‌که این سیستم با کار شورای دانش‌آموزی عملی نیست . این دو یعنی سیستم اداری مدرسه وشورای‌دانش‌آموزی لازم وملزوم یکدیگر نیستند . مدرسه باید روی یک‌قانون اداره شودکه با افکار بچه‌گانه نمی‌خواند . ما با کمک شورا نمی‌توانیم مدرسه را اداره‌کنیم وشورا اگر تشکیل بشود باید با موافقت مسوولان امور تربیتی ووزارت آموزش وپرورش باشد . "

اخراج آموزگاران

علت دیگر ناآرامی مدارس ، اخراج آموزگاران وحمایت دانش‌آموزان از آنهاست . بنابرآمار اعلام شده از جانب خوشنویسان ، مدیر کل آموزش و پرورش تهران " تاکنون نزدیک به ۱۵ هزار نفر از آموزش وپرورش پاکسازی شده‌اند " واین درحالیست که پاکسازی درمدارس همچنان ادامه دارد و بسیاری از کلاسهای مدارس ساعات درس را بدون معلم سرمیکنند . نحوهٔ انجام این پاکسازیها و ضوابط آن موضوع گفتگو و جروبحث دامنه‌داری است‌که به خارج از مدارس نیز کشیده شده و یکی ازموضوعات مهم مورد بحث درمحافل سیاسی است .

گفته های اعظمی لرستانی نماینده مردم لرستان درمجلس شورای اسلامی درباره پاکسازی آموزش وپرورش لرستان نمونه مناسبی از نحوه اعترافاتی است‌که به چگونگی پاکسازی درآموزش و پرورش ، میشود :

" طبق تصمیم شورای انقلاب لایحه قانونی مربوط به پاکسازی وایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلابی در وزارتخانه ها ، دانشگاهها ، بانکها ، بوسات و شرکتهای دولتی درماده واحده که پاکسازی برمبنای آن است صورت گرفته است . این قانون برای مدت ۶ ماه از طرف شورای انقلاب تصویب شده و بعد طی‌اطلاعیه‌ای اعلام گردید پاکسازی بعداز ۵۹/۶/۶ قانونی نیست . اما با نهایت صراحت باید عرض‌کنم‌که پاکسازی درآموزش وپرورش این استان همچنان ادامه دارد . این می‌رساند که آموزش وپرورش قانون نمی‌شناسد و حدودی برای خود قائل نیست . وبدون توجه به قوانین هنوز پاکسازی را ادامه می‌دهد . بنظر من هیات پاکسازی را مامور کرده‌اند تا افراد ناصالح را اخراج‌کنند اما باید صلاحیت خودشان تحت رسیدگی قرارگیرد . تا حسن نیت و اطلاع آنها از رسیدگی به امور زندگی و اعمال وکردار و خدمت آنها مشخص شود . متاسفانه این پاکسازی در سرتاسر کشور جوی بوجود آورده‌که مردم را ناراضی کرده است ، دربعضی از احکام صادره بدون رعایت ادب به شخص اخراج شده ابلاغ کرده‌اندکه تو را به واسطه انحراف اخلاقی اخراج می‌کنیم . درصورتی‌که دراسلام تهمت زدن بدون دلیل وجود ندارد ، مخصوصا" هرگاه درنظر بگیریم که شخص مورد نظر یک زن است و این‌بزرگترین توهینی است به یک خانواده . "

اما هیچیک از این اعترافات مانع از آن نشد که پاکسازی ها ادامه یابد وتداوم اخراج‌آموزگاران مخالفت بسیاری از دانش‌آموزان را درمدارس بدنبال داشت . نمونه‌ای از این برخورد را در دبیرستان " اکرم صادقپور " واقع در بندر انزلی می‌بینیم : دربی‌برکناری کفیل این دبیرستان در اواخر آبان ماه و جایگزینی یک فرد وابسته به انجمن های اسلامی بجای او ، دانش‌آموزان دبیرستان ، دست به اعتراض و مقاومت زدند ، بطوری‌که رئیس آموزش وپرورش مجبور شد ، کفیل دبیرستان را باردیگر در پست خود ، ابقاء کند .

پخش نشریه و اعلامیه دردمدارس نیز یکی از موارد مهم ایجاد درگیری و تشنج بویژه میان دانش‌آموزان و مسوولان مدارس است . نگاهی کوتاه به وقایعی که در دبیرستان پاسداران (خوارزمی سابق) در تهران اتفاق افتاده چگونگی برخورد دانش‌آموزان و مسوولان مدارس را نشان میدهد . این دبیرستان یکی از مدارسی است‌که فعالیت سیاسی دانش‌آموزان آن‌زبانزد همه بوده وکوششهای زیادی که برای تغییر فضای این دبیرستان بعمل آمد نتوانست مانع از ادامه فعالیت دانش‌آموزان آن

گردد و این دبیرستان بصورت کانونی برای کارهای سیاسی دانش‌آموزان باقی ماند .

در ابتدای سال تحصیلی فعالیت های سیاسی در این دبیرستان بمانند سالهای دیگر از سرگرفته شد . اعلامیه های گروههای سیاسی پخش می‌شد ، نشریات بفروش می‌رسید و روزنامه های دیواری نصب‌میگردید . اما این وضع دیری نپائید و ناگهان ، بدنبال‌اعتراض مسوولان دبیرستان به این وضع هرگونه فعالیت‌سیاسی در محیط مدرسه ممنوع شد . ولی دانش‌آموزان دست‌بردار نبودند و فعالیتهای خود را بصورت مخفی و نیمه علنی ادامه میدادند . تا اینکه در اوائل آذرماه ۲۰ نفر از فعالترین دانش‌آموزان اخراج شدند . واکنش دانش‌آموزان درمقابل این عمل‌بسیار شدید بود وهمه از ۲۰ دانش‌آموز اخراجی حمایت کردند . مدیر مدرسه درمقابل سئوالهای دانش‌آموزان که دلیل اخراج این عده را پرسیده بودند گفت :

" من با شما کاری ندارم ، بگوئید پدرومادرتان بیایند وتکلیف شما راشخص‌کنند . " درجواب این گفته مدیر مدرسه بعضی از دانش‌آموزان گفتند که : " چطور برای رای‌گیری ما به سن بلوغ رسیده‌ایم و میتوانیم رای بدهیم ولی برای اینکوته امور باید پدر ومادرهایمان را بیاوریم ؟ " دانش‌آموزان سپس برای اعتراض دست به تحصن زدند . بمانند دیگر فعالیت های دانش‌آموزان ، فعالیت های مربوط به این تحصن نیز تحت نظر شورای مدرسه‌که متشکل از یک نماینده از هرکلاسی بود ، صورت می‌گرفت ، اما مدیر دبیرستان همواره از به رسمیت شناختن نمایندگان‌شورا سر باز زده است . دلیل اعتراض دانش‌آموزان به وضع کنونی مدرسه بدینگونه عنوان شده است :

" تنها ۷۲ نفر از بچه ها هستند که درمقابل بقیه بچه‌ها که درحدود هزار نفر می‌شوند ، می‌ایستند و به مخالفت با ما می‌پردازند . آنها هروقت اعلامیه‌ای ازگروههای سیاسی بدستشان می‌افتد ، آن را پاره می‌کنند . درهمه جا بدنبال دانش‌آموزان می‌روند تا اعمال آنها را زیرنظر داشته باشند و بمحض دیدن کوچکترین عملی آنها را به دفتر گزارش می‌دهند . البته این شکل از عمل مختص این عده از دانش‌آموزان نیست بلکه تعدادی از معلمین و معاونین مدیر نیز که تازه امسال آمده‌اند همین کار را می‌کنند " . وجود این دونیروی متضاد در مدرسه به درگیریها وبرخوردهائی می‌انجامدکه دربعضی موارد شکل‌حادی پیدا می‌کند . مثلا" در روز چهارشنبه ۱۲ آذر تا روز شنبه ۱۵ آذرماه شاهد یکی از شدیدترین برخوردها در این مدرسه بودیم . در این روز گویا پخش اعلامیه ازطرف گروهها و درگیریهای لفظی بین دانش‌آموزان عضو انجمن‌اسلامی و بقیه دانش‌آموزان به زدوخورد می‌کشد که دربی‌آن عده‌ای از دانش‌آموزان زخمی وروانه بیمارستان می‌گردند .

"یکی از دانش‌آموزان عضو شورای دبیرستان علل زدوخورد را تهاجم از طرف عضو انجمن اسلامی و زیرنظر امور تربیتی به گروههای دیگر میداند که در نتیجه آن مدیر مدرسه هفده نفر از دانش‌آموزان را از دبیرستان اخراج کرد . واینکار باعث مقاومت هایی دردمدرسه شدکه بالاخره بدرگیری وزدوخورد منجرگردید " (نقل از انقلاب اسلامی دوشنبه ۱۱ آذر)

درمقابل آقای نوری مسوول امور تربیتی ناحیه " ۲ " در رابطه با درگیریها وامکان تعطیل کردن دبیرستان اظهار داشت : " قدر مسلم اینست که عاملین این مسئله مشخص خواهند شد و اخراج میشوند ولی خودمان هم میدانیم‌که اخراج راه حل قطعی نیست و وظیفه امور تربیتی‌توجیه دانش‌آموزان است . وباید بگوئیم‌که ما درجهت تعطیل کردن‌پیش نمی‌رویم چون نشان خواهد دادکه ما نتوانسته‌ایم مدرسه را اداره کنیم . " مسوولان دبیرستان که در مقابل این وقایع مسائل شده بودند چاره‌ای جزتعطیل کوتاه مدت مدرسه نداشته ومدرسه را تا تاریخ شروع امتحانات تعطیل وبه‌دانش‌آموزان اعلام کردند که با والدین خود برای دریافت کارتهای امتحانات مراجعه کنند . اما دانش‌آموزان بدون توجه به این مسئله هرروز درمقابل درمدرسه اجتماع کرده وخواهان بازگشت به مدرسه بودند . آنها می‌گفتند کارتهای امتحانات را باید به خود ما تحویل بدهند ومسوولان مدرسه تعهدکنند که دانش‌آموزان اخراجی هم درامتحان شرکت داشته باشند . ناگفته نماندکه دراین درگیریها تعدادی از دانش‌آموزان بعلت زدوخورد زخمی‌شدند . درخبری در روزنامه انقلاب اسلامی روز ۱۷ آذر آمده است که :

" درنزاعهای‌که به بیمارستان فیروزگر داشتیم مشخص شد مجروحین ۹ نفر بوده‌اندکه سه نفر آنها عضو انجمن اسلامی بوده‌اند وبقیه مجروحین بنابه‌گفته بیماران چون تهدید به اخراج از دبیرستان شده بودند محل بیمارستان را ترک کردند . "

انجام ورزش صبحگاهی درمحیط مدارس ، سنتی که امسال دردمدارس رایج شده نشان دهنده تحولی درمحیط آموزشی است‌که می‌توان آن را یکی از نشانه های گسترش روحیهٔ انقلابی در دانش‌آموزان دانست . نفس این امر از هردیدگاهی‌که بررسی شود بدون اشکال جلوه می‌کند ، ولی همین ورزشهای صبحگاهی نیز منشاء پیدایش درگیریهای زیادی بوده است .

یکی از نمونه های درگیری برسرورزش‌صبحگاهی در دبیرستان پروین اعتصامی دورود اتفاق افتاده است : از ۴۴ آبانماه تعدادی از دانش‌آموزان علاقمند به ورزش صبحها درمحوطه مدرسه اجتماع کرده به ورزش می‌پردازند که این عمل با اعتراض مسوولان مدرسه روبرو می‌شود ولی علیرغم مخالفت آنان ، دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه همچنان برنامه ورزش خود را ادامه می‌دهند که ادامه این امر منجر به اخراج دونفر از دانش‌آموزان می‌شود .

درپی این حادثه به حمایت ازدانش‌آموزان اخراجی ، عده‌ای از دانش‌آموزان خواستار تشکیل شورا و بازگشت آموزگاران تصفیه شده به سرکارشان می‌شوند . عده‌ای نیز درمخالفت با آنان به نظاهرات می‌پردازند که سرانجام کار به زدوخورد دوگروه می‌انجامد وبراثر آن چهار دانش‌آموز زخمی می‌شوند که حال یکی ازآنان وخیم است .

یکی از دانش‌آموزان عضو انجمن اسلامی درمورد ورزش صبحگاهی و پخش نشریات واعلامیه دردمدارس چنین می‌گوید : " این توطئه گروههای منافق و چپی است‌که به شکل سازمان یافته و همزمان با تبلیغات رادیوهای اسرائیل وآمریکا برای به تعطیل کشاندن مدارس انجام گرفته است . همه این توطئه ها برای درهم شکستن حکومت انقلابی و نوپای جمهوری‌اسلامی است‌که ما بشدت با آن به مقابله برخواهیم خاست . "

* * *

آنچه گذشت مروری گذرا برحوادث اخیر مدارس بود . برای بررسی ریشه‌ای این مسئله وپی‌بردن به رابطه آن با بحرانی‌که درسطوح مختلف جامعه بچشم میخورد تحقیقی همه‌جانبه لازم است‌که دراین مختصرنمی‌گنجد و شرایط ساعدتری را می‌طلبد . هدف ما ، تنها نشان دادن جنبه های مختلف بحرانی است‌که باید بررسی درباره آن چاره‌جوئی شود . بحرانی‌که جدی‌تر ازآن است‌که با

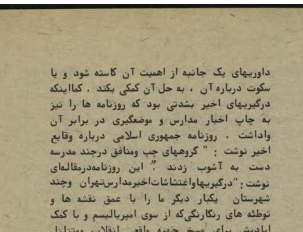

دلیل وکردار و خدمت آنها مشخص شود . متاسفانه این پاکسازی در سرتاسر کشور جوی بوجود آورده‌که مردم را ناراضی کرده است ، دربعضی از احکام صادره بدون رعایت ادب به شخص اخراج شده ابلاغ کرده‌اندکه تو را به واسطه انحراف اخلاقی اخراج می‌کنیم . درصورتی‌که دراسلام تهمت زدن بدون دلیل وجود ندارد ، مخصوصا" هرگاه درنظر بگیریم که شخص مورد نظر یک زن است و این‌بزرگترین توهینی است به یک خانواده . "

اما هیچیک از این اعترافات مانع از آن نشد که پاکسازی ها ادامه یابد وتداوم اخراج‌آموزگاران مخالفت بسیاری از دانش‌آموزان را درمدارس بدنبال داشت . نمونه‌ای از این برخورد را در دبیرستان " اکرم صادقپور " واقع در بندر انزلی می‌بینیم : دربی‌برکناری کفیل این دبیرستان در اواخر آبان ماه و جایگزینی یک فرد وابسته به انجمن های اسلامی بجای او ، دانش‌آموزان دبیرستان ، دست به اعتراض و مقاومت زدند ، بطوری‌که رئیس آموزش وپرورش مجبور شد ، کفیل دبیرستان را باردیگر در پست خود ، ابقاء کند .

پخش نشریه و اعلامیه دردمدارس نیز یکی از موارد مهم ایجاد درگیری و تشنج بویژه میان دانش‌آموزان و مسوولان مدارس است . نگاهی کوتاه به وقایعی که در دبیرستان پاسداران (خوارزمی سابق) در تهران اتفاق افتاده چگونگی برخورد دانش‌آموزان و مسوولان مدارس را نشان میدهد . این دبیرستان یکی از مدارسی است‌که فعالیت سیاسی دانش‌آموزان آن‌زبانزد همه بوده وکوششهای زیادی که برای تغییر فضای این دبیرستان بعمل آمد نتوانست مانع از ادامه فعالیت دانش‌آموزان آن

دلیل وجود ندارد ، مخصوصا" هرگاه درنظر بگیریم که شخص مورد نظر یک زن است و این‌بزرگترین توهینی است به یک خانواده . "

اما هیچیک از این اعترافات مانع از آن نشد که پاکسازی ها ادامه یابد وتداوم اخراج‌آموزگاران مخالفت بسیاری از دانش‌آموزان را درمدارس بدنبال داشت . نمونه‌ای از این برخورد را در دبیرستان " اکرم صادقپور " واقع در بندر انزلی می‌بینیم : دربی‌برکناری کفیل این دبیرستان در اواخر آبان ماه و جایگزینی یک فرد وابسته به انجمن های اسلامی بجای او ، دانش‌آموزان دبیرستان ، دست به اعتراض و مقاومت زدند ، بطوری‌که رئیس آموزش وپرورش مجبور شد ، کفیل دبیرستان را باردیگر در پست خود ، ابقاء کند .

پخش نشریه و اعلامیه دردمدارس نیز یکی از موارد مهم ایجاد درگیری و تشنج بویژه میان دانش‌آموزان و مسوولان مدارس است . نگاهی کوتاه به وقایعی که در دبیرستان پاسداران (خوارزمی سابق) در تهران اتفاق افتاده چگونگی برخورد دانش‌آموزان و مسوولان مدارس را نشان میدهد . این دبیرستان یکی از مدارسی است‌که فعالیت سیاسی دانش‌آموزان آن‌زبانزد همه بوده وکوششهای زیادی که برای تغییر فضای این دبیرستان بعمل آمد نتوانست مانع از ادامه فعالیت دانش‌آموزان آن

میدهد :

" کسانی‌که درمحیط های آموزشی هستند ، نباید فعالیت سیاسی آزاد را با ماموریت سیاسی اشتباه گیرند . هرکس حق انتقاد دارد واین نکته قابل توجه است‌که بیامهای توطئه‌آمیز با فعالیتهای سیاسی هیچگاه انطباق ندارد . "

همانگونه‌که ازگفته دکترباهنر برمی‌آید ، اصل فعالیت سیاسی درمدارس دستکم از سوی وزیرآموزش وپرورش و بعضی مقامات دیگر قابل قبول بنظر میرسد وآنچه از سوی آنان مورد اعتراض است . نحوه این فعالیت ها و بخصوص گروههای سیاسی مرتبط با آنهاست . اما با توجه به گسترش و پیچیدگی مسایل مربوط به موسسات آموزشی‌که مکررا" درگزارش ها و اعلامیه های مسوولان نیز بدان اشاره می‌شود ، وهمانگونه‌که دراین گزارش برای نشان دادن آن کوششی‌شده ، مساله موسسات آموزشی تنها به فعالیت سیاسی دانش‌آموزان محدود نمی‌شود و مشکلات دیگری با همین اندازه اهمیت را دربر میگیرد ، مسائلی‌که با شناخت همه‌جانبه تحولات عمیق محیط آموزشی کشور ، و با توجه به خواست‌ها و انتظارات نسل جوان و پذیرش اهمیت آن ، قابل حل است .

آنچه در زیر می‌آید جدولی از وضعیت و مسایل مربوط به چند موسسه آموزشی درتهران و شهرستانها است که در مطبوعات انعکاس یافته است

نام دبیرستان	علت یاآرامی	وضعیت
خوارزمی (دخترانه)	فعالیت‌های سیاسی	بلاتکلیف
ابوریحان (پسرانه)	خواندن یک اعلامیه	دوکلاس منحل شد
منوچهری (پسرانه)	برخورد بین دوگروه مخالف	دخالت پاسداران درگیری را خاتمه می‌بخشد ، وضع مدرسه‌غیرعادی است
گهرپرور (دخترانه)	درگیری بین دوگروه از دانش‌آموزان	درگیریها کماکان ادامه دارد ، یکنفر اخراج میشود
هدایت	برگزاری نمایشگاه از طرف دانش ـ آموزان که با مخالفت عده‌ای دیگر از دانش‌آموزان روبرو میشود دانش‌آموزان شعار می‌دادند : "هم‌درس ، هم‌سیاست . "	مسئولین ناحیه ۴ تصمیم به انحلال گرفتند .
جاویدان	تفتیش بدنی دانش‌آموزان بوسیله بوسیله یک فرد مسلح که به‌مدرسه آمده بود .	تحصن دانش‌آموزان
مهدخت (شیرازـ دخترانه)	اخراج سه تن از دانش‌آموزان‌هوادار مجاهدین بعلت اینکه با شعارجمعیت همراهی نکرده و شعار " اتحاد اتحاد علیه امپریالیسم " را داده‌اند	اخراج‌سه تن از دانش‌آموزان
حکمت (دخترانه)	فعالیتهای سیاسی	منحل شد
شریعتی (باخجی‌آباد)	درگیری بین دانش‌آموزان انجمن اسلامی ودیگران به علت انجام مراسم ۱۳ آبان	ـ

مهرگان (دخترانه ـ قم)	اختلاف بین معاونین ورئیس دبیرستان‌واستعفای‌مدیردبیرستان	تحصن دانش‌آموزان
هنرستان‌صنعتی مشهد	درگیری وخشونت	ـ
پروین اعتصامی (دورود)	درگیری وخشونت میان دوگروه از دانش‌آموزان	۴ مجروح و ۲نفر اخراج
آنوشیروان دادگر	اجرای برنامهٔ ورزش صبحگاهی و خواندن‌سرود توسط ۵۰۰ دانش‌آموز	انحلال مدرسه
توحید (بهشهر)	تهدید به‌اخراج دانش‌آموزان توسط مدیر دبیرستان	ـ
جمشیدیه،برق و الکترونیک سابق (تبریز)	۵۹/۷/۲۴ ورود پاسدار مسلح به محوطه دبیرستان برای‌دستگیری دانش‌آموزان ۵۹/۸/۸ ورود پاسدار مسلح به کارگاه دبیرستان برای دستگیری دانش‌آموزان	ـ
هنرستان‌نورآباد ممسنی پیشاهنگ	درگیری واعتراض دانش‌آموزان فعالیت سیاسی دانش‌آموزان ، ورود ماموزان مسلح‌کمیته‌بمدرسه	سال اول هنرستان منحل میشود تهدید به‌اخراج ودستگیری ۱۲ دانش‌آموز
مدرسه راهنمایی دکتر شفق (هشترود)	فعالیت سیاسی	تهدید به‌اخراج دانش‌آموزان
عشایری	فعالیت سیاسی	اخراج ۱۱ دانش‌آموز
تربیت (شبیران)	فعالیت سیاسی	انحلال
صدیقه رضایی (نازی‌آباد)	فعالیت سیاسی	اخراج ۲ دانش‌آموز
شرف	فعالیت سیاسی	اخراج چندتن ازدانش‌آموزان

بادآوران (دخترانه ـ شهری)	فعالیت سیاسی	تهدید دانش‌آموزان‌که در خارج از مدرسه مشغول فروش‌کتاب بودند
بهارکودک	فعالیت سیاسی	اخراج ۱۵ دانش‌آموز راهنمایی
ایران تکنیک	فعالیت سیاسی	اخراج چند تن ازدانش‌آموزان
گلبرگ	فعالیت سیاسی	اخراج یک نفر
خزائلی	فعالیت سیاسی	تفتیش بدنی
هفده شهریور	اجرای برنامه ورزشی	تهدید مدیر دبیرستان برای‌تعطیل ورزش
هنرستان صنعتی و دبیرستان خدمات و واحد آموزشی حرفه‌ای‌رام (صومعه‌سرا)	راهپیمایی جداگانه درروز ۱۳ آبان توسط دانش‌آموزان این ۳ مدرسه و ایجاد درگیری	لغو حکم روسا و معاونین این سه مدرسه توسط رئیس آموزش وپرورش صومعه‌سرا وانحلال مدارس ، ثبت نام مجدد توسط ۴ نفر از انجمنهای اسلامی و یک پاسدار
سفر	راهپیمایی ونظاهرات‌دانش ـ آموزان برای بازگشایی‌مدارس وانجام امتحانات تجدیدی	دستگیری ۱۰۴ دانش‌آموز
آزادگان (رشت)	ضرب وشتم یکی دانش‌آموزان بدلیل توزیع نشریه یکی از گروههای‌سیاسی ،توسط یکی ازمعلمین	دستگیری دانش‌آموز توسط سپاه
صدیقه رضایی (بابل)	فعالیت سیاسی	اخراج یک دانش‌آموز
فاطمه امینی	ورزش صبحگاهی ـ اعتراض‌وتحصن	اخراج ۱۲ نفر
هدف شماره ۳	ورزش صبحگاهی	تهدید به اخراج ۱۲ نفر از دانش ـ آموزان و توبیخ دانش‌آموزان توسط مدیر مدرسه
شرف	ورزش صبحگاهی	ضرب وشتم وتهدید به‌اخراج یک دانش‌آموز
رازی (عجیشیر)	تحصن واعتراض برای بازگشت ۲ معلم اخراجی	ـ
لعبا (ارومیه)	فعالیت سیاسی	اخراج ۲۲ نفر از محصلین و رئیس دبیرستان
صدیقه رضایی (دخترانه ـ آغاجاری)	خواندن یک مقاله توسط یک دانش‌آموز برای دیگران	اخراج ودستگیری ۲ دانش‌آموز

باواژه تلخ

شکنجه

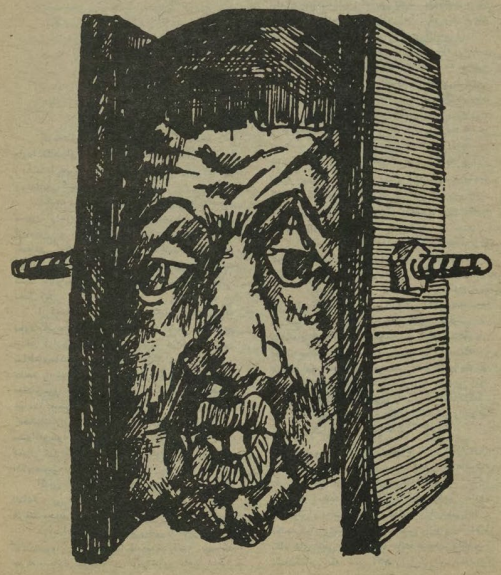

زمزمه‌های روزافـــزون وجود شکنجه در بازداشتگاههای کشور، سرانجام مسوولان امر را واداشت تا هیئتی را مسئول رسیدگی به وضع زندانها و زندانیان کند .

شکنجه برای مردم میهن ما کلامی تلخ و آشناست ، بسیاری از عزیزترین فرزندان میهن در شکنجه‌گاههای آریامهری و در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها از دست رفتند . وطبیعی است که خلق سنگکنید ما که با قیام قهرمانانه خود خط بطلانی بر نظام پوسیده گذشته کشید ، نتواند چنین اعمال غیر انسانی را دوباره تحمل کند .

از آنجاکه شکنجه بهرشکل کمابیش و هرنامی که بخود بگیرد عملی ضدانسانی و ضد تکاملی است هیچ انسان آزاده‌ای نمی تواند ونباید در برابر چنین مساله‌ای ساکت بنشیند ، و از آنجاکه اعمال شکنجه ، جامعه را سرانجام بسوی دوران تاریک وحشیگری و اختناق سوق خواهد داد . از "هیئت بررسی" مصرا" خواسته میشود تا بدور ازهرگونه چشم پوشی و "مصلحت‌گرائی" ، بگونه‌ای که اعتماد عمومی را نیز پشتوانه‌ی خود داشته باشد ، بیگیرانه مساله شکنجه را دنبال کند . و نتیجه تحقیقات خود را نیز در معرض افکار عمومی قراردهد .

اکنون که مساله شکنجه دوباره بسر سرزبانها افتاده ، بی مناسبت نیست که سیر تاریخی شکنجه را هرچند مختصر ، بررسی کنیم :

در سراسر تاریخ ، کمتر زمانی را میتوان یافت که شکنجه و آزاربرزندگی انسانها سایه نیافکنده باشد چراکه ستمگران برای بقای خودو تداوم غارت خلقها ناچار به محیطی " امن " و " وحشتزا " ، به "مرداب" نیازدارند تا فریادهای اعتراض خفه‌شود و "مرداب" همچنان " مرداب " باقی بماند .

اگرچه درعصر حاضر شکنجه شکلی پیچیده و ابعادی وحشتناک یافته است ، پیدایش آن مربوط به زمانهای بسیار دوراست . ازآن زمان کهنطقه "طبقات" بستند وظلم و غارت ، هستی انسانهارا برباد میداد . تاریخ بشریت سرشار ازلکه های سیاه و ننگین شکنجه و آزار انسانهای معترض و آزاده است ، انسانهائی که نمی خواستند به نظام ستمگرانه تن دردهند وتعلمهای آزادی‌دراندیشه‌شان زبانه می کشید ، به‌شکنجه سپرده میشدند ، اما نه برای گرفتن اقرار ، که برای ایجاد ترس و وحشت درمردم وجلوگیری ازقیام آنها .

"وقتی پوسیگ عیسوی را بحضور شاه بردند و اظهاردانست که برشهادت هنگیتان خود غبطه میخورد و به عظمت شاه وقتی نمی گذارد ، شاهپور را غضب درگرفت و فریاد زد این مرد را ببرک دیگر مردمان نکشید چون جلالت شاهانه را تحقیر کرد . . . زبان او را از پشت سر برآورند تا سایرین کـه هنـوز در قیـد حیاتند بـدان سبب از خشم من بترسند " (۱) . بی‌تردید درنظامی‌که جز برشکنجه و آزار استوار نیست ، تنها عصیانگران آگاه شکنجه نمیشوند بلکه مژدمان کوچه وبازار که بار ستم فزون بر دوش دارند نیز به جرمهای ابدک وحتی واهی وحشیانه شکنجه میشوند .

"خشایارشاه دستور داد سر پسر بی تبوس را که خواستار معافیت او ازخدمت نظام شده‌بود بریده و جنازه اورا درمعرض عام قراردهند " (۲)

" کوروش کوچک درآسیای صغیر والی‌بود . نمی توان گفت که از فریب اشخاص بددات‌ومنقلب را می عبود . زیرا آنها را سخت مجازات میکرد . در شاهراهها اشخاصی دیده میشدندکه یاهاودست‌هایشان قطع شده‌بود . " (۳) آنچه مسلم است . آزاروشکنجه ، هیچگاه در حدمعینی باقی نمی ماند . روز به روز گسترش یافته وأشکال وحشیانه تری را بخودمی گیرد تا ترس و اختناق شدیدتری را بر جامعه حاکم‌کند .

"" خسرو انوشیروان بعضی از مجرمان را پوست کنده و پوست‌ایشان را بکاه انباشت " (۴)

"اپاروس والی باغی مصراکه ناه بین‌گرفته بود ، به‌دربارشاه آوردند ودراثر وسوسه آمیزترین مادرشاه (اردشیر) اورا برسرمیله‌های نوک‌تیز کشتند " (۵)

اما آنچه‌درتاریخ شکنجه جای خاصی داردو سیاهترین و وحشیانه‌ترین صفحات آنرا رقم‌می‌زند ، شکنجه کسانی است که اندیشه نوئی را برای مقابله با نظام های متکی بر ظلم ، به جامعه عرضه می‌داشتند . شکنجه‌کسانی که بذر آگاهی را درقلب توده‌ها می کاشتند .

"درزمان بهرام پنجم مسیحیان به طرق‌هولناکی معذب شدند وبعضی را زنده ، زنده پوست کندند . . .

یعقوب‌مسیحی درزمان بهرام پنجم ابتدا انکار دین خودرا درنزد پادشاه‌کرد وپس‌ازاینکه تن وفرزندش‌اورا سرزنش کردند دوباره برگشت و ایمان خود را اقرار کرد پادشاه‌بسیارخشمناک‌شدو او را به جلادان سپرد تا بدنش را قطعه قطعه نمایند و پس‌از آن اورا یعقوب مقطع‌گفتند " (۶)

اندیشه‌های نو ازآنجاکه بمانگر دردها ورنجهای توده مردم بود وسادگی درا عماق‌قلوب مردم‌نیز نفوذ کرده ، مقاومتی توده‌ای را درمرابر ستمگران بی ریزی میکرد ، موردوحشیانه‌ترین‌هجوم‌ها نیزقرار می‌گرفت و بیروان چنین اندیشه هائی به بدترین عقوبت ها گرفتار میشدند .

"درزمان شاهپور وبزرگدودوم ، به جرم داشتن عقیده مذهبی ، بدن‌مسیحیان‌را روغن می مالیدند و دست و پـایشان را بسته ، درون سیاهچال‌مرطوب و متعفنی می انداختند و درکنارشان تعدادی موش گرسنه رها می کردند . موشها به هوای‌بوی روغن بدنشان را گاز گرفته وبه سرعت، گوشت بدن آنهارا می کندند . این محبوسین مدتهای طولانی زجر را تحمل کرده و پس‌ازرمانی دراز می مردند " (۷)

درنظام ظلم ، محدوده شکنجه و کشتار ، آنچنان گسترده میشود که حتی کسانی چون "حلاج" را نیز بکام خود می کشد . و چرا؟

زیراکه "ازاسرارباخلق سخن می گفت ، تااورا حلاج‌الاسرارکنند " و چراکه هندیان نیز اورا ابوالمغیث (فریادرس) نامیدند .

داستان دردناک و درعین حال سرشار ازدرس زندگی حلاج ، این آزاده سرکش بیانگر عمق فاجعه‌ای است که برجوامع متکی‌بر زور وفریب‌می رود . حلاج‌را به جرم الحاد و کفـر ! وبدستور خلیفه عباسی "المقتدربالله " اسکلهام می کنند .

" هرکس سنگی می‌انداختند ، شبلی" موافقت را گلی انداخت . حسین‌بن منصور آهی کرد . گفتند : از این همه سنگ چرا هیچ آه نکردی ؟ از گلی آه کردی . چه سراست ؟ . گفت : آن‌که آنها نمی‌دانند ، معذورند . از او سخنم می‌آید که میدانند که نمی‌باید انداخت . پس دستش جداکردند ، خندهی بزد ، گفتند : خنده چیست ؟ گفت : دست از آدمی بسته جدا کردن آسان است . مردآن است که دست صفات ــ که کلاه همت از تارک عرش دربی‌کشد ــ قطع‌کند . پس پاهایش ببریدند . . . پس چشمهایش برکندند . . . . پس زبانش ببریدند و نماز شام بود که سرش ببریدند " (۸)

همانگونه که تاریخ همواره نشان داده ظلم و شکنجه و غارت پایدار نمی‌ماند و دربرابر خود موجی عظیم از مقاومت را برمی‌انگیزد . با گذشت زمان ، اعتراض های پراکنده و عصیانهای بی‌برنامه ، هسته های مقاومتی سازمان یافته را درخود متبلور می‌سازند . از این پس اعمال شکنجه شکلهای پیچیده‌تری بخود میگیرد . رشد آگاهی مردم و گسترش روزافزون مقاومت و مبارزه برای درهم شکستن هرگونه ظلم و نابرابری سبب میشودکه شکنجه گاهها از ملاء عام به مخفی‌گاهها و دور ازچشم تغییر مکان یابد وشیوه پیچیده‌تر گردد . درعصرحاضر کمتر جامعه‌ای را میتوان یافت‌که درآن از شکنجه اثری نباشد . داسیکنی فراسیس یکی ازآزادیخواهان افریقای جنوبی ، جریان بازپرسی‌اش را توسط شکنجه‌گران افریقای جنوبی‌چنین نقل می‌کند :

" کیوه های مخصوصی بگوشهایم وصل‌کردند و برق را از آن جریان دادند . وحشتناک بود . تمام تنم میلرزید ودرسرم امواج برق را حس می‌کردم . . . درتمام این مدت سوول‌پیچم میکردند . فکر می‌کردم که هرگز تمامی نخواهد داشت " (۹)

تاسف‌بار اینکه در قوانین اساسی همه جوامع ، شکنجه وآزار بهرشکلی ممنوع شده است . با این‌حال قدرتمندان علاوه براعمال آن ، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی را نیزکه قاعدتا" باید " وجدان بیدار" جامعه باشند وهرگونه ظلم و ستمی را درمعرض افکار عمومی قرار دهند ، درکنترل خویش دارند و چنان وانمود می‌کنند که گویا اصلا" از شکنجه وآزار درمورد زندانیان خبری نیست .

قاضی تران نوکلین در ۱۹۷۳ ضمن تاکید برپنج چهارم ماده ۷ قانون اساسی وینتنام جنوبی مبنی برممنوعیت شکنجه وتهدید برای گرفتن اقرار از متهم ، رژیم امریکایی سایگون را بمحاکمه میکشد و میگوید :

" با چشمان خود دیده‌ام که بازپرس ، زندانیان را روی نیمکتی بزور خوابانده در دهان وبینی‌اشان آنقدر آب صابون ، آب فاضل‌آب و آب مستراح میریخت که شکمشان باد میکرد . . . . مجازات با بشکه آب از همه شکنجه ها بدتر است . . . . آنها مجرم را مجبور می‌کنند صاف درپشکه ایستاده ، ساعتها آب ، قطره قطره برسرش بریزد . اگر شخص دیوانه نگردد ، حتما این احساس باو دست میدهدکه سرش خواهد ترکید . برای دادستانی‌که سرسری این بازداشتگاهها را بازرسی کند همه چیز قانونی به‌نظر می‌آید . آب تمیز برای استحمام زندانیان ، اجاق برقی برای گرم کردن ، صابون و غیره ، با وجود این من آهنگ هرگیار قطره های آبی راکه از سقف

میریخت ، فریاد های خفقان‌آلود ، ضربات بی‌صدا ، صداش‌که شبیه انعکاس انفجار بمبی در دوردست بود ولی مربوط به‌افتادن اجساد برکف سیمانی اطاق میشد را شنیدم . . . " (۱۰)

ستمگران انگلیسی ، آزادیخواهان ایرلند شمالی را وامی‌دارندکه پایای برهنه روی انبوه شیشه های خرد شده بدوند ودرحین بازجوئی تحت اشکال مختلف شکنجه وزیرضربات سهمگین تازیانه وآزارهای جسمی وروحی ازآنان اعتراف میگیرند . این اعمال دهشتناکه ، زندانیان را غالبا" به مرز جنون می‌کشاند . " (۱۱)

"ادوینا استوارت" دبیر اتحادیه نهضت "حقوق مدنی" ایرلند شمالی درباره‌جنایات دژخیمان انگلیسی در ایرلند می‌گوید :

" دژخیمان مخصوصا" ضربات سهمگین تازیانه را به کشاله ران وسایر نقاط حساس بدن وارد می‌کنند . آنها با آتش سیگار و سوزن‌هائی‌که زیرناخن زندانیان فرو می‌کنند ازآنان اعتراف می‌خواهند . دژخیمان ، قرتانیان خود را روی زمین خوابانیده بصورتشان ادرار ریخته و با میگنه های آهنین سرآنها را تحت فشار قرار می‌دهند . " (۱۲)

دردناکتراین‌که زندانیان سیاسی همه جوامع به طرق گوناگون ودراشکال مختلف مورد آزار و شکنجه قرار میگیرند . اگر چه رژیم‌های حاکم اغلب اصل " وجود زندانی سیاسی " را میکنند و از زندانیان سیاسی با کلماتی چون " تروریست " ، " مفسدین علیه امنیت کشور" ، " آشوبگر" ، " برهم زننده نظم عمومی " و . . . . نام می‌برند ، درمورد اعمال شکنجه نیز سکوت روا می‌دارند و تنها وقتی که کار بالا میگیرد از این اعمال باجملاتی دوپهلو چون " کمی خشونت بکار رفته است " ، " تنبیه شده‌اند " ، "ماموران دربرخورد از خود دفاع‌کرده‌اند " و . . . . یاد می‌کنند همانگونه که کمیته تحت نظارت "لردکامپتون" برای فرونشاندن آتش خشم افکار عمومی مردم جهان علیه اعمال وحشیانه ارتش بریتانیا نسبت به آزادیخواهان ایرلند شمالی از زندانیها بازدید می‌کند ودرگزارش خود حتی از اعتصاب غذای زندانیان برعلیه ستمگری های انگلیسی با جمله " زندانیان از خوردن غذا امتناع می‌کنند" یاد می‌کند و میگوید :

" اگرچه با زندانیان ایرلند شمالی به خشونت رفتار شده است ، ولی افراد ارتش بریتانیا از تعلیماتی که بآنها داده شده است دوری نجسته‌اند " (۱۳)

دور نیافتیم . تاریخ‌معاصر خودمان نیز نمونه‌های گویایی از این فجایع را در بردارد . فرخی یزدی شاعر آزاده و میهن‌پرست را در نوروز ۱۳۲۸ به جرم بیان حقیقت و بدستور ضیغم‌الدوله قشقایی به‌زندان می‌افکنند و دهانش را با نخ وسوزن می‌دوزند . آزادیخواهان این عمل وحشیانه را برملا میسازند ولی " وزیرکشور این حادثه جنایت‌آمیز را تکذیب کرد درصورتی‌که همان موقع لب و دهانش (فرخی) مجروح ودرشهربانی یزد محبوس بوده است " (۱۴)

از یاد نبرده‌ایم خاطره ۹ فرزند انقلابی خلق را که در ۱۳۵۴ بزیر شکنجه های وحشیانه دژخیمان ساواک کشیده شدند تا اراده پولادین آنها درهم نشکسته و به تسلیم وسازش با رژیم وادار شوند و آنها از این آزمایش تاریخی نیز سربلندتر از همیشه بیرون آمدند و جلادان ددمنش ناجوانمردانه نیرباراشان کردند و با وقاحت وبی‌شرفی اعلام داشتند :

" زندانیان ضمن انتقال از زندان به زندان دیگر درحین فرار کشته شدند "

هدف از شکنجه تنها گرفتن اقرار نیست . بلکه نظام متکی برشکنجه ، ایجاد رعب و وحشت و خفقان ، سرکوب اندیشه های آزادیخواهانه و به سکوت واداشتن آزادیخواهان را نیز مدنظر دارد .

به این بررسی درتاریخ شکنجه ادامـه خواهیـم داد . . . . .

منابع : (۱) تا (۷) تاریخ شکنجه (۸) تذکرةالاولیاء- عطار (۹) افریقای سیاه درچنگال استعمار (جلد دوم) (۱۰) درویشتام (۱۱) تا (۱۳) ایرلند ویتنام ثانی (۱۴) دیوان فرخی

> باز آمدم‌چون عید نو ، تا قفل زندان بشکنم
> وین‌چرخ مردم خوار را چنگال ودندان بشکنم
> هفت اختر بی‌آب را ، کین خاکیان را می‌خورند
> هم آب برآتش زنم ، هم بادهاشان بشکنم
>
> "مولانا"

درآستانه تدوین قانون تازه مطبوعات

تاریخ ۱۴۰ ساله مطبوعات ایران از فراز و نشیب های بسیاری سخن می‌گویندکه با آنچه در کل جامعه ایران درحال گذار و شکل گیری بوده و هست رابطه‌ای تنگاتنگ دارد . اگر طی دوره ای مطبوعات را بشدت دچار سانسور و اختناق می‌بینیم ، شرایط موجود جامعه در آن دوره نیز حکایت از اوج بحران‌هائی دارد که اجتماع درگیر آنها بوده است . رژیم هائی مستبد از نوع رژیم گذشته ایران ، اگر بیشترین هم و توان خود را صرف مقابله با آزادی ها و به انحصار کشاندن تمام و کمال روزنامه ها می‌کنند این بدان خاطر است که چنین رژیم هائی به افشای ماهیتشان تاید که به مقابله با آزادی ها برخیزند ، و اگر بیشترین سعی را در به بند کشیدن روزنامه از خودنشان می‌دهند دلیلی ندارد جز اینکه آزادی مطبوعات نقشی اساسی در استقرار دیگر آزادی های اجتماعی دارد . حکمرانانی با ماهیت رژیم پیشین ایران این حقیقت را بخوبی دریافته بودند که بدون آزادی مطبوعات دیگر آزادی های سیاسی و اجتماعی نیز دوام و قوامی نخواهنـد داشت . و امروز ما ناچار از پذیرای این واقعیت تلخ اما انکارناپذیر هستیم که یکی از عمده ترین علل با برجائی رژیم گذشته به انحصار گرفته شدن تمام و کمال روزنامه‌ها ودیگروسائل ارتباط جمعی بوده‌است . چرا که رژیم توانسته بود با در بند کشیدن مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی عرصه این رسانه ها جولانگاه قلم‌ها و افکار پژدورانـی سازد که با سطر سطر نوشته هایشان به خیال خود پایه های قدرت‌حاکم را استحکام بخشند و به سال‌های حاکمیت آن بیافزایند .

اما اگر درمرحله‌ای به انحصار گرفته شدن تمامی مطبوعات ، یکی از دلایل تداوم حاکمیت رژیم پیشین بود ، بی‌تردید حضور همین مانسور و اختناق در جامعه نیز یکی از اساسی‌ترین انگیزه های مردم برای مقابله با انحصارگری و استبدادشد .

در روزهای شکل گیری واوج قیام مردم علیه رژیم خودکامه پهلوی شاهد بودیم عوامی که از سال های طولانی و سیاه اختناق به تنگ آمده بودند ، لغو سانسور و اختناق ترجیح بند خواستهایشان را تشکیل می‌داد . مردم از سال های فقدان آزادی این درس پربها را آموخته بودند که بدون حضور روزنامه‌ها و نشریاتی بدور از قید و بندهای وابستگی و جدا از گرایش به این یا آن گروه و دستهی خاص ، زمینه های استقرار دیکتاتوری هرگز در جامعه فراهم نخواهد شد . تجربه روزهای کوتاه ولی دلپذیر آزادی مطبوعات بیانگر این واقعیت است که مردم از روزنامه ها حقیقت را جستجو میکنند وسطرهای روزنامه اگر همچون آینه ای در برگیرنده حقایق و واقعیت های اجتماع باشند پیوسته مورد تایید توده ها قرار خواهند گرفت .

گفتیم که رویدادهائی که عرصه مطبوعات شاهد آن‌ها بوده و هست ، در ارتباطی مستقیم و رویاروی با تمامی جریان هایی است که در کل جامعه می‌گذرد و درست به همین خاطر ، همزمان با مطرح شدن

مسائلی بین جناحهای دست اندرکارقدرت ، نطفه ـ های بروز بحران در مطبوعات نیز تدریجا بسته شد. این‌بار نیز مانند همیشه روزنامه‌ها اولین قربانیان محدویت آزادی ها شدند . در جریان این درگیری ها کشمکش ها سرانجام کار بدانجا کشید که در اندک زمانی با اعمال مجدد سانسور بر روزنامه ها ، بار دیگر جامعه از داشتن مطبوعاتی آزاد محروم شد و راه برای انواع دروغ‌پردازی ها ، تهمت ها ، شایعه پراکنی ها و در نتیجه بی اعتمادی و دلزدگی مردم باز ماند .

در سال گذشته و در زمان حکومت دولت موقت بازرگان در روزهائی که بحران مطبوعات به اوج خود رسیده بود ، لایحهٔ مطبوعات از طرف یکی ازکمیسیون های وزارت ارشاد تهیه و به تصویب شورای انقلاب رسید . این قانون در شرایطی تهیه کند که هنوز قانون اساسی یعنی قانون مادری که تمامی قوانین می باید در کنار آن به اجرا درآیند به تصویب نرسیده بود . در چنین حالتی قانون مطبوعات می‌بایست مستقلا و بدون ارتباط با قانون اساسی به مرحلهٔ اجرا در می آمد .لایحهٔ مطبوعات علیرغم مخالفتها و اعتراض های پی در پی صاحبنظران و محافل ذی‌صلاح در امر مطبوعات به تصویب رسید . پس از به تصویب رسیدن این لایحه بیش از ۲۵۰ تن از اعضای جامعه مطبوعات در نامه ای خطاب به نخست‌وزیر و وزیر ارشاد ملی وقت نوشتند که بنا به دلایلی گوناگون ،آنچه که بنام قانون مطبوعات در شورای انقلاب به تصویب رسیده است برای جامعهٔ مطبوعات ایران قابل قبول نیست .

علیرغم اعتراضات مکرر ،حتی همین قانون نیم بند مطبوعاتی نیز به مرحلهٔ اجرا گذاشته نشدو بارها توسط خود تهیه کنندگان آن بزیر پا گذارده شد . از جمله، به موجب قانون مطبوعات وزارت ارشاد ملی تنها مرجع صالح برای توقیف و یا تعطیل مطبوعات دادگاههای دادگستری و مقامات قضائی هستند و رای هیات منصفه در ادامه و یاتوقف انتشار یک نشریه لازم است .اما شاهد بودیم که در موارد متعدد نشریات قانونی و دارای امتیاز رسمی بدون ارجاع به دادگاه ، تنها بدلیل انتشار این یا آن مقاله به تعطیل کشانده شدند . بی قانونی حاکم بر جامعهٔ مطبوعات امروزه به مرحله ای رسیده است که جامعه از فعالیت مطبوعاتی پویاکه‌جنبه‌های‌مختلف‌اجتماع‌را تصویر کند محروم شده و این محرومیت همه روزه ابعاد وسیعتری بخود می ـ گیرد . در روزهائی که مردم بیش از هر زمان دیگری نیازمند نشریاتی هستند که به رشد فکری آنان مدد برساند ، آشکارا می‌بینیم که مطبوعات حاضر هرروز بیش از گذشته دچار یک سو نگری و کشمکش های نابسالم میشوند . در حالیکه بسیاری از نشریات بدون آنکه اتهام یا خطای آنها اعلام شود و بدون ارجاع به مراجع قضایی و تنها توسط یک اعلامیه کوتاه تعطیل میشوند و بدینگونه هر بار یکی از درجه های واقعیت بروی مردم بسته میشود.

در این میان در خبرها خواندیم که یکی از کمیسیون های مجلس مأمورتنظیم قانون مطبوعات شده است . و از قول قائم مقام وزیر ارشاد ملی شنیدیم که " قانون مطبوعات گذشته در جامعه ما و شرایط موجود باعث یک سری هرج و مرج ها و بی نظمی‌ها و جو سازی در مطبوعات شد.....به همین دلیل قرار است قانون مطبوعات جدیدی موافق با قانون اساسی تهیه و تدوین و تصویب شود تا راه هر نوع سوء استفاده و توطئه چینی را بگیرد . با توجه به این موضوع لایحه جدید قانون مطبوعات در شرف تدوین و تصویب است که به موجب آن ضمن تامین کامل‌آزادی مطبوعات یک امنیت هم از نظر اجتماعی می‌تواند در مطبوعات ما بوجود آید".

با توجه به اظهارات قائم مقام وزارت ارشاد ملی و با عنایت به عملکردهای بحث انگیز وزارت ارشاد در مورد قانون مطبوعات پیشنهادی خود ، اکنون بجا میدانیم که در جهت کمک به تدوین قانون تازهٔ مطبوعات برخی مسائل مربوط به مطبوعات را به مقامات مسئول یادآوری کنیم :

با حلاجی در اظهارات قائم مقام وزارت ارشاد ، پرسش های گوناگونی در ذهنمان شکل می‌گیرد. نخست باید از ایشان پرسید که قانون مطبوعات پیشنهادی وزارت ارشاد دولت موقت که بنا به عقیدهٔ ایشان هرج و مرج هائی را در جامعه دامن زده است ، تا چه حد توانست بعنوان قانونی در چارچوب مطبوعات ضمانت اجرائی داشته باشد و در مقابل گروهها و دسته هائی که با قانون شکنی هایشان انواع و اقسام توهین‌ها و بی حرمتی ها را بر جامعهٔ مطبوعات روا داشتند قد علم کند؟ قانون جدیدی که وزارت ارشاد به مجلس تقدیم داشته است تاچه‌اندازه خواهدتوانست نارسایی های قانون گذشته را جبران کند؟ هرج و مرج هائی که ایشان ضمن صحبت‌هایشان بدان اشاره کرده اند کدامند؟ آیا ظهور نشریات متعددی که مسئولانه گام‌برمی‌دارند وواقعیت‌هارادر مقابل قضاوت توده ها قرار میدهند نوعی ایجاد هرج و مرج در جامعه است ؟ و آیا قانون جدید مطبوعات خواهد توانست‌به حمله به چنین نشریات و به تعطیل کننده شدن آنها که خود گونه ای هرج و مرج‌طلبی است خاتمه دهد ؟ مقام مسئول وزارت ارشاد ملی از توطئه چینی مطبوعات سخن به میان آورده است . باید دید که منظور از این توطئه چیست و آیا زمینه چینی برای انحصار نشریات و یا تفرقه افکنی از طریق آنهانیز در این طوله می‌گنجد ؟ وقانون تازه‌مطبوعات برای مقابله با این نوع سوء استفاده ها از مطبوعات چه پیش‌بینی هایی کرده است ؟

قائم مقام وزارت ارشاد از تامین امنیت اجتماعی برای جامعهٔ مطبوعات سخن گفته است . او بدنکته ای اشاره کرده که جامعهٔ مطبوعات ایران سالیان بسیاری است که بآن درگیر است و از فقدان چنین امنیتی رنج می‌کشد . اگر امروز می بینیم که به روزنامه ها حمله می‌شود ، اگر روزنامه نگار مورد توهین قرار می ـ گیرد ، اگر دفاتر روزنامه ها به آتش کشیده میشود ، اگر شاهدیم که جایخانه نشریه ای ـ ولو قانونی ـ تنها به این دلیل که انتشارش مطابق میل گروهی خاص نیست میرو بوم میشود و صاحب آن بازداشت می‌گرددو بالاخره اگر روزنامه ها بدون هیچ دلیل محکمه پسندی تعطیل میشوند ، اینها همه تجلیات ناخودآیندی از عدم‌امنیت اجتماعی برای جامعه مطبوعات‌است .

و حال که مقامات مسئول درصدد تهیه قانـــون جدیدی برای مطبوعات هستند واین‌قانون‌درچارچوبی مرتبط با مفاد قانون اساسی نوشته خواهـــد شـد ما به عنوان اعضائی از جامعه مطبوعات‌ایران یادآوری می‌کنیم : همانگونه که بهنگام تهیه قانون مطبوعات توسط وزارت ارشاد دولت بازرگان نارضایی خود را از قانون مذکور با ذکر دلائلی مستند اعلام داشتیم و نسبت به هر قانونی که مغایر با آزادی متعهدانه و مسئولانه مطبوعات باشد هشدار دادیم ، امروز نیز که کمیسیونی در مجلس مسئول تهیهٔ قانون مطبوعات شده است باردیگر تکرار می‌کنیم که تنها قانونی به تعمیر ما مفیدبه حال جامعهٔ انقلابی است که تضمین‌کنندهٔ آزادی مسئولانه قلم و حافظ حرمت و منافع مطبوعات متعهد باشد. قانون جدید مطبوعات بایدخواست‌های حقانی کارگران جامعه مطبوعات را نیز در نظر گیرد. از این رو مشورت و نظر خواهی از دست اندرکاران مطبوعات ، نهادها و سندیکاهای وسائل ارتباط جمعی برای تدوین مطبوعات ضروریست . قانون جدید مطبوعات باید دولت و گروههای مختلف را موظف سازد که وجود انواع روزنامه ها و نشریات و انعکاس دیدگاههای گوناگون را تحمل کنند زیرا اگر جز این باشد دیگر آزادی مطبوعات مفهومی نخواهد داشت .

گفتگوئی با عضو فرماندهی کل نیروهای «العاصفه»

در کنار فعالیت‌های چریکی: فلسطین ارتش منظم خلقی تشکیل میدهد

درآذرماه اعلام شدکه تمام نیروهای جنبش فلسطین برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه به حال آماده‌باش درآمده‌اند . هرچندکه جنبش فلسطین همواره برای رویارویی با دسایس امپریالیسم آماده بوده است ، ولی آنچه‌که دراین میان اهمیت دارد اینست‌که با تغییراتی‌که در شیوه های آموزشی و سازماندهی نظامی نیروهای فلسطین داده شده ، وقدمهایی‌که در راه ایجاد یک ارتش منظم خلقی برداشته شده است ، اینبار آرایش نظامی نیروهای فلسطین درمقابله با توطئه‌های جدید امپریالیسم مفهومی تازه پیدا می‌کند ، چراکه به گزارش منابع فلسطینی ، تشکیل یک ارتش منظم درکنار فعالیت های چریکی ، بطور جدی در دستورکار جنبش مقاومت فلسطین قرار گرفته است .

آنچه در زیر می‌آیدگفتگویی است با سرتیپ ستاد سعد حابل (ابوالولید) ، عضو فرماندهی کل نیروهای "العاصفه" وعضوکمیته مرکزی "الفتح" درباره انقلاب ، "میلیشیا" ، ارتش منظم و تلاشهایی که فلسطینی ها برای جلب وآموزش لیاقتهای نظامی انجام داده‌اند ، وخواهند داد .

سرتیپ سعد حابل از سپتامبر ۱۹۷۰ که به انقلاب فلسطین پیوست ، مسئولیتهای نظامی مهمی بعهده داشته است . لشکر یرموک " را فرماندهی‌کرد ، سپس به مدیریت اتاق عملیات مرکزی نیروهای مشترک فلسطین ـ لبنانی انتخاب شد . دبیری فرماندهی‌کل نیروهای انقلاب را بعهده گرفت وسرانجام در ژوئن ۱۹۸۰ در چهارمین کنگره عمومی جنبش الفتح به عضویت درکمیته مرکزی جنبش وفرماندهی کل نیروهای العاصفه (شاخه نظامی فتح) راه یافت . وی‌ازسال ۱۹۵۱ درارتش‌اردن خدمت کرده است . او تحصیلات دبیرستانی را در شهر نابلس به اتمام رساند ودر دانشکده های نظامی اردن وچندکشور عربی تحصیل‌کرد وسپس چند دوره تخصصی را در انگلستان و امریکا گذراند و آخرین سمت وی در ارتش اردن تا پیش از پیوستن به انقلاب فلسطین فرماندهی یک لشکر پیاده بوده است .

سرتیپ ابوالولید ، به عنوان یک نظامی حرفه‌ای اولین نظری هستی که به عضویت در کمیته مرکزی جنبش فتح راه یافته‌ای. آیا این فقط نوعی تحلیل شخصی از لیاقتها و نقشی است که در انقلاب داشته‌ای ، یا تعبیری است از یک روال منطقی ؟

ـ به عقیده من انقلاب فلسطین که استراتـژی مبارزه مسلحانه را در پیش گرفته ، توجه کاملی به همهٔ توانهای نظامی دارد ، بویژه که مبارزه مسلحانه کـه به نظر من استراتژی درستی است ، پاسخ قاطعی به همه تلاشهایی است که در راه حل‌مسالمت‌آمیز مساله فلسطین بعمل آمـد .تلاشهایی که هیچ نتیجه‌ای نداشته است . بی‌ثمر ماندن‌این تلاشها ، خلق‌فلسطین را به لزوم پیروی از استراتژی تازه‌ای متقاعد کرد ، بگونه‌ای که متکی به خود و پیشتاز امت‌عرب باشد . به عقیده من ، توجه انقلاب فلسطین به لیاقتهـا و توانهای نظامی به همین دلیل است . انقلاب نه‌تنها به جمع‌آوری لیاقتهای نظامی ، که به رشد آن ازجنبه‌ـ های مختلف در صفوف انقلاب همت گماشته است .

ـ وقتی انقلاب آغاز شد ، هـر شخصـی می‌توانست اسلحه بدست گیرد . دربسیاری موارد بدون مطالعه و آموزش نظامی‌بود. وضع اینک علاوه بر اتکا به انگیزه ملـی ، به نفع آموزش و تخصص تغییر کرده است . آیا انتخاب شما به عضویت کمیته مرکزی جنبش فتح ، نشانه‌ای از پیدایش این تحول است؟

ـ در این باره می‌خواهم مساله‌ای را توضیـح دهم : بهترین رزمندگان درخلال‌جنگ آموزش می‌بینند . باقی می‌ماند یک مساله : این که بایستـی بینش‌های این رزمنده را صیقل داد و بپیوسته او رابرای توانها و امکانات بزرگتری آماده کرد . لذا رزمندگان باید دوره‌هائی برای کسب مهارت و لیاقت از جمله تحصیلات آکادمیک نظامی را طی کرده به فرهنـگ نظامی دسـت یابند . بسیاری از برادران رزمنده مـا کاردانی نظامی ندارند ، درحالی که دارای تجربـه عملی رزمی هستند. این تجربه در دوران گذراندن دوره تخصص اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد . چه اینگونه عناصرما تجربه را توانستیم به‌آسانی به آکادمیهای نظامی بفرستیم . بسیاری از آنها حتی برای خود آکادمیها مفید هستند . چرا که مهارتهای عملی خود را در اختیار آنها گذاشتند . مدارس نظامی معمولا" تجربه‌ها و مهارتها را ارزیابی کرده و نتیجه آن را به برنامه تحصیلی خود می‌افزایند . درسها کلا" تئوریک نیست ، بلکه بیوسته تکیه بر تجربه‌هاومهارتها دارد ، حالا می‌توانیم بگوئیم که ما دارای کادرنظامی بالاقی هستیم .

ـ تحول این‌تجربه ازمرحله‌تکیه‌برانگیزش‌و حماسه ملی ، تا رسیدن به مرحلهٔ مهارت‌ـ های سازمان یافته چگونه بوده است ؟

ـ انقلاب در آغاز بر انگیزه‌های موجود نـزد رزمندگان از قبیل حماسه ملی و میل به جانبازی و شهادت تکیه کرد ، وجود این صفات در رزمندگان ، امری اساسی است ، چرا که درگیر نبرد بیجیده‌وبی‌امان با دشمنی هستیم قوی که نباید توانهای او را دست‌کم گرفت . چنین رزمندگانی توانستند تجارب خوبی در میدانهای جنگ کسب کنند ، سپس ایجاد مراکزآموزشی کوچکی را در آموزشگاههای خودی آغاز کردیم کـه هدف آن صیقل دادن تجارب رزمندگان و یکی کردن مفاهیم نظامی و تجهیز آنان به برخی معارف نظامی تئوریک موجود در جهان بود . بعد متوجه شدیم کـه لازم است رزمندگان ما با نوآوریها در معارف نظامـی آشنا شوند و فرهنگ و توانهای خود را رشد دهنـد .

لذا رزمندگان خود را به آموزشگاههای نظامـی در بسیاری از کشورهای دوست فرستادیم . آنها توانستند با تئوریهای نظامی دیگری جز آنچه در داخل انقلاب تجربه کرده بودند ، آشنا شوند . رزمندگان ما بدین ـ وسیله در راه درستی قرار گرفته‌اندو حالا می‌توانند شیوه ما را که جنگ پارتیزانی است به خوبی پیاده کنند . می‌دانید که مکاتب نظامی موجوددر جهان به دو دسته شرقی و غربی تقسیم میشود و رزمندگان ما می‌توانند از تئوریهای هردوی آنها آگاه شوند . و بالتبع شیوهٔ مناسب با وضعیت ما و طبیعت جنگمان با دشمن را درک و پیاده کنند.

ـ آیا می‌توان گفت که همه رزمندگان مهارت و تخصص دارند و شما می‌توانید هنر جنگ‌را به همه تعلیم دهید؟

ـ رزمندگان در مراکز آموزش انقلاب کسب مهارت کرده‌اند و برخی نیز در انستیتوهای نظامی

کشورهای دوست تحصیل می‌کنند. در بازگشت، آنان را به مراکز آموزشی‌خود باز میگردانیم ــ مفاهیمی را که کسب کرده‌اند با وضعیت انقلاب فلسطین و نیازهای آن تطبیق دهند. می‌توانم بگویم که ۸۰ درصد کادرهای نظامی انقلاب ــ رزمندگان و افسران ــ آموزش نظامی دیده و با بدار تجارب عملی در جنگ به کلاس بازآموزی برده شده‌اند.

ــ این، مساله‌ای را پیش می‌آورد: همه بیاد داریم که "فتح" در آغاز مخالف ایجاد ارتش منظم حرفه‌ای بود و آن را عملی بی‌مورد می‌دانست. و اینک در مقابل یک رزمندهٔ خلقی کسب مهارت کرده در صفوف انقلاب، و یک سرباز حرفه‌ای در ارتش چه موضعی دارید؟

ــ امیدوارم در "فتح" و بطور کلی در انقلاب فلسطین بتوانیم‌به مرحلهٔ ارتش منظم برسیم. و معتقدم برای رسیدن سریع به مواضع قاطع، جنگ منظم، بهترین جنگ‌هاست. اما اجرا ما جنگ‌پارتیزانی می‌کنیم، علل بسیاری دارد، از جمله اینکه تفاوت بزرگی میان نیروهای‌ما و نیروی دشمن وجود دارد. در برابر این واقعیت، ما ناگزیر از انتخاب جنگ پارتیزانی هستیم. زیرا این شیوه در مقابل برتری دشمن امتیازاتی دارد و راهی جز این هم نیست. چون جنگ پارتیزانی طولانی به ما امکان میدهد‌دشمن را ناتوان و فرسوده کنیم. که این به نفع ماست. اما سرانجام ناگزیریم ارتشی منظم داشته باشیم. ادامه جنگ پارتیزانی تا ابد ممکن نیست. اگر مروری به تاریخ نظامی انقلابها داشته باشیم، خواهیم دید که آنها منتهی به تاسیس ارتشی منظم شده که سرنوشت جنگ را تعیین کرده است. مثلاً در انقلاب ویتنام این‌ارتش منظم بود که سرانجام تکلیف جنگ را روشن کرد. اینکه سخن از ارتش منظم انقلاب میگویم، باین معنا نیست که عقده فلسطین نسبت به ارتش رژیم‌ها را از یاد برده‌ایم. رژیمهایی که سبب ریشه گرفتن اندیشه‌هایی شدند که اقدام به ایجاد ارتش منظم را عملی نفرت‌انگیز و وحشت‌آور نشان می‌دهند. نقطهٔ غریمت این اندیشه‌ها، اشتباه است. زیرا ماداریم سخن از ایجاد یک ارتش ملی برخاسته از انقلاب می‌گوئیم که در بالیدگی عمل‌نظامی انقلاب، شکل می‌گیرد.

از خصوصیت‌های جنگهای پارتیزانی‌انقلابی یکی اینست که با حجمی کوچک آغاز می‌شوند و سپس رشد می‌یابند و سرانجام به نقطهٔ اوج خود یعنی ارتش منظم می‌رسند. سرنوشت جنگ را همین ارتش که ارتش انقلاب است تعیین می‌کند. ارتش منظم برخاسته از انقلاب الزاماً" ارتشی است ملی و این نکته‌ای است که نباید دور از ذهن بماند. معتقدم مفاهیم غلطی که در این زمینه وجود داشت، اینک تصحیح شده است. حالا باید بسوی تشکیل یک ارتش ملی خلقی حرکت کرد و امیدوارم بتوانیم به سرعت در این راه موفق شویم و به چنین مرحله‌ای برسیم. زیرا معنای رسیدن به چنین مرحله‌ای این است که ما به نقطهٔ تعیین تکلیف قطعی بسیار نزدیک شده ایم.

ــ آیا زمینه تشکیل ارتش اینک فراهم شده است؟ انگیزه پیوستن رزمندهٔ فلسطینی به انقلاب چیست؟

ــ فعلاً" خیر. برای تشکیل ارتش منظم خلقی باید مراحلی را پشت‌سر گذاشت. آخرین مرحله‌زمانی است که بختی از خاک فلسطین را آزاد کرده باشیم. ما در اختیار داشتن بختی از وطن، درواقع تمامی شرایط لازم برای ایجاد چنین‌ارتشی فراهم شده‌است. اما انگیزه پیوستن رزمنده فلسطینی به انقلاب، خود‌ــ به خود و ناشی از تعهدات ملی است. و با انگیزه سربازان در ارتشهای دیگر متفاوت است. انگیزه ملی نزد رزمنده فلسطینی بسیار قوی است و عامل اساسی فعالیت و جانبازی اوست. بعلاوه رزمنده فلسطینی، دارای سطح فرهنگی بالائی است و این نیز اهمیت داردو ارتشهای منظم مدرن برای آن اهمیت قائلند. مثلاً" در این ارتشها اطاعت کورکورانه حالتی‌نامطلوب پیدا کرده است. و به این فکر افتاده‌اند که وظیفهٔ سرباز نه تنها اجرای بی‌چون و چرای فرمان که شرکت در تصمیم‌گیری نیز هست. محافل نظامی جهان هم اینک با علاقه وافری در این زمینه سخن می‌گویند. اما در انقلاب ما این امر از همان آغاز به نوعی وجود داشته که درواقع ثمره تعهدات داوطلبانه ناشی از نیروی انگیزه ملی و فرهنگ عمومی و لیاقت آگاهانه نزد رزمندگان است.

ــ "در تجربه فلسطین هماهنگی میان التزام داوطلبانه و انضباط نظامی چگونه بوجود آمده است؟

ــ به نظر من، فراهم بودن سطح مناسبی از فرهنگ در کنار نیروی انگیزه ملی تاحدود زیادی این امر را تسهیل کرد. تصور نمی‌کنم سازمانی دست به عملیاتی بدون شرکت رزمندگان در برنامه‌ریزی‌واعتقاد آنان به آن در قبل از اجرا، زده باشد. مثلاً "عملیات سنهوراه‌ای را در نظر بگیرید که در سرزمینهای اشغال‌ــ شده به اجرا درمی‌آید. هرگز اتفاق نیفتاده که اجرای

عملیاتی به گروهی تحمیل شده باشد. بلکه درست بعکس، می‌توان گفت اندیشه عملیات در موارد بسیار زیاد از سوی خود رزمندگان مطرح می‌شود. به این‌شکل که رزمنده‌ای اندیشه عملیاتی‌را بمیهماد می‌کند و داوطلب دیگر می‌آید و توانائی اجرای آن عملیات را با ذکر دلیل از قبل آشنا بودن با محل هدف گزاره‌ــ های منتهی به آن مطرح می‌کند. در برنو اینها، برنامه‌ریزی برای طرح نقشه عملیات با شرکت همه آغاز می‌شود. این، یکی از افتخارات ما به حساب می‌آید، چه رزمندهٔ فلسطینی مسلح است، چه در زمینه اندیشیدن و چه در برنامه‌ریزی و چه در اجرا.

ــ اکنون امکان یافته‌اید که دو شیوهٔ عملکرد نظامی داشته باشید: منظم و غیر منظم (چریکی). تفاوت عملکرد انقلاب فلسطین با عملکرد ارتش منظم در چیست؟

ــ تفاوت در اموری نسبی و قابل لمس است. توضیح میدهم: در انقلاب، انسان احساس مشارکت می‌کند و مساله را مساله خود می‌یابد. در انقلاب احساس عمیق برادری و مودت و نیز روح جماعت بگونه‌ای متفاوت با آنچه در ارتشهای حرفه‌ای هست، حاکم است. زیرا در انقلاب همه داوطلبانه در صحنه مساله‌ای واحد که به آن پایبندند، همدیگر راسیابند همین مورد بخصوص، یکی از علل شتاب داوطلبانه رزمندگان انقلابی به سوی جانبازی است. از سوی دیگر رزمندگان انقلاب از سطح فرهنگی‌بالا و نیز انگیزه‌های قوی ملی برخوردارند. ما جنگجوی صرفاً نظامی نداریم بلکه او یک سازو ملی‌است که‌ماموریتهای نظامی وسیاسی را در آن واحد انجام می‌دهد... بگوینه‌ای که افقهای بزرگی برای‌رشد ایمان در انقلاب و لیاقتهایش در مقابل او باز می‌شود. و انقلاب در جهت تحکیم روابط میان رزمنده و میاله انقلابش می‌کوشد. حال آنکه در بیشتر ارتشهای این طور نیست و در هیچکدامشان این شمولی کهدرانقلاب ما هست وجود ندارد. در نتیجه روحیه جانبازی و ایثار و خلاقیت در آنها ضعیف است.

در انقلاب، زندگی عادی‌روزمره‌جریان‌داردو در عین‌حال عملیات نظامی طوری طرح‌ریزی می‌شود که به استحکام پیوند میان میان رزمنده و فرماندهش از یکسو و خود او و مساله‌اش از سوی دیگر می‌انجامد.

لذا می‌بینیم چنین رزمنده‌ای بمراتب بیشتر ازدیگران آماده جانبازی است، زیرا خود را در همه‌جیز شریک می‌بیند.

ــ احساس مشارکت نزد رزمنده و احساس همتابودن با فرمانده، آیا از لحاظ انضباطی مشکلاتی را بوجود نمی‌آورد؟

ــ پیدایش چنین مشکلاتی درصورتی ممکن بود که رزمنده ما به اندازه کافی برای مشارکت تربیت نمی‌شد. مشکلاتی از این قبیل در میان ما نیست واگر هم باشد مواردش بسیار کم است. زیرا ما برای ارتقاء سطح فرهنگی و نظامی و سیاسی در آن واحد، اهمیت زیادی قائلیم. با تربیت رزمندگان بدین شیوه، دیگر مشکلی پیش نمی‌آید. و همگامی با رزمنده‌ای طرف صحبت می‌شوی ــ بی‌توجه بمقام ــ سازمانیست در انقلاب ــ او را انسانی همتای خودمی‌بینی که مساله را درک می‌کند و غلط یا درست بودن موضوع را تشخیص می‌دهد. از این رو، از کارکردن با او و از مشارکتش در تصمیم‌گیری خوشحال می‌شوی. کمیها که مقام سازمانی سطح بالائی در انقلاب دارند، همان تجربه‌های دیگر رزمندگان را پشت‌سر گذاشته‌اند. لذا می‌بینی که هرگونه انتقاد یا اندیشهٔ متفاوتی را می‌پذیرند و در باره آن حاضر به بحث می‌شوند.

ــ بسیاری از فرماندهان و کادرهای‌نظامی پیش از آنکه آموزش نظامی آکادمیک میسر باشد، مراحلی را در صفوف رزمندگان گذرانده‌اند و حالا افسرانی می‌آیند که از آکادمیهای نظامی‌فارغ‌التحصیل‌شده‌اند. آیا دراطاعت رزمندگان از این دو نوع فرماندهان تفاوتی هست؟

ــ فارغ‌التحصیلان آموزشگاهها و آکادمیهای نظامی نیز بیش از رسیدن به مقام فرماندهی مراحل کسب لیاقت در داخل انقلاب فلسطین را طی کرده و در کنار رزمندگان بیش از خود، در کلیه فعالیتهای آنها مشارکت می‌کنند. این نوع تربیت کادرها، تفاوت‌ها را از بین‌می‌برد و رزمنده آماده اطاعت در هر دو مورد می‌شود. ما در رهبری انقلاب برای این مساله اهمیت زیادی قائلیم و می‌کوشیم روح مشارکت و یکی‌کردن مفاهیم را در کلیه سطوح تعمیم دهیم. در این زمینه بطور مثال بدیده برجستهای را می‌توانید شاهد باشید، این که نسبت شهدا در صفوف کادرهای مسؤول، بیش از همگنان آنان در دیگر کشورهای جهان است. دشمن صهیونیستی‌به خود می‌بالد که افسرانش به هنگام عملیات بیتاییش سرباران حرکت

می‌کنند. درحالی که این مساله در انقلاب‌فلسطین امری بسیار طبیعی است‌و هر روز شاهد چنین مواردی هستیم. رزمنده ما که پیوسته شاهد جانبازی فرمانده خود است، درک بیشتری از خود نشان می‌دهد و فرمانده خود را بهتر و راحت‌تر می‌پذیرد.

ــ آیا کسب لیاقت و تخصص و حرفه‌ای شدن رزمندگان در تعارض با عمل انقلابی که نیاز به آینگارهای وسیع و متنوع‌دارد، نیست؟

ــ بعکس، تخصص در کلیه زمینه‌های نظامی لازم است و جنگ ما با دشمن میدانهای وسیعی را در بر میگیرد. همچنین روابط گسترده‌ای با بسیاری طرف‌ــ های دوست داریم. به آنها کمک می‌کنیم و آنها نیاز به متخصص دارند. در عمل انقلابی اموری رزمی‌وجود دارد که مستلزم مهارت و تخصص است. ما افراد متخصص بسیاری داریم و به وجود آنها افتخارمیکنیم. گزاف نیست اگر بگوئیم انقلاب ما تنها موردی است که نظر به تعدد لیاقتها در صفوف خلوزاد وفسور کارشناسان برخوردار است. بعلاوه روابط گسترده‌ای در جهان داریم. حتی روابط بین‌المللی انقلاب فلسطین به لحاظ تعدد و تنوع، از روابط بسیاری کشورهای اروپائی گسترده‌تر است، چهرسدبه روابط کشورهای جهان سوم. روابط بین‌المللی ما نه تنها سیاسی و دیپلماتیک که شامل زمینه‌های وسیع‌تری نیز هست. وسعت روابط ما افزون بر مزایای سیاسی، فرصت‌های بزرگی برای آموزش نظامی نیز فراهم میکند چه‌کادرهای ما در آموزشگاههای نظامی بسیاری از کشورهای دوست، مشغول فراگیری‌فنون نظامی هستند.

ــ تنوع در منابع آموزش نظامی، درآینده مشکلاتی برنمی‌انگیزد؟

ــ باز بعکس، چون از خارج آمدگان چنانکــه قبلاً" گفتم، دوره‌های بازآموزی را در صفوف انقلاب طی میکنند و با تعدد مزایا و وفور معارف نظامی و تجربه سرانجام در مجموع می‌توان از آنها براساس شرایط ملموس بهره گرفت.

ــ آیا انقلاب فلسطین تاکید بر حرفه‌ای شدن دارد؟

ــ انقلاب بطور کلی میکوشد کادرهای خود را به عالیترین سطوح رضایت‌بخش در تمامی زمینه‌ها برساند. تاید برای کسانی تعجب‌آور باشد که انقلاب افسرانی را به دانشکده‌های فرماندهی و ستاد گسیل می‌دارد. ما می‌کوشیم همه آفاق را در برابر افسران خود باز کنیم. افسران خود را به سوی مطالعات عالی نظامی هدایت کرده‌ایم، و هم‌اکنون در صدد گرفتن بورسیه‌هائی در مراکزی که مسائل دفاع ملی را تدریس می‌کنند، هستیم. در این مراکز استراتژی‌ــ های عالی تدریس می‌شود.

ــ نیروهای انقلاب فلسطین دو نوع عملیات جنگی انجام میدهند: جنگ دفاعی و عملیات تهاجمی در داخل سرزمینهای اشغال‌شده، آیا رزمندگان فلسطینی این هر دونوع را تعلیم می‌بینند؟

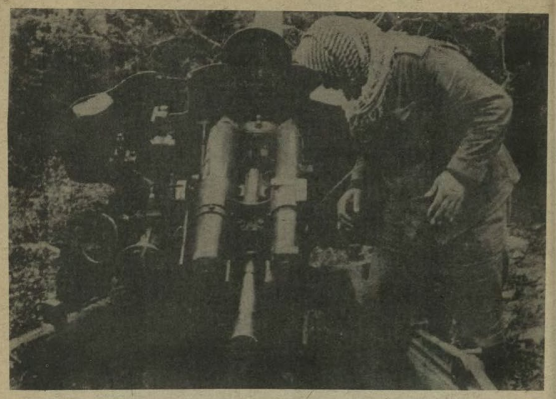

ــ رزمندهٔ فلسطینی تمامی آنچه را که صفحات جنگ نامیده می‌شود، چه دفاعی و چه تهاجمــی و عملیات از نوع دیگر، آموزش می‌بیند. ما در برخی حالت‌ها مجبور به ایجاد موضع دفاعی هستیم. مثلاً" در لبنان که خلق ما در معرض توطئه بزرگی است. در اینجا انقلاب برای حمایت از اردوگاهها و مواضع فلسطینی موظف به ایجاد موضع دفاعی است. اگر انقلاب نایستگی ایفای نقش دفاعی را پیدا نمی‌کرد، توطیئی در دفاع از موجودیت فلسطینی و حمایت از اردوگاهها بدست نمی‌آورد. رزمندهٔ فلسطینی تمامی فنون رزم‌آوری در کلیه مراحل جنگ را تعلیم می‌بیند. دفاع امری منفی نیست بلکه مرحله‌ای است که هر ارتشی در جهان پیش از اقدام به تعرض، در بسیاری موارد به آن نیاز دارد. حتی ارتش صهیونیستی که آشکارا طبیعتی تجاوزگرانه دارد و تفکر نظامی‌اش بر نوعی خیالپردازی و توهم استوار است، خود را "ارتش دفاعی اسرائیل" می‌نامد درحالی که ماهیت آن تجاوزگرانه است و تفکر نظامی‌اش توجیهی به "دفاع" ندارد. لذا می‌کوشند جنگ را به سرزمینهای دیگران بکشانند و از ماصطلاح گمرینند سبز و با منطقه سبز سخن می‌گویند. حتی چنین ارتشی مجبور شد که بویژه بعد از جنگهای ژوئن ۱۹۶۷ و اکتبر ۱۹۷۳ نقش دفاعی نیز ایفا کند. اگر این ارتش تاکتیکهــای دفاعی را تعلیم نمی‌دید، نمی‌توانست از عهدهٔ چنین کاری برآید. بنابراین در آموزش، باید تمامی مراحل جنگ با همهٔ انواع دفاعی، تعرضی‌وتهاجمی‌ــ اش مورد توجه باشد.

ــ ماموریت دفاع از مرزها بعهدهٔ رزمندهٔ فلسطینی گذاشته شده است و این با طبیعت رزمندگان جنگهای پارتیزانــی مغایرت دارد. چه تفسیری برای این شگفتی یعنی توان پایداری رزمندگان فلسطینی در این ماموریت شاق دارید، درحالی که بسیاری ارتشهای منظــم آموزش‌دیده برای چنین ماموریت‌هاشی، از عهدهٔ آن برنیامده‌اند؟

ــ درپی رویدادهای لبنان و بلائی که سر ارتش این کشور آمد، خود را با مسؤولیت بزرگ دفاع از لبنان در برابر تهاجم صهیونیست‌ها مواجه دیدیم. در این زمینه تجربه‌های دردناک و سختی را پشت‌سر گذاشتیم. در جنگ هشت روزهٔ مارس ۱۹۷۸، جیوب لبنان مورد حملهٔ دو لشکر اسرائیلی قرار گرفت. این حمله برای انقلاب فلسطین حتی از نبرد "الکرامه" در غور اردن در سال ۱۹۶۸ دردناک‌تر و سخت‌تــر بود. بویژه که نیروهای ما به اندازه کافی برای دفاع در مقابل این یورش آموزش ندیده بودند. و

سلاح‌های ما نیز کامل نبود. با این همه توانستیم با توجه به امکانات موجود از سیوه، دفاع متحرک استفاده کنیم. در بخشی از جنوب از افراد خود خواستیم با آخرین نفر دفاع کنند. در قسمتی دیگر کنیم که واحدها در کوره‌های جیار با پنج نفره پراکنده‌شوند. این کوره‌های کوچک موظف بودند در حرکتی دائمی باشند و در مناطقی که دشمن وارد آن می‌شود، باقی بمانند. تمامی این کوره‌ها وظیفهٔ خود را بخوبی انجام دادند. مثلاً در نبرد "ماروس‌الراس" رزمندگان یک کوره با آخرین فشک در صحنه ماندند و ماموریت خود را به نحوی انجام دادند که دشمن به شجاعت آنها اعتراف کرد. در نقاط مهم موضعی نیز کوره‌های با ماموریت‌های خود را انجام دادند. اما در "صور" سیوه دفاع منظم شناخته‌شده در هر ارتشی را درپیش گرفتیم. زیرا مصمم بودیم کنار انتقال شهر نوسط نیروهای مهاجم دشمن جلوگیری کنیم. لذا بخش اعظم نیروهای ما در دروازه‌های شهر متمرکز شدند و از ورود دشمن به آن جلوگیری کردند. وقتی از رئیس ستاد دشمن سؤال شد که چرا صور را زیر پا نگذاشتید؟ گفت: "نمی‌خواستم انگشت خود را در لانهٔ زنبور فرو کنم". به هر حال در جنوب لبنان دروافع تلفیقی از سیوه، صرفاً دفاع کلاسیک و دفاع متحرک را با توجه به شرایط تحمیلی و قابل لمس پیاده کردیم. این تلفیق به اعتقاد من نتایج بسیار خوبی داشت و توانستیم تلفات سنگینی را به دشمن تحمیل کنیم.

— آیا واقعیت دارد که نقش میلیشیای خلقی در جنگ رویارویی مزری نظر به طبیعت این جنگ، محدود شده بود؟

— دروافع، خیر. در جنگ جنوب، میلیشیا در کنار نیروهای نظامی حتی در برخوردهای مستقیم با دشمن می‌جنگید. ما به میلیشیا اتکای اساسی داریم. چه اگر میلیشیا نقش خود را ایفا نمی‌کرد، امکان نتایجی که بدست آمد، فراهم نمی‌شد. مثلاً درمورد حمایت راههای پشت جبهه و راههای مواصلاتی و تدارکاتی نیروهای ما، میلیشیا نقش خیره‌کننده‌ای علاوه بر خدمات دیگر ایفا کرد. من به واحدهای خدماتی عامل در انفلات که توانستند در دشوارترین مراحل جنگ لوازم تدارکات واحدها را به جبهه برسانند، افتخار می‌کنم. دشمن عملیات تکامل ـ یافته‌ای را با شرکت نیروهای زمینی، دریائی و هوائی در جنوب پیاده کرد و با این همه خدمات ما به رزمندگان بی‌رسند و حتی برای واحدهائی که در مناطق گسترده‌ای پراکنده و گسترش یافته بودند و بنا به دستور بنوشند در حال حرکت و جابه‌جائی بودند، کمبودی‌دراین زمینه احساس نکردند. اینها مسائل مهمی است. زیرا مروری بر تاریخ کشکی اعراب ـ اسرائیل نشان می‌دهد که یکی از علل ضعف شدن روحیهٔ رزمندگان عرب، برمسدن خدمات به آنها در جریان جنگ بوده است. ما توانستیم این نقص را برطرف کنیم. در جنگ هست روزه جنوب، میلیشیا دو وظیفه داشت. ایجاد ارتباط میان نیروهای کشوری‌یافته و حمایت از مناطق پشت جبهه. ازقبیل خطوط‌مواصلاتی و تاسیسات و آبیاری‌مهمات.

— در ماههای اخیر دیده شده که صهیونیستها تاکتیک خود را تغییر داده و در جنوب لبنان اقدام به نوعی جنگ پارتیزانی به هدف مشغول ساختن نیروهای انقلابی، کرده‌اند...

— به نظر من دشمن بعد از جنگ هشت روزهٔ جنوب و با توجه به تلفاتی که متحمل شد، تغییراتی را در شیوه‌های خود آغاز کرد. اسرائیلی‌ها، عملیات محدود و کوچکی را در پیوند با طبیعت جنگ‌پارتیزانی عملاً در پیش گرفتند. انگیزهٔ نخست آنها، نتایج جنگ هشت‌روزه ۱۹۷۸ بوده و دیگر اینکه ما دشمن را مجبور کردیم شیوهٔ تازه‌ای بکار گیرد و این توهم برای او پیش آمده که با این شیوه، نتایج بهتر از حملات بزرگ و گستردهٔ نظامی بدست خواهد آورد. نمی‌خواهم بگویم که ما می‌توانیم بطور کامل از جادهٔ اصلی بیرون‌ـ صدا حمایت کنیم. ولی "اسرائیل" هم با تمامی امکاناتی که داردو واحدهای ویژه‌ای که برای مقابله با عملیات فدائیان تدارک دیده، توان محافظت از جاده حیفا ـ عکا را ندارد. درحالی که امکاناتش دهها برابر ماست.

لذا می‌گویم: ما با دشمن جنگ مفتوحی داریم و دشمن می‌تواند ضربه‌هائی به غیر نظامیان وارد آورد و در این زمینه شاید کارشان کمی موثر باشد، اما عملیاتش روی رزمندگان فاقد ارزش است، زیرا عناصر با طرز مقابله با ایگونه عملیات را فرا گرفته‌اند. درحالی که غیر نظامی‌ها از عهده دفاع از خود برنمی‌آیند و حملهٔ غیر نظامیان عمل بزدلانه‌ای است. زیرا هر اسلحه به دستی می‌تواند هر مجموعهٔ غیر نظامی را هدف قرار دهد.

— پیشرفت شیوه‌های جنگ در داخل سرزمینهای اشغالشده به کندی صورت میگیرد، چه تفسیری در این زمینه دارید؟

— باید اعتراف کنم که دشمن مرزها را تقریباً تحت کنترل دارد. عملیات داخلی در ابتدا با سب و سن‌کداری و بدون درگیری قسمتیم آغاز شد. سپس بصورت حمله به ستونهای نظامی و درگیری روزروز با گشتی‌های دشمن گرچه به صورت محدود درآمد که تحول تازه‌ای بود. از ابتدا به مرحله پیشرفته‌تری منتقل شد و به عملیات متهورانه‌ای رسید و توانستیم گروههای بزرگی را متشکل از بیست نفر و گاه با یک گروهان به هدفهای مورد نظر بفرستیم. عملیات متهورانهٔ سافوی، دلال‌المغربی و الخلیل از اینگونه بودند.

دروافع، با توجه به برداشت ما از پیکار نظامی و آیندهٔ آن در داخل سرزمینهای اشغال‌شده، ایمان داریم که ایگونه عملیات اوج بیشتری خواهد گرفت و پیش‌بینی می‌کنم در آینده به سطح بزرگی که برای ناظران غافلگیر کننده باشد، خواهد رسید.

— خلق فلسطین در داخل وطن اشغال ـ شده منتهای آمادگی برای جانبازی را نشان می‌دهد، مردم با سنگ در مقابل سربازان اشغالگر می‌ایستند. به کلام دیگر، اگر سلاحهای فعالتری داشته باشند، زمینه محلی قیام مسلحانهٔ همه‌جانبه‌ای فراهم است. به عقیدهٔ شما آیا سکوت کشورهای عربی و منفی‌گرائی برخی آنها مانع آغاز این قیام مسلحانه، نیست؟

— علت اساسی و یا عامل استراتژیک، همین سکوت و منفی‌گرائی است. بستن مرزهای عربی مانع بزرگی در این راه است. اگر مرزها گشوده‌شوند و جبهه‌ها به حرکت درآیند، وطن‌خواهان عرب به آوزوی خود میرسند و انقلاب فلسطین سریع به مراحل پیشرفته‌ٔ خود در عملیات نظامی می‌رسد. آنکارا بگوییم: ما با دشواریهای "غیر اسرائیلی" از جمله بستن مرزها در برابر رزمندگان مواجه هستیم. اگر این مسأله حل شود و میان کشورهای عربی تکامل فراهم آید، عامل استراتژیک پیروزی انقلاب تأمین می‌شود. بویژه که جبههٔ پایداری به روی تمامی کشورهای عربی باز است. اما جبههٔ پایداری حتی در بهترین شرایط خود در اوضاع فعلی، نمی‌تواند بر بیشتر از ده درصد مرزها نظارت و کنترل داشته باشد.

— علاوه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی، مشاهده می‌شود که حضور نظامی امریکا در خاورمیانه رویه گسترش است، این موضوع چه تأثیری بر انقلاب فلسطین دارد؟

— موضع امریکا بویژه در پی حضور نظامی در منطقهٔ خلیج‌فارس، برای ما روشن‌تر شده است. بعقیدهٔ من، کشورهای خلیج‌فارس در دادن تسهیلات به نیروهای امریکائی مرتکب اشتباه شده‌اند. چگونه انسان می‌تواند به امنیت خلیج‌فارس علاقمند باشد و در عین‌حال از نیروهای امریکا دعوت به‌حضور و ورود به منطقه کند!؟

حضور نیروهای امریکا، دیگر نیروهای بزرگ را تشویق به حضور در منطقه خواهد کرد و بدینگونه فرصتهای بیشتری برای کشمکش پدید می‌آید و تأیید کل منطقه به کشمکن آشکار نظامی سوق داده شود. میدانیم که چند کشور خاورمیانه با کشوری مثل‌شوروی دارای روابطی هستند و ممکن نیست شوروی به امریکا اجازه دهد منطقه را تبدیل به صحنهٔ تاخت‌و تاز خود کند. و این امر زمینه را برای کشمکش‌های بزرگ‌نظامی فراهم می‌آورد و تصور نمی‌کنم که رسیدن به چنین وضعی نفعی برای هیچیک از کشورهای منطقه داشته باشد و به نفع مسألهٔ فلسطین هم نیست. بارها شنیده‌ایم که مسؤولان‌کشورهای خلیج فارس راجع به امنیت منطقه سخن گفته‌اند. بعقیدهٔ من، امنیت نمی‌تواند بکطرفه امری مطلوب باشد. کسیکه به امنیت خلیج فارس اهمیت می‌دهد، دعوت‌نامه نمی‌فرستد و حضور نظامی امریکا را قانونی جلوه نمی‌دهد. چند کشورمثل‌سومالی‌وعمان تسهیلاتی‌برای‌امریکا فراهم کرده‌اند. دردیگری‌نیزامریکاحضوری‌اعلام‌نشده‌دارد و دشمنی‌اش متوجه انقلاب ایران است. نمی‌فهمم چرا و برچه پایه‌ای با ایران دشمنی می‌ورزند. حال‌اینکه لازم بود از این تغییر عظیم استراتژیک ناشی از پیروزی انقلاب ایران، برای جبران زیان ناشی از خارج شدن مصر از صحنهٔ نبرد، بهره‌برداری کنند.

— پیروزی انقلاب ایران چه تأثیری بر جنبهٔ نظامی جغرافیای کشمکش داشته است؟

— ایالات متحده در منطقه متکی بر دونیروبود: اسرائیل و ایران که ماموریت حمایت از منافع حیاتی امریکا در منطقه بعهده‌ٔ آنها گذاشته شده بود. کسی که از تسلیحات و امکانات نظامی‌ایران در دوران محمد رضا آگاهی داشته باشد، این حقیقت را میتواند لمس کند. از این رو، پیروزی انقلاب ایران تغییری استراتژیک پدید آورد و موازنهٔ قوا برای امریکا در منطقه دگرگون شد. بهمین دلیل است که فعالیت شدیدتری برای کنتاندن ایران به عقب در جریان است. مشکلاتی که در ایران است در چارچوب این کشمکش تغذیه می‌شود.

به عقیدهٔ من باید فضای مناسب‌تر و بهتری میان ایران و منطقهٔ عربی ایجاد کرد. و برای قوی شدن ایران، باید استقرار و آرامش در این کشور برقرار شود. زیرا قوی‌شدن ایران به نفع جنبش‌های آزادیبخش منطقه بویژه جنبش‌های عربی است. من تعجب میکنم که نیروهائی عربی اینگونه با ایران دشمنی می‌ورزند. بعقیدهٔ من کشمکش در این است که ایران در چه موضعی است؟ ما خواهان "ایران"ی قوی در کنار جنبش‌های آزادیبخش عرب هستیم. و نفتی ما این است که حسن همجواری میان ایران و کشورهای عربی حاکم شود. پاسخ ساعد اعراب در این زمینه هنوز کند است.

اما روابط نظامی ما با ایران مثل جنبه‌های دیگر رویه رشد و توسعه است و در آینده‌ٔ نزدیک شاهد تحولات بزرگی خواهد بود.

دکان تازه ملک حسین

مطلب کوتاهی که در زیر می‌آید، از نشریه امریکائی "بیزنس‌ـ ویک" است که تنها بخاطر بعضی اطلاعاتی که بدست میدهد، مورد استفاده ما قرار گرفته است. ضمن درج آن، یک بار دیگر لازم میدانیم که به اکراه خود در استفاده از این منابع یافشاری کنیم و خواننده را هشدار دهیم که در عین استفاده از ارقام و اطلاعات مقالاتی از این گونه نشریات، باید همواره خصوصیت اصلی آنها یعنی وابستگی و پیروی مطلق‌شان از محافل سرمایه‌داری امریکا را بخاطر داشته باشد.

دوباره تکرار کنیم که تا زمانی که موفق به دستیابی به منابع سالم و مستقلی در زمینهٔ بین‌المللی نشده‌ایم، مراجعه گیتاه به منابع غربی را، با کمال تأسف و اکراه لازم می‌بینیم، هرچند می‌کوشیم که این مراجعه بشدت مختصر و تنها در موارد غیرقابل اجتناب باشد. قبلاً نیز تذکر داده‌ایم که کمبود منابع مستقل و سالم، مسأله‌ای بگلی بیرون از حیطهٔ خواست و امکانات ماست و بمقوله‌ٔ اصلی و اساسی وابستگی فرهنگی باز میگردد که مقابله با آن تنها به همت مطبوعات آزاد محدود نمیشود. مقاماتی نیز که به لزوم چنین مقابله‌ای معتقدند، موظف به کوشش در این‌زمینه‌اند. از این رو، شاید این واقعیت هشدار دهنده باشد که در این روزها، تنها نشریات خارجی که بطور مرتب و بدون کوچکترین تأخیری در تهران یافت میشود، بعضی نشریات امپریالیستی و بویژه "تایم" و "نیوزویک" است.

با جانبداری بیدریغ اردن از حملهٔ عراق به ایران، سیاست حسین، شاه اردن وارد مرحلهٔ تازه‌ای شده که کوشش‌های امریکا برای "صلح" در خاورمیانه را با مشکلات بیشتری روبرو میکند. ملک حسین بطور غیر مستقیم واشنگتن را تهدید می‌کند کهممکن است روابط نزدیک و قدیمی خود را با امریکا رها کرده، خط مستقل‌تری نسبت به امریکا را درپیش گیرد. سیاست امریکا همواره براین امکان متکی بوده که سرانجام روزی، اردن با دریافت امتیازات بیشتری به قرارداد مصالحه "کمپ‌دیوید" بین مصر و اسرائیل بپیوندد.

اما ملک حسین در جهت استقلال بیشتری نسبت به امریکا حرکت می‌کندکه این عمدتاً نتیجه کمک‌های مالی کلان عراق بهاردن است. کمکهایی که چه مستقیم و چه بصورت سرمایه‌گذاری عراقی در اقتصاد اردن، پرداخت‌میشود.

بیش از نیمی از بودجه‌اردن با پرداخت‌های خارجی تأمین میشود که اگر کمک‌های نظامی به این کشور را نیز بحساب آوریم، این مقدار به ۲۵ درصد می‌رسد. هم‌اکنون عراق بیش از یک‌میلیارد دلار برای ۲۰۰ تانک چیفتن انگلیسی، ۳۵ جنگنده میراژف۱ فرانسوی و ۲۰۰ تانک ام ـ ۶۰ و مهمات گوناگونی که اردن ازامریکا خریداری کرده، می‌پردازد. عراقی‌ها همچنین ۱۲۰ میلیون دلار در چند شرکت مختلط عراقی ـ اردنی و ۱۳۰ میلیون دلار برای توسعهٔ بندر عقبه و احداث یک شاهراه چهارباندی از عقبه تاامان و بغداد سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این بندر، درحال حاضر که بندر بصره عراق در محاصره قراردارد، برای تأمین نیازهای عراق در جنگ با ایران نقشی اساسی ایفا می‌کند. عراق همچنین در یک شرکت‌حمل و نقل مشترک دوکتور سرمایه‌گذاری کرده است. بطور کلی، میزان کمک‌ها و سرمایه ـ گذاری‌های عراق در اردن، در سال جاری مسیحی به یک‌ونیم میلیارد دلار بالغ میشود. در زمینهٔ درازمدت‌تر، عراق قول داده تا مشکل اساسی اردن، یعنی کمبود آب را حل کند و برای آبیاری دره‌ٔ اردن آب فرات را به این منطقه منتقل کند.

اما آنچه ملک حسین را واداشته تا در جنگ ایران وعراق بطور مستقیم و همه‌جانبه درکنار این کشور قرار گیرد، از این‌منافع اقتصادی فراترمیرود. اردنی‌ها معتقدند که جنگ میان ایران و عراق برای منطقه بالقوه "نعمت بخش" است،البته تا زمانی که ابرقدرت‌ها از آن کنار بمانند. استدلال آنها این است که این جنگ دوباره وحدت اعراب را در مقابل شعارهای"پان‌اسلامیستی" امام خمینی تأمین می‌کند.

با قراردادن ایران در کنار اسرائیل بعنوان دشمنان اعراب، ملک‌حسین امیدوار است که شکاف میان عناصر مذهبی و غیر مذهبی را که در اردن درنتیجه تبلیغات امام خمینی بوجود آمده بود، از میان بردارد. از این گذشته، ملک حسین معتقد است که موضع جدید او، اردن را در برابرنیرگی روزافزون روابطش با سوریه، که هرچه بیشتر به شوروی نزدیک میشود، تقویت می‌کند. همچنین پنداشته میشود که اتحاد اردن با عراق موقعیت ملک‌حسین را برای رویارویی نهایی‌اش با یاسر عرفات برسر جلب حمایت فلسطینی‌ها که بیش از نیمی از جمعیت اردن را تشکیل میدهند، تحکیم می‌بخشد. ●

با وجود بحران عمیق در «ناتو»:

حضور نظامی امریکا در مدیترانه گسترش می‌یابد

سلطهٔ سیاسی و اقتصادی بر مناطق خاورمیانه، خلیج فارس و جنوب اروپا، پخش لاینفک استراتژی نظامی امریکاست.

از: نهی نادرس، تحلیل‌گر فلسطینی

طرح علنی چنین سؤالی بیمناک است . برخی منابع غیررسمی اشاره کرده‌اند که فقط استرالیا برای کمک به نیروهای امریکایی در منطقه خلیج فارس اعلام آمادگی کرده است و تنها انگلستان نیز در این زمینه گامی مثبت برداشت و در ژانویه ۱۹۸۰ چند واحد دریایی به عنوان عدم موافقت با سیاست شوروی درافغانستان، به دریای مدیترانه گسیل داشت .

اما در مورد احتمال دخالت شوروی در منطقه خلیج فارس اختلاف‌نظرهای آشکاری میان اروپائیها و امریکائیها وجوه دارد . چه اروپائیها بیشتر از امریکائیها به نفت خلیج فارس متکی هستند و به همین دلیل از سیاست نخاطاطانه‌ای در منطقه پیروی می‌کنند . همچنین داشتن روابط اقتصادی با اروپای شرقی سبب شده که در حفظ سیاست تنش‌زدایی با شوروی بکوشند . یک دانشمند انگلیسی در تبیین این وضع گفته است : "تنش‌زدایی درحال حاضر دو چهره دارد : تنش‌زدایی نامبوجود امریکایی ـ روسی و تنش‌زدایی اروپایی ـ روسی که هنوز در قید حیات است" .

نیویورک تایمز در اواخر ماه مه ۱۹۸۰ در سرمقاله‌ای نوشت : "وجود اختلاف در جارجوب پیمان ناتو مسئلهٔ تازه‌ای نیست . اما اختلاف فعلی نمی‌تواند صرفاً" در باره نوع سیاستی باشد که باید درپیش گرفته شود . این اختلافات نشان داد که ندرت مشترک اقتصادی چه ضعفهایی برای پیمان ناتو در خارج از مرزهای اروپا داشته است . لذا آنچه به ظاهر کشمکشهای سیاسی می‌نماید ، درواقع تضادهایی بنیادی است . . . که اگر حل نشود تغییراتی اساسی در موازنه نظامی پدید خواهد آمد " .

"استانلی هوفمن" متخصص امریکایی علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد همین برداشت را به نوعی دیگر بیان کرده است : "بحران جاری (میان امریکا و هم‌پیمانان) مفهومی سیاسی فراتر از هرگونه بحرانهای قبلی دارد ، چه ، نبود استراتژی مشترک برای مقابله با بحران‌های غیر اروپایی درگذشته اهمیت محدودی داشت و ایالات متحده نه در ویتنام و نه در کره در آستانه برخورد مستقیم با شوروی نبود و هیچ یک از شکستهای قبلی امریکا که در آن امتیازات قاطعی به شوروی داده میشد ، تهدیدی برای منافع حیاتی غرب بوجود نمی‌آورد . اما در خاورمیانه وضع فرق می‌کند" .

اختلاف امریکا و اروپا

درواقع مسئلهٔ خاورمیانه بطور سنتی یکی از عوامل بروز اختلاف میان دیدگاههای اروپا و امریکابوده است . چنانکه در فاصله بین جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و جنگ اکتبر ۱۹۷۳ این تفاوت دیدگاهها کاملاً" مشهود بود . اروپائیها و امریکائیها در خلال جنگ اکتبر ۱۹۷۳ راجع به بیشتر مسائل ناگسیکی و استراتژیکی ویژه این جنگ با هم اختلاف نظر داشتند . در سال ۱۹۷۴ دانشگاه عبری در تحلیلی بیرامون روابط اروپا و امریکا نوشت : "از دیدگاه امریکا کمک تمامی اعضای پیمان ناتو به "اسرائیل" ضروری بود . اما به نظر اروپائیها تلاش واشنگتن برای استفاده از پیمان به عنوان ابزاری سیاسی در دست امریکا و اتخاذ تصمیم بدون مشورت با آنها ، اساساً" ضربه مهلکی بر هرگونه اقدام مشترکی بود" . و چون خاورمیانه قانوناً" در محدوده عمل پیمان ناتو نبود ، اروپا از این وضعیت قانونی بهره گرفت تا به سیاست مستقل خویش نسبت به خاورمیانه ادامه دهد .

انگیزه‌های اساسی اختلاف نظرآنزمان اروپا و امریکا در زیر آورده میشود :

۱ ـ به اعتقاد اروپا ، "اسرائیل" بعداز جنگ ژوئن ۱۹۶۷ در برداشتن گامهایی برای حل مسئله عاجز ماند . اما امریکا معتقد است که "اسرائیل" یک چم‌پیمان اساسی است و می‌توان بهآن اعتماد کرد .

۲ ـ ترس اروپا از عواقب منفی تحریم نفتی اعراب بر اقتصاد متکی به نفت خود .

ژنرال الکساندر هیگ فرمانده سابق نیروهای پیمان ناتو در سال ۱۹۷۸ خواستار گسترش شعاع عمل پیمان ناتو تا مناطقی در جهان سوم شد و گفت : "تاکید کوته‌نظرانه بر جبهه اروپا بی‌توجه به آنچه در اطراف میگذرد ، شاید نوعی خودفریبی باشد . ضرورت ایجاب میکند کشورهای غربی آماده‌ٔ مقابله با

منطقه دریای مدیترانه بویژه شرق آن ـ محل تلاقی قاره‌های اروپا ، آفریقا و آسیا ـ برای امریکا ودیگر کشورهای غربی مخصوصاً" اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) منطقه‌ای حیاتی و شوق‌الجیشی است .

در سال ۱۹۷۹ با پیروزی انقلاب ایران و همزمان با حضور فزاینده نظامی امریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس سازمان ناتو فعالیت خود را در منطقه دریای مدیترانه تشدید کرد . امریکا شرق مدیترانه و خاورمیانه را حلقه اتصال میان پیمان آتلانتیک و پایگاههای خود در اقیانوس هند بویژه‌پایگاه "دیگوگارسیا" می‌داند .

امپریالیسم امریکا نظر به کشمکشهای سیاسی و نظامی در منطقه مدیترانه (اعراب و رژیم صهیونیستی ، ترکیه و یونان) دست به بازی سیاسی ـ نظامی پیچیده‌ای در منطقه زده است که هدف آن ادامه تسلط بر نفت خاورمیانه و بیشتر نقاط استراتژیک در جنوب اروپا و جزیره‌های دریای مدیترانه است . وزارت دفاع امریکا و طراحان استراتژی پیمان ناتو بعد از سقوط پیمان سنتو درصدد یافتن شیوه‌های تازه‌ای برای ایجاد پیمانهای دیگری برآمدند تا سلطه و نفوذ خویش را در منطقه تضمین کنند . پیمان سه‌جانبه ایالات متحده و مصر و رژیم صهیونیستی یکی از این شیوه‌های جدید است .

امپریالیسم امریکا در ماههای اخیر کوشیده است پیمان ناتو را که از لحاظ نظامی برآن مسلط است ، بویژه جناح جنوبی آن را به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس ارتباط دهد ، گو اینکه منطقه خلیج فارس رسماً" در شعاع عمل پیمان ناتو قرار ندارد . واشنگتن در جارجوب این تلاشها کشورهای جناح جنوبی پیمان را (بویژه ایتالیا ـ یونان ـ ترکیه و قبرس) در طرحهای نظامی خارج منطقه عمل پیمان ناتو درگیرمی‌کند .

در تدارک آماده‌سازی "نیروی مداخله سریع" که در مرحله نزدیک آینده آماده عمل خواهد بود ، امریکا در نیمه فوریه ۱۹۸۰ (اواخر بهمن سال‌گذشته) رسماً" به پیمان ناتو اطلاع داد که قصد دارد در چارجوب طرح‌گسترده بازسازی‌عملیات پشتیبانی‌لجستیکی نیروهای‌امریکایی درارویا ، تجهیزات نظامی سنگینی را در چند کشور عضو پیمان انبار کند . نیروهای امریکایی در آن تاریخ برای تجهیز سه لشکر (۴۲ هزار سرباز) مهمات و لوازمی بویژه در آلمان غربی و هلند ذخیره داشت و می‌کوشید تا سال ۱۹۸۵ به مهمات لازم برای ۸ لشکر (۱۰۸ هزار نفر) را در اروپا ذخیره کند . امریکا برای امضای قراردادهایی در این زمینه با نروژ و دانمارک وارد مذاکره شد .

نقش هم‌پیمانان اروپایی در خارج از مرزهای اروپا ـ بررسی که طراحان نظامی یعنی برنامه‌ریزان عملیات مداخله سریع در خلیج فارس با آن‌روبرو هستند این است که موضع هم‌پیمانان نظامی در صورت حضور واشنگتن در منطقه‌خلیج‌فارس ـ مرز جنگ با نیروهای شوروی ـ چه خواهد بود ؟

یک تحلیل‌گر سیاسی در پاسخ گفته است : "این ظاهراً" سؤال آسانی است ولی پاسخ پیچیده‌ای دارد زیرا طراحان امریکایی نمی‌خواهند امکانات دفاعی اروپای غربی را که پیمان ناتو از طریق آلمان‌فدرال در مقابل بخش اعظم نیروهای پیمان ورشو به فرماندهی شوروی قرار داده است ، تضعیف کند" . لذا امریکا ترجیح میدهد که نیروهای اروپایی پیمان ناتو امکانات ذاتی خود را تقویت کنند تا نیروهای ذخیره امریکا بتوانند فعالیت خود را در منطقه خلیج فارس متمرکز سازند . اما به عقیده برخی کارشناسان نظامی ، امریکا درخواست کمکهای عملی بویژه در زمینه نیروی دریایی از بعضی هم‌پیمانان خود خواهد کرد . بعضی منابع مسؤول در ایالات متحده در فوریه ۱۹۸۰ توضیح دادند که احتمال دارد واشنگتن هم‌پیمانان را برای جنگهایی در خارج‌از اروپا ، تحت فشار بگذارد ، ولی این مسأله به حدی حساس است که ایالات متحده‌از

تغییرات اضطراری در طبیعت خطر باشند . . . تغییراتی که از جنبه آسیایی ـ اروپایی‌اش خارج شده و جنبه بین‌المللی پیدا میکندو تمامی شبکه‌های حیاتی غرب را ـ سیاسی ، اقتصادی و نظامی ـ دربر میگیرد . "

ژنرال هیگ سخنان خود را با این جمله به پایان برد که : "غرب باید تصمیم سیاسی مشترکی اتخاذ کند" . وی همین‌دیدگاه‌را در ژوئیه ۱۹۷۹ که از مقام خود کناره‌گیری کرده بود بدین‌نحو تکرار کرد : "من اظهارات یکجانبه تهدیدآمیز از سوی ایالات متحده را به منظور مقابله با احتمالاتی ازاین‌قبیل (دخالت‌در خلیج فارس) نشنوید نمی‌کنم بویژه هنگامی که اینگونه اظهارات روابط ما را با دولتهای محلی و هم‌پیمانان اروپایی متشنج میسازد . ما عمل‌مان را ارزیابی میکنیم نه حرفمان را . من تلاشهایی بی‌سروصدا برای شکل‌گیری اتفاق آراء نیروهای غربی در مورد مثلاً" خلیج فارس و نیز برنامه‌ریزی مشترک در راه اینگونه احتمالات را بدون جنجالهای تبلیغاتی ، ترجیح میدهم" .

این دیدگاه ژنرال هیگ با نظرات برخی اروپائیان فعال در پیمان ناتو که خواهان گسترش شعاع عمل ناتو در اطراف و داخل قاره افریقا به منظور مقابله با خطرات شوروی هستند ، انطباق دارد . "پیترنورس" رئیس کمیته نظامی ناتو این منطق را در کتابی که در ۲۵ ماه مه ۱۹۷۸ تحت عنوان "حقایق نظامی پیمان ناتو" منتشر شد ، تبیین کرده و در یک کلمه گفته است که انتخاب آسان نباید کرد .

نظر ژنرال هیگ با دیدگاههای برژینسکی مغایرت دارد . چه این دومی در اظهارات علنی خود ، عدم دخالت پیمان ناتو در مشکلات غیر اروپائی را ترجیح می‌دهد ودلیل می‌آوردکه چون ایالات متحده

مقام رهبری جهان را دارد بنابراین سنگینی این بار را باید تحمل‌کند .

در واقع در درون هیأت حاکم امریکا راجع به نقش هم‌پیمانان درمشکلات غیراروپائی اختلاف نظر وجود دارد . از سوی دیگر در داخل گروه اروپائی نیز راجع به نقش ناتو درخارج اروپا نظرات متفاوتی مطرح است . امریکا درفاصله زمانی پیش از حل قاطع این اختلافات ، از راه حلهای مرحله‌ای زیر پیروی می‌کند :

۱ ــ هربحرانی را یک مورد فردی تلقی می‌کند ، دربحرانهائی بمانند مساله زئیر ، نیروهای امریکائی در مقابله با انقلابیون به‌نیروهای فرانسوی کمک کردند .

۲ ــ امضای قراردادهای دوجانبه با برخی‌کشورهای اروپائی . خواه عضو ناتو باشند یا خیر . به موجب این قراردادها ایالات متحده اجازه می‌یابد از برخی پایگاهها استفاده کند و یا از برخی "تسهیلات" نظامی دراین کشورها برخوردار شود . کشورهای مذکور از این طریق درگیر طرحهای نظامی امریکا برای خاورمیانه و خلیج فارس می‌شوند بدون اینکه یکباره پای همه هم‌پیمانان در این ماجراها بمیان کشیده شود .

در این حال پیش بینی این‌که درصورت دخالت نظامی امریکا درمنطقه خاورمیانه و خلیج فارس ، نقش هم پیمانان اروپائی چه خواهد بود دشوار است . بویژه‌که ایالات متحده‌کشورهای اروپائی را برای تسلیم در برابر طرحهای خود تحت فشار می‌گذارد واین‌فشار ناشی از ادامه سلطه نظامی بر اروپاست و در نتیجه آینده روابط طرفین بستگی به هرگونه نوسانات روز خواهد داشت .

در این زمینه دیده شده که برخی وزارتخانه های دفاع عضو ناتو شروع به ابراز تردید نسبت به رهبری ناتو توسط امریکا کرده‌اند . ولی ظاهرا " این انتقاد از هم‌پیمان امریکائی ، باید محدود به عدم کارآئی نیروهای امریکا در مقابله با قدرت نظامی شوروی باشد .

اما از دیدگاه امریکا ، کارتر دراوایل آوریل گذشته اظهار داشت : " آنها خواهان نظاهم‌اند ولی دروغوی حاضر نیستند ما را درک‌کنند . برخی از آنها درخواست حمایت می‌کنند ولی حاضر به قبول تعهدات ناشی از این هم‌پیمانی نیستند . " .

اما کارتر در آستانه انعقاد کنفرانس سران کشورهای صنعتی در ونیز (۲۲ و ۲۳ ژوئن) به تناقض‌گوئی پرداخت وبا پس‌گرفتن اظهارات قبلی خود گفت : " پیمان به نظر من ، از چند سال پیش حتی از زمان تشکیل آن قوینتر شده است " . ولی همزمان با این گفته های کارتر یک تحلیل‌گر سیاسی فرانسوی گفت : " روابط با آن سوی آتلانتیک در آستانه انعقاد کنفرانس ، دریدترین وضع خود از سی سال پیش به این‌طرف بوده است " .

حضور نظامی امریکادرمنطقه مدیترانه

از قرن هجدهم تا جنگ دوم جهانی انگلیس تمامی نقاط استراتژیکی در دریای مدیترانه را که منفذهای حیاتی امپراتوری بود زیر سلطه خود داشت . انگلستان در سال ۱۷۰۴ تنگه جبل‌الطارق ودر سال ۱۸۰۰ جزیره مالت ودرسال ۱۸۳۹ عدن ودرسال ۱۸۷۸ قبرس ودر سال ۱۸۸۲ مصر را تسخیر کرد . درسال ۱۹۴۲ ودرجریان جنگ جهانی دوم با ورود امریکا به شمال افریقا ، مرحله تازه‌ای در تاریخ دریای مدیترانه آغاز شد . رقابت برسر این تنگه ها وکانالها جای مهمی در استراتژی امریکا برای خود بازکرد . ورود کشتی جنگی میسوری به استانبول در سال ۱۹۴۶ را می‌توان آغاز دخالت مستقیم امریکا در شرق مدیترانه دانست . سپس در سال ۱۹۴۸ ناو هواپیمابر میدوی همراه با یک گردان زمینی ــ دریائی وارد مدیترانه شد . در همین مرحله بیشتر نیروهای امریکائی مستقر در اروپا این قاره را ترک کرده بودند که بعدها درچارچوب تعهدات امریکا درپیمان ناتو به ایتالیا بازگشتند . این نیروها در سال ۱۹۷۶ شامل : واحد رزمی‌گردان اول هوابرد ــ گردان ۵۰۹ پیاده ــ گردان دوم ارتش ۳۰ توپخانه مستقر در شهر ویچنزا (در ایتالیا) بود .

حضور نظامی دریائی امریکا در منطقه ادامه یافت وبعدها با نام ناوگان ششم تحت شعار "مقابله با خطر شوروی" در شرق مدیترانه وخاور میانه تجسم عینی‌تری یافت . ناوگان ششم به تدریج بخشی از طرح استراتژی‌همه جانبه‌ای شدکه بعد از جنگ جهانی دوم با هدف اعلام شده " دفاع از ایالات متحده و اروپا " گسترش یافت . دردهه پنجاه وظیفه دفع تهاجم های اتحادشالی بعهده بمب افکن های میان برواز بود که بیشتر در شمال افریقا وجنوب اروپا مستقر شده بودند . هنگامی‌که بمب افکن های حامل بوتک های میان‌برد سوروی توان مقابله با بمب‌افکنهای امریکائی پیدا کردند ، ماموریت بازدارندگی هوائی نیروهای امریکائی به عهده سلاحهای اتمی هوابرد گذاشته شد وسپس در نیمه دهه شصت با استقرار زیردریائی های بولاریس حامل بوتکهای بالستیک در دریاها ، اوضاع بیش‌از پیش خطرناک شد .

می‌توان ملاحظه کردکه تا اوایل دهه هفتاد بیشتر بحرانهائی‌که در مدیترانه پدید می‌آمد ریشه درخارج از منطقه داشت . در دهه شصت وجود آرامشی نسبی برای مرحله‌ای‌کوتاه امکان پایان دادن به کشمکشهای منطقه را (صرفنظراز جنگ‌رژوئن‌اعراب‌ــ‌اسرائیل) بوجود می‌داد . ولی در اواخر سال ۱۹۷۳که نزدیک بود جنگ اعراب واسرائیل به بحرانی اتمی منجر شود ، اوضاع بکلی دگرگون شد .

حتی درطول مرحله " آرامش نسبی " مدیترانه بصورت منطقه‌ای حیاتی برای ایالات متحده باقی ماند . سیکسون در اواخر سال ۱۹۷۰ به هنگام دیدار از ایتالیا گفت : " یکی از اصول اساسی‌که در سیاست امریکا نمی‌توان آن‌را می‌سازبود ، ادامه حضور نیروئی کافی در دریای مدیترانه است " .

در آن مرحله آنکار بود که امریکا در ندارک تنظیم طرحی برای تشکیل پیمان تازه‌ای در منطقه مدیترانه با شرکت اسپانیا و یونان وپرتغال به رهبری اسرائیل است . واشنگتن از همان موقع تصمیم‌گرفته بود که اسرائیل را تبدیل به قدرتی ضربتی درمنطقه‌کند . البته امریکا درهمان توقع به استفاده از پایگاههای نیروی دریائی درجه دوم به اسپانیو و مغرب وایران ادامه می‌داد .

امریکا درحال حاضر به تلاشهای خود برای انعقاد پیمانهای جدید در منطقه بویژه بعد از سقوط پیمان سنتو ادامه می‌دهد . پیمان ناتو نیز اخیرا کوشیده است کشمکش ترکیه ویونان را به هدف تقویت جناح جنوب شرقی پیمان ، حل‌کند . این امر نیاز به ورود مجدد یونان به بخش نظامی ناتو دارد (۱)

(۱) درهفته اول آبانماه ، یونان بازگشت این‌کشور به بخش نظامی ناتو را تصویب کرد (پیروزی)

ژنرال الکساندر هیگ فرمانده سابق ناتو در زمینه حل این اختلاف تماسهای مکرری با نظامیان ترکیه و یونان داشته است . برخی منابع نیز اخیرا" به تلاشهای امریکا برای تشکیل پیمان میان ترکیه ویونان و قبرس اشاره کرده‌اند . . . حضور آمریکا در مدیترانه برناوگان ششم وامکانات اتمی آن و توان پیاده کردن نیرو در خشکی متکی است . اتکای ناوگان ششم برپایگاههای نظامی به دلایل مالی وعملیاتی وکارآئی امکانات رزمی هوا به زمین به منظور هماهنگی لجستیکی فرماندهی ناتو بیشتر شده است . در خود پیمان نیز نیروی دریائی ویژه مدیترانه ایجاد شده‌که به تصمیم فرمانده کل منطقه جنوبی ناتو ــ هرزمان که لازم بداند ــ وارد عمل می‌شود .

دریاسالار امریکائی " هولوای " اعلام کرده است‌که به اعتقاد او "تسلط بر دریا " بمعنی امکان استفاده آزاد از آبهای بین‌المللی در هرنقطه جهان بوسیله نیروی دریائی امریکا به منظور "حفظ منافع حیاتی امریکا " است . . . به عبارت دیگر منظور وی ، امکان جنگ از دریا علیه قاره است .

اما امکانات دفاع هوا به زمین در پشتیبانی‌از ناوگان ششم وقدرت دریائی ناتو عبارتند از دو شبکه رادار : " نایج " که در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳ توسعه یافت و شبکه کشف هدفها و نشانه‌روی به سوی آن که روی هواپیماهای آواکس (رادارهای پرنده) نصب شده است .

شبکه نایج از شمال نروژ تا سینا بعد از عبور از اروپا امتداد دارد و در سینا به شبکه آواکس‌که منطقه بزرگی از اقیانوس هند را دربر می‌گیرد و دریای عرب از طریق جزیره دیه‌گوگارسیا تا استرالیا و زلاند نو زیر پوشش آن قرار دارد ، متصل می‌شود .

ناتو فرماندهی ویژه‌ای برای عملیات هوائی در دریای مدیترانه به نام " مارابرمید " دارد که وظیفه آن ایجاد هماهنگی میان نیروهای اروپائی واتریکائی در منطقه است . فرماندهی دیگری برای زیردریائیهای عامل درمدیترانه به نام " سابمید " وجود دارد که مسئولیت آن بعهده دو دریاسالار امریکائی است که مجموعا" درچارچوب نیروهای ناتو برای جنوب اروپا (که مقر اصلی آن در نابل و تحت فرمان یک دریاسالار امریکائی است) ، عمل می‌کند .

رهبران ایالات متحده پنهان نمی‌کنندکه یک منظومه جهانی از " پایگاهها و نقاط شروع " برای نیروهای هوائی و دریائی امریکا ایجاد کرده‌اند . امریکا درخارج از خاک خود حدود ۲۵۰۰ پایگاه نظامی ونقطه شروع در ۱۴ کشور دارد . همچنین حدود نیم میلیون سرباز امریکائی درخارج از امریکا به نحو زیر پراکنده‌اند : ۳۳۰ هزار نفر در اروپا ، بیش از ۱۳۸ هزار نفر در منطقه اقیانوس آرام و خاورمیانه ، ۱۵/۵ هزار نفر در امریکای لاتین و ۱۰ هزار سرباز دیگر در سایر نقاط جهان .

درمورد مدیترانه ، ناوگان ششم برپایگاهها و تسهیلات نظامی در منطقه جناح جنوبی پیمان ناتو که شامل ایتالیا ، یونان ، ترکیه، افزون بر آبهای مدیترانه و دریای مرمره و منطقه تنگه ها و بخش جنوبی دریای سیاه است ، متکی است . امریکا همچنین از پایگاههای نظامی در اسپانیا و قبرس استفاده می‌کند و قراردادی با پرتغال درمورد استفاده از منطقه لاجیس و پایگاه بنژا در جزایر " ازور " امضا کرده وار چند پایگاه نظامی درمغرب وجزایر قناری بهره می‌گیرد . بدین‌گونه ایالات متحده بردهانه غربی مدیترانه مسلط بوده وانگلستان نیزکه کنترل تنگه جبل‌الطارق را به دست دارد ، در چارچوب استراتژی عمومی امریکا عمل می‌کند .

اسرائیل نیز پایگاه مهمی برای نیروهای امریکائی بشمار می‌رود ومصر بعد از امضای قراردادهای کمپ دیوید آمادگی لازم را برای ایفای نقش مهمی در طرحهای امریکا برای خاورمیانه دارد .

پایگاههای امریکا در مدیترانه

اسرائیل

رهبران "اسرائیل" از سالها پیش نقشه هائی برای الحاق نیروهای مسلح خود به دستگاه نظامی ناتو ترسیم می‌کرده‌اند . بنا به برخی منابع ، در مقر فرماندهی ناتو در نابل دفتری برای هماهنگی میان عملیات هواپیماهای ویژه ناتو در دریای مدیترانه و نیروی هوائی " اسرائیل" بوجود آمده است . موشه دایان وزیر دفاع سابق " اسرائیل" در سال ۱۹۷۱ به فرماندهان ناتو پیشنهاد کرد از فرودگاههای شبه جزیره سینا استفاده کنند ، " اسرائیل" در همان مرحله ، تاسیساتی مرتبط به سیستم دفاع هوائی ناتو احداث کرد .

دکتر دانلد بریمان پژوهشگر موسسه هدسون برای پژوهشهای نظامی (امریکا) در ۱۲ ماه مه ۱۹۷۷ اظهار داشت : " بنا به اطلاعاتی‌که داریم ، " اسرائیل" در بعضی عملیات ناتو شرکت دارد و حکومت کارتر می‌گوشد هم پیمانان اروپائی را متقاعد به پذیرفتن " عضویت کامل اسرائیل درناتو" کند . امروزه اشتباه است‌که بگوئیم اسرائیل عضو ناتو نیست . چه تل‌آویو ماشین جنگی جود را درست هماهنگ با ناتو شکل می‌دهد و با نیروهای پیمان درنقاطی از جهان بویژه مدیترانه و اقیانوس هند وآتلانتیک جنوبی همکاری می‌کند " .

نیروهای مسلح صهیونیستها وارد منطقه عملیاتی شبکه واحد رادار ناتو (نایج ــ آواکس) شدند و همزمان با آن ، تقویت تماس میان فرماندهی ناتو برای عملیات هوائی در دریای مدیترانه ــ مارابرمید ــ ونیروی هوائی اسرائیل ادامه یافت . هم‌پیمانی اسرائیل ــ ناتو نقش مهمی درجریان جنگ لبنان ایفا کرد . در این زمینه نیروهای انزوا طلب لبنان از طریق بندر جونیه درشرق بیروت از کشتی‌های ناتو اسلحه دریافت کردند . نظامیان ناتو همچنین شبکه جاسوسی رادار خود درآبهای مدیترانه را برای دادن خبر حرکت کشتیهای عازم آبهای لبنان به واحد های دریائی اسرائیل ، بکار گرفتند تا صهیونیستها بتوانند این کشتیها را بازرسی کنند . ایالات متحده درحال حاضر نیز مشغول ساختن فرودگاههای نظامی در صحرای النقب است .

مصر

علاوه برطرح ارسال هواپیماهای آواکس به مصر وانجام مانورهای مشترک میان نیروهای هوائی مصر و آمریکا ، کارتر با طرح پنتاگون برای استقرار یک واحد رزمی در مصر موافقت کرده است . برخی منابع در اوایل ماه مه ۱۹۸۰ توضیح دادند که این واحد خواهد توانست ۵۰ هزار سرباز برای عملیات دخالت سریع را جابه جا کند . به احتمال قوی این طرح از موافقت دیگر اعضا ناتو برخوردار خواهد شد .

ایتالیا

مقر اصلی یکی از فرماندهی های اساسی ناتو ــ فرماندهی ویژه جنوب اروپا ــ در نابل است . نابل درضمن یکی از دو پایگاه اساسی پذیرائی وتدارکاتی ناوگان ششم است . طبق برآورد نظامی سال ۱۹۷۹ ــ ۱۹۸۰ ، ۴ هزار نظامی امریکا و بنا به منابع دیگر حدود ۱۰ هزار نظامی امریکائی در ایتالیا مستقر هستند . بعضی واحد های مستقر در ایتالیا به نیروی شماره ۱۶ هوائی امریکا که پایگاه اصلی آن در اسپانیاست ، کمک می‌کنند .

دریاگاه دریائی لاسپتزیا در ایتالیا ، مرکزی برای پژوهشهای جنگی ضد زیردریائی ــ ویژه ناتو ــ وجود دارد . ناوگان ششم از چند پایگاه دیگر دریائی ایتالیا در گائتا و لامادلینا نیز استفاده می‌کند . ناتو در اواخر سال ۱۹۷۹ در اجلاس بروکسل تصمیم گرفت سلاحهای اتمی جدیدی (موشکهای بالدار و

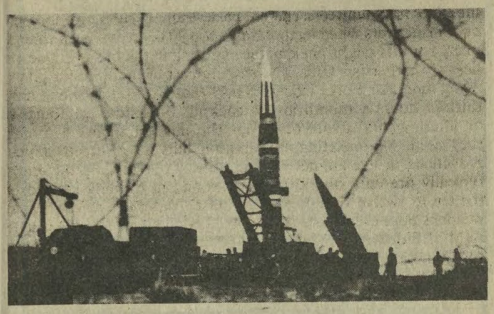

موشکهای پرشینگ) در سه کشور آلمان غربی وانگلستان و ایتالیا مستقر کند . تعداد این موشکها به حدود ششصد واحد خواهد رسید . یک روزنامه غربی دراین زمینه نوشت : " ساحل آن سوی مدیترانه ، حال‌که موشکهای آمریکائی میدانهای پرتاب در ایتالیا را اشغال کرده‌اند ، احساس اطمینان وآرامش نخواهد کرد" . برد این موشکهای نصب شده در شمال ایتالیا ، تا کوههای اورال ، ریاض ، خرطوم ، شجریه ، موربیتانی است . برخی‌منابع درآستانه اجلاس ناتو در بروکسل تاکید کردندکه : " طرفهای ناتو در افریقا و خاورمیانه از مسئولیت نصب این موشکها بدور نیستند . "

یونان

در یونان حدود ۸۰۰ سرباز امریکائی ونیز پایگاهی هوائی برای تامین تدارکات نیروی شماره ۱۶ هوائی وجود دارد . در ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۷ قراردادی دوجانبه میان یونان و امریکا درمورد وضعیت پایگاههای ارمیکا در یونان بویژه دوپایگاه " سودا " و " هراکلیون " در جزیره کرت و دوپایگاه " هلنیکو " و " نیومکری" واقع در منطقه آتن ، امضا شد .

در جزیره کرت پایگاهی برای پرتاب موشک به نام " نامفی " وجود دارد که درفوریه ۱۹۶۸ با هزینه‌ای معادل ۳۰ میلیون دلار ساخته شد وتنها پایگاه آموزشی ناتو برای پرتاب موشک در اروپا به شمار می‌رود وامریکا ، انگلستان ، بلژیک ، یونان ، وهلند هزینه آن را تامین می‌کنند . بیشتر نظامیان این پایگاه یونانی بوده و زیر نظر افسران رابط از چهار کشور دیگر کار می‌کنند . اعتقاد براین است که سلاحهای اتمی نیز درجزیره کرت وجود دارد .

اهمیت یونان در استراتژی نظامی ناتو اخیرا افزایش یافته است . دریاسالار امریکائی فرمانده نیروهای دریائی‌جناح جنوبی پیمان ناتو گفته است : " یونان باید جبل‌الطارق شرقی پیمان ناتو باشد " .

امریکائیها فعالیتهای نظامی گسترده‌ای در یونان داشته‌اند که بیشتر در زمینه تاسیس پایگاههای نظامی بوده است : ۱ ــ پایگاه " وانیکا " در منطقه لاکونیا جنوب شبه جزیره موره که برای ذخیره و پرتاب سلاحهای اتمی مورد استفاده قرار می‌گیرد . نیروهای ناتو در اوایل ۱۹۷۹ مانوورهائی در این منطقه

انجام دادند . آموزشهای مشترک یونانی وامریکائی نیز صورت گرفته است . یکی از وظایف وانیکا ، فعالیت به عنوان پایگاهی برای نیروهای متحرک به منظور مقابله بااوضاع‌اضطراری‌درمنطقه خاورمیانه است .

۲ ــ پایگاه " سانا " در ۱۸ کیلومتری پایتخت . قرار بود این پایگاه جایگزین پایگاه " هویلس" که توسط انقلاب لیبی در سال ۱۹۶۹ برچیده شده ، بشود . ساله تاسیس پایگاه سانا بحران سیاسی حادی در یونان بوجود آورد زیرا خرده مالکان منطقه‌که دولت ۴۵۰ هکتار زمینهای کشاورزی آنان را برای ساختن این پایگاه به زور وبدون رضایت آنان تصاحب‌کرد همچنان معترضاند . این پایگاه عبارت از فرودگاه نظامی عظیمی است‌که یک پایگاه اتمی ضمیمه آن است واهمیتش دراین است‌که در ۱۴ کیلومتری پایگاه تماتکری ــ ویژه کنترل الکترونیک ــ قرار دارد . محافل مخالف دریونان می‌گویند پایگاهی‌که دولت می‌کوشد آن را یک فرودگاه " غیرنظامی " قلمداد کند ، بخشی از پروژه بزرگی مربوط به امنیت خاورمیانه از دیدگاه امریکاست . این محافل اشاره می‌کنند که پروژه " سانا" ضلع یک مثلث امنیتی امریکا مستقر در یونان است و ضلع دوم آن پایگاه وانیکا و ضلع سوئم جزیره کرت است‌که این سومی پایگاهی برای ناوگان ششم امریکا نیز هست . تعداد پایگاههای امریکا دریونان بنا به منابع آمریکائی به ۷۰ و بنا به منابع مخالف به ۱۵۴ پایگاه رسیده است . برخی منابع دیگر نیز معتقدندکه این گستردگی پایگاهها در یونان در ارتباط با طرحی امریکائی به منظور بازسازی پیمان مرکزی ــ سنتو ــ است‌که درپی انقلاب ایران متلاشی شده است . وکشورهای مصر ، اسرائیل ، ترکیه و یونان نامزد عضویت در این پیمان جدید هستند .

در هشتم و چهاردهم اوت ۱۹۷۹ یک واحد از تفنگداران ضربتی نیروی دریائی امریکا پیاده کردن نیرو در خلیج " ستریمو کنیکوس" دریای اژه را تمرین کرده ، وزارت دفاع ملی یونان خبر این حادثه را در ششم اوت همان سال فاش کرد وافزودکه واحدهائی از نیروهای یونانی نیز دراین مانور رزمی شرکت خواهند داشت . این مانور در شرایطی انجام شدکه هیات حاکم امریکا اعلام کرده بود که کامپای نازه‌ای برای حضور استراتژیکی خود درمنطقه خاورمیانه برداشته است .

ترکیه

طبق موازنه نظامی سال ۸۰ ــ ۱۹۷۹ حدود هزار سرباز امریکائی درترکیه حضور دارند که کارآنها پشتیبانی از نیروی شماره ۱۶ هوائی امریکاست که مقر اصلی آن پایگاه " نورنجو" در اسپانیاست .

روابط امریکا با ترکیه بعد از تحریم فروش اسلحه به آنکارا در سال ۱۹۷۵ ، زمانی‌که واشنگتن معامله با رژیم محمدرضا پهلوی را ترجیح داد ، متشنج شد و سبب تعطیل چند پایگاه امریکا درترکیه شد . این اختلاف درپی درگیری یونان وترکیه برسر قبرس درسال ۱۹۷۴ بروز کرد . دراین تاریخ یونان از جناح نظامی ناتو خارج شد ولی‌امریکا وکشورهای غربی موفق شدند ترکیه ویونان را دوباره در مانوورهای مشترک ۱۹ سپتامبر و ۱۷ اکتبر ۱۹۷۷ ناتو شرکت دهند . دراین مانوورها واحدهای دریائی و هوائی و زمینی انگلستان ، ایتالیا ، پرتغال و امریکا نیز شرکت داشتند .

در اوایل اوت ۱۹۷۸ به منظور بررسی برقراری روابط مجدد نظامی مذاکراتی میان مقامات امریکائی وترکیه آغاز شد . درآن موقع امریکا ابراز امیدواری کردکه ۲۶ پایگاه شنود امریکائی درترکیه خیلی زود دوباره آغاز به‌کارکند وبطور کلی در دوپایگاه دیگر عملیات نظامی از سرگرفته شود .

ترکیه سپس دراکتبر ۱۹۷۸ تصمیم گرفت فعالیت مجدد چهار پایگاه کنترل الکترونیکی راکه درپی تحریم فروش اسلحه امریکا به ترکیه تعطیل شده بودند، بپذیرد ... وهیات وزیران ترکیه لزوم امضای قراردادهای جدید دفاعی با واشنگتن را اعلام کرد و فعال ساختن مجدد تاسیات نظامی در " سیموب " و " دیار بکر" را برای مدت یکسال پذیرفت تا درخلال این مدت درباره قرارداد جدید مذاکره شود . همچنین دو پایگاه دیگر در "تلماس" و"کارگاپورون" بعد از توافق با امریکا درباره برخی شرایط مثل اجاره کار دادن به افسران ترکیه دراین پایگاهها ، شروع به فعالیت دوباره کردند . در ۸ فوریه ۱۹۷۹ " وارن کریستوفر" معاون وزیر خارجه امریکا به منظور تمدید قرارداد دوجانبه امریکا و ترکیه که در اکتبر

۱۹۷۹ منقضی می‌شد ، دوباره به آنکارا سفرکرد .

بهمنظور جلب رضایت ترکیها فرماندهی " ناتو" در ازمیرکه بطور سنتی تحت فرمان نیروهای امریکائی بود ، به نظامیان ترک سپرده شد . پیش‌بینی می‌شود فرماندهی دیگری از همین نوع به یونانیها در " لارسیا" داده شده باشد . بعد از انقلاب ایران حضور نظامی امریکا درترکیه آنکارا گسترش یافت و " پایگاه دیار بکر" فعالیت خود را روی ردگیری وکنترل عملیات موشکی شوروی بویژه درجمهوریهای جنوبی این کشور متمرکز کرد . این پایگاه با پایگاه دریائی نیوجرسی امریکا مستقیما در ارتباط است . " قرارداد همکاری دفاعی" که به موجب‌آن امریکا به استفاده از پایگاههای نظامی ومراکز ردگیری حرکات شوروی ادامه می‌دهد ، در ۱۰ ژانویه ۱۹۸۰ درآنکارا به امضا رسید . " رونالد سیابرز" سفیر امریکا در آنکارا گفت : " این توافق بنحساله‌که باید هر سال تایید شود ، سندی مهم و تحولی در روابط میان امریکا وترکیه است" . براساس این قرارداد، ۲۶ پایگاه ناتو در ازاء دو ونیم میلیاردکمک اقتصادی ونظامی فعالیت خود را از سر می‌گیرند .

قبرس

فرماندهی " ناتو " وامریکا می‌کوشند قبرس را کمآن را سریلی استراتژیک در دروازه های خاورمیانه می‌دانند ، وارد نقشه های خود کنند .

پنتاگون چند سالی است‌که از پایگاههای انگلستان درجزیره استفاده می‌کند وهواپیماهای جاسوسی امریکا مدتهاست که فعالیت خود را درقبرس آغاز کرده‌اند . فعالیت ایستگاههای رادیوئی ومراکز جاسوسی الکترونیکی سازمان سیاکه از سالها پیش درجزیره وجود داشته‌اند ، افزایش یافته است .

برخی منابع اشاره کرده‌اند که بخشی از تجهیزات پایگاههای جاسوسی الکترونیکی امریکا در ایران به قبرس منتقل شده است . از یک سال پیش به این طرف نیرکار برای توسعه پایگاه " اکرونیری" به منظور استقبال از یک نیروی پرحجم امریکائی ، ادامه دارد . پادگان ویژه‌ای برای این نیروها نیز احداث شده است . تا آوریل ۱۹۷۹ حدود ۴۰۰ نظامی امریکائی وارد قبرس شدند . فرودگاه نظامی پایگاه نیز برای استقبال از هواپیماهای سنگین مثل هواپیماهای سریعتر از صوت ، توسعه داده شده است . توسعه این فرودگاه زیرپوشش نیروی هوائی انگلستان انجام می‌گیرد . برخی منابع وجود انباری از سلاحهای اتمی در پایگاه اکرونیری ، حاوی موشکهای اتمی قابل حمل توسط‌هواپیماهای انگلیسی " ولکان" را تاکید کرده‌اند .

اسپانیا

طبق قرارداد ۱۹۵۳ میان امریکا واسپانیاکه درسال ۱۹۷۶ تجدید شد ودرسال ۱۹۸۱ پایان می‌یابد ، امریکا چهار پایگاه در اسپانیا دارد . نیروهای امریکائی همچنین در پایگاه دریائی " رونا"ی اسپانیا که بزرگترین پایگاه پشتیبانی لجستیکی برای ناوگان ششم امریکاست و زیردریاییهای اتمی "پولاریس " نیز به آن رفت وآمد می‌کنند ، مستقر هستند . پایگاه بزرگ هوائی " تورجون" در بیست کیلومتری مادرید اصلی‌ترین پایگاه نیروی شماره ۱۶ هوائی امریکا ــ ویژه منطقه مدیترانه ــ به‌شمار می‌رود . ولی براساس قرارداد دوجانبه میان اسپانیا وامریکا ، قراراست‌که.پایگاههای اسپانیا فقط در عملیاتی پیرامون اروپا و نه درخاورمیانه مورد استفاده قرار بگیرد .

درمورد امکان استفاده از این پایگاهها برای حمله امریکا به منطقه خلیج فارس ، بگو مگو وبحثهای تندی میان امریکا و اسپانیا رخ داده است . برخی منابع اشاره می‌کنند که اسپانیا برای استفاده از این

پایگاهها برای اقدام به این حمله ، موافقت نخواهدکرد ، مگراین‌که موافقت عربستان سعودی که روابط حسنه‌ای با اسپانیا دارد ، جلب شود .

روزنامه هرالد تریبون در مارس سال ۱۹۷۹ اسپانیا را "حلقه نابطش " در استراتژی خاورمیانه‌ای امریکا توصیف کرد . ولی وزیر خارجه اسپانیا اخیرا اعلام داشته که کشورش تصمیم گرفته است درخواست عضویت در پیمان ناتو در سال ۱۹۸۱ را مطرح کند ، البته مشروط براین‌که انگلستان " جبل‌الطارق" را به اسپانیا پس دهد واین کشور دربازار مشترک اروپا پذیرفته شود .

جبل‌الطارق

انگلستان درمدیترانه ، یک پایگاه در جبل‌الطارق و چند پایگاه در قبرس دارد . حضور ناوگان نوی انگلستان در مدیترانه ادامه دارد ولی نه تا آن حدکه بتواند مستقل از ناوگان ششم عمل‌کند . چه اخیرا وابستگی آن به ناوگان ششم بیشتر شده است .

قرار بود اهمیت پایگاه جبل‌الطارق درصورت تخلیه سلاحهای اتمی امریکا از پایگاه اسپانیائی " رونا" افزایش یابد و جبل‌الطارق به صورت " سندری اتمی" برای استقبال از زیردریاییهای اتمی وناوگان ششم درآید .

پرتغال

قراردادی میان پرتغال وامریکا وجود داردکه بیره برداری امریکا از جزایر آزور را تضمین می‌کند . منطقه " لاجیس" دراین جزیره‌ها ، نقطه شروع اصلی هواپیماهائی است‌که از امریکا عازم جنوب اروپا و خاورمیانه هستند . پایگاههای این جزیره ها در جنگ ۱۹۷۳ اعراب واسرائیل مورد استفاده قرار گرفت . چه تمامی هواپیماهائی که از آلمان غربی وامریکا پرواز می‌کردند ، برای سوخت‌گیری دراین پایگاهها فرود می‌آمدند .

اخیرا نیز آیالات متحده ظاهرا از این پایگاهها ، با سرایطی بهتر ارگذشته استفاده می‌کند واحتمالا اجازه حضور ناوهای هواپیمابر درآبهای پرتغال را به دست خواهد آورد وبدینگونه قدرت ضربتی آمریکا در اروپا وخاورمیانه بیشتر خواهد شد .

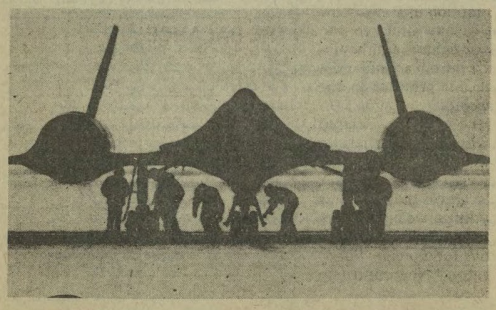

مغرب و جزایر قناری

بخشی از "فرماندهی استراتژیکی هوائی امریکا" یعنی نیروی شماره ۱۶ هوائی از دهه پنجاه درمغرب و اسپانیا مستقر بود . درآن زمان بیشتر هواپیماهای عامل ازنوع بمب‌افکنهای اتمی ب ـ ۴۷ ، بودند . امریکا این پایگاههای هوائی در مغرب را درسال ۱۹۶۳ بعد از بکارگیری زیردریائیهای اتمی ، تعطیل کرد . درهمین سال برخی از این پایگاهها در مغرب به ایفای نقش کمکی برای این زیردریائیها ادامه دادند . امریکا از سه پایگاه نظامی درمغرب مرتبط با پایگاه امریکا در جزایر قناری استفاده می‌کند .

جزایر قناری (غرب مراکش) در اقیانوس اطلس قرارداد ، اما نسبت به منطقه مدیترانه بویژه در طول مدت بسته بودن کانال سوئز ، نقش مهمی ایفا کرد . درواقع گذرگاه اصلی کشتی‌های عبوری از اروپا به خاورمیانه بوده است . دویندر " تنیفرا " و " لاس پالماس" برای پذیرش ۱۷۰۰ کشتی درسال ، توسعه داده شدند وبصورت بزرگترین بندرهای افریقا درآمدند . درجزایر قناری فرودگاههای عظیمی نیز وجود دارد که می‌تواند روزانه ۱۵۰ هواپیما بپذیرد . پایگاههای امریکائی دراین جزیره ها ، مقر اصلی شبکه ارتباطاتی است‌که شمال آتلانتیک را به جنوب آن وکشورهای جنوب آفریقا را به برزیل پیوند می‌دهد .

پایگاه امریکا در " لاس پالماس" وابسته به سازمان فضانوردی آمریکا ـ ناسا ـ نیز با پایگاه کیپ‌کندی در داخل خاک امریکا ارتباط دارد .

پایگاه دیگری نیز برای پذیرش زیر دریائیهای جنگی درمرکز " پنتادی تورو" جزیره " تنریفا" وجود دارد . این جزیره ها اینک بخشی اساسی از استراتژی نظامی امریکا را که براساس اصل مک‌نامارا مبتنی است ، تشکیل می‌دهند . این اصل معتقد به ایجاد پایگاههای دریائی ـ هوائی در جزیره های نزدیک قاره ها ، مانند جزیره " کوام" در اقیانوس آرام است .

نتیجه : برخی نشانه ها حاکی است‌که هم‌پیمانان اروپائی امریکا در اجلاس اخیرناتو در بروکسل تصمیم به افزایش حضور نظامی خود دراین پیمان گرفته‌اند ، تا نیروهای نظامیشان در حوزه دریای مدیترانه واروپا جای نیروهای امریکائی راکه در اقیانوس هند وخاور نزدیک وخاورمیانه مستقر خواهند شد ، پرکنند . همچنین چند عضو پیمان ـ مثلا انگلستان و آلمان غربی ـ آمادگی خود را برای اعزام کشتی های جنگی خود به منطقه خلیج فارس واقیانوس هند ، به عنوان تقویت سیولیک نیروهای امریکا ، اعلام داشته‌اند . نیز انگلستان تصمیم گرفت درماه سپتامبر ۱۹۸۰ مانوورهای نظامی دراروپا انجام دهدکه درنوع خود مهمترین مانوور انگلیس از یک دهه پیش به این طرف بوده است وهدف آن آزمایش امکانات نظامی لندن در پشتیبانی از نیروهای زمینی وهوائی مستقر در آلمان غربی است .

کشورهای حوزه دریای مدیترانه درکنفرانس فوریه ۱۹۸۰ جنبش غیرمتعهدها که در پایتخت مالت منعقد شد ، نسبت به " مدرنیزه‌کردن" پیمان آتلانتیک شمالی و افزایش توان رزمی ناتو و استقرار موشکهای جدید اتمی در اروپای غربی وگسترش دامنه عمل پیمان ، ابراز نگرانی کردند .

فرماندهی ناتو نیز پیشنهادهای برخی‌کشورهای حوزه دریای مدیترانه وشوروی درمورد تبدیل این دریا به منطقه صلح وخارج کردن ناوگانهای رزمی آزآن را ردکرده است .

بدینگونه آشکار می‌شودکه حضور نظامی درمنطقه دریای مدیترانه بخش لاینفک استراتژی همه جانبه نظامی امریکا را تشکیل می‌دهدکه هدف آن سلطه سیاسی و نظامی واقتصادی برمناطق خاورمیانه و خلیج فارس وجنوب اروپا است . اما درمورد هم‌پیمانان اروپائی ، استراتژی‌آنها تا این لحظه به بیشتر نقشه های امریکا پایبند است ولی دشوار می‌توان پیش‌بینی‌کرد درصورتی‌که امریکا تصمیم به یک ماجراجوئی نظامی درخاورمیانه یا خلیج فارس بگیرد ، موضع آنها چه خواهد بود .

نقد فیلم

سیل پابرهنه‌ها

سینما با دراختیار گرفتن همه وسایل بیانی‌دیگر ، ازجمله موسیقی ، رنگ ، سناریو ، شعر و ... ، بعنوان مجموعه‌ای از دیگر هنرها از حداکثر امکانات تاثیرگذاری برمیبیننده برخوردار است . و درست بهمین دلیل می‌توان آنرا برترین وسیله تبلیغی در زمینه هنر نامید . وسیله‌ای‌که از طریق آن در چند ساعت چندین هزار نفر با نظریه‌ای که توسط تهیه ـ کننده و کارگردان فیلم پرداخته شده ، برخورد میکنند و از آن متاثر میشوند . این تاثیرگذاری ، بویژه در زمینه سینمای " سیاسی " می‌تواند اهمیتی اساسی یابد .

آنچه سینمای " سیاسی " را از سینمای صرفا" تجاری وتفریحی جدا میکند ، مضمون مشخص سیاسی اینگونه فیلمهاست . مضمونی‌که هدف آن برخلاف سینمای تجاری نه سرگرم کردن واحتمالا" تاثیر کند وتدریجی بردهن بیننده ، بلکه استفاده از تمام امکانات طبقه سازنده فیلم برای یورش به ذهنیات تماشاگر ، درهم شکستن و تغییر آن است . بهمین دلیل سینمای سیاسی را باید بعنوان وسیله تبلیغی موثری در دست طبقات مختلف اجتماعی ونمایندگان هنری آنها تلقی کرد و دربین هرحرکت دوربین ، هرسخنی‌که از دهان بازیگران خارج میشود ، هرحادثه‌ای‌که در فیلم اتفاق میافتد و هرنتیجه‌ای که فیلم ارائه میکند ، منافع طبقه‌ای را که سازنده فیلم است پیدا و آشکار کرد .

اگر فیلم سیاسی بتواند از عهده نمایش مفهوم واقعی زندگی زحمتکشان ، که سرشار از روحیه مبارزه ، مقاومت و قهرمانیهای توده هاست برنیاید ، اگر فیلم سیاسی نتواند به سهم خود ماهیت واقعی مناسبات اجتماعی حاکم برجامعه و طریقی راکه مردم باید اتخاذ کنند تا بتوانند مناسبات کهنه را درهم شکسته ومناسبات نوین متکی برهرهایی انسانها از قید وبند استثمار و ظلم را بنا نهند به آنها بیاموزد ، اگر سینمای سیاسی بتواند در ارتقاء شناخت درست مردم از امپریالیسم ، پایگاه داخلی و مبارزه با آن کمک

کند ودربک سخن اگر سینما مانند هرهنر انقلابی دیگر ابزاری برای تغییر انقلابی انسان و جهان باشد ، این سینما ، سینمایی انقلابی است‌که باید ازآن درمقابل یورش باصطلاح نقادان سرمایه‌داری حمایت‌کرده ودرضمن با انتقاد از آن ، تا حد ممکن نواقص آن را از بین برد .

در مقابل اگر سینمای سیاسی بخواهد با تحریف واقعیات و با بی ثمر خواندن مبارزه ، انسانها را از مقاومت و مبارزه برغلیه ستمگران باز دارد ، اگر این سینما اشاعه دهنده روحیه سازش و تسلیم مردم در برابر " قضا وقدر" و مروج یاس ، سکون وخستگی آنها از مقابله با مشکلات و سختیهای مبارزه باشد ، اگر این سینما بجای کمک به شناخت ریشه های واقعی رنج و فقر زحمتکشان ، خود آنها را مسول این وضعیت نشان دهد وآنانرا در مقابل یکدیگر قرار دهد ، اگر سینما به مردم بگوید که میتوانند برای بدست آوردن پیروزی از هروسیله غیرانقلابی که راحت‌تر است استفاده کنند (پیروزی‌ای‌که بخش اعظم زیبایی وزنده بودن آن درعدم استفاده از چنین وسایلی متبلور میشود) و، باز دریک سخن اگر از سینما بعنوان ابزاری برای حفظ مناسبات محیط اجتماعی و ادامه حیات نظامهای استثمارگر استفاده شود ، این سینما ، سینمایی ارتجاعی است که باید افشا و با آن مقابله شود .

بعد از سقوط رژیم پهلوی ، ظاهرا" حرکت تازه‌ای در فیلمهائی‌که در ایران بربرده میآید ، به چشم خورد . اما اگر این حرکت مورد بررسی قرار گیرد دریس‌آن نه تنها تازگی و طراوتی دیده نمی‌شود ، بلکه از پوسیدگی آن بوی " تا " فضای سینماها را برگرده است . درصورت‌کم توجیهی بیننده ومنتقدان اغلب این فیلمها ظاهرا" در رده سینمای سیاسی ـ انقلابی قرار میگیرد . اما اگر ظاهر انقلابی اینگونه فیلمها کنار زده شود ، عمق انحطاط مضمون آنها چون روزآنگار میشود . داستان اغلب این فیلمها بسیار بهم سبیه است :

با فیلم حکایت عده‌ای (از یکنفر به بالا) است که از ظلم وجورپکه تا پایان فیلم مشخص‌نمیشود دلیل آن چیست ، جانشان به لب رسیده و بعامین خاطر دست به مبارزه‌ای میزنند که تقریبا تمام اشکال آن انحرافیست (مبارزان باسک و تیرد الجزایر ـ بوتوکوروو (۱)) ودست آخرمانند تمام فیلمهای وسترن ، "آرتیستیپایش" پیروز میشوند (من ، کوبا) ، وبا آنچنان شکستی میخورند که تنها حاصلش برای تماشاگر جز چند قطره اشک احتمالی چیزی نیست (قیام بردگان) و یا اینکه بازیگران بدون دلیل و فقط براثر "فطرت دائی " خود به دویخش خوب وبد تقسیم میشوند (عروج ـ شیمیتکو ، و " لالوس ") . مرد یا زنی ازآدمهای خوب عاشق یکی از بازیگران " بد " فیلم میشود و درآخر فیلم ، عاشق معشوق را میکشد و یا بالعکس ، تا باین وسیله عشق واحساس بعنوان جیزی غیرطبقاتی جا زده شودکه میتوان دیدگاههای سیاسی را درآن دخالت نداد و رابطه میان یک زن ومرد را به حد یک رابطه شیئی‌ای تنزل داد (چهل ویکمین ـ چوخرای) و خنده‌دارتراز همه اینها فیلمهای ضد امریکائی است که خود کمپانیهای فیلمسازی آمریکا برروی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند (آزادیخواهان رودزیا ـ گذرگاه کاساندرا) .

با توجه به تاثیر پندت مخربی‌که اینگونه فیلمها برهنر انقلابی ضدامپریالیستی میهن ما دارد و بخصوص ـ هیچمانکه اشاره شد ـ با تاثیر بسزایی که سینمای سیاسی می‌تواند در شکل‌گیری ذهنیت مردم داشته باشد سعی خواهد شد تا از این پس برخورد فعالتری با فیلمهائی‌که بربرده سینما میآیند داشته باشیم . نخستین فیلمی‌که برای نقد انتخاب کرده‌ایم فیلم " سیل پابرهنه ها " ساخته کارگردان شوروی "سرافیموویچ" است . اما ابتدا باید دلایل انتخاب این فیلم را برای نقد مطرح کنیم :

۱ ـ با آنکه بیش از یکماه از نمایش این فیلم در سینماهای تهران (بخصوص باشین شهر) میگذرد

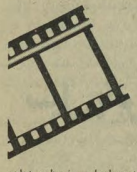

وبه احتمال زیاد به شهرستانها نیز فرستاده خواهد شد از جانب مجلات و روزنامه های مختلف هیچ نقد و بررسی درباره آن انتشار نیافته است .

۲ ـ این فیلم از آنچنان ویژگیهایی برخوردار است که میتوان آنرا بعنوان نمونه‌ای خوب از جریانی که سینماهای ایران را اشغال کرده است مورد بررسی قرار داد .

نظری به داستان فیلم

داستان فیلم مربوط به اولین سالهای بعد از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) وجنگ مرگ وزندگی حکومت انقلابی بلشویکها با نیروهای ضدانقلابی گارد سفید

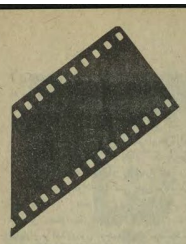

(ارتش سرمایه‌داران و زمینداران) است . بخشی از سربازان ارتش سرخ (ارتشی‌که بوسیله کارگران و دهقانان برای سرکوبی سرمایه‌داران بوجود آمده بود) بهمراه خانواده خود به محاصره ارتش ضد انقلابیون درمیآیند . عده‌ای از آنان خواهان تسلیم و دست کشیدن از مبارزه و عده‌ای نیز خواهان مقاومت در برابر ارتش سرمایه‌داران اند که این عده اخیر هنگام بحث برسر مواضع خود نسبت به طرف مقابل در اقلیت هستند . اما آنچه بالاخره تسلیم و سازش با ادامه مقاومت و مبارزه آنها را تعیین میکند جنازه یکی از رفقایشان است‌که سوار بر یک اسب بسرعت به جمع آنان نزدیک میشود ومردم با دیدن رفیق کشته شده خود بدست افراد گارد سفید ، از تسلیم وسازش‌چشم میپوشند . مجمع عمومی سربازان از میان خود کارگری بنام " زوکوف " را به رهبری برمیگزیند واز آن پس او تمام تصمیمات را بگذته اتخاذ میکند . " زوکوف " تصمیم میگیردکه ارتش نه بماند و درمقابل گارد سفیدبها مقاومت کند ونه تسلیم شود ، راه حل سوم اینگونه انتخاب میشود : " باید سعی‌کرد با حداقل درگیری نیروهای دشمن را دور زد وبدون خونریزی به باقی ارتش سرخ‌پیوست " . باقی فیلم جریان " دور زدن" سربازان ارتش است که بالاخره با خوشی وخوبی طی میشود و سربازان از محاصره ارتش سفید خارج میشوند . آخرین صحنه فیلم تصویر جمع خندان سربازان ، کارگران ودهقانان بهمراه خانواده‌شان است‌که مانند صحنه اول ، ناگهان پیرزنی که در هیچ کجای فیلم جای نداشته سروکله‌اش پیدا میشود وآخرین حرف فیلم نطق اوست که : " مردم ، ما نوانستیم به کمک همدیگر پیروز شویم " .

برای اینکه‌به‌عمق‌تحریف‌تاریخ‌توسط کارگردان‌فیلم پی ببریم اشاره‌ای مختصر به چگونگی پیدایش ارتش سرخ ضروری است .

ارتش سرخ اکتبر تیلور قهر انقلابی زحمتکشان شوروی در برانداری تزاریسم و تجلی روحیه رزمنده آنها برای درهم‌کوبیدن تمام موانعی بودکه سرمایه‌داری وامپریالیسم برسر راه انقلاب ایجاد میکردند . این ارتش مظهر خشم ونفرت زحمتکشان از تمامی نظامهای استثمارگر و مظهر نظم واراده پولادین آنان بود .

در ارتش سرخ اکتبر بیش‌از ۸۰۰ هزار کارگر آگاه و چند صدهزار دهقان عضویت داشتندکه هدف خود را مبارزه برای حفظ وگسترش انقلاب قرار داده بودند . در سه سال اول بعد از انقلاب این ارتش در مصاف با ارتش ضد انقلابیون بیش از ۲۵۰ هزارنفرازنیروهای انقلابی‌خود بازدست‌داد . اما آنچنان بازندگی کارگران ودهقانان روسیه درهم آمیخت و تبدیل به فولادی آبدیده وگداخته شدکه تنها یک نمونه از سربازان آن " نیکلای آستروفسکی" نویسنده رمان انقلابی " چگونه فولاد آبدیده شد" است . یکی از دلایل پیروزی ارتش سرخ برارتش سفید در " تاریخ معاصر شوروی" اینطور ذکر شده :

" افراد ارتش سرخ بهدف و وظایف جنگی پی میبردند و درست بودن آن را درک میکردند . فهمیدن درستی هدف و وظایف جنگی درآنها روح انضباط وسلحتوری را مستحکم میکرد . بهمین‌جهت هم بودکه توده های سربازان سرخ در مبارزه برضد دشمنان پیوسته و هرآن از ابراز فداکاری بیمانند و قهرمانی دسته‌جمعی بی‌سابقه‌ای میکرد . " (صفحه ۲۹۲ ـ تاریخ معاصر حزب کمونیست (بلشویک) شوروی .)

اما ببینیم کارگردان " سیل پابرهنه ها " که فیلم خود را چند سال پیش تهیه کرده است ، چه برخوردی با ارتش سرخ اکثیر دارد : ارتش سرخی‌که برای محو غارت واستثمار مبارزه میکرد در فیلم و بدست کارگردان به سطح ارتش بدون سازمان ، بدون ایدئولوژی وفارنگر تنزل می‌یابد و تبدیل به ارتشی میشودکه بعد از آزاد کردن یک شهر ، آنچنان به غارت آن میپردازد که سربازان برای اینکه از آنچه " غارت "کرده‌اند حفاظت کنند لباسهای زنانه غارت شده را به تن میکنند ، با درجریان یکماموریت آنچنان مست میکنندکه از یاد می‌برندکه برای چه به ماموریت رفته‌اند و با عده‌ای " آنارشیست" را که زنانی با لباسهای رنگارنگ و بطریهای شراب در کنار خود دارند تا آخر مقصد با خود میبرد و بعداز اینکه کارها تمام شد فرمانده دستور میدهد که آنها خلع سلاح شوند ! و ...

نظمی‌که ارتش سرخ "سرافیموویچ" برآن استوار است نیز نظمی ضدانقلابی است . نخست مردم " ژوکوف " را بعنوان نماینده خود انتخاب میکنند . با انتخاب او بعنوان فرمانده نقش مردم در نظارت برارتش نیز پایان می‌یابد . از نظر کارگردان

" ژوکوف " را مردم انتخاب کرده‌اند اما " ژوکوف " که مردم را انتخاب نکرده است ! مردم ملزم به رعایت نظریات او هستند اما " ژوکوف " هرتصمیمی بگیرد کسی نمیتواند از آن سرپیچی کند . هنگامی که در فیلم بین " ژوکوف " ویکی از سربازان اختلافی پیش میآید ، " ژوکوف " بجای آنکه به سرباز توضیح دهدکه چرا باید نظر او را اجرا کند ، میگوید : " باید دستور مرا اجرا کنی چون مردم مرا انتخاب کرده‌اند* . " نظم " ارتشی‌که براساس برخورد و احساس مسئولیت انقلابی کارگران ، دهقانان ، سربازان و انقلابیون بوجود آمده بود تبدیل به‌نظمی مکانیکی میشود که ناظم آن " ژوکوف " ، یک شلاق نیز در دست دارد وبدون آنکه لحظه‌ای را صرف توضیح نظریاتش بکند ، چپ وراست دستور میدهد : " شلاق بزنید . "

اما کار این " نظم " به همین‌جا ختم نمیشود . به پیشنهاد " ژوکوف " (یا بهتر است بگوئیم بدستور او) مسوولان بخشهای مختلف ارتش قراردادی را امضا میکنند که‌براساس آن "هرکس از سربازان گرفته تا فرمانده ، دستورات فرمانده !! را درست اجرا نکند به شدیدترین شکلی (که درفیلم معمولا " شلاق‌زدن‌است)مجازات میشوداوکرکسی دستوری را اجرا نکند نمیراند . " آیا براستی درارتش سرخ اکتبربه کارگران و زحمتکشان به دیده قدیسانی‌که هیچگاه‌مرتکب‌اشتباه نمی‌شدند ،نگریسته‌میشده‌است و آیا با کسی‌که مرتکب اشتباهی شده بود با شلاق وبه شدیدترین شکل برخورد میشد ؟ نه ! برخورد ایدئولوژی ارتش سرخ با اشتباه کارگران و زحمتکشان (تا زمانی‌که در صف انقلاب بودند) برخوردی انتقادی ــ انقلابی بودکه به زحمتکشان اجازه میداد ریشه اشتباهات خود را شناسائی کرده ، با آن مبارزه کنند و خود را ارتقاء دهند . این بینش معتقد بودکه انسانها با شرکت فعالانه در روند تغییر جهان باید خود را نیز تغییر انقلابی دهند واز گرایشهای ضد انقلابی که میرات نظم کهنه است رهایی بخشند . هرجا که سربازی مرتکب اشتباه میشد جمع بود که درباره‌او تصمیم میگرفت واولین هدف جمع دربرخورد با او فهماندن این نکته بودکه دلیل اشتباه اوچیست وچگونه میتواند خود را از شر این اشتباهات نجات دهد (صحنه محاکمه " ماروزکا " توسط دهقانان در زمان " شکست " نمونه زیبای این شکل برخورد است) . حال در سالهای بعداز ۱۹۷۰ کارگردان فیلم سعی میکند " نظم " ضدانقلابی حاکم بر فیلم " سیل پابرهنه ها " را با انتساب آن به سالهای انقلاب اکتبر به نوعی توجیه کند .

دراین فیلم مانند بسیاری از فیلمهائی‌که در دو سال گذشته نشان داده شده (مادر ، حکومت نظامی ، مبارزین باسک ، عروج ، انواع واقسام فیلمهائی‌که از کودتای ۱۹۷۳ شیلی ساخته‌اند ، راهیان مقصد نامعلوم و .....) توده‌ها حضور ندارند واگر هستند یا سیاهی لشگرند و یا نقش تعش را بازی میکنند . کارگردانان اینگونه فیلمها یا ازفهم‌نقش‌تاریخی‌مبارزه توده‌ها عاجزند و یا اینکه میخواهند این نظریه نادرست را تلقین کنندکه : " مردم بنشینید ، دیگران بجای شما مبارزه میکنند "

درصحنه‌ای از فیلم " سیل پابرهنه ها " هنگامی که بین " ژوکوف " که حضورش بیش از حضور همه سربازان و خانواده هایشان در فیلم حس میشود ، با مسوولان گروههای مختلف به دنبال یافتن راه‌حلی برای خارج شدن از محاصره صحبت میشود . یکی از مسوولان ارتش پیشنهاد میکندکه " چون بودن مردان وزنان غیرسرباز باعث بهم ریختن نظم ارتش میشود بهتر است سربازان را از مردم جدا کنیم . " گویا ارتشی‌که از کارگران ، سربازان و دهقانان بوجود آمده ووجه تمایز آن با سایر ارتشها همین پیوند عمیقی است‌که با زحمتکشان دارد ، برای اینکه "نظمش دچار اخلال نشود باید از مردم جدا شود . مردم به راه خویش وارتش نیز به راه خود بروند . اما چون کارگردان برای ملوث کردن فیلم احتیاج به سیاهی لشگر دارد ، بدون آنکه دلیل عدم پذیرش این پیشنهاد را روشن کند پیشنهاد دوم را ارائه میکند که همان فرار یا برقرار ترجیح دادن‌است . برای فرار نیز لازم است مردم باشند تا فرار را تسهیل کنند .تنها مواردی‌که دوربین پیگیرانه مردم را نشان میدهد ، صحنه های بی دریی هل‌دادن کاربها بوسیله زنان وبچه هاست‌که باید هرچه میتوانند ارتش را از ضدانقلابیون دورکنند .

در سراسر فیلم . ازسوی دیگر زنان کوچکترین نقشی ندارند واگر اتفاقا " دوربین با آنان برخوردکند یا وقتی است‌که زنی میخواهد دربحبوحه جنگ ساموزش را نجات دهد و یا هنگامی‌که زنان ارمردان دلیری میکنند . همین وبس !

اما عمق انحطاط این فیلم درجگونگی تلقی کارگردان از پیروزی ارتش نمایان میشود . از دیدگاه

"نینا"
نویسنده: ثابت رحمان ــ مترجم ،سیروس مددی
انتشارات ارمغان ، باشارــ زمستان ۵۸
۳۸۴ صفحه ــ ۳۵۰ ریال

درماههای گذشته، رمان های متعددی از نویسندگانی‌چون ماکسیم گورکی، آلکسی تولستوی ، زاهاریا استانکو ، سینکلر و...منتشر شده است، اما رمان نویسنده‌ٔ گمنام ، ثابت رحمان ، به عنوان " مطرح‌ترین" کتاب ادبی ی چند ماه گذشته ،پس‌از مدت کوتاهی که از انتشار آن گذشت کمیاب شد. این کتاب نصویری زنده و هنرمندانه از مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان باکو در سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۴ بدست می‌دهد. بهمین دلیل درجلب توجه مردم ما ــ که در پی عمق بخشیدن به مبارزه خویش با امپریالیسم و وابستگان داخلی آن است ــ تاثیر داشته است

هنر انقلابی پیروزی یا شکست باید بخشی از روند مبارزه باشد وآنچه همواره باید مورد نظرقرار گیرد نه‌پیروزیهای زودگذروبه‌فریفت بلکه مبارزه‌ای‌پیگیر ، سازش‌ناپذیر ومتکی‌براصول‌انقلابی‌است.کسانی که با ادبیات انقلابی وبویژه همین‌انقلاب‌اکتبر ، انقلابی‌که اینچنین بدست‌کارگردان جوان شوروی مسح ولجن‌مال میشود آشنایند ، صحنه های بیشماری از بظاهر شکست نیروهای انقلاب را می‌بینندکه هیچکس نمیتواند به آنها صفت شکست را اطلاق کند . این صحنه ها نه صحنه شکست بلکه صحنه پیروزی روحیه مقاومت ومبارزه دربرابر روحیه سازش وتسلیم،و چشم‌پوشی از پیروزیهای حقیر وزودگذر درمقابل پیروزیهای واقعی است . بهمین دلیل است که این شکستها به ضد خود ، به پیروزی تبدیل میشود . " کورچاگین" در رمان " چگونه فولاد آبدیده میشود " میمیرد اما آرمان او ، روحیه مقاومت ، مبارزه و سازش ناپذیرش برای خواننده زنده میماند . در "شکست" فادایف از یک ستون نظامی تنها ۱۹ نفربقی میماند . اما ۱۹ نفرکه یک لحظه از مقاومت و مبارزه روی برنتافتند و بعداز شکست ، عشق وایمانشان به مبارزه توده ها صدچندان میشود . اما دراین فیلم کارگردان " پیروزی " را بهروسیله‌ای‌که به دستش برسد ، تضمین میکند . حال اگراین وسیله فرار از مقابل ارتش سفید ، شلاق زدن سربازان ، بی‌بندوباری آنها و ...باشد .

از دیدگاه کارگردان این فیلم ، آنچه مهم است"پیروزی" وفقط"پیروزی" است . حال به چه قیمت ، آن را"پیروزی"تعیین میکند ، و چنین است که فیلم " سیل پابرهنه ها" بیانگر اصلی است‌که مدتها برسینمای شوروی غالب شده ودرفیلم های متعددی نمونه های آن دیده میشود .

راه حلی که یونته‌کوروو در نبرد الجزایر ارائه میدهد در واقع همان شیوه مبارزه‌ایست که‌درمبارزان باسک ارائه میدهد: مبارزه عده‌ای روشنفکر جدا از توده که هیچ نیازی به توده‌ها حس نمیکنند (جلوگیری علی از رویاروئی مردم با استعمارگران فرانسوی در نبرد الجزایر).

همچنین در نبرد الجزایر، یونته‌کوروو با ارائه تز ترکیه جامعه برای آغاز انقلاب ،آنهم از طریق کشتن افراد فاسد(کشتن گردانیده، فاحشه‌خانه) درک غیر طبقاتی خود را از مبارزه بروشنی آشکار میکند . (و نیز سرخوردگی "جمیی" از خوشگذرانی مردمی که به آنها توجهی ندارند . در مبارزان باسک)

از این گذشته ثابت رحمان در انتقال آگاهی ها و درسهای انقلابی به توده ها ، بازبانی هنری ، موفق بوده است . بدین معنی که " نینا" برداشتی خلاق و گزارشواره از مبارزه بین خلق و استثمارگران نیست‌بلکه زندگی با تمام ابعادش ، با تمام رنگها و نواهایش در آن رخ می‌نماید: مبارزات ، تعقیب‌و گریزها ، خیس نگخته های توانفرسا ، اغدامها ، گرسنگی،عشق ... قدرت نویسنده در تصویر هنرمندانه‌ٔ یک دورهٔ حدت مبارزه طبقاتی ، سبب تاثیر عمیق کتاب در خواننده می‌شود .

سالهایی که ثابت رحمان به توصیف‌آنهامی‌پردازد سالهای گسترش نهضت انقلابی در روسیه است . در پایان قرن ۱۹ بحران اقتصادی اروپا سراسر روسیه را نیز در برگرفت . هزاران بنگاه کوچک و بزرگ بسته شد و بیش از ۱۰۰ هزار کارگر از کار اخراج شدند ، از دستمزد کارگرانی که هنوز کار خود را از دست نداده بودند ، بطور فاحش‌کاسته شد . بحران اقتصادی ، بحران سیاسی را شعله ور ساخت و مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان با نظام استبدارگر ، بیش از پیش جنبهٔ انقلابی به خود گرفت . کارگران ضمن اعتصابات اقتصادی ، دست به تظاهرات و میتینگ های میزدندو با شعار "نیست‌باد سلطنت مستبده تـزارا " بدنبال رژیم فئودال ــ بورژوایی حاکم بر روسیه را به لرزه می‌انداختند .

در این تظاهرات و میتینگها ــ که در آنها اعلامیه های انقلابیون پخش و خوانده می‌شد کارگران بسیاری بازداشت و تبعید شدند . عده زیادی نیز در هجومهای سیاهیان تزار زخمی و کشته شدند . پاسخ حکومت ضدمردمی تزار به کارگران و دهقانان حق طلب ، جز گلوله چیز دیگری نمی‌توانست باشد . اما جنبش عظیم کارگری همچنان به پیش می‌رفت و دهقانان ، دانشجویان و دیگر قشرهای خلق را به حرکت در می‌آورد. کمیته های انقلابیون به مرور رهبری مبارزهٔ کارگران را بر عهده می‌گرفتند (۱)

باکو ــ که داستان درآنجا می‌گذرد ــ نقش‌عمده‌ای در اقتصاد سراسر امپراتوری روسیه بازی می‌کرد ، این شهر ، شهر زحمتکشان ، شهر قلعه‌های لبریز از خشم و کینه و انقلاب بود .باکو تنها مرکز صنعتی بود که تمام مردم تکست خورده‌ٔ قفقاز با آمدنشان به‌آنجا صفوف زحمتکشان محلی را متشکل تر میساختند . پائین بودن سطح فرهنگ و رواج خرافات بین کارگران ترک و نفوذ اندیشه های ناسیونالیستی در میان ارامنه به جنبش ضربه می‌زد ، اما از سوی دیگر مشی پیگیر و سراسری انقلابیون که همهٔ ملیت هاوگروهها را در بر می‌گرفت روز به روز ستونهای جهان کهنه را سست تر میکرد .

انقلابیون از لحاظ نیروی آگاه با کمبود شدیدی روبرو بودند، این امر که ناشی از جوانی جنبش کارگری و وضعیت خاص باکو بود ، سبب می‌شد که هر یک فرد انقلابی مجبور به بیشبرد مقدار زیادی ازکار ــ های سازمانی گردد ،اما در عین حال رعایت دقیق اصول سازمانی و نیز ضعف تشکیلات پلیس سبب پائین آمدن سطح ضربه‌پذیری می‌شد .

بحران سالهای ۱۹۰۴ ــ ۱۹۰۱ که بویژه در بخش تولیدات نفتی انعکاس وسیعی داشت ،فرصت مناسبی برای مبارزه شدید اقتصادی بدست نمی‌داد. اما شرایط مناسبی برای تبلیغات با مضمون سیاسی و به منظور آگاه کردن توده ها سبب می‌شد . شرایط‌بحران به گرایش های متکی بر جنبش خود بخودی کارگران ، و سیاسی نکردن آن ، مجال رشد نداد ، اما‌از سوی دیگر به گسترش نمایلات تروریستی در میان کارگران انجامید . در همین سالها بود که لنین ، رهبر کمونیست های روسی که سرانجام جنبش کارگری این کشور را به پیروزی رساند ، در روزنامه ای بنام " ایسکرا" مبارزهٔ ایدئولوژیک سرسختانه ای را با انواع انحرافات به پیش می‌برد (۲)

رمان " نینا" که توصیف این دوران پرتحرک را بر عهده گرفته ، روحیات و خواستهای طبقات متضاد جامعه روسی را با صراحت ترسیم می‌کند . همانگونه که در دورانهای اعتلای انقلابی ، طبقات گوناگون جامعه آشکارا روحیات و آمال خود را به نمایش‌می‌گذارند . اما " نینا" یک رمان " رئالیست " انتقادی نیست که به نمایش صرف مفاسد و تبهکاری های نظام سرمایه ــ داری اکتفا کند ، بلکه با نشان دادن روحیهٔ رزمندهٔ کارگران ، تلاشهای آنها را به شیوه ای حماسی ترسیم می‌کند . " نینا "یک رمان " رئالیستی ــ سوسیالیستی " است و بعنوان نمونه ای واقعی از آنچه می‌تواند نام این مکتب هنری را بخود گیرد ،در نبرد بین " کار" و " سرمایه" ،جانبدار طرف کار است : قانون مصوب ۱۹۳۴ اتحادیه نویسندگان شوروی " رئالیسم سوسیالیستی"را چنین توصیف می‌کند: " هنر متعکس کننده مصافع طبقه ای است که آن را بوجود می‌آوردو وسیله‌ایست که به دفاع از این مصافع و پیشرفت آنها خدمت می‌کند . هنر "رئالیستی سوسیالیستی " هنر طبقهٔ کارگر است که ساختمان در پوسهٔ سوسیالیسم می‌باشد . از این‌رو کـارکرد آن بـایـد پیشبرد سوسیالیسم بـاشد . "رئالیسم سوسیالیستی" روش اساسی ادبیات و نقد شوروی است . این روش از هنرمند میخواهد واقعیت را در تکامل انقلابی اش بصورتی صادقانه و با عینیتی تاریخی تصویر کند . صادقانه بودن و عینی بودن تاریخی تصویر هنرمندانه باید با هدف تغییر ایدئولوژیک و تعلیم روح سوسیالیسم به کارگران هماهنگ باشد"(۳)

تصویر واقعیت در تکامل انقلابی‌اش در جابجای رمان " نینا" دیده میشود ؛ اعتصابات بدون رهبری و پراکنده که به اعتصابات منظم و تحت رهبری سوسیال دموکراتها بدل می‌شود ، سازمان انقلابیون که با رشد جنبش رشد می‌یابد و اعتماد خلق‌را بخود جلب میکند و از همه مهمتر شخصیت های رمان که به مرور در کوره مبارزه چون فولادی آبدیده میشوند؛ " ازدر"و " ورا" که از هجومها و مرگها ، از روزهای پرتشویش می‌گذرند ضعف‌هایشان را بر طرف می‌کنند ، بر نقاط قدرتشان می افزایند و از مبارزان تازه کار به انقلابیون با تجربه بدل می‌شوند . البته گاه بنظر می‌رسد که نویسنده بیش از نکبه به ضرورتهایه " اتفاق " متوسل شده است ــ مانند فصل آگاهی " ورا" از توطئه سرمایه داران و پلیس علیه کارگران و یا فرار ازاز خانه" " غلام" یا فرار " ازدر" از زندان ــ اما این موارد آنقدر ناچیز است که به آسانی میتوان از آنها چشم پوشید .

مورد دیگر شخصیت " میرزا حسین " ، معلم مردمی است که شخصیتی آنچنان تکامل می‌یابد که می خیچ واهمه ای به بداوای " ازدر" ــ که تیر خورده ــ

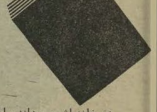

در خانه اش می‌پردازد ، او از این هم فراتر می‌رودو مستقیما وارد مبارزهٔ طبقاتی می‌شود .

این تکامل را در شخصیت " محمد علی " ــ کارگر " آنارشیست " ــ نیز شاهدیم . او در آغاز به مبارزهٔ فردی می اندیشد ، اما ازدر دشمن را چنین مشخص می کند: " با کمین کردن در گوشهٔ خیابان و نرور پلیس که نمی‌تود انقلاب کرد ، با کشتن یک پلیس چه نتیجه ای حاصل می‌شود؟ ما باید کارخانه دارانی را که اسلحه و پول پلیس را تامین می‌کنند نابود کنیم . باید تکیهگاه سرمایه داران یعنی تزار و پلیس‌رانداریم را از بین ببریم ". محمد علی در آغاز نمی‌پذیرد . اما در حین تجربه می‌آموزد که " قهرمانی های مبارزه طبقاتی را جایگزین قهرمانی های فردی نماید" . برادرش ــ " محمد جعفر" روستایی آگاه ــ از او میخواهد که رابط بین انقلابیون و جنبش دهقانان بی چیز شود. او می‌گوید : " نیروی کارگر خیلی عظیم است ... همانطوری که برادر کوچک پشت سر برادر بزرگ راه می‌رود ، روستایی هم باید دنبال کارگر حرکت بکند ".

این تکامل در شخصیت تمام چهره های مردمی داستان مشاهده می‌شود : "امینه" و " اکبر" که بعدها جای " ورا" و " ازدر" را پر می‌کنند ، از این چهره ها هستند . این شخصیت ها ضمن دارا بودن صفاتی که آنها را به عنوان یک فرد در ذهن خواننده جای می ــ دهد ، دارای خصوصیات عمده طبقه‌خودنیز هستند. جنبش ، و شرکت در مبارزه آنچنان خصوصیات اخلاقی این انسانها را رشد می‌دهد که آماده می‌توند در راه پیروزی هدف شان جان خود را ، آگاهانه فدا سازند .مکالمهٔ " ورا" و " لادو" ــ انقلابی پرسابقه ــ از این جهت آموزنده است . " لادو" از " ورا " می پرسد : " شما فکر می‌کنید برای چه به این جا آمده ــ اید ."ورا می‌گوید : " من به اینجا آمده ام تا جای پدر را پر کنم . . . من هم مانند او حاضرم جان خود را فدای انقلاب کنم ...". " لادو" می‌گوید : " مردن برای چه ؟ ما نه برای مردن بلکه برای زندگی ، بخاطر زندگی بهتر مبارزه میکنیم . پدر شما کارگر شرافتمندی بود. او در لحظهٔ مرگ نیز همرزمانش را به ادامهٔ مبارزه دعوت می‌کرد. برای ادامهٔ مبارزه باید زنده بود."

عشق بهزندگی و مبارزه در سرتاسر کتاب موج میزند .با اینکه داستان‌در دخمه های کارگران و کارخانه های زندان مانند می‌گذرد ، و با اینکه کارگران بسیاری در شرایط‌گرسنگی و بیماری می‌میرند ــ مثل " غلام " ــ و یا در میتینگها و زندانها نیزیاران میشوند ــ مثل " ایوان سیگلاپوچ" ، " لادو" ، " ورا" ــ اما نویسنده هیچگاه اسیر غصه های می جهت و " رامانتیک " نمی‌شود: هوا ابری و مه آلود است و آسمان خاکستری شد . زندگی نیز درست مانندروزهای پائیزی تاریک وتوفانی است . روزها به هم شبیهند و از شادی حوشی خبری نیست ، ولی با وجود این ، انسان ، در چنین محیط‌آشفته و پاسرده ای هم می ــ تواند تسلی گاهی بیابد ، امید و آرزو در مبارزه بخاطرآینده بزرگ ، به ازدر نیروی الهام می‌بخشد."

با تمام یورشها و کشتارهای پلیس، مبارزه بخاطر آینده‌ٔ بزرگ ادامه دارد و " نینا" ، جایخانهٔ حزب ، در سایهٔ مخفی کاری و انضباط پولادینش ، کارخود را بی وقفه ادامه می‌دهد .

نویسنده که در برخورد با سازندگان دنیای نوین لحنی حماسی دارد ، هنگام توصیف دشمنان خلق ، نفرت خودرا از آنها آشکار می‌کند. این امر در وصف ها نیز دیده میشود ، مثلا خندیدن " میرزا ــ حسین " ، معلم دبوکرات ، چنین توصیف می‌شود : "لبخند ضعیفی در چهرهٔ پژمرده و چروک خورده اش پیدا شد . به نظر " ورا" انگار که پرتو خورشید به

روی برگ زرد رنگ پائیزی تابید" ، اما در توصیف " مختار بیگ " سرمایه‌دار، خشم خود را چنین بروز می‌دهد: " چهره‌ٔ بیگ‌هم در موقع خندیدن و هم هنگام ناراحتی از چروک پر می‌شد ، انگار برگی روی باتلاقی افتاده و سطح آرام آن را از چین و چروک پرسازد" .

ثابت رحمان ، چهره‌ٔ دشمنان خلق را نیز با مشخص ترین و " طبقاتی " ترین خصیصه هاشان‌ترسیم می‌کند ، آنچه در همه‌ٔ آنها مشترک است ، روحیه‌ٔ فردپرستی و فرصت طلبی است . در بین مامورا دولتی تزار ــ از عالیرتبه تا دون پایه ــ سلسله مراتب چاکر منشی و دو رویی حاکم است . در بین اطرافیان سرمایه‌داران نیز چنین است .در محیط آن ها از صمیمیت و صداقت و اصول اخلاقی خبری نیست ، همه برای هم زنند ،همدیگر را هول می‌دهند ، تا دست خود را برای بهره برداری از دسترنج زحمتکشان بازتر سازند .

یکی از این اشخاص منفور " شنتوکوف " بهاصطلاح نماینده کارگران است . اوکه خود را به سرمایه‌دار فروخته ، او را راهنمایی می‌کندتا با دادن وعده‌های پوچ کارگران را گول بزند . " شنتوکوف" می‌کوشد صفوف متحد کارگران را درهم بریزد . اما سوسیال دموکراتها دست او را رو می‌کنند : " آدمهایی مانند شنتوکوف که مبارزه‌ٔ طبقه کارگر را به مثابه‌ٔ گدایی تلقی نموده ودرمقابل سرمایه‌داران خونخوار دم می‌جنبانند ، خوب بدانندکه طبقه کارگر بزرگ و نیرومند است . او نه بخاطر صنار ــ سدشاهی بلکه بخاطر آزادی مبارزه می‌کند " .

یکی دیگر از این شخصیت های پست وحقیر " جمجمه " نام دارد ــ سرکارگر خیرچینی که عافیت نگهبان زندان می‌شود .

سرهنگ "پاروشین" ــ رئیس پلیس ــ و " لی‌لی‌یف" ــ معاون فرماندار نیز چون گرگهایی خون‌آشام درپی دریدن یکدیگرند . " پاروشین" در مقابل " یگوروف " ــ کارمند عالیرتبه ــ و "میرزا قاسم " مباشر " مختاربیگ" ــ که مطیع او هستند ، چون شیر می‌نماید ، اما درنده " لی‌لییف " ودیگر مقامات برتر همچون موشی میشوندکه دنبال شواخی برای گزیز می‌گردد . او برای حفظ موقعیت و مقام خود ، با هریستی‌بی خود را تطبیق می‌دهد .

طنز ثابت‌رحمان درنمودن دوگانگی حرف و عمل مقامات بلندمرتبه‌ٔ تزاری ، شیرینی و تیزی خاصی می‌یابد . " لی‌لییف" قهرمان نمایکه میخواهد نشان بدهدکه هیچ ترس و واهمه‌ای ندارد ، بادیدن زخمی سطحی برسرخویش ، از ترس مورتش کج می‌شود . وبعد درنامه‌ای برای تزار می‌نویسد : " من درمبارزه با دشمنان تاج وتخت زخم مهلکی برداشته‌ام . اگر زنده مانده‌ام بازآماده جانبازی هستم " .

نویسنده ، اینچنین حقارت وکوچکی مقامات "بزرگ" تزاری را نشان می‌دهد و فساد و پوسیدگی درونی رژیم را به‌بهترین شکل آنگار می‌سازد .

* * *

ثابت رحمان شخصیت های متعددی را وارد داستان می‌کند ، بدینگونه نماغ عمل رمان توسعه می‌یابد و سرتاسر شهر کارگری باکو را دربرمی‌گیرد . مبارزه‌ٔ طبقاتی جاری بین زحمتکشان و استثمارگران محور داستان را تشکیل می‌دهد . دریک طرف کارگرانی قرار دارندکه وضعیت خود را چنین توصیف می‌کنند : " شب و روز جان می‌کنیم ، با اینهمه به لقمه نانی محتاجیم . زندگی حیوانات بهتر از معاش ما کارگران است . اغلب کارگران کارخانه ها از نیل می‌میرند . جریمه ها وترس از بیکاری ، شبها خواب از چشم کارگران ربوده است " . اما داستان در حداقنای زندگی تیره زحمتکشان نمی‌ماند و مبارزه‌ٔ

انقلابی طبقه‌ای راکه سازنده‌ٔ زندگی نوین است محور قرار می‌دهد . اعتصابات ، تظاهرات ، جشن اول ماه مه ، مبارزات انقلابی ، وبالاخره عشق " وزا " و ازدر، فضای زمان را آکنده از شور وزندگی می‌سازند . درآنسو سرمایه‌داران و ملاکها و دولت حامی‌آنها (تزاریسم) وجود دارد ، ایمان از هر وسیله‌ای ــ اعم از احساسات پاک بدهی تا گواهینهای ناسیونالیستی توده ها و نیز اسلحه ــ برای خرد کردن صفوف فشرده‌ٔ زحمتکشان استفاده می‌کنند .

بین این دو عالم تضادی عمیق وجود دارد : " ورا تضاد عمیق میان ناول دستهای انسان های آن عالم ، با " زیورآلات " انگشتهای آدمهای این جهان را بخوبی می دید " .

در " نیما " با زندگی شخصیت های مبارزبسیاری آشنا می‌شویم . " ثابت رحمان " به فرستی مبارزه ــ جویی و سازش‌ناپذیری در راه نابودی نظام منتی بر استثمار را به عنوان مهمترین ویژگی کارگران و

روشنفکران انقلابی ، برجسته می‌سازد . سرنوشت این قهرمانان نوین ــ که در تغییر وتکامل جامعه نقشی بسزا دارند ــ همچون رودهای برنحرک در پهنه مبارزه‌ٔ طبقاتی تصویر شده در رمان ، جاری می‌شود . این رودها در یک خط بهم می‌پیوندند . خط ، تشکل انقلابی طبقه کارگر است . دراین خط عظیم سرنوشت تمام شخصیت های داستان درهم می‌رود وبهم مربوط می‌شود (هرشخصیتی یکی از هزارهاست) تا مبارزه‌ٔ طبقاتی حدت یافته‌ٔ سالهای ۱۹۰۴ ــ ۱۹۰۱ را به پیش ببرند . با اینکه پاره‌ای از شخصیت ها مثل "ازدر" و " ورا" ــ برجسته‌تر از سایرین تصویر میشوند ، اما هیچ شخصیتی قهرمان رمان نیست . قهرمان اصلی کتاب ، سازمان انقلابیون و جایخانه‌ٔ آن " نیما " است ، که به مرور ــ وطی آشنایی با چهره‌ٔ شخصیتهای گوناگون داستان و وقایعی که روی می‌دهد و داستان را به پیش می‌برد ــ مشخص می‌شود وشکل می‌گیرد . لنین درمورد این دوران نوشته‌است :

" دوره‌ٔ ۱۹۰۴ ــ ۱۸۶۲ در روسیه با طغیانها پر شده بود . دوره‌ای‌که همگان ناظر درهم ریختن نظام کهنه بودند ، دوره‌ای‌که نظام جدید را شکل می‌داد . تنها در سال ۱۹۰۵ بودکه نیروهای اجتماعی‌ی شکل دهنده‌ٔ نظام جدید ، در سرتاسر کشور به صور مختلف مطرح می‌گشت " (۴) .

بدینگونه ، با رشد جنبش انقلابی کارگری در روسیه ، سازمان های انقلابی نشو ونما یافته و مستحکم می‌گردند . خط، به مرداب سازش با تزاریسم نمی‌ریزد ، بسوی دریای مواج خلق می‌رود تا رهبری انقلابی راکه در راه است (انقلاب ۱۹۰۵) برعهده گیرد . انقلابی که زمان با نوید وقوعش، پایان می‌یابد :

" یکباره روشنایی زیادتر شد . در دوردست‌ها دریای خزر از میان مه غلیظ لبخند می‌زد .

خورشید درافق باکو طلوع می‌کرد . . . . " .

حواشی

۱ ــ رجوع شود به فصل دوم. " تاریخ حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی " .

۲ ــ به مقاله " چگونه کارگران باکو به انقلاب پیوستند " بوکدان کوسیانتس درکتاب چهارم " فرهنگ نوین " مراجعه شود .

۳ ــ " آیا رئالیسم می‌تواند سوسیالیستی باشد ؟ " حیمز اسکاتلان درکتاب " هنر وجامعه " ترجمه‌ٔ ع . کلحاهی .

۴ ــ " ادبیات جزبی " ، لنین ــ ترجمه مهدی سپهر .

و اما چاپ فارسی‌کتاب ، ازترجمه‌ٔ خوب آن که بگذریم ، دو ایراد اصولی دارد که به‌کتاب لطمه زده‌اند :

۱ ــ توضیحات آخرکتاب‌که ۴۱ مورد به آن‌رجوع داده شده ، درچاپ فارسی وجود ندارد ، این امر شناخت خواننده را از چهره های تاریخی‌ی مطرح شده در رمان ناقص می‌کند .

۲ ــ به علت‌کتمان بودن "ثابت رحمان" درایران ، نامینه بود مترجم شرح حال مجملی از او وآثاری راکه نوشته ، درآغاز کتاب می‌آورد .

نکته دیگری نمی‌ماند جز تشکر ازمترجم‌کتاب‌که کار نانمام فدایی شهید علیرضا نابدل را به‌پایان رساند . این اثر نغش مثبتی دراستحکام جبهه‌ٔ ادبیات مردمی ایفا می‌کند .

گفتنی است‌که کتاب " نیما " از ترکی باکو به ــفارسی برگردانده شده است .

دوستان عزیز اکنون که بخواست بسیاری از خوانندگان،صفحات هنر"پیروزی" را گشوده‌ایم ، در راه رسیدن به هدفیکه از پرداختن به هنر برای خود قائلیم ، یعنی هر چه مردمی‌ترگردن هنر و زدودن معیارهای غیرانقلابی از آن ، به کمک وهنگاری شما نیازمندیم . بنابراین ، چشم‌انتظار طرح،عکس،شعر ، داستان ، مقاله و . . . هستیم که شما برای ما میفرستید .

از همه شاعران و نویسندگان دعوت میکنیم که آخرین کتابهای خودرا برای معرفی ، نقدو بررسی به "پیروزی" بفرستند . طبعا "پیروزی" در انتخاب کتابهائیکه نقدو معرفی میکند آزاد خواهد بود .

بیاد نیما

... او مژده جهان دگر را تصویر میکند

" . . . هرروز که آفتاب طلوع می‌کند اعلان یک روز نو است . انسان هم نو شده است . همه چیز ، متصل در جریان تغییر و حرکت به طرف ضد خود هست و نو می‌شود . "

از نامه‌ای به تاریخ دی ۱۳۱۲

۱۶ دی سالروز درگذشت شاعر خلق ، نیما یوشیج است . با اینکه نیما ــ بعنوان پایه گذار شعر نو ایران ــ از شهرت فراوان برخوردار است ، اما هنوز مجموعه‌ٔ کامل آثار او به چاپ نرسیده ، نقد علمی و جامعی از کارهای او صورت نگرفته ، و بطور کلی ارزش های ادبی و اجتماعی آثار او ، آنچنان که باید ، شناخته نشده است .

تصور ساده انگارانه ، نیما را شاعری می‌داند که وزن و قافیه را از شعر فارسی گرفته و مصراع های اشعار را به دلخواه کوتاه و بلند کرد . اما این نوع نوآوری های ظاهری بیش از نیما در شعر عده‌ای از شاعران دوره‌ٔ مشروطه انجام گرفته بود . نوآوری‌هایی‌که‌همچون موجهی های سرمایه‌داری ایران ــ در بریدن از فئودالیسم ــ به علت ضعف های تاریخی و آسیب‌پذیری فرهنگی آن ، نیم بند بود .

شعر نیما ادامه دهنده و تکامل بخش دستاوردهای انقلابی شعر مشروطه ــ شعر نسیم شمال ، فرخی یزدی و لاهوتی ــ و از لحاظ شکل و فضا ، متفاوت با آن بود . زیرا زمانه‌ٔ نیما ، با دوران مشروطه ــ دوره ای که شعر به شیوه ای گزارشی ، مسائل سیاسی را صراحتا مطرح میکرد ــ تفاوت داشت . نیما کار خود را بطور جدی ، در زمانی شروع کرد که رضا خان ، " ناجی " ملاکها و سرمایه‌داری وحشت زده از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و پیامدهای آن ــ می‌کوشید طبق خواست امپریالیست ها ، دستاوردهای انقلاب مشروطه را در هم کوبد و " امنیت " فاشیستی را بر قرار کند . چنین است که شعر نیما به عمق می‌رود و اغلب در قالب سمبول‌هایی از پرندگان و طبیعت بیان مطلب می‌کند . گاه نیز رنگی نومیدانه بخود می ــ گیرد . اختناق حاکم بر جامعه ، همراه با شیوه‌ٔ نگارش نیما ، سبب دشواری فهم پاره‌یی از آثاراوبیشود.

نیما دریافت که " مسیر تنگ و محدودی‌که قدما داشتند به پایان رسیده " و وقت آنست که اصولا طرز کار عوض شود . شعر نیمایی ، شعر فارسی را از " حبس و قید وحشتناک " قالب ها بیرون آوردو" آن را" در مجرای طبیعی خود انداخت و حالت توصیفی به‌آن داد" . نیما نه تنها ــ بر خلاف تصور عوامانه وزن را از شعر فارسی نگرفت ، بلکه کوشید آنرا متشکل و تابع موضوع سازد : (. . . . شعردر یک مصراع با یک بیت ناقص است ــ از حیث وزن ــ زیرا یک مصراع با یک بیت‌نمی‌تواندوزن‌طبیعی‌کلام رانولید کند . وزن ، که طنین و آهنگ یک مطلب معین است . . . فقط توسط " آرمونی " بدست می‌آید ، این است که باید مصراع ها و ابیات ، دستهجمعی و به‌طور مشترک ، وزن را تولید کنند" . به عنوان مثال شعر" آی آدمها " را در نظر بگیرید : وزن شعر بخوبی تلاش آدمی را که دارد غرق میشود ، و سنگینی موجهایی را که بر ساحل میخورند را به خواننده منتقل می‌کند .نیما معتقداست به‌جای کلی‌بافی درمورد تاثرات ،باید تازه را" نشان داد .مثلا به جای اینکه شاعر بگوید: " آدمی دارد غرق میشود ، باید این غرق شدن را " مجسم " سازد: هنر در مورد زندگی کلی بافی نمی کند ، آنرا تجسم می بخشد ، نیما هنر را بازتاب واقعیات اجتماعی می‌داند و معتقد است نویسنده باید فکر وعقیده خود را " با قوانین مادی و قطعی ، که مقصود پیروان ادبیات تحولی‌ست ، ارتباط دهد" . اما وی به بیان این بخش ازحقیقت اکتفا نمی‌کند ، به پیش می رود و طبقاتی بودن هنر و ادبیات را نظرح می‌سازد . در سال ۱۳۱۰ می‌نویسد : " زشت است برای وجود حساسی ، که خورد و خواب راحت او بواسطه‌ٔ جمعیت باشد ، تا اینکه براحتی بنشیند و شعر بگوید ولی نخواهد بد . . . طبقه‌ٔ مفید ، فایده برساند ، و بیطرفی اختیار کند" . و در سال ۱۳۲۴ می‌نویسد: " ادبیاتی که با سیاست مربوط نبوده ، در هیچ زمان وجود نداشته و دروغ است . . . مفهوم بیطرفی هم بسیار خیالی و بی معنی است " . بینش رزمنده‌ٔ شاعر در سطور زیر بخوبی مشخص است : باید " چنان نوشت که . . . محافظه کاران ، یعنی طبقه‌ٔ جانی و دیوانه‌ٔ پول قبول نکند و عیب بگیرند" .

نگرش واقع گرایانه و طبقاتی به طبیعت و جامعه (نیما در ۱۳۱۳ ارانی را همفکر خود می‌داید) سبب می‌شود که اکثر شعرهایش در تجسم قدرت جوشش و پویایی زندگی ، توانا باشد . " ناقوس " (۱۳۲۳) از جمله‌ٔ این شعرهاست . نیما در این شعر ، ناقوس برانو در آمدن جهان کهنه در مقابل جهان نو را به صدا در می‌آورد :

او روز و روزگار سپهی را / (گفتنده در سرشت شبی سرد) / تغییر می‌گند/ . . . با هر
نوای نغرش ، رازی نهفته را / / تعبیر می‌کند / وز هر نواش/ این نکته گشته فاش / کاین
کهنه دستگاه تغییر می‌کند/ . . . چابک نگاه او / (با گشت همسفر) / در نقطه های
پر حرکت می‌دهد درنگ / در هر درنگ تنبلی‌آموز / میاورد به هر دم سودای ناختن /
از بد گریختن / با خوب ساختن / . . . او مژده‌ٔ جهان دگر را / تصویر میکند .

اما زبان نیما ، به خاطر ترکیب های تازه ای که به کار می‌برد و با تغییرهایی که در جای فعل و کلمات می‌دهد ، دارای غرابتی است که گاه فهم تعرض را دشوار می‌سازد . همین امر تا حدود زیادی از رسوخ شعر نیما در بین توده ها ، جلوگیری کرده است . این امرعمدتا ناشی از زندگی‌نوام‌با انزوای‌اوبود .

نیما یوشیج در ۲۱ مهر ۱۲۷۶ بدنیا آمد و در ۱۶ دی ۱۳۳۸ درگذشت

تمام مطالب داخل گیومه از کتابهای " ستاره ای در زمین " و " حرفهای همسایه " اثر نیما یوشیج گرفته شده است .

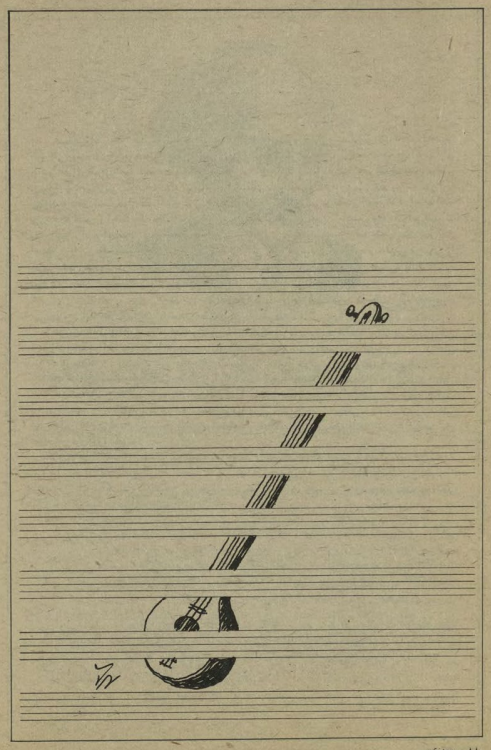

روز به روز

علائم اختصاری

(ا .) ـ اطلاعات
(ا . ا .) ـ انقلاب اسلامی
(ج . ا .) ـ جمهوری اسلامی
(ج . ب .) ـ جبرگراری پارس
(ص . آ .) ـ صبح آزادگان
(ک .) ـ کیهان
(م .) ـ میزان

شنبه اول آذر ماه

ـ سوسنگرد و شوش داسال، زیر آتش شدید نیروهای عراق قرار دارد. (ک.)
ـ نوبخانهٔ دوررن عراق از جبههٔ دب حردان اهواز را شدت زیر آتش قرار دارد. (ج.ب.)
ـ بخشی از تجهیزات نظامی عراق در مناطق سومار، مهران، غرب دزفول، سوسنگرد، و شمال و شمال غربی آبادان منهدم شد. (مطبوعات)
ـ نیروهای عراق تا ۲ کیلومتری غرب سوسنگرد به عقب رانده شدند. (ک.)
ـ جنگندههای ایران یک رادار ارتش عراق در بندر فاو و قسمتی از تأسیسات و مخازن نفتی این بندر را بمباران کردند. (مطبوعات)
ـ شمال شرقی بهمنشیر به تصرف نیروهای ایران درآمد. نیروهای عراق چندکیلومتر از مواضع اصلی خود در جاده آبادان ـ ماهشهر عقب رانده شدند. (ج.ب.)
ـ آیت‌الله منتظری: "در اختیار سپاه پاسداران باید سلاح سنگین گذاشته شود... همهٔ ملت باید با سلاحهای سنگین آشنا شود". (مطبوعات)
ـ رجائی: "ما برای گرفتن خاک و منابع اقتصادی نمی‌جنگیم". (ج.ا.)
ـ آیت‌الله گلپایگانی: "اکنون وقت کلایه و تسویه حساب نیست". (ک.)
ـ خامنه‌ای: "هنوز وقت آن نرسیده است که افرادی مردمی، گروههائی با هم تصفیه حساب کنند... نقطه ضعفها را بزرگ نکنید... اینها را علنی نکنید جلوی چشم جهانیان نگوئید". (ج.ا.)
ـ بنی صدر در کارنامهٔ رئیس جمهور: "در غیر جامعه لحظاتی هست که سکوت مرگ است، در این لحظات سکوت مرگ انقلاب است. (ا.ا.)
ـ دکتر بهشتی، موسوی اردبیلی و قدوسی (سه تن از اعضای شورای عالی قضایی) با امام خمینی ملاقات کردند. (ج.ب.)
ـ امام خمینی: "روحانی که برخلاف مسلک روحانیت اسلام عمل بکند و نوطئه‌گر باشد، از ساواکی بدتر است." (ا.ا.)
ـ بنی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور: "اگر هر روز گزارشهای دروغ تهیه کنند و با تلفن و نوشته و حضوری به امام برسانند، بالاخره آنچه نباید بشود خواهد شد." (ا.ا.)
ـ آیت‌الله صانعی عضو شورای نگهبان: "شورای نگهبان حکم است، اما ممکن است واقع را نباید. اما اگر واقع‌را نیافت هیچ مقامی حق ندارد بگوید آن خلاف قانون اساسی است." (ج.ا.)
ـ تا پایان حالت فوق‌العادهٔ جنگی، اعزام دانشجو به کشورهای خارج متوقف شد. (ک.)

ـ دکتر یزدی سرپرست سابق کیهان: "حکم انتصاب سرپرست جدید را از رادیو و تلویزیون شنیدم، البته قبلاً" از طرف دفتر امام با اینجانب صحبت شده‌بود که من استعفا بدهم." (م.)
ـ رجائی: "آنچه از امریکا طلب داریم خواهیم گرفت... از نظر ما مسأله‌ٔ گروگانها تمام شده‌است و اظهار نظر مجلس هم بسیار گویا و روشن بوده." (ج.ب.)
ـ وزیر خارجه امریکا: "امریکا با چهار شرط آزادی گروگانها در اصول موافقت کرده است... ایران عکس‌العمل مثبتی به پاسخ امریکا به شرایط آزادی گروگانها نشان داده است." (ص.آ.)
ـ الجزایر خواستار آتش‌بس میان ایران و عراق شد. (مطبوعات)
ـ سنای امریکا لایحهٔ بودجه‌نظامی ۱۰۶/۶ میلیارد دلاری این کشور را تصویب کرد. (ک.)
ـ با یکپارچه شدن سازمانها و گروههای اسلامی‌عراق "ارتش انقلابی اسلامی برای آزادی عراق" اعلام موجودیت کرد. (ج.ا.)
ـ صدام حسین سه میلیون دلار به سندیکای روزنامه‌نگاران اردن هدیه کرد. (ج.ا.)
ـ دولت سعودی‌حمل محصولات نظامی به عراق را از طریق خاک خود آزاد اعلام کرد. (ک.)
ـ نیروهای جبهی از زمین و هوا به ویشنام حمله کردند. (ا.ا.)
ـ در لیبیان پست معاونت نخست‌وزیری به یک کاتولیک پیشنهاد شد. (ا.)
ـ سازمان ملل رأی‌ی به خروج نیروهای بیگانه از افغانستان داد. (مطبوعات)
ـ بیوه مائو که همراه سه تن دیگر در چین محاکمه میشود: "با تمام قدرتی که شما دارید‌می‌توانید به آسانی مرا به آنچه دوست میدارید متهم نمائید... ولی اگر تصور می‌کنید میتوانید مردم چین و در سطح وسیعتر دنیا را گول بزنید سخت در اشتباه هستید." (ک.)

یکشنبه دوم آذر

ـ طی ۲۴ ساعت گذشته اهواز تاآرام بود و نیروهای عراق مناطق مسکونی این شهر را در غرب و جنوب ـ غربی زیر آتش توپخانه سنگین و آتشبارهای خمپاره ـ خمسه قرار دادند. وضع آبادان نیز ناآرام است، از بعد از ظهر دیروز توپخانهٔ عراق شهر آبادان و مناطق مسکونی آنرا مورد حملات شدید قرار داده است. (ک.)
ـ نیروهای عراق یک کیلومتر دیگر از مواضع خود در امتداد جاده‌های آبادان ـ ماهشهر و آبادان ـ اهواز، عقب نشینی کردند. چندین انبار مهمات عراق در جبهه آبادان منهدم شد. (ج.ب.)
ـ نیروی زرهی عراق در دارخوین اهواز به محاصرهٔ قوای ایران درآمد. (ک.)
ـ تلاش نیروهای ایران برای نابودی کامل نیروهای عراق در منطقه سومار گسترش یافت، در مناطق کانی‌سخت و شورسرین در جبهه غرب، نبرد سختی میان نیروهای ایران و عراق در جریان است. (ک.)
ـ جنگنده‌های ایران ساختمان نظامی اربیل در خاک عراق را منهدم کردند و به بخشی از تأسیسات صنعتی و نظامی درکوکوک و سلیمانیه خساراتی وارد آوردند. (مطبوعات)
ـ سگهای عراقی در یک روستای اسلام بیت خوشهای ریختند. (ص.آ.)
ـ دکتر جمران: "وحدت بین ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای بسیج از بزرگترین کارها در این جنگ‌بوده است." (مطبوعات)
ـ بنی‌صدر در کارنامهٔ رئیس جمهور: "دست و پای مرا بسته‌اند و می‌گویند بجنگ! و من پذیرفته‌ام و دارم می‌جنگم، با این حال می‌آیند و بازهم بندهای تازه‌ای بر دست و پای من میگذارند." (ا.ا.)
ـ قطعنامه اردوی اعضای بسیج مستضعفین: "بسیج باید دور از وابستگی‌های حزبی، با حفظ استقلال زیر نظر ولایت فقیه باشد." (م.)
ـ بنی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور: "چون اینان می‌خواهند حکومت بکنند و علم آنرا ندارند، تخصص را سنگر میشوندتا حکومت نادانان و جاهلان و بی‌مایگان را توجیه کنند." (ا.ا.)
ـ سلامتیان نماینده اصفهان در مجلس: "به علت نداشتن تخصص برای قانونگذاری، در مجلس فقط یک لایحه تصویب شده است." (ا.ا.)
ـ شهردار همدان به علت "دخالت عده‌ای افراد ناآگاه و بظاهر متدین و کوشش عده‌ای افراد مغرض" استعفا کرد. (م.)
ـ رئیس کمیته تهران به نقل از وزیر کشور: "بعداز اشغال روزنامه میزان، امام دستور دادند اینها (اشغال‌کنندگان) را بگیرید‌تان، دستگیرتان‌کنید." (م.)
ـ کانون اسلامی بانک مرکزی: "برای افراد ۲ و ۵ ساله بعنوان دانشجو ارز خارج شده است." (ج.ا.)
ـ هفته نامهٔ جوش توقیف شد. (مطبوعات)

ـ رئیس کمیته تهران: "در جلوی مجلس می‌ریزند ماشین وکلا را خرد می‌کنند، وکلا جرأت نمی‌کنند بیرون بیایند، ما نیز جرأت نمی‌کنیم آنها را بگیریم." (م.)
ـ یک مقام مسؤول در نخست‌وزیری: "دولت ایران هیچگونه عکس‌العمل مثبت یا منفی در رابطه با گروگانها ابراز نکرده است." (ج.ب.)
ـ وزیر خارجه سوریه: "درصورت عدم تغییر تاریخ تشکیل کنفرانس سران عرب، سوریه در آن شرکت نخواهد کرد." (ج.ب.)
ـ تظاهرات ضد صهیونیستی در بیت‌المقدس‌وشهرهای کرانه غربی رود اردن همچنان ادامه دارد. (ج.ب.)
ـ در ادامه درگیری‌های السالوادر، ۲۷ تن دیگر از چریکهای چپ‌گرا کشته شدند. (ج.ب.)
ـ چند بازرگان در نیکاراگوئه در رابطه با نوطئه‌ای برای سرنگونی رژیم این کشور دستگیرشدند. (ک.)
ـ بنک کاتولیک، معاون نخست‌وزیر لهستان شد. (مطبوعات)
ـ دولت افغانستان اعلام کرد که فرستادهٔ ویژهٔ سازمان ملل را نخواهد پذیرفت. (م.)
ـ قاضی پاکستانی کدرا‌ی به اعدام ذوالفقار علی‌بوتو داده بود، از ترس رژیم پاکستان به افغانستان پناهنده شد. (مطبوعات)
ـ اعتصاب کارگران و کارمندان اداره پست آلمان ـ غربی که برای دستیابی به خواستهای صنفی از چهارشنبه گذشته آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. (ج.ب.)

دوشنبه سوم آذر

ـ حمله گسترده‌ٔ یک لشکر عراق برای اشغال سوسنگرد با شکست روبرو شد. دوسوم یک تیپ زرهی عراق در سوسنگرد نابود شد. (ج.ب.)
ـ با منلاشی شدن گردان‌های زرهی عراق در سوسنگرد گرو غرب کشور، ارتش عراق آبادانگی تعرضی را از دست داد. (ج.ب.)
ـ حدود ۱۳۰۰ نظامی عراقی در سومار کشته شدند. (ک.)
ـ نیروهای عراق گیلان‌غرب را زیر حملات موشکی گرفتند. (ک.)
ـ نوبخانه عراق مناطق مسکونی و پالایشگاه آبادان را مجدداً" به توپ بست. پالایشگاه آبادان بازهم دچار حریق شد. (ج.ب.)

روز به روز

ـ حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش: "۵۱ کودتاچی دستگیرشده در اهواز بدون مجوز آزاد شده‌اند." (مطبوعات)
ـ دکتر بهشتی: "تمام ناحیه‌های مدیریت جامعه، شعبه‌های امامت هستند. (ج.ا.)
ـ مهندس بازرگان نماینده‌مجلس درنامه‌ای‌به موکلین: از دست دادگاههای انقلاب و حجج اسلام قضات شرع انور و از بابت مصادره‌ها و کشتارهای گوسفندی شکایتی به بنده نفرمائید... اعمال و احکام این آقایان تحت هیچ ضابطه‌ای نیست و اگر هست ما کلاهی‌ها از آن خبر نداریم." (م.)
ـ هفت تن از نمایندگان مجلس به وضع قانون توسط شورای عالی قضایی اعتراض کردند و آنرا مخالف قانون‌اساسی دانستند. این نمایندگان‌وزیردادگستری را برای ادای توضیحات در این زمینه به مجلس احضار کردند. (ا.ا.)
ـ بنی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور: "جوسازان آسان می‌توانند جوی بوجود بیاورند که در آن جو کسی یارای دم‌زدن نکند... اگر مردم اینگونه رفتارهای غیرقانونی قدرت‌طلبانه و زورگویانه را ببینند و دم نزنند، این خطر هست که ما ماهیت رژیم سابق را پیدا کنیم." (ا.ا.)
ـ زهرا رهنورد سردبیر اطلاعات بانوان: "تمامی حرفهای جناح لیبرال در طی این دو ماهه، نفی اساس جمهوری اسلامی و خط امام است." (ک.)
ـ حجت‌الاسلام معادیخواه: "در موارد زیادی اگر انسان به اصول و ارزشهایی پایبند باشد، مجبور است که آزادی بیان نداشته باشد." (ک.)
ـ محمد علی هادی نماینده مجلس: "از شرکت ـ کنندگان در کنفرانس عرب انتظار داریم پشتیبان حق ما باشند." (ک.)
ـ سوریه کنفرانس آینده سران عرب را تحریم و محکوم کرد. (ج.ب.)
ـ ۴۶۰ نفر در ترکیه به اتهام شرکت در تظاهرات بازداشت شدند. (ج.ب.)
ـ دادستان ترکیه برای چهار چریک فلسطینی که سال‌گذشته به سفارت مصر در آنکارا حمله کرده بودند تقاضای اعدام کرد. (ج.ب.)
ـ رژیم صهیونیستی اعلام کرد که به مردم مقیم نوار غزه برای مقابله با فلسطینی‌ها اسلحه خواهد داد. (ک.)

ـ سادات : " اگر امریکا یک گام در جهت ما بردارد ، ما ده گام برخواهیم داشت . (خ.ب.)
ـ ۱۴۰۰ سرباز امریکایی مانور "آرایش سریع" را در خاک مصر آغاز کردند. (ج.ا.)
ـ امریکا در بونان پایگاه نظامی ایجاد میکند. (ج.ا.)
ـ پلیس هند ۱۳۰۰ کشاورز را که در اعتراض به سیاست‌های دولت دست به اعتصاب زده بودند، دستگیر کرد. (ک.)
ـ دولت هند اعلام کرد که قطعات یدکی تانک و هواپیما در اختیار ایران قرار خواهد داد. (ک.)
ـ کیسینجر: "ارسال هرنوع اسلحه به ایران اشتباه است." (ک.)
ـ ارگان حزب کمونیست آذربایجان شوروی : " ساکنان یکی از شهرهای این جمهوری از کمبود نان رنج می‌برند." (خ.ب.)

سه‌شنبه چهارم آذر

ـ سوسنگرد از بعد از ظهر دیروز هدف خمسه خمسه و خمپاره‌های نیروهای عراق بودکه قصد تصرف مجدد سوسنگرد را دارند. (خ.ب.)
ـ گیلانغرب همچنان هدف موشک و توپخانه عراق است. (ک.)
ـ یک گردان پیاده نیروهای عراق در گیلانغرب منهدم شد. (مطبوعات)
ـ جنگ تن به تن در دو کیلومتری سومار میان نیروهای ایران و عراق ادامه دارد. (ک.)
ـ نیروهای عراق با راکت و آتش توپخانه به روستاهای اطراف سریل ذهاب حمله کردند. نیروهای ایران در مناطق سریل‌ذهاب و کورموش خسارات و تلفات سنگینی به نیروهای عراق وارد آوردند. (ک.)
ـ پیشروی نیروهای ایران در جبهه آبادان آغاز شد، و نیروهای عراق ۲ کیلومتر دیگر از مواضع اشغالی خود عقب نشینی کردند. تا کیلومتر ده جاده آبادان اهواز بتصرف نیروهای ایران درآمد. (خ.ب.)
ـ نیروهای عراق مناطق مسکونی آبادان را با خمپاره انداز و خمسه خمسه زیر آتش قرار دادند. (خ.ب.)
ـ مواضع نیروهای عراق در حوالی کارخانه نورد و دب حردان زیر آتش توپخانه ایران قرار گرفت (ک.)
ـ ناقیمانده تاسیسات نفتی عراق در بندر فاو به آتش کشیده شد. (مطبوعات)
ـ ۲۰ هزار جنگزده خوزستانی در بوشهر اسکان داده شدند. (خ.ب.)

ـ یک جاسوس عراقی در اهواز تیرباران شد. (ک.)
ـ وزیر کار : "تا قبل از جنگ در ایران بیش از ۵۰۰ هزار بیکار داشتیم." (مطبوعات)
ـ بنی‌صدر در گارنامه رئیس جمهور : "مقدمات وضعیتی را که در آتیم من بوجود نیاورده‌ام و آنهایی که دارند این جوسازیها را می‌کنند فراهم آورده‌اند.. حالا این بدهکاران واقعی میخواهند طلبکار بشوند.. و این چیزی نیست که ما بتوانیم تحمل کنیم." (ا.ا.)
ـ ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان، درباره علت تاخیر انتخابات: "ساله انتخابات در زمان جنگ ممکن است مردم را مشغول کند و از وظیفه اساسی بازدارد، با اینحال کوشش خواهد شد در مناطقی که این موضوع کمتر محسوس است، انتخابات انجام شود." (ج.ا.)
ـ دکتر بهشتی : "امام با کل طرح واگذاری زمین مخالفت نکردند، اما جزئیات آنرا تصویب نکردند." (مطبوعات)
ـ فرمانده سپاه پاسداران: "چند عضو سازمان پیکار به اتهام همکاری با دشمن در شیراز دستگیر شدند." (ک.)
ـ ۲۰ هزار ایرلندی به حمایت از ۷ عضو "ارتش جمهوری‌خواه ایرلند" که در زندانهای انگلیس دست به اعتصاب غذا زده‌اند، تظاهرات کردندو پرچم انگلیس را به آتش کشیدند. (ج.ا.)
ـ ۱۸۰۰ کارگر هواپیماسازی لاکهید امریکا بعنوان اعتراض به دستمزد خود، اعتصاب کردند. (ا.)
ـ جبهه آزادیبخش خلق اریتره جهت جانبداری به درگیری مسلحانه با دولت اتیوپی، پیشنهاد رفراندم داد. (مطبوعات)
ـ رئیس پارلمان لهستان: "به خاطر مدیریت غلط در سطوح مختلف، لهستان دچار شرایط بسیار سخت اقتصادی شده است." (ا.)
ـ فرانسه با نظامی دولت لهستان در مورد پرداخت وام به این کشور موافقت کرد. (ا.)
ـ زد و خورد فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغال‌شده با سربازان رژیم صهیونیستی همچنان ادامه‌دارد (ک.)

چهارشنبه پنجم آذر

ـ جنگنده های ایران پادگان و فرودگاه صلاح‌الدین در شمال شرقی اربیل، تعداد زیادی از تاسیسات، خود روهای نظامی و انبار مهمات لشکر سلیمانیه، بخشی از تاسیسات پایگاه هوایی کرکوک را منهدم کردند، و

به مواضع نیروهای عراق در فاو، ام‌الرصاص، غرب خوسین شهر و پادگان در خوسین شهر خسارات کلی وارد آوردند. (خ.ب.)
ـ سنگرهای حساس نیروهای عراق در محور آبادان ـ ماهشهر بفوتکرد. (ک.)
ـ در منطقه سوسنگرد تلفات سنگینی به نیروهای عراق وارد شد. (خ.ب.)
ـ جنگ در جبهه های گانی سخت، شور شیرین و سومار همچنان ادامه دارد. (خ.ب.)
ـ دو میگ متجاوز عراقی به اراک در اثر آتشبار های ضد هوایی ایران گریختند. (ک.)
ـ آیت الله ربانی شیرازی : "دستهای مرموزی اختلافات عشایر فارس را تشدید می‌کنند". (ک.)
ـ بنی صدر در گارنامه رئیس جمهور : "وضع اقتصادی ما خوب نیست.... این وضع به لحاظ اظهارها، بیان ها و عملیها از سوی دست اندرکاران سیاست ایران بدترنمیشود، دولت به‌لحاظ عدم اطلاع از واقعیت های اقتصادی بنی‌هایی در پیش می‌گیرد که وضع اقتصادی را بدتر نیز می‌کند.... تدابیر اقتصادی واقعا دانش و بصیرت کافی میخواهد. اینطور نیست که هر کسی بنشیند عالم اقتصاد بشود و دستور العمل صادر کند و کار انجام بگیرد". (ا.ا.)
ـ در نامه ای به رئیس مجلس، ۱۳۵ نماینده خواستار سکوت در مورد مسائل تفرقه‌انگیز شدند. (مطبوعات)
ـ هادی غفاری نماینده مجلس در بحث راجع به وزارت دکتر با هنر : "احتمال ایجاد بگذارید، بگذارید آزادی بیان حفظ شود..... من میترسم که چهره‌ها و شخصیت ها بدست خودمان و با بدست زرنگی زرنگان از مجلس بیرون بروند." (مطبوعات)
ـ دبالمه نماینده مجلس در بحث راجع به وزارت دکتر با هنر : "چه شده است کتابی که تا حالا بدبختی های مملکت را از حرب کذا میدانستند، حالا یکی از رئوس آن حزب و عضو شورای سرپرستی آنرا بعنوان وزیر آموزش و پرورش برسرمی‌گزینند."
ـ با رای تمایل مجلس دکتر با هنر وزیر آموزش و پرورش شد. (مطبوعات)
ـ پویان وزیر بهداری رژیم سابق از زندان آزاد شد. علت آزادی او اعلام نشده است. (ا.ا.)
ـ رجایی : "پاکسازی شدگانی که صلاحیت بازگشت به کار سابق را نداشته باشند، به کار دیگری گمارده میشوند."
ـ وزیر بهداری : ۲۰ هزار پرسنک در سطح کشور کم داریم. (خ.ب.)
ـ رئیس زندان اوین : "مساله شکنجه اصلا صحت ندارد، این تبلیغات صرفا از جانب دشمنان انقلاب است که نتوانسته اند خود را پشت سر مسئولین مملکت پنهان کنند." (مطبوعات)
ـ مسوول روابط عمومی دادستانی انقلاب : "آقای بازرگان شما از جوانان مکتبی حزبی همه کاره انقلاب و مملکت در عذابید و من از روشنفکران غرب زده کهنه مبارز....." (ج.ا.)
ـ استاندار آذربایجان غربی : "چنانچه اهالی محترم شهرستان پیرانشهر خواهان امنیت و آرامش باشند باید به فوریت کلیه افراد مسلح غیر قانونی و مراکز تجمع آنان را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معرفی نمایند. به اهالی شهر اخطار میگردد چنانچه از محلی بر علیه نیروهای نظامی وانتظامی و ارگانهای دولت جمهوری اسلامی اقدام تخریبی یا مسلحانه صورت گیرد، چنین اقدامی را ناشی از همکاری اهالی آن محل با افراد مسلح غیر قانونی تلقی و در مورد مذکور به شدت رفتار خواهد شد." (ج.ا.)
ـ سازمان عمران ارامی شهری خراسان ۵۰۰ هزار متر مربع زمین در مشهد به سپاه پاسداران واگذار میکند. (ا.)
ـ سرپرست دایره مبارزه با سکرات به علت "وجود مشکلات گوناگون" استعفا کرد. (ک.)
ـ نماینده عراق در سازمان ملل ادعا کرد که رژیم آن کشورجنگ را شروع نکرده، بلکه ازخود دفاع میکند (خ.ب.)
ـ آمریکا به مصر هواپیمای آواکس داد. (خ.ب.)
ـ کمک نظامی انگلیس به زیمباوه از یک میلیون پوند به سه میلیون پوند افزایش یافت. (ا.)
ـ کارگران معادن ذغال سنگ کاندویچ لهستان به عنوان اعتراض به مقامات این کشور دست به اعتصاب زدند. (خ.ب.)
ـ ۱۵ هزار دانشجوی یونانی در اعتراض به وقایع ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) امسال که طی آن دو دانشجو کشته و ۲۰۰ تن دیگر مجروح شدند، دست به تظاهرات زدند. ۱۶ نوامبر سالگرد تظاهرات گسترده دانشجویی ۱۹۷۳ است که طی آن ۳۴ دانشجو کشته و حدود یکهزار تن مجروح شدند. (ک)
ـ ۴ هزار تن از پناهندگان السالوادور در نیکاراگوئه اسکان داده شدند. (خ.ب.)
ـ تلویزیون چین حق پخش جریان محاکمه "بیوه" مائو و سه متهم دیگر را به مبلغ ۴۰ هزار تومان به یک شبکه تلویزیونی آمریکا فروخت. (ک)

پنجشنبه ششم آذر

ـ نیروهای عراق در جاده آبادان ـ ماهشهر متمرکز شدند. (خ.ب.)
ـ نبرد در جبهه سومار برای انهدام آخرین مواضع عراق ادامه دارد. (ک)
ـ مناطق مسکونی آبادان، اهواز و بخش دوبره هدف آتش توپخانه و خمپاره نیروهای عراق قرار گرفت. (خ.ب.)
ـ میگ های عراقی روستای سرآب باغ ایلام و شهر خرم آباد را بمباران کردند. (ک)
ـ دکتر بهشتی : "اکثریت نمایندگان مجلس، هیات دولت و همچنین قوه قضائیه، اینها همه مومن به همین خط اصیل انقلاب اسلامی، هماهنگ هستند." (مطبوعات)
ـ عده ای از زندانیان گفتند برای گرفتن اعتراف در کمیته ها و در بند ویژه مواد مخدرزیر شکنجه قرارگرفته اند و ماشاءالله قصاب یکی از شکنجه گران معروف این بند است (ا.ا.)
ـ شورای سرپرستی زندانها : "عنوان کردن موضوع شکنجه زندانیان کار ضد انقلاب است. کسی نمی‌تواند تشبیهات داخلی را شکنجه تلقی کند." (مطبوعات)
ـ شیخ علی تهرانی : "این قانون اساسی خیلی‌هایش از غرب گرفته شده و التقاطی است... آنرا به ناف اسلام نبندید." (مطبوعات)
ـ یک مقام آگاه در نخست وزیری : "به کلیه افرادی که پس از انقلاب از ادارات پاکسازی شده‌اند، کار داده میشود." (ک)
ـ استاندار اصفهان : "دولت واستانداری اصفهان از صاحبان بخش خصوصی در جهت سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی وصنعتی حمایت خواهندکرد (ا.)
ـ امام : "برای سپرده گذاران بانکها جایزه مانعی ندارد." (مطبوعات)
ـ در درگیری بین‌افراد مسلح و ارتش در اشنویه، تلفات سنگینی به افراد مسلح وارد شد. (ک)
ـ مواضع افراد مسلح در منطقه سردشت در هم کوبیده شد. (خ.ب.)
ـ بنی صدر در گارنامه رئیس جمهور : "تلاشی که عده ای برای استفاده از فرصت و ضربه زدن به رئیس جمهوری از پشت داشتند موجب شد که توجه عمومی به روزنامه انقلاب اسلامی تا این حد افزایش یافت که اینک با تیراژ ۲۰۰ هزار منتشر شده است. امیدوارم که همین ترتیب ادامه پیدا کند." (ا.ا.)
ـ دکتر بهشتی : "لیبرالیسم انسان را از حاکمیت قوانین الهی آزاد میداند." (مطبوعات)
ـ عده ای از اسنادار پلی‌تکنیک : "سرپرست پلی ـ تکنیک می گوید در اسلام احتیاج به مدرک به آن صورت نمی‌باشد و شهادت دو شاهد عادل کافیست که کسی را در خط جمهوری اسلامی ندانند." (ا.ا.)
ـ هیات ویژه ایرانی به سرپرستی حجت الاسلام خامنی باوزیر خارجه آلمانغربی مذاکره کرد. (خ.ب.)
ـ رفسنجانی : "ریگان نمی‌تواند اقدامی علیه ایران کند." (ج.ا.)
ـ باسخ ایران در مورد مساله گروگان ها توسط فرستادگان الجزایر تسلیم مقامات آمریکائی شد. (ک)
ـ وزارت خارجه امریکا : "آنچه اکنون مهم است اینکه ایرانیان در پیام خود اولتیماتومی نداده اند. (ک)
ـ ۷۰ تن از نمایندگان مجلس از موضع کشورهای جبهه پایداری در برابر کنفرانس سران عرب تقدیر کردند. (مطبوعات)
ـ اجراب کمونیست سوریه و عراق، صدام را عامل در هم شکستن همبستگی اعراب معرفی کردند. (ج.ا.)
ـ وزیر خارجه عراق : "آمریکا و شوروی مصمم به از بین بردن اتحاد و استقلال اعراب هستند." (ا)
ـ قوای نظامی سوریه و ازدن در مرز دو کشور مستقر شدند. (ا)
ـ برژنف در ملاقات با سناتور امریکایی : "ما خواهان تیرگی روابط بین آمریکا و شوروی نیستیم. شوروی خواهان بسط و تحکیم روابط طولانی با آمریکاست." (ک)
ـ وزیر خارجه ویتنام : "چین مستقیما حاکمیت ویتنام و لائوس و کامبوج را تهدید می‌کند. (ک)
ـ مشاور ریگان : "آمریکا توجه خاصی به آسیای جنوب شرقی خواهد داشت." (مطبوعات)
ـ ۲۵۰ هزار تن از معلمان و کارگران مترو، اتوبوس و تاکسی ژاپن، برای اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند. (ک)
ـ ۱۴۳ سرباز مراکشی در حمله چریک های پولیساریو به یک پادگان مراکش کشته شدند. (ک)

شنبه هشتم آذر

ـ با عملیات مشترک نیروهای دریایی و هوایی ایران ۸ ناوچه موشک انداز عراق غرق شد. (مطبوعات)
ـ شدیدترین درگیریهای چند روز اخیر، دیروز در بخش غربی آبادان جریان داشت. از دیروز مناطق

مسکونی آبادان زیر آتش توپخانه خمپاره‌انداز عراق قرار گفت و چندین موشک به ایستگاه ۱۲ آبادان پرتاب شد. (مطبوعات)
ـ اکثر ارتفاعات منطقه سومار توسط نیروهای ایران تصرف شد. (خ.ب.)
ـ هلیکوپترهای ایران مواضع عراق را در جنوب غربی دب حردان و ایستگاه آب سومر در هم کوبیدند. (خ.ب.)
ـ نیروهای عراق از فاصله ۲ کیلومتری شهر سوسنگرد را مورد حمله قرار میدهند. (۱)
ـ اسناد حنکی توپخانه عراق بدست ایران افتاد. (خ.ب.)
ـ بنی صدر : "ارتش روحیه نهاجمی یافته است." (مطبوعات)
ـ امام جمعه اهواز : "میخواهم بروم به رئیس جمهور و مجلس بگویم‌که چرا سپاه پاسداران را در حد قانون اساسی قبول نمی‌کنید و به او نمی‌رسید و امکانات نمی دهید." (ج.ا.)
ـ امام جمعه تهران : "کفتم روحانیون خرمشهر، نظر ساده ای بنل مقبه مردم برای کیفیت دفاع از خرمشهر دادند و اکوآن نظر غمل نمیند، خرمشهر در دست دشمن می‌افتاد، آقا برداشته در روزنامه سرمقاله کرده که فلانی (خامنه ای) را باید محاکمه کنیم. بفرمائید آقایان محاکمه کنید. منهم شما را دعوت میکنم به محاکمه، محاکمه کنید تا بفهمید حد خرمشاری در بشب برده های پلید و سوبر شما سکدرد" (ج.ا.)
ـ سرحدی زاده عضو شورای سرپرستی زندانها : "هر کسی جنس مسائلی (مساله شکنجه) را مطرح میکند، قطعا میخواهد انقلاب را نابود کند و بدنام... آقای بنی صدر کفتند۶ تا زندان است، ما باید ۶ تا کورستان درست کنیم و همه آنها را دفن، تا ضد انقلاب باید با خشونت مبارزه کرد، حالا مراحل نرم است." (ا.ا.)
ـ خلخالی : "اگرمقصود از شکنجه تعزیر و حد شرعی است، ما آنرا قبول داریم." (ا.ا.)
ـ دکتر کاتوزیان رئیس دادستکده حقوق : "در دادکا ـ هیهای انقلاب مجازاتهای شرعی اعمال میشود. این مجازاتها اعم ازحدود و تعزیرات و قصاص در قوانین نیامده است..... این ترتیب با اصل قانونی بودن مجازاتها (اصل ۳۶ قانون اساسی) متناقات دارد." (ا.ا.)
ـ امام جمعه تهران : "در این مملکت آزادی هست و در هیچ کجای دنیا بقدر این مملکت آزادی نیست کسی مانع انتقاد نیست. اما اینکه بخواهند جو سازی کنند و مردم را نسبت به سمتهای اصل اسلامی در این جامعه بدبین کنند، ابدا." (ج.ا.)
ـ وزیر آموزش و پرورش : "آموزش و پرورش باید دقیقا محتوای متعهد، مکتبی، انقلابی و اسلامی داشته باشد." (ج.ا.)
ـ امام جمعه تهران : "اگر معلم هستید و معتقد به تفکر اسلامی نیستید، اسلام اجازه نمی‌دهد بروی سر کلاس درس و اندیشه خود را... به میل خود برای کودک و نوجوان ما تحریف کنی و دهن او را از مطالب عقیده خود پر کنی." (ج.ا.)
ـ در بی تعطیل دبیرستان نیمرکان قم، اولیای دانش آموزان خواستار افتتاح مجدد دبیرستان شدند. (ک)
ـ شیخ علی تهرانی : "اگر معنای در صحنه بودن مردم این باشد که فقط باشد کشده باشند. این سر ـ کنت نه همان دیکتاتوری است... حساب روحانیت از اینها که در کاربد جدانیت، روحانیت خیلی وسیع است و اکثریت مشغول کارهای نابغنان هستند، مشغول تبلیغ و ترویج." (ا.ا.)
ـ رفسنجانی در بازکشت از سفر لیبی، سوریه و الجزایر : "در این سفر هیچ موردی نبود که ما هدفی را بد نظر قرار داده باشیم و رسیدن به آن ممکن نشده باشد... در حرکت سیاسی خارجی دو سال گذشته طرح درسی نداشتیم، که حتی دینی هم عمل کرده ایم." (مطبوعات)
ـ دکتر بیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز" به مدت ۱/۵ ساعت با امام خمینی گفتگو کرد. (خ.ب.)
ـ هیات ایرانی به سرپرستی حجت الاسلام خامنی با وزیر خارجه انگلیس دیدار و گفتگو کرد. (مطبوعات)
ـ ایران در کنفرانس اوپک در اندونزی شرکت نمی کند. (مطبوعات)
ـ کنفرانس سران عرب با حمایت کامل از عراق پایان یافت (خ.ب)
ـ فرانسه به عراق اسلحه میدهد. (مطبوعات)
ـ عراق از بزریل تعداد زیادی موشک و تانک خرید. (خ.ب.)
ـ سادات از اروپا و آمریکا خواست تا در صورت لزوم حتی با توسل به زور به جنگ ایران و عراق خاتمه دهند. (خ.ب.)
ـ مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۱۱رای مثبت، ۲۲ رای منفی و ۱۲ رای ممتنع، خواستار خروج فوری

نیروهای شوروی از افغانستان‌شد. دولتهای شوروی و افغانستان رای سازمان ملل را رد کردند. (ک)
ـ کوماندوهای رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان حمله کردند. (خ.ب.)
ـ جنگنده های اتیوپی به سومالی حمله کردند. در این حمله ۱۰ نفر کشته و تعداد زیادی خانه ویران شد. (ک.)
ـ آمریکا در ازای یک پایگاه نظامی، ۴۵۰ میلیون دلار کمک نظامی به سومالی می‌دهد. (خ.ا.)
ـ نخست وزیر هند: "وضع خطرناک مرزهای هند و پاکستان‌رو بوخامت میگذارد. ارسال‌موشکو سلاحهای مدرن به پاکستان، امنیت هند را به خطر میاندازد."
(خ.ا.)
ـ رژیم آفریقای جنوبی ۳ چریک سیاهپوست را به اعدام محکوم کرد. (ک.)
ـ رئیس آینده کمیته روابط خارجی سنای امریکا: "آمریکا بودجه نظامی خود را افزایش خواهدداد."
(خ.ب.)

یکشنبه نهم آذر

ـ بزرگترین اسکله نفتی عراق (اسکله الیکر) به تصرف ایران درآمد. (مطبوعات)
ـ دو میگ و یک ناوچه موشک انداز عراق منهدم شد. (خ.ب)
ـ آخرین نیروهای عراق از "دب حردان" عقب نشستند. (ک.)
ـ مناطق مسکونی آبادان هدف آتش توپخانه عراق قرار دارد. (ا.)
ـ نیروهای عراق مناطق مسکونی سوسنگرد را با خمسه خمسه و تانک زیر آتش گرفته اند. (خ.ب)
ـ در یکی از جبهه های غرب نیروهای عراق تا هفت کیلومتری مرز ایران عقب رانده شدند. (ک.)
ـ مواضع عراق در جاده حمیدیه ـ سوسنگرد با آتش توپخانه ایران منهدم شد. (خ.ب)
ـ مواضع عراق در بخش غربی خرمشهر زیر آتش توپخانه ایران قرار دارد. (خ.ب.)
ـ خلبانی که ۶۲ ماموریت جنگی انجام داده است: "در خاک عراق دیگر هدفی که ارزش بمباران داشته باشد وجود ندارد." (ک)
ـ رفسنجانی: "پاسخ ما به آنها (که پیشنهاد کمک اسلحه کرده اند) این بود که ما جنگ را در وضع موجود خود اداره می‌کنیم ونیازی‌به‌خارج نداریم."
(مطبوعات)
ـ حجت الاسلام روحانی نماینده مجلس: "این یک ضرورت است که سپاه به انواع سلاحهامجهز شود."
(خ.ا.)
ـ چمران: "تکنولوژی ارتش‌را بایدباایمان‌پاسداران توام کرد." (ک)
ـ استاندار اصفهان: "در حال حاضر ۲۰۰ هزار آوارهٔ جنگی در استان اصفهان بسر میبرند."
(مطبوعات)
ـ بهره برداری از اردوگاه ۵۰ هزار نفری مهاجرین در جیرفت آغاز شد. (مطبوعات)
ـ خامنه ای: "ما با هر نوع سلیقه در برابر دشمن متحدیم." (خ.ا.)
ـ ۱۳ تن از شخصیت ها طی تلگرامی به دکتر بهشتی خواستار ریشه یابی و تحقیق در مورد مصاحبه رادیو تلویزیونی با پاسداران جبهه آبادان (که اول آذر ماه پخش شد) شدند. به‌گفته ایشان یکی از پاسداران در این مصاحبه گفته بود: "از حوادث تهران نگرانیم و اگر... بشود ما با همین اسلحه ـ مان‌به تهران حرکت می‌کنیم." (مطبوعات)
ـ آیت الله صدوقی: "روحانیت با کسانی که به اسم تخصص میخواهند ریشه انقلاب را بکنند مخالفت دارد." (خ.ا)
ـ در انفجار بمب در مدرسهٔ علمیه حجتیه قم دو طلبه مجروح شدند. (مطبوعات)
ـ بنی صدر در گارنامه رئیس جمهور: "آثار بازگشت به رژیم پیشین فراوان شده اند، ما می بینیم که هر کس نه متناسب با مسوولیت خود بلکه متناسب با قدرتی که توانسته در خویش متمرکز کند، بر پایهٔ همان قدرت یا ماه بیش نیز "زورمداری" حوزه عمل و مسوولیت خود را گسترش داده است. (ا.ا.)
ـ احمد سلامتیان نماینده مجلس، در مشهد: "آیا رئیس دیوانعالی‌کشوروروئیس توراباقالی قضایی اجازه می‌دهد که زیر پوشش شعار "درود بر بهشتی" یک اجتماع و سخنرانی بر هم زده شود... عده‌ای همچون چماقداران شاه مخلوع میخواهند با اینگونه اعمالی که امروز شاهد آن هستید جلوی آزادیها را بگیرند." (ا.ا.)
ـ آیت الله لاهوتی، در مشهد: "اگر قرار بود با چماق و زور کسی بتواند حکومت کند، قبل از شما آریامهر بود.... مگر اسناد شریعتی چه میگفت با این بیرمرد میخواست چکاره شود، او که نمیخواست رئیس دیوانعالی کشور بشود." (ا.ا.)

ـ روزنامه جمهوری اسلامی: "وقایع قم در مشهد تکرار شد."
ـ خلخالی: "این آقایان (روزنامه انقلاب اسلامی) مانند کبک سرشان را لای برف کرده اند و خیال می کنند که دیگران از آمال شوم آنها خبر ندارند"
(مطبوعات)
ـ شیخ علی تهرانی: "صحبت رئیس جمهور بسیار بجا بود... بعضی شکمخه گرها آمده اند بین من و توبه کرده اند." (ا.ا.)
ـ یک نفر در کرمان به جرم "توطئه علیه جمهوری اسلامی" به اعدام معلق محکوم شد. دو نفر دیگر نیز به جرم "پخش نشریات ضاله"، و "ضدیت با انقلاب اسلامی از طریق پخش اعلامیه های کمونیستی" به ترتیب به ۱۸ ماه حبس معلق تعزیری، و ۳ سال حبس معلق و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شدند. (ک)
ـ امام جمعه رشت: "اگر روزی امامان فرمان جهاد علیه همین کفار داخل دهد، ما و مامنان با همین تفنگها سینه هایشان را خواهیم درید." (خ.ا.)
ـ حزب الدعوه عراق: "صدام مراسم عاشورا را در عراق به خاک و خون کشید." (خ.ا.)
ـ یوکسلاوی خواستار خروج عراق ازخاک ایران شد. (خ.ب.)
ـ سادات از تلاشهای آمریکا برای برقراری صلح در خاورمیانه سنگدرکرد. (مطبوعات)
ـ آمریکا به طرفداری از اردن به سوریه هشدار داد. (خ.ب)
ـ نیروهای فلسطینی برای مقابله با طرحهای آمریکا در منطقه به حال آماده باش درآمدند. (ک)
ـ موج تورم در اسرائیل به ۲۰۰ در صد (بالاترین حد در جهان) رسید. (مطبوعات)
ـ دولت گمره جنوبی ۶۷ نشریه را تعطیل کرد. چهار ماه پیش نیز ۱۷۳ نشریه به علت "ناسالم و فاسد بودن از نظر سیاسی" تعطیل شده بود. (ک)
ـ هلند پیشنهاد کرد که در ازاء خرید گاز طبیعی از شوروی وی به مبلغ ۱۵۰۰ میلیون دلار به این کشور بپردازد. (ک)

دوشنبه ۱۰ آذر

ـ ناو هزار تنی عراق در خلیج فارس غرق شد. (خ.ب.)
ـ یک توپولف مجاور عراقی درابلام سرنگون شد. (خ.ب.)

روز به روز

ـ مواضع وستگرهای عراق درارتفاعات "زبل" ایلام وقسمت‌شرقی "گنجان چم" بمباران شد. پایگاه هلیکوپترهای عراق در منطقه سرپل ذهاب نابود شد. در جبههٔ سومار نیروهای عراق چند کیلومتر دیگر عقب نشینی کردند. (مطبوعات)
ـ تهاجم عراق در جبهه های غرب گسترش یافت. (ک.)
ـ سوسنگرد دیروز زیر آتش توپخانه عراق‌قرارداشت (خ.ب.)
ـ آخرین نفرات عراق در اطراف اهواز زیر آتش شدید قرار گرفتند. یک انبار مهمات عراق در غرب اهواز منهدم شد. (خ.ب.)
ـ چند روستا در منطقه کرخه کور، مورد حمله دشمن قرار گرفت. (ا.)
ـ بنی صدر در گارنامه رئیس جمهور: "ما بعنوان حکومت اسلامی برای مردم چه ارمغان آورده ایم؟ کدام بی عدالتی از بین رفته است؟ کدام عدالت به کرسی نشسته است؟ کدام بیکاری و گرانی از بین رفته است؟ کدام عبادت به معنای واقعی کلمه را آوردیم؟ کو معنویتی که آوردیم؟ پس هم مادیت و هم معنویت دارد همان مسیر رژیم سابق را طی می کند." (ا.ا.)
ـ بازارهای تهران، قم و مشهد به عنوان "اعتراض به وقایع دو روزه مشهد و حمایت از روحانیت مبارز" تعطیل کردند. (مطبوعات)
ـ احمد سلامتیان: "عده ای که کاملا معلوم است گروه واحدی هستند، شعار له و علیه میدهند و بعد هم روزنامه هایشان به این ترتیب قضیه را کمدمی می کنند." (ا.ا.)
ـ روزنامه اطلاعات: "شیخ علی تهرانی طی یک سخنرانی در مسجد ارک تهران بشدت به پاره ای از ارگانهای انقلابی حمله کرد."
ـ انفجار بمب در مقابل موزه ایران باستان چند نفر را مجروح کرد. (مطبوعات)
ـ کمیسیون ارتباط مجلس مشغول بررسی و تجدید نظر در لایحه قانونی مطبوعات است. (ک)
ـ گروهی از هنرجویان هنرستانها در اعتراض به تدریس فیزیک، شیمی و ریاضی، در مقابل وزارت آموزش و پرورش متحصن شدند. معاون وزارت آموزش و پرورش تقاضای حذف این دروس را رد کرد. (ک.)

ـ به سوی رئیس‌دانشگاه علم‌و صنعت نیرانداری‌شد روزنامه ها علت این نیرانداری را "سخنان رئیس این دانشگاه در مورد مجاهدین خلق و دیگر گروه های سیاسی" ذکر کردند. (مطبوعات)
ـ سفیر ایران در شوروی: "شوروی ظاهرا جنگ را به نفع امپریالیسم میداند و مایل نیست موضع‌بیطرفانه خود را در قبال دو دوست از دست بدهد. (خ.ب)
ـ کانادا تحریم فروش غله به شوروی را پایان داد. (مطبوعات)
ـ شوروی رژیم جدید گینه بیسائو را که به دنبال یک کودتا بر سر کار آمد، به رسمیت نشناخت. (ا.ا.)
ـ برژینسکی: "آمریکا باید به طور قاطعانه‌در سراسر دنیا با شوروی رقابت کند." (ا.ا.)
ـ نیروهای السالوادور برای مقابله با چریکهای چپ گرا به حال آماده باش درآمدند. (ک)
ـ ۱۲ تا ۲۰ هزار ایرلندی به حمایت از ارتش جمهوریخواه ایرلند دست به تظاهرات زدند. (مطبوعات)
ـ رئیس ستاد ارتش اسرائیل: "درگیری سوریه با اردن کار ما را آسانتر خواهد کرد." (ک)
ـ یک روزنامه هنگ‌کنگ: "افکار عمومی چین‌خواستار اعدام بیوه مائو است." (خ.ب.)
ـ بیوه مائو اعلام کرد حاضر به مناظره با یک مقام رسمی است، به شرطی که فیلم کامل آن برای عموم پخش شود. (خ.ب.)

سه‌شنبه ۱۱ آذر

ـ دومخزن بزرگ نفتی عراق درفاو به آتش‌کشیده شد. (مطبوعات)
ـ دربی ۷۲ ساعت نبرد، دشت‌ذهاب وبرسرآباد به تصرف ایران درآمد. (ک.)
ـ روستای شریه درمنطقه فارسیات از اشغال نیروهای عراق خارج شد. (ا.)
ـ طرح پیشروی عراق درخوزستان خنثی شد. ۱۰۰۴ نظامی ودهها تانک عراق در یک حمله نابود شد. (ک.)
ـ جنگی شدید درحوالی شهرمرزی مهران و سدکنجان‌چم ادامه دارد (ک.)
ـ نیروهای عراق از سراسر طول رود کارون واز جبهه دب حردان عقب رانده شدند. (ا.)
ـ نبرد شدید درخرمشهر ازسرگرفته شد. (خ.ب.)
ـ فرمانده نیروی دریائی: ما نیروی دریایی دشمن را تقریبا نابود کرده‌ایم... انگیزه ما از انهدام دو ترمینال النگر و خورالعمیه وارد آوردن ضربات اقتصادی به رژیم خائن عراق بوده است."
(مطبوعات)
ـ رئیس‌کل بانک مرکزی: "ذخایر آزاد ارزی ایران حدود ۶ میلیارد دلار است." (خ.ب.)
ـ بنی‌صدر درگارنامه رئیس‌جمهور: "به سفیرشوروی گفتم ما دلیلی نداریم که شما را آن قدرت بدانیم (که صدام حسین را به جنگ برانگیخت)، ما اطلاعاتی داریم‌که امریکایی ها دراین کار دخیل بودند و فکر میکردندکه مادرهمان دوسه روز اول از پا درمی‌آئیم." (ا.ا.)
ـ سفیر ایران در شوروی: "به مقامات شوروی گفتم بی‌طرفی شما مثل اینست‌که بین دونفرکه دعوا می‌کنند به یکی خنجر بدهید و به تماشا بایستید و بگوئید ما بی‌طرفیم." (ا.)
ـ حاکم شرع شیراز: "ضدانقلابیون و افراد ستون پنجم باید بدانندکه راهپیمائی براه انداختن و حمله به مراکز انتظامی ونظامی محکومیت اعدام دارد."
(ک.)
ـ رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز: "کوچکترین تکنجه‌ای در زندانها وجود ندارد و نخواهد داشت." (خ.ا.)
ـ قطعنامه بازار تهران: "ما بازاریان مسلمان پیرو خط امام حمایت کامل خود را ازروحانیت متعهد و مبارز بالاخص سه باز همیشه در سنگر امام، آقایان بهشتی، هاشمی و خامنه‌ای اعلام میداریم."
(مطبوعات)
ـ قطعنامه راهپیمائی قم: "حرکات مذبوحانه عده‌ای معدود وناآگاه راکه درقم، تهران وگاهی مشهد برای تضعیف نیروهای مومن به انقلاب انجام می‌گیرد محکوم می‌کنیم." (مطبوعات)
ـ خمس‌آیت: "ریشه اصلی اختلافات موجود در "مکتبی بودن" و "مکتبی نبودن" است. حاضرم در یک مناظره رادیو وتلویزیونی با آقای بنی‌صدر شرکت کنم و مسائل را حل‌کنیم." (ا.)
ـ قسمت تطهیر بالایشگاه اصفهان دیروز آتش گرفت.
ـ نخست‌وزیر: "قدر مسلم درآتش‌سوزی بالایشگاه مساحه‌ای درکار بوده است." (خ.ا.)
ـ درگیری میان موافقان ومخالفان رئیس آموزش و پرورش مصیبتی پنج نن‌کشته و ۱۱۸ تن مجروح شدند. تاکنون ۳۲ نفر دررابطه با این درگیری دستگیر شده‌اند. (ک.)
ـ وزیردادگستری: "بانظر فقها وحقوقدانان متعهد قوانین‌جاری‌قضایی نویض خواهد شد. (خ.ب.)

ـ برای ۳۰۰ هزار دانش‌آموز ناحیه ۱۳ درجنوب شهر یک درزشگاه هم وجود ندارد. (خ.ا.)
ـ ارزوی فرمانده سپاه پاسداران، سپاه پاسداران گرسار به علت "انجام ندادن وظایف محوله" منحل شد. (مطبوعات)
ـ روزنامه الثوره سوریه: "موج ناراضایی و تشنج در عراق بالا گرفت." (خ.ب.)
ـ سوریه ۲۴ هزار نظامی و ۱۱۰۰ تانک به مرز اردن فرستاد. (خ.ب.)
ـ آمریکا وعده اسلحه بیشتری را به اردن داد (ک.)
ـ پاسخ آمریکا به ایران درمورد کروکاها تسلیم الجزایر شد. دراس پاسخ‌گفته شده: "این پاسخ فقط مربوط به دولت کارتر است‌وحدساکد دررزان ریگان تغییرکند." (ک.)
ـ یک دادگاه بین‌المللی، آمریکا، کانادا و پنج کشور امریکای‌لاتین را بخاطر حمایت علیه‌مترحیوسان و نابودی فرهنگ این نژاد مجرم شناخت. اعضای این دادگاه اعلام‌کردند: "طولانی‌ترین اذیت و آزار در تاریخ بشری علیه سرخپوستان درآمریکا صورت گرفته واین سرکوب ۵۰ سال است‌که ادامهٔ دارد."
(خ.ا.)
ـ دریکماه اخیر ۱۲۶۷ نفر درترکیه دستگیر شدند. مقامات نظامی ترکیه ازمردم خواستند در دستگیری "عوامل تروریست" همکاری کنند (ک.)
ـ مردم اروکوئه طی یک همه‌پرسی قانون اساسی پیشنهادی رهبران نظامی این‌کشور را رفدکردند. (ا.ا.)
ـ کشور آفریقایی چاد، فرانسه را متهم به دخالت درآن‌کشورکرد. (م.)
ـ بدنبال سفر مشاور ریگان به نایوان، مجادله برسر نایوان میان رهبران چین وروناالد ریگان ازسرگرفته شد. (ا.ا.)

چهارشنبه ۱۲ آذر

ـ توپخانه ایران درآبادان مواضعی درخاک عراق را درهم‌کوبید. (مطبوعات)
ـ مواضع عراق در شمال بهمنشیر درهم کوبیده شد. درمحور آبادان ـ ماهشهر نیروهای عراق چند کیلومتر دیگر از مواضع اشغالی‌شان عقب‌نشینی کردند. توپخانه عراق مناطق مسکونی آبادان را همچنان گلوله‌باران می‌کند. (خ.پ.)
ـ ۳ روستا درغرب کشور از تصرف نیروهای عراق خارج شد. (خ.ب.)
ـ مواضع وستگرهای عراق درارتفاعات "زبل" ایلام وقسمت‌شرقی "گنجان چم" بمباران شد. پایگاه هلیکوپترهای عراق در منطقه سرپل ذهاب نابود شد. در جبههٔ سومار نیروهای عراق چند کیلومتر دیگر عقب نشینی کردند. (مطبوعات)
ـ تهاجم عراق در جبهه های غرب گسترش یافت. (ک.)
ـ سوسنگرد دیروز زیر آتش توپخانه عراق‌قرارداشت (خ.ب.)
ـ آخرین نفرات عراق در اطراف اهواز زیر آتش شدید قرار گرفتند. یک انبار مهمات عراق در غرب اهواز منهدم شد. (خ.ب.)
ـ چند روستا در منطقه کرخه کور، مورد حمله دشمن قرار گرفت. (ا.)
ـ بنی صدر در گارنامه رئیس جمهور: "ما بعنوان حکومت اسلامی برای مردم چه ارمغان آورده ایم؟ کدام بی عدالتی از بین رفته است؟ کدام عدالت به کرسی نشسته است؟ کدام بیکاری و گرانی از بین رفته است؟ کدام عبادت به معنای واقعی کلمه را آوردیم؟ کو معنویتی که آوردیم؟ پس هم مادیت و هم معنویت دارد همان مسیر رژیم سابق را طی می کند." (ا.ا.)
ـ بازارهای تهران، قم و مشهد به عنوان "اعتراض به وقایع دو روزه مشهد و حمایت از روحانیت مبارز" تعطیل کردند. (مطبوعات)
ـ احمد سلامتیان: "عده ای که کاملا معلوم است گروه واحدی هستند، شعار له و علیه میدهند و بعد هم روزنامه هایشان به این ترتیب قضیه را کمدمی می کنند." (ا.ا.)
ـ روزنامه اطلاعات: "شیخ علی تهرانی طی یک سخنرانی در مسجد ارک تهران بشدت به پاره ای از ارگانهای انقلابی حمله کرد."
ـ انفجار بمب در مقابل موزه ایران باستان چند نفر را مجروح کرد. (مطبوعات)
ـ کمیسیون ارتباط مجلس مشغول بررسی و تجدید نظر در لایحه قانونی مطبوعات است. (ک)
ـ گروهی از هنرجویان هنرستانها در اعتراض به تدریس فیزیک، شیمی و ریاضی، در مقابل وزارت آموزش و پرورش متحصن شدند. معاون وزارت آموزش و پرورش تقاضای حذف این دروس را رد کرد. (ک.)

ـ رئیس آموزش وپرورش داراب دراعتراض به سخنان خلاف واقع نماینده این شهر درمجلس استعفا کرد . (ا .)

ـ بدنبال تعیین مدیریت جدید برای دبیرستان مهرگان فم و بازگشایی مجدد این دبیرستان ، دانش‌آموزان بازهم از رفتن به کلاس درس خودداری کردند . (ا.ا.)

ـ امام خمینی : " اختلافات موجود موجی است‌که با پیروزی درجنگ برطرف میشود . " (مطبوعات)

ـ گروهی از متخصصین ایرانی بدون استفاده از وسائل‌خارجی کامپیوتری اختراع کردندکه هیچ شباهتی به کامپیوترهای موجود درجهان ندارد . (ا.ا)

ـ رجایی درعیادت از مهندس بازرگان : " خداوند شما را برای ما نگهدارد که کماکان نیاز به وجود شما داریم ." (م .)

ـ سوریه دو شرط برای پایان تشنجات مرزی به اردن ابلاغ کرد . این دو شرط عبارتند از : قطع‌اقدامات براندازی توسط اردن ـ شناسائی سازمان‌آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده‌ملت‌فلسطین.(مطبوعات.)

ـ نیروهای سوریه درمرز اردن به دو برابر افزایش یافت . (م .)

ـ رادیو سوریه : " سوریه اردن را به خاطر حمایتش از صدام علیه ایران نخواهد بخشید . " (ع.ب.)

ـ روزنامه نشرن سوریه : " جنگ ایران وعراق اوبک را درآستانه سقوط قرارداده است . "(ع.ب.)

ـ جریکهای کرد عراقی به اربیل و سلیمانیه حمله کردند (ا . ا.)

ـ حزب حاکم نروژ طرح مربوط به ذخیره‌سازی نظامی آمریکا در این کشور را تصویب‌کرد . (م .)

ـ لیبی به علت تجاوز آمریکا به ظلمروآبی و حریم فضایی لیبی از آمریکا به سازمان ملل شکایت کرد . (ا .)

ـ چین ارسال تدارکات نظامی به پاکستان‌را افزایش داده است . (ج . ا .)

ـ سازمان عفو بین‌الملل : " پلیس اسپانیا زندانیان سیاسی را تشکجه داده است ... رژیم شیلی علیه مخالفان خود به طور روزافزونی دست به اعمال تشکجه زده است . " (ا .)

ـ چهار تن از ۱۱ عضو کادر رهبری حزب کمونیست لهستان از کار برکنار شدند . (ا .)

ـ درپی اعتصاب غذای یکباهه هفت عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند که هنوز ادامه دارد ، سه زندانی زن عضو این ارتش نیز از دیروز اعتصاب مشابهی را آغاز کردند . (ج . ا .)

پنجشنبه ۱۳ آذر

ـ طرح عراق برای انتقال مجدد دشت ذهاب شکست خورد . (ک .)

ـ عراق شهرک مهدی شهر سریل ذهاب را زیرآتش توپخانه قرارداد . (ا .)

ـ نقاط مسکونی سوسکرد و روستای ابو حمیظه همچنان زیرآتش توپخانه قراردارد . (ک .)

ـ درجبهه های دارخوین و دب حردان ، شوروشیرین وگاهی سخت تلفات سنگینی به عراق وارد آمد . (مطبوعات)

ـ براثر اصابت خمپاره قسمتی از مخازن پالایشگاه آبادان دچار حریق شد . (ا .)

ـ نبرد در ایستگاه ۱۲ و فیاضیه آبادان بشدت جریان دارد . (ا .)

ـ نخست‌وزیر : " زمانی‌که اسلحه ما تمام شود با جنگ ودندان خواهیم جنگید و این را بهتر از آن میدانیم که از ابرقدرتها اسلحه دریافت‌کنیم . " (خ . ب)

ـ بنی‌صدر درگزارنامه رئیس‌جمهور : " روشهایی که در ۲ سال انقلاب براساس تهدید ، ارعاب ، خفقان و انواع روشهای تخریبی برجسب زدنها تا زندان واعدام ، آن نتیجه‌ای‌که دلخواه آنهایی که به این روشها دلبسته بودند ببار نیاورد وحاکمیت انحصاری را ممکن نگرداند و روز به روز درجامعه ما حکومت ضعیف‌تر شد . " (ا .)

ـ دکتر پیمان : آمریکا میخواهد حاکمیت‌امپریالیسم را در پوشش "لیبرالیسم" اسلامی در ایران برقرار کند . " (ا .)

ـ علی‌اصغر حاج سیدجوادی : " باید دید آنهایی که به مخالفین خودباتهام‌لیبرالیزم حمله میبرند ، خود طرفدار چه نظام اقتصادی هستند وآیا از اعمال وگفتار آنها چیزی جز طرفداری از سرمایه‌داری وابسته و مالکیت نامحدود به چشم میخورد ؟" (ا .)

ـ سیدحسین خمینی : " آن‌کسانی‌که زیرچتر جناب آقای بنی‌صدر جمع شده‌اند ، از فدایی ، مجاهد ، نهضت آزادی و دیگران ، اینها میخواهند علیه امام وارد عمل شوند ، چه شد آنهایی‌که تا چندی پیش درخارج از کشور به خون یکدیگر تشنه‌بودند ، یک مرتبه دوست صمیمی یکدیگر شدند . " (مطبوعات)

ـ بنی‌صدر در پاسخ سئوال " آیا آزادکردن افرادی که درکودتا دست داشته‌اند کعبه دستور شما صورت

ادامه ساختن‌ارتدوگاهها (جهت آوارگان جنگ) صرف شود . " (م .)

ـ شهردار تهران پس از دیدار با مصدومین جنگ : " مصدومین می‌گویند بازاریان باید بجای راهپیمائی نرخها را پائین بیاورند . " (م .)

ـ نخست‌وزیر : "مساله بیکاری بصورت آتش زیر خاکستر پنهان شده است ، بنابراین باید قبل از آنکه بصورت راهپیمایی عرض وجودکند و حالت های دیگری را پیداکند ، برای حل‌آن راه حل مناسبی ارائه شود . " (مطبوعات)

ـ بهزاد نبوی وزیرمشاور : " مابی پول نیستیم ولی بی‌اسکناس‌هستیم . " (مطبوعات)

ـ وزیرکشور : " اینکه بین مردم نارضایی‌ها زیاد شده واقعیتی است‌که باید قبول کنیم ، چون اگرجزاین فکر کنیم مثل اعمال رژیم سابق است‌که کبکوار چشم‌ها را برهم بنهیاد ونارضایتی ها را نمی‌دید . " (مطبوعات)

ـ دکتر باهنر پس از ملاقات با خمینی : " امام تاکید فرمودند که محیط های آموزشی را از افراد ناباب و آلوده پاک کنند .... از فعالیتهای ضد انقلاب درمدارس جلوگیری‌کنید برای اینکه ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم اجازه بدهیم‌که این خیل عظیم دستخوش توطئه های ضد انقلاب باشند . " (خ . ب)

ـ درگیری‌سه‌روزوفکروهفهای‌سیاسی‌با سپاه پاسداران در آمل ، یک کشته و ۱۵۰ مجروح بجا گذاشت ، و ۵۰ تن نیز بازداشت شدند . (ا . ا .)

ـ یکی از اعضای انجمن اسلامی درفرمانداری آمل : " اینها گافرند وکشتن کافر حلال است . " (ا .)

ـ در درگیری مردان مسلح و پاسداران در حومه بهباد ۸۰ مرد مسلح کشته وزخمی شدند . (ا .)

ـ به مقر پیشمرگان مسلمان کرد درجوزآباد سندج حمله شد . در این حمله یک تن‌کشته ودوتن دیگر مجروح شدند . در درگیری دیگری‌که بین گروهی از افراد دموکرات وکومله با پاسداران درآبادیهای اطراف سنندج روی داد ، چهارتن از افراد گروههای نامبرده کشته شدند . (ک .)

ـ دادستان جدید انقلاب اسلامی مایل کلیه احکام صادره از سوی دادستان سابق را لغوکرد .(م .)

ـ در قطعنامه یک راهپیمایی در اصفهان ، اجراح احمد سلامتیان از مجلس درخواست شد . (مطبوعات)

ـ سلامتیان : " نه مجلس ونه هیچ ارگان دیگری حق ندارد نماینده مردم را ازسمت نمایندگی خودش برکنارکند . " (ا .)

ـ اعظم طالقانی : " این مساله هیچ اثر قانونی ندارد . " (ا .)

ـ بنی‌صدر : دراولین فرصت مناسب به اصفهان میروم و پس‌از آنکه حقیقت امر را تحقیق ،معلوم کرده ازمردم پرسیدنی‌ها را خواهم پرسید . " (ا .)

ـ سرمقاله جمهوری اسلامی : " عناصر مستکبرکه می‌دانند جریا نسک به دروغ نمی‌توانند برجامعه حکومت‌کنند ، خود را ناگزیر می‌بینند همیشه بدگوئی شعار بدهندکه مورد خواست و پسند واشتیاق توده های پاک‌اندیش ملت است . "

ـ آیت‌الله لاهوتی : " هیچکس به‌اندازه آنهایی‌که مدعی درخط امام بودن هستند ، به شخص امام خسارت نمی‌زنند . " (ا .)

ـ خلخالی دریاسخ سیدحسین خمینی : " اگر مرادازموازین ،موازین‌اسلامی‌است ،کدهمه احکام مطابق دستور اسلام صادرشده ولگر مراد از موازین ، اصول دموکراسی غربی است‌که باید متهم وحجرم وکیل هم داشته باشند .... هیچگاه آن موازین را درنظر نگرفته‌ایم . " (ا .)

ـ بنی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " آقای تهرانی گفته است‌که اینهاگفته‌اند امام هم با رئیس جمهوری مخالف است و منتظر فرصت است‌که او را بزند .... کسی‌که امروز بعنوان لیبرال به روزنامه‌او میزبنند نخستین نخست‌وزیر درجمهوری اسلامی است و به نص امام واجب‌الاطاعه بود . " (ا .)

ـ معاون سیاسی وزارت‌کشور : " تا یکماه دیگر انتخابات مجلس برای تعیین نافیانده نمایندگان انجام خواهد شد . " (ا .)

ـ سفیر شوروی درملاقات با رئیس کل بانک مرکزی خواهان خرید نفت وگاز به منظور تسویه حسابهای ارزی ایران شد . (مطبوعات)

ـ بهزاد نبوی وزیر مشاور : " اگر آمریکا درمورد گروگانها پاسخ صریح بدهد ، به وظایف قانونی خود عمل می‌کنیم . " (مطبوعات)

ـ آمریکا به ایران هشدار داد اگر تا ۲۰ ژانویه گروگانها همچنان در اسارت باشند ، ایران نباید انتظار داشته باشدکه بتواند اعتبارات بیشتری از دولت‌رنگان برای آزادی‌گروگانها کسب کند. (ک.)

ـ آمریکا ۱۲۴ میلیون دلار کمک بلاعوض دراختیار رژیم نظامی ترکیه‌گذاشت . (ا .)

ـ دراعتراض به‌کشته شدن چهار زن آمریکائی در السالوادور، آمریکا کمکهای نظامی و اقتصادی خود را به این‌کشور قطع‌کرد . (ک .)

ـ طی نظاهراتی‌که در سودان برپا شد ، پلیس این کشور ۱۱ نظاهرکننده راکشت و ۱۲ تن دیگر راخرمی کرد . (خ . ب .)

گرفت ، دخالت درفوه قضائیه نیست ؟ " : " کمان می‌کنم مساله مربوط است به عده‌ای‌که دراهواز با پادرمیانی آقای خلخالی آزاد شدند . دادستان آن شهر پیش من آمد وگفت که اینها گناهی ندارند ، اما صدور حکم و دستور آزادی اینها یک سه یک طول می‌کشد . گفتم خوب اگر گناهی ندارند شما سرعت عمل بخرج بدهید اینها زودتر بروند درجبهه جنگ کنند .... او هم رفت واینها را آوردند و گفتند ما آزاد کردیم . " (مطبوعات)

ـ رفسنجانی : " کلمه‌اندکه ما نمی‌توانیم برای رئیس جمهور تعیین تکلیف‌کنیم ، مجلس شان قانونگذاری دارد و قانون ، شامل رئیس جمهور هم میشود . " (مطبوعات)

ـ دکتر بهشتی : " سوابعالی قضایی لوایح و حدود و صلاحیت آزادیها را به مجلس تقدیم کرده است . " (مطبوعات)

ـ حسین‌خمینی : " بعضی از احکام دادگاهها مطابق با موازین نبوده ، خصوصا " دادگاههای آقای خلخالی که از این موازین زیاد دران اتفاق افتاده ، ... تاآنجا که من خبردارم کم وبیش نوعی شکجه در زندانها بوده ولی مردم از شکجه به هیچ وجه شکجه های زمان رژیم سابق نیست . " (مطبوعات)

ـ امور سرپرستی دبیرستان بزرگ تهران : " جریانی درکار است تا با ایجاد جو تشنج دردبیرستان اذهان مردم را از جنبه های جنگ متوجه داخل‌کند . " (ج . ا .)

ـ نخست‌وزیر پس از تشکیل جلسه ستاد انقلاب فرهنگی : " احتمالا " دانشکده هایی مثل دانشکده پزشکی تا سه ماه دیگر شروع بکار می‌کنند . "(خ.ب)

ـ طرح کلی ادغام تسبیح در سپاه به تصویب مجلس رسید . (مطبوعات)

ـ موج‌اعتراض‌وخشونت درعراق‌بالا گرفت ، ۲۰ عضو بلندپایه سازمان‌امنیت عراق کشته شدند . (مطبوعات)

ـ کارخانه برق ۸۰۰ مگاوائی ناصریه عراق توسط نیروهای مسلمان عراقی منهدم شد . (مطبوعات)

ـ وزیر خارجه مصر : " نیروی سوریه بر اردن برای صهیونیست‌ها قابل تحمل نخواهد بود . "(خ.ب.)

ـ همزمان با تشنج بین سوریه واردن ، نیروهای رژیم صهیونیستی حملات خود را به فلسطینی ها گسترش دادند . (خ . ا .)

ـ کسینجر خواستار تحکیم پیمان ناتو درمقابله با شوروی شد . (ک .)

ـ پلیس ایالت بیهار هند ، ۳۱ زندانی را بعنوان " کاستی از میران جنایت " با سورن و اسید کور کرد . (ح . ا .)

روزبه‌روز

شنبه ۱۵ آذر

ـ جنگنده های ایران تاسیسات نظامی وبخانبرانی عراق در سلیمانیه وکرکوک را بمباران کردند . سلیمانیه بصره و بادگان بوبان نیز بمباران شد . (مطبوعات)

ـ ارتش عراق قدرت تدافعی را درمحور کیلانغرب ـ قصرشیرین از دست داد . (ک .)

ـ در دشت دهاب تعداد زیادی از سنگرهای عراق منهدم شد . آبشار های ایران یک انبار نیروهای عراق در این منطقه را منفجرکردند . (مطبوعات)

ـ ۸ میدان مین عراق درغرب خمینی شد وراه ورود نیروهای‌کمکی‌عراق به‌منطقه‌دهاب بسته‌شد . (ک.)

ـ گروهان پیاده عراق در کیلانغرب با آتش آنشبارهای ایران متلاشی شد . (مطبوعات)

ـ درآبادان و خوش‌شهر چند سنگرگروهی ویک انبار مهمات عراق نابود شد . جاده نداركاتی عراق درمنطقه حمیدیه بین‌کداری شد . (ا.ا.)

ـ هواپیمای متجاوز عراقی در بوشهر سرنگون شد . (مطبوعات)

ـ آیت‌الله منتظری : " شنیده میشود در بین ارتش تبلیغاتی برعلیه روحانیت است ، ای برادران ارتشی ، بعد از انقلاب روحانیت بودکه حامی ارتش بود ، رهبر انقلاب بودکه حامی ارتش بود ، بعضی‌ها علیه ارتش تبلیغات میکردند و رهبر انقلاب وروحانیت از ارتش دفاع میکرد . " (مطبوعات)

ـ دکتر جمران : " اعتقاد دارم‌که ارتش باید اساس وزیر بنای دفاع ارتکشور باشد و نیروهای بردمی ، از سپاه و بسیج یا جربک باید بصورت کمکی ارتش را تقویت کنند ، این نیروها بخودی خود نمی‌توانند موثر و مفید باشند وکاری از پیش نمی‌برند . " (م .)

ـ امام جمعه‌تهران : " بایستی یک بخش‌خصوصی برای انسکار بگذارند که داوطلبان و علاقمندان بروند به سپاه بپیوندند . " (مطبوعات)

ـ ۳۵ هزار آواره جنگ در اراک زیر پوشش‌کمک‌رسانی فرار گرفتند . (ا .)

ـ وزیر کشور : " دولت بودجه‌ای دراختیار ماکداشته که رقم اول آن ۲۰۰ میلیون تومان است تا برای

ـ درآستانه انتخابات ریاست جمهوری ، نخست‌وزیر و وزیر دفاع برنقال طی یک سانحه هوایی کشته شدند . (مطبوعات)

ـ درپی تشنجات سیاسی ـ اقتصادی لهستان ۳۰ لشکر شوروی آماده دخالت نظامی درلهستان‌شد . (ا .)

ـ حنکوکی کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان : " درصورت به خطر افتادن کمونیسم ، لهستان از کمک نظامی شوروی استفاده می‌کند . " (ا .)

یکشنبه ۱۶ آذر

ـ محل استقرار توپخانه ونفرات عراق درمنطقه نفت‌شهر بطور کامل نابود شد . (مطبوعات)

ـ طی عملیات هوانیروز درجاک عراق چند سنگر نیروهای عراقی منهدم شد . (ک .)

ـ درمناطق سریل ذهاب و کیلانغرب تعدادی از سنگرهای عراق درهم کوبیده شد و یک پست فرماندهی منهدم شد . (ا .)

ـ درجبهه بهمنشیر نبرد بشدت ادامه دارد وآتش توپخانه طرفین لحظهای قطع نمیشود . (ک .)

ـ طی ۲۴ ساعت گذشته اهواز زیرآتش توپخانه نیروهای عراق قرار داشت . روز گذشته نیز عراق نقاط مسکونی آبادان را زیرآتش گرفت . (ک .)

ـ حامینهای : " ما خودمان را برای هرمدتی‌که حنگ ادامه یابد آماده کرده‌ایم . " (ج . ا .)

ـ بنی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " مانمی‌توانیم در این مرحله از جنگ آتش‌بس را بپذیریم .... ما صدای رادیوی خودمان را در درفول واهواز نمی‌توانیم بشنویم ، صدام حسین از چه باک از رادیو و تلویزیون ما که بگمان من تبلیغات غلط ما بزرگترین یار تبلیغاتی اوست . " (ا .)

ـ نیمسار فلاحی : " ارتش تنها یک خط دارد که آن خط عبارتست از خداوند ، امام است و ملت اسلام . " (مطبوعات)

ـ مهندس سحابی : " مادر آن مقام نمیتسیم‌که کشورهای دیگر را وادار به تبعیت از خودمان کنیم . " (م .)

ـ امام خمینی : " در ذهنمان همیشه این باشد که این شرق وغرب دشمن ما هستند و هرجیزی‌که او بما بدهد دشمنی است که برای هلاک ما بما میدهد، ما باید کاری کنیم‌که دستمان را پیش دشمنان دراز نکنیم . " (مطبوعات)

ـ هیاتی از طرف جامعه روحانیت مبارز مامور رسیدگی

روزبه‌روز

به مسائل مورد اختلاف بین رئیس جمهور وحزب جمهوری اسلامی شد . (مطبوعات)

ـ بازاریان مسلمان پیرو خط امام : " آیا مخالفت آقای نوسلی با راهپیمایی بازاریان واقعا بخاطر حمایت از مردم مستضعف جامعه است یا مخالفت ایشان با روحانیت متعهد ومبارز ؟ " (ج . ا .)

ـ شیخ صادق خلخالی از سرپرستی مبارزه با مواد مخدر استعفا کرد . اوگفت : " حالا عده‌ای حمله‌ورا شجاعت میدانند و حرفهایی میزنندکه شایسته نیست ، آنهاکسانی هستندکه از فضاوت اسلامی بی‌خبرند . " (ا .)

ـ فرمانده سابق اطلاعات و ضد اطلاعات پایگاه نوژه به جرم تحکیم رژیم منفور پهلوی ودستگیری گروهی از پرسنل پایگاه وهمچنین تشکیل دادگاههای صحرائی وآوار مازران به ۱۰ سال حبس محکوم شد. (خ . ب .)

ـ طی یک درگیری درآبادی " شترمل" سنندج ، میان پاسداران وافراد مسلح کرد ، هفت تن از افراد مسلح کشته شدند . (ک .)

ـ پنج منطقه جنگلی گیلان دچار آتش سوزی شد . (خ . ب .)

ـ احمد عزیزی مشاور نخست وزیر : " ایران در حال بررسی آخرین پیام آمریکا درمورد گروگانهاست . " (ک .)

ـ بزرگترین مجتمع ماشین سازی درخاورمیانه و خاور نزدیک با همکاری شوروی در اسفراین ایجاد خواهد شد . (ا .)

ـ با بالا گرفتن موج تظاهرات در فلسطین اشغالی ، رژیم صهیونیستی در شهرهای دانشجویی حکومت نظامی اعلام کرد . (ا .)

ـ طی‌نظاهراتی که برعلیه افزایش قیمت ها درهمدان برپا شد ، پلیس حداقل سه نفر را بضرب گلوله کشت و ۱۲ تن دیگر را مجروح کرد . (خ . ب .)

ـ تورم درآمریکا به ۱۸ درصد رسید . (خ . ب .)

ـ تحویل مهمات ولوازم یدکی نظامی آمریکا به اردن آغاز شد . (مطبوعات)

ـ مصر ازآمریکا تقاضای افزایش کمک نظامی کرد . (ا .)

ـ یک مجله لبنانی نوشت : " کویت دومیلیارد دلار به عراق وام میدهد . " (خ . ب .)

ـ چهار وزیر شیعه کابینه لبنان استعفا کردند . (مطبوعات)
ـ فیدل کاسترو: " شوروی در برابر رویدادهای لهستان شکیبایی بسیاری از خود نشان داده است . " (ا . ا)

دوشنبه ۱۷ آذر

ـ طی عملیات غافلگیرانه هواپیروز ، دو خلبان اسیر ایرانی در سلیمانیه عراق نجات داده شدند . (ک .) .
ـ عراق به جبران غافلگیری نجات دوخلبان شهر سرپل ذهاب را به توپ بست . (ک .) .
ـ عراق مناطق مسکونی سوسنگرد را بمباران کرد . (ا .)
ـ مواضع عراق در اطراف اهواز درهم کوبیده شد . (مطبوعات .)
ـ تاسیسات نفتی بندر فاو در خاک عراق منهدم شد . (مطبوعات .)
ـ جنگ شدیدی در دوسوی پل خونین‌شهر درجریان است . (خ . پ .)
ـ سنگرهای عراق در ارتفاعات سد کنجان چم بدست نیروهای ایران افتاد . (ا .)
ـ وزیر دفاع : " جنگ را تا ساقط شدن صدام ادامه میدهیم " . (مطبوعات)
ـ ۳۰ قطعه لوازم تانک و خودرو های نظامی در دانشگاه صنعتی شریف ساخته شد . (ک .)
ـ ۱۰۰ هزار نفر از جنگزدگان در بروجرد اسکان یافته‌اند . (ا . ا .)
ـ ۳۵ هزار جنگزده درکازرون اسکان داده شده‌اند (ج . ا .)
ـ نماینده شادگان : " وضع آوارگان جنگی در شهرها رضایت‌بخش نیست . " (م .)
ـ دکتر بهشتی : " آزادی لیبرالیسم برای همه وقتی میتواند مورد قبول باشدکه درچهارچوب قوانین اسلام وشریعت الهی باشد . " (ج . ا .)
ـ بنی‌صدر : " آنانکه نمی‌خواهند تا معلوم گردد که دعوا برسر چیست ، ناگزیرند تا بگناره جبرهایی طرح کنند که مردم هاج وواج بشنوندکه چه بوده وازکجا آمده ، ولیبرالیسم نیز از این مقوله است . " (ا . ا .)
ـ نامه شرکتاده نماینده نیشابور در مجلس به حزب جمهوری اسلامی : " حزب ناکنون تعبدا" و یا طبیعتا" هرگونه ضربه وارد برخود را بین خود و روحانیت سرشکن نموده بوجهی‌که سهم خود را تحت‌الشعاع سهم روحانیت مظلوم که چوب حزب را میخورد قرار داده است واین دور از انصاف است اینکه حزب در قبال انتقاد نسبت به خود ندای واروحانیتا سردهد . " (مطبوعات)
ـ بنی‌صدر به سیدحسین خمینی : " راستی اگر نوطئه گرفتن فرماندهی کل قوا به نتیجه میرسید ، اگر صحبت هایی که درباره عزل رئیس جمهوری قبل از تاسوعا شده است ودرآن روز بصورت درس قانون اساسی مطرح شده است ، واگر ... شما که درخوزستان هستید بگوئید چه پیش می‌آمد . " (مطبوعات)
ـ سیدحسین‌خمینی به‌بنی‌صدر: " عده‌ای هستند که اگرامام مخالفت با رئیس جمهوری بکند خوشحال میشوند ، اما دیده‌ایم حضرتش ناکنون با تمام مسائل مختلفی‌که پیش آمده همچنان پشتیبان ریاست جمهوری هستند . " (مطبوعات)
ـ بنی‌صدر درکارنامه رئیس جمهور : " امروز برای برق وروشنائی قانون وضع می‌کنند ، فردا ممکن است برای زبان واندازه درازی آن قانون وضع شود . " (ا . ا)
ـ طی چند روز گذشته در بسیاری از مدارس از جمله دبیرستان های عاصمی ، منوچهری ، وخوارزمی درگیریهای شدیدی روی داده است . درگیری دبیرستان خوارزمی۸ زخمی بجا گذاشت . ۳۰ نفر از دانش‌آموزان از این دبیرستان اخراج شده‌اند (م .)
ـ مسئول امور تربیتی ناحیه : " عاملین این ساله مشخص خواهند شد .... اخراجی‌ها می‌توانند درمدارس دیگر ثبت نام‌کنند ولی آنجا زیرکنترل خواهند بود .... مدارس جای فعالیت سیاسی نیست . " (ا . ا)
ـ عضو شورای دبیرستان خوارزمی : " درسابق هم بما می‌گفتند اخلالگر هستید و مدرسه جای درس خواندن است وچکار به کارهای دیگر دارید ، درصورتیکه ما نسل انقلاب هستیم و نمی‌توانیم ببینیم عده‌ای را بدون دلیل اخراج کنند و تمام امکانات مدرسه را غیرعادلانه در اختیار ۸۰ عضو انجمن اسلامی بگذارند . " (ا . ا)
ـ ۵۰ دانش‌آموز دختر در ارومیه بجرم پخش اعلامیه اخراج شدند . (ا .)
ـ خبرنگار سیاسی انقلاب اسلامی : " پاسداران مامور حفاظت از مجلس نوجوان ۱۶ ـ ۱۵ ساله‌ای را به جرم فروختن نشریه مجاهد بضروب‌کردند و سپس برای تحقیقات او را کشان کشان به محل استقرار

خود بردند . چه برسر او خواهد آمد خدا میداندچون اینروزها از سرنوشت خیلی از افرادی که بازداشت میشوند حداقل تا چند روزی اطلاعی بدست نمی‌آید . "
ـ سپاه پاسداران مشهد : " درمحل سخنرانی احمد سلامتیان تمام ضدانقلابیون ساواکی وکودتاچی شناسایی شده و طرفداران گروههای شکست‌خورده منافق و چپ‌نماهای آمریکایی حضور داشتند . " (ا .)
ـ دفتر تبلیغات مدرسه عالی شهید مطهری قطعنامه راهپیمایی اصفهان را تائید کرد . (ج . ا .)
ـ استاندار فارس راهپیمایی بازاریان به حمایت از روحانیت را لغو کرد . (ک .)
ـ هیاتی مامور رسیدگی به درگیریهای آمل شد . (ک .)
ـ اتحادیه انجمن های اسلامی آمل در رابطه با درج اخبار درگیریهای آمل در روزنامه انقلاب اسلامی ، علیه این روزنامه اعلام جرم کرد . (ج . ا .)
ـ استاندار فارس : " طرفداران ناصر وخسرو قشقائی ، بختیار فیر وکازرین را به گروگان گرفته‌اند . " (ا .)
ـ وزیر ارشاد : " لایحه قانونی مطبوعات دادگرون میشود .... وزارت ارشاد تعطیل نشده است ، کارکنان آن تعطیل نشده‌اند . " (ک .)
ـ شهردار تهران : " جمعیت تهران از مرز ۶میلیون گذشته است . دولت باید افزایش جمعیت را یک ساله جدی تلقی کند . " (مطبوعات)
ـ درکلیبر وخدا آفرین تبریز ۷۰۰ هکتار از اراضی فئودالها مصادره شد . (خ . پ .)
ـ شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی : " تمام معلمان باید دارای مدرک لیسانس باشند . " (ک .)
ـ سوریه اعلام‌کردکه عراق میتواند ارسال نفت خود را از طریق این‌کشور ازسرگیرد . (م .)
ـ وزیر نفت سوریه : عراق روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار بشکه نفت از طریق ترکیه صادر می‌کند . (خ . پ
ـ کارشناسان نفتی : " عراق روزانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه از طریق ترکیه صادر می‌کند" . (خ . پ .)
ـ جانشین فرمانده نیروی دریایی ایران : " عراق تا ۵ سال دیگر قادر به صدور نفت از خلیج فارس نیست . " (ا .)
ـ مصر ازآمریکا خواست تا حجم کمکهای نظامی به‌این کشور را دوبرابر کند . (خ . ا .)
ـ بوزنف وارد هند شد . (خ . پ .)
ـ یک رهبر مسلمان هند شوروی را متهم به تلاش برای حضور دائمی در افغانستان کرد . (ا .)
ـ رهبر اتحادیه های کارگری لهستان با پاپ ملاقات کرد . (ا .)

روزبه‌روز

ـ یکی از رهبران جبهه‌آزادیبخش اریتره : " ۲۰هزار سرباز اتیوپی دست به یک حمله گسترده علیه چریکهای استقلال طلب اریتره زده‌اند . " (خ . پ

سه‌شنبه ۱۸ آذر

ـ بزرگترین انبار مهمات نیروهای عراق درخرمشهر منهدم شد . (مطبوعات)
ـ نیروهای چریکی ایران بانکهای عراق را درخاک آن کشور به آتش کشیدند . (خ . پ .)
ـ در سرپل ذهاب و کیلانغرب مواضع نیروهای عراق بشدت درهم کوبیده شد . (ا .)
ـ با آتش توپخانه و بمب‌افکنهای نیروی هوایی ، پادگانهای نظامی سلیمانیه و حلبچه ، تاسیسات نظامی الدوب ، قسمتی از سکوهای نفتی البکر والاسد ، ستون زرهی درمنجور سالیه ـ فکه ، وآنتن ماکروویو شمال شرقی خرمال درخاک عراق بهآتش‌کشیده شد . (خ . پ .)
ـ ۱۳۷۵۰ تن از جنگ زدگان خوزستانی درشهرکرد اسکان داده شدند . (ا .)
ـ سرپرست جمعیت هلال احمر : " عده افرادی‌که به خاطر جنگ مجبور به ترک خانه های خود شده‌اند ، زیاد نیست . " (ا .)
ـ جلال‌الدین فارسی : " همین کارهایی را که ما در دو ماه جنگ کردیم ، باید ۸ ماه قبل از جنگ انجام میدادیم .... اگر سلاح سنگین در سپاه باشد تلفات ما خیلی کمتر از این خواهد بود . " (مطبوعات)
ـ آیت‌الله منتظری : " بروحانیون لازم است بیوند خود را با برادران ارتشی تقویت کنند . " (خ . پ .)
ـ بنی‌صدر : " درهمه زمینه ها وضعیت ما رو به روز بدتر میشود واین واقعیتی است‌که وجود دارد و مردم آن را لمس می‌کنند ، هیچ احتیاجی نیست که ما آنرا بگوئیم ویا بگوئیم ، ما نمی‌توانیم مانند کبک عمل کنیم ، چطور ما نگوئیم وضع اقتصادی ما خراب شده ؟ " (ا . ا .)
ـ رجائی : " تا آنجائی‌که من مواد قانون اساسی را بررسی کردم رئیس جمهور درکارهای اجرایی

هیچگونه دخالتی ندارد .... مسوولیت کارهای اجرایی با نخست وزیر و دولت است ... من بارها گفته‌ام‌که یکی از مشکلات دولت اجرای قانون اساسی است . " (مطبوعات)
ـ منصور فرهنگ : " آنان‌که انقلاب را چون کالایی صادر کردنی میدانند ، دانسته یا ندانسته دست اندرکار واردکردن ضد انقلابند " (م .)
ـ انجمن اسلامی پالایشگاه اصفهان طی تلگرامی به امام خمینی خواستار رهایی صنعت نفت از جاکمیت عناصر خود فروخته وجودباخته وتخصص‌زده ملی‌گرا شد . (ک .)
ـ طی درگیری میان گروهی از هواداران مجاهدین خلق ودیگر گروههای سیاسی با اعضای انجمن اسلامی در دبیرستان حکمت چند دانش‌آموز مجروح شدند . (ک .)
ـ اتحادیه انجمن های اسلامی دانش‌آموزان : " توطئه‌گران چپ وراست و منافقین ورگه های لیبرالی در مدارس دست به تفرقه‌افکنی و اغتشاش زده‌اند . " (ج . ا .)
ـ دادگاه انقلاب اسلامی قائم‌شهر ۲۴ تن از دستگیر شدگان وقایع اخیر این شهر را به جرم " اقدام به اخلال و ایجاد درگیری ، وبخش اعلامیه ممنوعه " ، به یک تا پنج سال زندان محکوم کرد . (خ . پ .)
ـ دردرگیری بین پاسداران و هواداران مجاهدین خلق در رودسر که به علت نصب اعلامیه روی داد ، یک تن از هواداران مجاهدین کشته شد . (مطبوعات)
ـ در درگیری میان افراد ستون اعزامی به مهاباد و دموکراتها سه تن از اعضای کمیته نقده کشته شدند . (ک .)
ـ رفسنجانی : " این‌بار جواب آمریکا درمورد گروگانها نسبتا" روشن بود " . (مطبوعات)
ـ وزیر نفت عراق : " وزیر نفت ایران یک اسیر جنگی است وآزاد نخواهد شد . " (مطبوعات)
ـ فرانسه تحویل هواپیماهای میراژ را به عراق آغاز کرد . (ا .)
ـ عرفات : " هرگز نخواهیم‌گذاشت لبنان به سرنوشت فلسطین دچار شود . " (ج . ا .)
ـ سفیر شوروی درپاکستان : دیدار برژنف از هند نباید باعث نگرانی مردم پاکستان شود . (خ . پ
ـ دامنه اعتصاب ۱۱ هزار نفنکر برو در ۱۶ اسکله حفاری نفت در دریای شمال برو به داخل این کشور نیز سرایت کرد . (ک .)
ـ در دوبینیکن ، هائیتی‌های سیاه هرکدام به ۲ دلار فروخته میشوند . (ج . ا .)

چهارشنبه ۱۹ آذر

ـ با انهدام پل ارتباطی ام‌الرصاص توسط توپخانه ایران ، نیروی دریایی به پایگاههای استراتژیک جنوب عراق حمله برد . (خ . پ .)
ـ مواضع و سنگرهای عراق درخاک آن کشور زیرآتش شدید نیروهای ایران قرار گرفت . مواضع عراق در فاو ، الحار وکوت و چند انبار مهمات درهم کوبیده شد . (خ . پ .)
ـ دومبک متجاوز عراقی درتهران و همدان سرنگون شد . (مطبوعات)
ـ مناطق مسکونی آبادان دیروز هدف خمپاره های عراق بود . مناطق مسکونی درفول هدف آتش توپخانه عراق قرارگرفت . (خ . پ .)
ـ بخشی از مواضع عراق در شرق خرمشهر و همچنین روستای مارد منهدم شد . (خ . پ .)
ـ ۱۰۰۰ آواره جنگی دربندر انزلی اسکان داده شدند . (ا .)
ـ ۵۵۰ خانواده جنگ زده درمشهد اسکان یافته‌اند . (م .)
ـ از سوی امام خمینی دادستان کل‌کشور مامور تشکیل هیاتی بدون وابستگی حزبی وگروهی برای رسیدگی به مساله شکنجه شد . (مطبوعات)
ـ دادگاه انقلاب تبریز ۶ تن را به جرم همکاری با گروههای سیاسی غیرقانونی ، به ۲ ماه تا ۱۰ سال زندان محکوم کرد . (ا .)
ـ استانداری زنجان : روستائیانی که بدون مجوز در شهر سکونت دارند ، تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند . (ک .)
ـ بعداز انقلاب واردات گوشت ودام ایران از استرالیا ۶۰۰ درصد افزایش یافته است . (م .)
ـ نماینده کرج درمجلس : " ضدانقلاب روحانیت را مورد هجوم قرار داده است . " (مطبوعات)
ـ سازمان عفو بین‌الملل : " درنیمی از کشورهای جهان هزاران نفر بخاطر عقاید سیاسی ومذهبی‌شان ، بازداشت ، شکنجه واعدام میشوند . " (ا .)
ـ وزارت دفاع آمریکا عربستان را به همکاری بیشتر نظامی با آمریکا دعوت کرد . (ا .)
ـ بدنبال برافراشته شدن پرچم فلسطین در دانشگاه بیت‌اللحم ،مقامهای رژیم صهیونیستی دستور تعطیل نامحدود این دانشگاه را صادر کردند . (ا .)
ـ رژیم صهیونیستی ۱۸۰۰ هکتار از اراضی جنوب لبنان را تصرف کرد . (ا .)

ـ شوروی ۴ لشکر خود را به جنوب لهستان اعزام کرد . معاون وزارت خارجه لهستان تابعه تصرف کشورش را تکذیب کرد . (مطبوعات)
ـ نمایندگان ۲۱ کشور غربی برای بررسی اوضاع لهستان در وزارت خارجه آمریکا تشکیل جلسه دادند آمریکا ۴ هواپیمای آواکس برای کنترل اوضاع لهستان به‌آلمان غربی میفرستد . (مطبوعات)
ـ استان نمرو افغانستان به تصرف مجاهدین افغانی درآمد . (خ . پ .)
ـ ۹ فراری در السالوادور طی درگیریهای یکساله آن کشور کشته شده‌اند . (ا .)
ـ روزنامه النهار لبنان به نقل از مقامات ایران نوشت که وزیر نفت ایران درعراق شکنجه شده است . (مطبوعات)

پنجشنبه ۲۰ آذر

ـ پالایشگاه نفت وگاز کرکوک و تاسیسات صنعتی بصره بمباران شد . (مطبوعات)
ـ پل ارتباطی عراق به جزیره ام‌الرصاص ، یک بوضع موشکی درچبیده اهواز . دومخزن نفت و یکانبار تدارکاتی تاسیسات نفتی عراق منهدم شد . (مطبوعات)
ـ سه تیپ سوق‌الجیشی درگیلانغرب از تصرف نیروهای عراق آزاد شد . (خ . پ .)
ـ در شدیدترین شبیخون به نیروهای عراق درحبیه آبادان ، خسارات و تلفات سنگینی به این نیروها وارد شد . نقاط مسکونی آبادان همچنان زیرآتش شدید سلاحهای عراق قرار دارد . (خ . پ .)
ـ مدیر کل آموزش وپرورش استان مرکز : " ناکنون بیش از ۱۲ هزار دانش‌آموز مناطق جنگ زده دردبدارس شهرستانهای استان مرکز ثبت نام‌کرده مشغول تحصیل شده‌اند و هر روز نیز برنمداد آنها افزوده میشود . " (ا .)
ـ وزیر آموزش وپرورش : "مدارس بروجرد شروع بکار نکرده‌اند چراکه ۸۰ هزار مهاجر مدارس آنجا را گرفته‌اند وباید اردوگاههایی ساخته شود تا آوارگان را ازمدارس به آنجا منتقل کنیم ومدارس کارنان را شروع کنند . " (مطبوعات)
ـ آموزش وپرورش لرستان از معلمان خوزستانی دعوت بکار کرد . (خ . پ .)
ـ دفتر چاپ‌ونوزیع کتابهای درسی : " نغمه کتابهای

روزبه‌روز

درسی دوره راهنمایی ومتوسطه نظری و هنرستان و خدمات که ناکنون توزیع نشده است ، تا ۲۴ آذر توزیع میشود . " (ا .)
ـ ۳۱ تن از دانش‌آموزان بجنورد پس از درگیریهای که در این شهر روی داد ، دستگیر وزندانی شدند . (ا .)
ـ درکمیسیون مشترک آموزش وپرورش ، وفرهنگ و تعلیمات عالی مجلس ، ادغام دو وزارتخانه فرهنگ وآموزش‌عالی ،وآموزش‌وپرورش تصویب شد . (مطبوعات)
ـ بیانیه حزب جمهوری اسلامی : " تمام اتهاماتی که به حزب جمهوری اسلامی بعنوان انحصارطلبی وقدرت طلبی می‌بندند دروغ محض‌است .... حزب جه دخالتی درکادسین ارگان و سازمان نموده است؟ " (ج . ا .)
ـ ۱۱۵ تن از نمایندگان مجلس درنامه‌ای به امام خمینی : " دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی و در راس آنان شیطان بزرگ جمله " درزندانها شکنجه میشود " را به دهان تمامی مرتجعین داخلی و خارجی انداخته‌اند . " (مطبوعات)
ـ وزیر بهداری : " صنایع جند ملیتی مواد غذایی در جمدروز آینده ملی اعلام میشود . " (م .)
ـ از امروز اعتیاد جرم محسوب میشود ومعتاد تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت . (مطبوعات) .
ـ وزیر نفت اندونزی خواستار آزادی وزیر نفت ایران شد . (خ . پ .)
ـ پارلمان رژیم صهیونیستی تاسیس یک شهرک دیگر در سرزمین های اشغالی را تصویب کرد . (م .)
ـ دادستان دادگاه نظامی ارمیر ترکیه برای ۹ کلوکر به جرم سازمان دادن جمعیت های غیرقانونی و تظاهرات بدون مجوز ، حمل سلاح غیرقانونی ، واقدام به قتل نیروهای انتظامی تقاضای اعدام کرد . (ا .)
ـ ۵۰ زن براکشی با اشغال دفتر نمایندگی سازمان ملل در رباط خواستار آزادی ۱۵۰ زندانی زن شدند . (م .)
ـ برژنف یک طرح ۵ ماده‌ای برای امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس پیشنهاد کرد . وزارت خارجه آمریکا پیشنهاد برژنف را نگرار پیشنهاد های دیرینه شوروی خواند . (ک .)
ـ از هر ۱۰ موربنانیایی یک نفر برده است . (ک .)

شنبه ۲۲ آذر

– حمله کماندویی عراق درغرب کشور درهم شکسته شد . دراین عملیات فرمانده واحد کماندویی عراق نیز کشته شد . (مطبوعات)
– بخشی از مناطق مسکونی آبادان زیرآتش سلاحهای سنگین نیروهای عراق قرار گرفت . نیروهای عراق بایگاه دریایی خرمشهر را زیر آتش گرفتند . مناطق کوت‌الزین وام‌الرصاص زیرآتش گرفته شد . (مطبوعات)
– مهمترین سنگر نیروهای عراق درخرمشهر سقوط کرد . سنگر فرماندهی عراق با کلیه نفرات آن درسرپل ذهاب نابود شد . (مطبوعات)
– شش بمب‌گذار در اهواز اعدام شدند . (مطبوعات)
– ۲۰۰ هزار آواره جنگ درماهشهر و ۶ هزار تن دیگر در یزد اسکان داده شدند . (ا . ا .)
– فرمانده نیروی دریایی : " ایران به سیمائی قادر است دربرابر تمام کشورهای منطقه بایستد ." (ک .)
– شورای نگهبان با قانون جدید دیوان محاسبات مجلس مخالفت کرد . (مطبوعات)
– ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان : " از نظر من افراد نمی‌توانند در قوای مختلف انجام وظیفه کنند ." (ا . ا .)
– در دوکمیسیون مجلس ، لایحه قانون احزاب و مطبوعات آغاز شد . (ک .)
– دربی احضار و بازداشت جهارتن از مسئولان بنیاد مستضعفان از سوی دادسرای انقلاب اسلامی ، کارکنان این بنیاد دست ازکار کشیدند . (مطبوعات)
– شیخ محمد منتظری بعنوان نماینده امام در هیات رسیدگی به نتیجه تعیین شد . (مطبوعات)
– امام جمعه تهران : " من صریحا میگویم درمدارس نقشه ضد انقلاب این است‌که کلاسها را تعطیل کند ، بچه ها را از درس محروم کند ، درمدرسه دعوای مصنوعی راه بیاندازند . " (مطبوعات)
– سخنرانی شیخ‌علی تهرانی دراصفهان به علت تظاهرات موافقین و مخالفین برگزار نشد (مطبوعات)
– از سوی آیت‌الله منتظری ۲۷ آذر روز وحدت دانشجو و روحانی اعلام شد . (مطبوعات)
– ارسال کمک های نظامی آمریکا به اردن همچنان ادامه دارد . (ج . ا .)
– یکی از زیرالهای السالوادور : " برای حل مشکلات کشورباید ۲۰۰ هزار نفر را کشت ." (ج . ا .)
– ژاپن خواستار اسلحه بیشتری از آمریکا شد . (ج . پ .)
– چین ۲ میلیارد دلار اسلحه از اسرائیل میخرد . (مطبوعات)
– ۴۰۰ زندانی سیاسی بحرین دست به اعتصاب غذا زدند . (ج . پ .)
– تعداد پناهندگان افغانی در پاکستان به ۱/۳ میلیون نفر ، وتعداد پناهندگان اتیوپی به سومالی به ۱/۰۸ میلیون نفر رسید . (م .)
– ۸ تن در نیکاراگوئه بجرم توطئه برای سرنگونی رژیم آن کشور ، به حبس های طویل‌المدت محکوم شدند . (مطبوعات)

یکشنبه ۲۳ آذر

– نیروهای عراق باردیگر مناطق مسکونی درفول را به توپ بستند . (مطبوعات)
– نیروهای عراق دیروز نیز با آتش توپخانه و خمپاره مناطق مسکونی اهواز را هدف قرار دادند . (ج . پ .)
– سرد درخرمشهر برای پارسی‌گرفتن بخش اشغالی همچنان ادامه دارد . (مطبوعات)
– درگیری در جبهه های مختلف کیلانغرب وپنجوین تنگ جاجان ادامه دارد . (مطبوعات)
– دخانیر بزرگ نفت و پالایشگاه آبادان در آتش میسوزد . (ج . پ .)
– سگوی نفتی آلنگر که چندسال مورد حمله جنگنده‌های ایران قرار گرفت ، هنوز درحال سوختن است . (ج . پ .)
– در امتداد جاده آبادان ماهشهر حفاراتی بدنبرد های عراق وارد شد . (مطبوعات)
– جنگ‌زدگان مقیم بروجرد به علت سرما در مناطق سالمی لرستان ، به مهیاشهر خبرفت منتقل میشوند . (ا .)
– امام جمعه کرمانشاه برای نجات آوارگان جنگ در این شهر از سرما ، استمداد طلبید . (مطبوعات)
– فخرالدین حجازی نماینده مجلس : " کوبیدن رجوانیت متعهد و یاران امام از جنگ عراق خطرناکتر است .... اگر ببینی از این بخواهند سلوغ کنند ، من نقاب از چهره زشتشان عقب میزنم . با هرکه دربیافتند با من نمی‌توانند دربیافتند." (ج . ا .)
– نمی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " وقتی بیاد آورید " نوازی " راکه چند ماه پیش منتشر شد

می‌بینیدکه یک برنامه تدوین شده منطقی از روی قرار وقاعده برای بانبودی این جمهوری به اجرا درآمده است وهدف اجرای این برنامه هم اینستکه تمام موانع رژیم بعدی را خصوصا روحانیت را از پیش با بردارد .... این دولت دروافع منصوب رئیس‌جمهور نیست چونکه اگر منصوب بود ترسی از اختلاف در قوه مجریه وضرورت اینکه کاری بکنندکه رای رئیس جمهوری (برای تعیین نماینده قوه مجریه در رادیو وتلویزیون) در اقلیت واقع بشود وجود نمی‌داشت ، خود این یک اقراری است به خارج شدن از حدود قانون اساسی . " (ا . ا .)
– کاظم سامی نماینده مجلس : " اگر رئیس جمهور حق دخالت درکارهای اجرایی را ندارد پس چگونه طبق قانون مسوول است ؟ " (ا . ا .)
– مسوول کمیته منطقه ده تهران : " جناب آقای رئیس جمهور .... شر روزنامه انقلاب اسلامی را از سر اسلام و مسلمین کوتاه فرمائید . " (ا . ا .)
– امام جمعه میانه : " تضعیف دولت تضعیف امام است ... تقویت حزب جمهوری اسلامی ضروری و واجب است وامام اجازه فرمودند که از سهم امام برای تقویت حزب جمهوری اسلامی باید صرف شود . " (ج . ا .)
– امام خمینی : " کتاب اخلاق مینویسند و بسیار هم خوب مینویسند ، وخودشان متصف به اخلاق حسنه نیستند ، چه بسا اشخاصی‌که توحید را خوب تدریس می‌کنند وخوب القا می‌کنند وخودشان نمی‌خورند . " (مطبوعات)
– مسوول نخست وزیری برای رسیدگی به مساله گروگانها : " پاسخ آمریکا در مورد شرایط مجلس شورای اسلامی عمدتا مثبت بوده است . " (ج . پ)
– قطعنامه فرماندهان سپاه پاسداران : " به کسانی که میخواهند از سنگر مدارس سوء استفاده کنند ، هشدار میدهیم دست از توطئه بردارند ودرغیراینصورت مواجه با خشم انقلابی مردم خواهند شد . " (ج . ا .)
– وزارت خارجه ایران تجمع باوکانهای جنگی ایرقدرت آمریکا ودول صاحب قدرت را دربردیکی منطقه خلیج فارس شدیدا " محکوم کرد . (مطبوعات)
– روزنامه جمهوری اسلامی : " طرح ۵ ماده‌ای برزنف برای خلیج فارس درظاهر بسیار خوب بنظر میرسد ، ولی آیا گفتار نیک به معنی کردار نیک میرفت؟ "
– سازمان ملل قطعنامه شورای علیه نوع جدید سلاحهای مرگبار را بدبرفت . (مطبوعات)
– شورای هواپیماهای نیمابی جنگ ۲۵ به هند میدهد . (ج . پ .)

روز به روز

– دربی دیدار وزیر دفاع آمریکا از کره جنوبی ، کره شمالی آمریکا راتهیم به اتحاد جنگ بین دوکره کرد . (ک .)
– ولیعهد عربستان : " هرگونه آسیبی به پاکستان مداخله در پادشاهی عربستان تلقی خواهد شد . " (ا .)
– آمریکا ۴ آواکس دیگر به عربستان میدهد . (مطبوعات)
– ۲۵ هزار دبیر دبیرستانهای یونان برای افزایش دستمزد یک اعتصاب ۶ روزه کردند . (ج . ا .)
– دردرگیری شدید بین راغه نشینان ویلیس درپرتلن غربی ، ۱۰۱ پلیس مجروح و ۵۷ راغه‌نشین دستگیر شدند . (ک .)
– سازمان کمک به کودکان سازمان ملل : " درطول سال گذشته ۸ میلیون کودک کمتر از ۵ سال درجنوب آسیا به علت فقر وگرسنگی تلف شده‌اند . " (م .)

دوشنبه ۲۴ آذر

– نیروهای ایران دوپل و یک ستون تانک را درخاک عراق منفجر کرد . (مطبوعات)
– توپخانه دوبرند عراق مجددا مناطق مسکونی درفول را هدف قرارداد . اهواز درفول سانه روز گذشته هدف توپخانه عراق بود . (ج . پ .)
– دربی حمله جنگنده های ایران به منطقه کرکوک عراق دیگر قادر به صدور نفت از طریق سوریه نیست . (مطبوعات)
– آتش توپخانه ایران در آبادان و مارد تلفات و خسارات سنگینی به نیروهای عراق وارد کرد . (ج . پ .)
– نفتکداران دریایی ایران مواضع عراق را در خوسن‌شهر منهدم کردند . (ج . پ .)
– ۱۷ سنگر نیروهای عراق با نفرات آن درجبهه سوسنگرد منهدم شد . (ج . پ .)
– ۹۰ هزار جنگزده در شیراز ، ۱۰ هزار درآغاجاری و ۳۲۰۰ تن دیگردر بهاوند اسکان‌داده شده‌اند (ا .)
– نمی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " حساب افراد از حساب جامعه روحانیت جداست ، این افراد باید

براساس عملکردهای خودشان مورد قضاوت قرار گیرند ... دو مقام دولتی در وقایع مشهد دست داشته‌اند ، تظاهرات قلابی وساختگی بعد از سخنرانی ها را بوجود آورده‌اند و موافق و مخالف هم خودشان بوده‌اند . " (ا . ا .)
– رضا اصفهانی نماینده مجلس : " برخی از مسوولین از هم اکنون اظهار میدارند که در زندانها عده‌ای هستندکه دوران محکومیت خود را می‌گذرانند و درآنجا کسی را تکخجه نمی‌کنند ، ولی اتفاقا" در زمان طاغوت هم غالبا" کسانی‌که محکوم شده بودند و دوران محکومیت خود را می‌گذرانیدند ، کمتر مبتدکه تکخجه شوند ، اما اساس مساله اینست که هنگام دستگیری تا قبل از تعیین میزان محکومیت چه بلائی برسر آنها آورده‌اند . " (مطبوعات)
– از نامه سرگشاده " نهضت آزادی " به حزب جمهوری اسلامی : " آیا بهتر نیست حزبی‌که دبیرکل آن‌رئیس‌قوه‌قضائیه است از مسوولین قضائی مملکت بخواهد که اصول ۳۲ ، ۳۴ ، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی را اجرا نمایند . " (م .)
– سلامیان نماینده مجلس درباره توطئه جدید عناصر شناخته شده در اصفهان هشدار داد . (ا . ا .)
– بدستور رئیس دانشگاه صنعتی شریف ، این دانشگاه بمدت دوهفته تعطیل شد . یکی از استادان این دانشگاه : " رئیس دانشگاه برای جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی کارکنان آموزشی ، ودر رابطه با بیانیه مجمع هیات علمی‌که خواستار تعطیل جهاد دانشگاهی شده است ، تصمیم به تعطیل دانشگاه گرفت . " (ا . ا .)
– قائم مقام وزارت اقتصاد و دارایی : " بودجه اضطراری چندان ضروری بنظر نمیرسد ، ما میتوانیم همچنان در چهارچوب بودجه عادی ۵۹ ادامه دهیم . " (ک .)
– آیت‌الله منتظری پیشنهاد کرد ائمه نماز جمعه هرچند ماه یکبار مجمعی تشکیل دهند . (مطبوعات)
– به حکم دادگاه انقلاب اسلامی بابل ۱۰ تن از دستگیر شدگان درگیریهای اخیر این شهر به ۶ ماه تا یکسال زندان و همچنین ۳۰ تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند . (ا .)
– معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد : " برای ورود نشریات خارجی محدودیتی وجود ندارد." (ا .)
– نماینده بنیاد مستضعفین در یک شرکت واردکننده نشریات خارجی : " درحال حاضر "نیوزویک" تنها نشریه‌ای استکه ما وارد می‌کنیم . " (ا .)
– سفارت چین دراپران خرید ۲ میلیارد دلار اسلحه از اسرائیل را تکذیب‌کرد . (م .)
– روزنامه پراودا : " همکاریهای آمریکا وچین نتایج وحشتناکی برای صلح جهانی ببار خواهد آورد . " (ا . ا .)
– وزیر نفت ونزوئلا : " اوپک جای بحث سیاسی نیست . " (ا .)
– ۲ هزار تظاهرکننده در برلن غربی خواستار آزادی ۵۷ زندانی حوادث اخیر این شهر شدند . (مطبوعات)
– بدهیهای لهستان به کشورهای غربی بیش از ۲۰ میلیارد دلار است . (ا . ا .)
– عراق از بازار مشترک اروپا تقاضای میانجیگری درجنگ را کرد . (مطبوعات)

سه‌شنبه ۲۵ آذر

– ۳ پل تدارکاتی درخاک عراق منفجر شد . (مطبوعات)
– مواضع عراق درخوسن‌شهر وجاده آبادان – ماهشهر بمباران شد . در جبهه های کیلانغرب و زله زرد تلفات و خسارات سنگینی به نیروهای عراق وارد آمد . (ج . پ .)
– نیروهای عراق درمنطقه کوت بند آن کشور مجبور به عقب‌نشینی شدند . (ا .)
– شیخون کماندوهای عراقی در جبهه کوره‌موش دفع شد . انبار بزرگ بندر فاو به آتش کشیده شد . (ج . پ .)
– فلاحی : " ایران هرگز به مناطق مسکونی حمله نکرده است . " (مطبوعات)
– ۸۰ هزار آواره جنگ در شوشتر و روستاهای تابع، آن اسکان داده شدند . (ج . پ .)
– ۴۰۰ خانوار جنگزده درآباده و ۱۲۵ خانوار دیگر در نیریز اسکان داده شده‌اند . (ا .)
– نمی‌صدر : " تا دشمن را از خاک خود نرانیم ، با هیچ شرطی موافقت نمی‌کنیم . " (مطبوعات)
– نمی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " از حدود ۱۱۰ میلیون تومان اعتبارات عمرانی سال جاری تاکنون فقط ۳۲ میلیون تومان بمصرف رسیده است ، آنهمه جوسازی برای پول‌که سازمان برنامه نمی‌دهد ، فقط بدرد آتش خودرکه حکومت نادانان وبی‌اطلاع ها را نتیجت کند . " (ا . ا .)
– امام جمعه اصفهان در اعتراض به رویدادهای اخیر ، این شهر را ترک کرد . او طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد : " هرکس میفهمدکه پاره شدن عکس

آیت‌الله منتظری در مشهد مقدمه‌ای برای اصل ولایت فقیه در اصفهان بوده است . " (مطبوعات)
– به حمایت از امام جمعه اصفهان ائمه جمعه روز پنجشنبه را عزای عمومی اعلام کردند و خواستار یک راهپیمایی سراسری شدند . (مطبوعات)
– اعظمی نماینده مجلس : " رئیس آموزش و پرورش دورودکه سرپرست هیات پاکسازی هم می‌باشند با دستگاه طاغوت بستگی داشته است . " (ا . ا .)
– تیمسار باتمانقلیچ ، رئیس ستاد ارتش کودتا در دفاعیات خود : " من دراجرای دستور رهبری سیاسی – مذهبی این شغل را پذیرفتم ، وریاست ستاد مرا آیت‌الله کاشانی تنفیذ کرده وتایید کردند ، واین سند محرز ومسلمی استکه وجود دارد" (ا . ا .)
– رجایی درمصاحبه با رادیو های اتریش و سویس: " از نظر ما روسیه هم امپریالیست است و ما تا آنجا با این کشور روابط خواهیم داشت که باستقلال ما لطمه نزند . " (خ . پ .)
– اوپک با اکثریت آرا" پیشنهاد ایران را مبنی براینکه مساله جنگ ایران وعراق در دستور کار مذاکرات قرار گیرد ، رد کرد . (مطبوعات)
– رهبر افغانستان خواستار مذاکره با ایران وپاکستان درمورد مساله افغانستان شد . (ک .)
– ۵۰۰ زندانی سیاسی در عراق قتل‌عام شدند . (مطبوعات)
– چریکهای چپگرا در فیلیپین طی عملیاتی ۱۳ پلیس آن کشور را کشتند . (م .)
– هند وپمن جنوبی از طرح برژنف برای خلیج فارس استقبال کردند . (ک .)

چهارشنبه ۲۶ آذر

– جنگنده های ایران تاسیسات نظامی ، نفتی و مجتمع ماشین‌آلات نیروهای عراق را درآسان عماره عراق بمباران کردند . (مطبوعات)
– کلاه سبزهای ایران در ایلام علیه نیروهای عراق وارد عمل شدند . (خ . پ .)
– واحدهای توپخانه وخمپاره‌انداز عراق درجبهه دزفول درهم کوبیده شد . زیرآتش توپخانه ایران در جبهه سوسنگرد آتش توپخانه نیروهای عراق خاموش شد . (خ . پ .)
– جنگ در جبهه خوسن‌شهر شدت‌گرفت . (ک .)
– ۳۸ سنگر نیروهای عراق در سوسنگرد نابود شد .

روز به روز

ژاندارمهای ایران از چهار نقطه وارد خاک عراق شدند . (ک .)
– نمی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : "تبلیغات راه می‌افتد که " میخواهند جنگ را طولانی بکنند تا کودتا راه بیاندازند !" حالا بگو آقا شما همانها بودیدکه در آغاز می‌گفتید جنگ باید طولانی بشود و چنین و چنان بشود ، حالا می‌گوئید جنگ را ایران دریافت خواهندداشت ." (ک .)
– رجایی پس از دیدار با امام خمینی : " (درمورد گروگانها) دیگر گرهی که گره سیاسی باشد ومحتاج به زمان باشد در اینجا نداریم وفقط تضمیناتی است‌که از نظر مالی خواستهایم‌که باید به ایران داده شود ودراین صورت آمریکا میتواند جاسوسان را ببرد . " (مطبوعات)
– آیت‌الله منتظری ضمن محکوم کردن رویدادهای اصفهان از مردم خواست با شرکت در راهپیمایی پنجشنبه انزجار خود را از اینگونه توطئه ها نشان دهند . (مطبوعات)
– سازمان چریکهای فدایی خلق اکثریت اعلام کرد: " بخاطر درهم شکستن توطئه ها و سیاستهای لیبرالها و حمایت از خط امام در راهپیمائی سراسری فردا شرکت خواهد کرد . " (ک .)
– بفرمان امام خمینی راهپیمایی فردا لغو شد . (مطبوعات)
– به پیشنهاد حسن آیت ۶۷ تن از نمایندگان مجلس علیه رئیس جمهور و روزنامه انقلاب اسلامی اعلام جرم کردند .چندتن از نمایندگان به عنوان اعتراض به این نامه جلسه را ترک کردند . (مطبوعات)
– شورای نگهبان نحوه انتخاب نماینده قوه مجریه در رادیوتلویزیون و چند ماده دیگر را مغایر قانون اساسی تشخیص داد . (مطبوعات)

ـ رفسنجانی : " آقای رجائی،جلال‌الدین فارسی ، مهندس بهزاد نبوی ، مهندس حسین موسوی و سید محمد خاتمی را برای پست وزارت خارجه به آقای بنی‌صدر معرفی‌کرده‌اند و متاسفانه ایشان بازهم نپذیرفته‌اند .... نامه‌ای از طرف دوستان مجلس رسیده‌که هنوز نوبت طرح آن درمجلس نشده وفکر می‌کنم اگرفعالیت های شروع شده به نتیجه نرسد آن نامه درمجلس مطرح بشود . درنامه خواسته شده‌که رئیس‌جمهور ونخست وزیر هردو را به مجلس بخواهیم ودرمجلس معلوم بشودکه چکسی گوناهی کرده ومی‌کند . " (ج . ا .)

ـ بهزاد نبوی وزیر مشاور درامور اجرایی ، سخنگوی دولت شد . (ج . پ .)

ـ فخرالدین حجازی : " هرعملی یک عکس‌العملی دارد ، اگر گروهی درمشهد فریاد نمیزدند مرگ بر سه مفسدین ، اگر درقم یک عده‌اندکی فریاد نمیزدند که روحانیت باید از کارسیاسی کنار رود و به ارشاد بپردازد ، آیا چنین عکس‌العملی در سایر شهرها پدید می‌آمد ؟ " (ا . ا .)

ـ دکتر سروش عضو ستاد انقلاب فرهنگی : " تمام جریانهای داخلی این مملکت را پایگاه داخلی امپریالیسم میدانم ، جریانهایی‌که بیش از رسیدن به آزادی درون ، به آزادی بیرون اهمیت میدهند که به معنای بوالهوسی و بطالت است . " (ک .)

ـ روزنامه جمهوری اسلامی درتوضیح راجع به اظهارات امام جمعه میانه : " چندتن از روحانیون موسس حزب جمهوری اسلامی که از جانب امام اجازه صرف وجوه شرعیه در مصارف اسلامی را دارند میتوانند مادام که این نهادهااسلامی درخدمت اسلام وآرمانهای اسلامی است ، علاوه برتیرعایتی‌که اعضاء وهواداران این نهاد میدهند برای فعالیت های اسلامی آن به تشخیص خود از وجوه شرعیه نیز بپردازند . "

ـ الکساندر هیگ فرمانده سابق ناتو وزیر خارجه آمریکا شد . (مطبوعات)

ـ سازمان ملل ضرورت تشکیل یک کشورفلسطینی را تصویب‌کرد . (مطبوعات)

ـ سفیر سوریه درایران : " اسرائیل میخواهد پس از اشغال لبنان ، سوریه را هم تصرف کند " (ا .)

ـ رژیم صهیونیستی اردوگاههای فلسطینی بعلبی و رشیدیه را بمباران کرد . (خ . پ .)

ـ کویت ۲۴ میلیون دلار به بنگلادش وکنگو وام داد . (مطبوعات)

ـ ویتنام ، چین را متهم به استقرار نیروهای جدید درمرز دوکشور کرد . (ا . ا .)

پنجشنبه ۲۷ آذر

ـ درفول دیروز نیز زیرآتش نوبخانه عراق قرارداشت . (خ . پ .)

ـ نیروی دریایی ایران مواضع نیروهای عراق را در جبهه آبادان زیرآتش گرفت . (مطبوعات)

ـ مواضع نظامی درخاک عراق از کیلومترب به توپ بسته شد . (ک .)

ـ نوبخانه ایران یک ستون نیروهای عراق را درجاده فاو ـ بصره زیرآتش گرفت . (خ . پ .)

ـ در جبهه سومار خسارات و تلفات سنگینی به نیروهای عراق وارد شد . (خ . پ .)

ـ بنی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " امام تاکید داشتند که من به شما افسران اطمینان بدهم‌که احترخدمت به اسلام و کشور محفوظ می‌ماند ، احترامات محفوظ می‌ماند .... مطمئن باشید امام پشت ماست . " (ا . ا .)

ـ رجائی : " حتی اگر حرف آقای بنی‌صدر که ما اقتصاد نمی‌دانیم صحیح باشد ، اما بپوسته کوشش کرده‌ایم‌که درگفتار نقوای سخن را رعایت کنیم . " (ا . ا .)

ـ اطلاعیه بانک مرکزی : " مشکلات پولی وبانکی کاملا" مرتفع شده است . " (مطبوعات)

ـ معاون وزارت امور اقتصادی ودارایی : قیمت های جدید بنزین دایمی است " (مطبوعات)

ـ دادسرای امورعمومی تهران غلبه روزنامه انقلاب اسلامی اعلام جرم کرد . (ج . ا)

ـ بدنبال سخنرانی هادی غفاری در شهر ری عده‌ای عکس رئیس جمهور را پاره کردند . (ا . ا .)

ـ شیخ علی تهرانی : " تمام ضربه ها وکتک هایی که در خیابانها و معابر عمومی می‌زنندکه گاهی موجب شکستن سرودست میشود ، حد نسبت و تماما" شکسته است . " (م .)

ـ رئیس آموزش و پرورش شفت : " عده‌ای دبیلمه بیکار به اداره آموزش و پرورش ریختند و به بهانه اینکه ما نان میخواهیم من وپیشخدمت اداره را مضروب کردند . " (م .)

ـ وزیر کار : " ما اجازه نخواهیم دادکه گروهها و سازمانها خود را قیم کارگران بدانند . " (مطبوعات)

ـ مقرافسلی کومه‌له در روستای " دهشه" واقع در ۲۶ کیلومتری مریوان درحمله بیشمرگان مسلمان کرد با خاک یکسان شد و ده عضو کومه‌له کشته شدند .

دادگاه انقلاب اسلامی مریوان یکی از اعضای کومه‌له را محکوم به اعدام کرد . طی درگیری بین افراد مسلح و پاسداران در ارتفاعات " کانی‌سانان " ۱۴ تن از افراد مسلح کشته و مجروح شدند . دراین درگیری ۲ پاسدار کشته و ۲ تن دیگر مجروح شدند . (ا . ا .)

ـ ۲۳ تن از شخصیتها درنامه‌ای به دادستان کل‌کشور " حجت‌الاسلام آشوری جهت دیدار با یکی از نمایندگان به مجلس میروند و هنگامی‌که در محل تماشاچیان مشغول نظاره مذاکرات علنی مجلس بوده‌اند ، به اشاره یکی از نمایندگان با وضعی موهن به علتی نامعلوم دستگیر میشوند ، از آن تاریخ تاکنون ۴۰ روز میگذرد و کوششهای پیگیر برای یافتن نامبرده و تماسهای مکرر با مقامات مسوول و غیرمسوول تاکنون بلااثرمانده است . " (ا . ا .)

ـ فتوای امام خمینی : " شطرنج حرام است " . (خ . ا .)

ـ وزیر دفاع آمریکا : " شکست درتهاجم نظامی طبس بزرگترین ضربه دوران وزارت من بود " (ا . ا .)

ـ دربی زندانی شدن دهها دانش‌آموز و دانشجو توسط رژیم صهیونیستی ، پنج هزار آموزگار درکرانه غربی رود اردن اعلام اعتصاب عمومی‌کردند. (خ . پ .)

ـ بن‌بلا رئیس جمهور سابق الجزایر : " اعراب راهی جز ، قیام وبازگشت به تاریخ خویش ندارند . (خ . پ)

ـ بموجب یک لایحه قانونی در شوروی ، دامپروران این‌کشور از طریق وضع جوایز نقدی تشویق به افزایش تولید درزمینه لبنیات و گوشت خواهند شد . جوایز تعیین شده مبالغی بین ۷۷۵۰ تا ۱۵۵ هزار دلار است . (ا .)

ـ سرکنسول ترکیه در استرالیا و محافظش بدست جریکهای ارمنی کشته شدند . (خ . پ .)

شنبه ۲۹ آذر

ـ اردوگاه بزرگ نیروهای عراق درسریل ذهاب نابود شد . (مطبوعات)

ـ توپخانه دوربرد و خمپاره‌اندازهای عراق مناطق مسکونی آبادان را همچنان زیرآتش خود قرار میدهند . (ا .)

ـ اهواز دیشب زیر حملات شدید توپخانه دورزن و خمپاره‌اندازهای عراق قرار داشت . (ک .)

ـ درجاده اهواز ـ آبادان یک انبار مهمات عراق

روزبه‌روز

منفجر شد . (مطبوعات)

ـ نیروهای عراق ۷ کیلومتر از سوسنگرد عقب نشستند . (مطبوعات)

ـ ارتش عراق در راه تصرف نوش به محاصره درآمد . پل نیروهای عراق برروی رودخانه کرخه سپیدم شد . (خ . پ .)

ـ امام جمعه تهران : " تورایغالی دفاع هیچ دخالتی در فرماندهی نظامی جنگ ندارد . " (مطبوعات)

ـ ۱۵۵۰۰ تن از جنگ زدگان درکشاورد اسکان داده شده‌اند . (ا .)

ـ امام خمینی : " شما مگر ندیدید که آن وقتی‌که دانشگاه باز بود چه فسادی بود ، دانشگاه سنگر بود از برای کمونیستها و اتاق جنگ بود برای کمونیست ها ... مرکز همه فسادها بوده و درجنگال کمونیستها و جریکها و سایر ارگانهای منافق بوده . " (مطبوعات)

ـ حجت‌الاسلام معادیخواه : " گروههای ملحد و منافق نه تنها ضربه‌ای به‌انقلاب نزده‌اند بلکه من معتقدم بزرگترین خدمت راکرده‌اند ، برخلاف‌خواست واراده آنها و براساس اراده حق وقتی یک بومن به گروههای منحرف برخورد می‌کند به یاد خدا می‌افتد و این گروهکها عامل روشنگری و روشنگری میشوند . " (ج . ا .)

ـ رجائی : " هرکسی‌که برای این انقلاب سرمایه‌گذاری کرده است مسوولیت بیشتری هم در راه انقلاب بردوش دارد واین انقلاب با این عظمت هنوزاحتیاج به سرمایه‌گذاری دارد واحساس میشودکه وقت تقسیم غنائم فرانرسیده است . " (مطبوعات)

ـ جلال‌الدین فارسی : " بهتر است کسانی‌که با وزرای پیشنهادی نخست‌وزیر مخالفت می‌کنند ، اعلام کنندکه چکسی باید پست وزارت خارجه را برعهده گیرد تا مشتشان برای همه ملت باز شود ... آقای رجایی هجوقت به لیبرالیها رشوه نخواهد داد ، ما حکومت را غنیمت تلقی نمی‌کنیم‌که بخواهیم آنرا با کسی تقسیم کنیم . " (ج . ا .)

ـ درحمله غافلگیرانه افراد مسلح به ستونی از افراد ارتش ، پاسداران و بسیج ، بین میاباد و میاندوآب ۲۴ نفر از این ستون وحدود صد تن از افراد مسلح کشته شدند . " (ک .)

ـ وزیر دادگستری :«لوایح جدیدی برای تامین امنیت قضایی تهیه میشود . " (ک .)

ـ وزارت‌کشور : " ۲۶۳۵ شرکت تعاونی در سطح کشور ایجاد شده‌که بیش از ۳۰ هزار بیکار را زیر پوشش قرارداده است . (ج . ا .)

ـ آیت‌الله منتظری : " کشاورزان چون از لحاظ کازوئیل درضیقه‌اند کار آنها فلج شده است ، کازوئیل کشاورزان به شوفازهای تهران مقدم است . " (مطبوعات)

ـ روزنامه انقلاب اسلامی : " وقتی روزنامه مردم درس نهج‌البلاغه میدهد ، آنگاه دیگر تعجبی نیست که فروشندگان وتوزیع‌کنندگان آن از تراشیدن ریش صرفنظرکنند وپس از فروش وتوزیع روزنامه ها ، راهی مساجد وانجمن های اسلامی شوند و با ماسک فریب خود را داخل صفوف ماکنند و به تبلیغ نظریات خویش زیرلوای مکتب بپردازند . "

ـ درسمیناری‌که تحت عنوان " ارتجاع و لیبرال چیست وکیست " و " روحانیت ودکترمفتح " در تنکابن تشکیل شد ، حجت‌الاسلام مرتجائی ، نماینده حزب توده ، فرمانده سپاه پاسداران و معاون فرمانداری به سئوالهای شرکت کنندگان در سمینار پاسخ گفتند . (ا . ا .)

ـ آلکسی‌کاسیگین نخست‌وزیر سابق شوروی درگذشت . (مطبوعات)

ـ یک مستشار آمریکایی و ۱۰۰ تن دیگر در درگیری های اخیر السالوادور کشته شدند . (ک .)

ـ فیدل‌کاسترو : " اگر لیهسنانی ها به حل مشکلاتشان نائل نشوند ، برای دفاع از وحدت سوسیالیستی مداخله از خارج قانونی و مشروع خواهد بود . " (مطبوعات)

ـ نیروهای امنیتی سوریه ۹ تن از اعضای اخوان‌المسلمین را درحوب این کشور کشتند . (خ . پ .)

ـ دربی‌کشته شدن دو دختر دانش‌آموز درکابل تظاهرات ضد شوروی دراین شهر شدت گرفت . (خ . پ .)

یکشنبه ۳۰ آذر

ـ ایران سراسر اروند رود را مین‌گذاری‌کرد . (ک .)

ـ مواضع نیروهای عراق در اطراف بهمنشیر از بین رفت . (ا .)

ـ توپخانه عراق مناطق مسکونی اهواز و آبادان را زیرآتش گرفت . (مطبوعات)

ـ جنگ در جبهه‌های سومار ، ربحات ، دالاهو و کیلومترب بطور پراکنده و با برتری آتش نیروهای ایران همچنان ادامه دارد . (ک .)

ـ نیروهای عراق در جبهه دارخوین مجبور به ترک مواضع خود شدند . (مطبوعات)

ـ نیروهای عراق با بوشک زمین به زمین به آبادیها ومناطق مسکونی تادگان حمله کردند . (مطبوعات)

ـ بنی‌صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " آن جاذبه عظیم انقلاب ما در روزهای‌اول دیگر وجود ندارد . " (ا . ا .)

ـ رجائی :"بخش عمده‌ای از این انقلاب بردوش‌کسبه و بازاریان است زیرا اکثر اقشار اجتماع ما را کسبه و بازاریان تشکیل میدهند . " (ا . ا .)

ـ آیت‌الله منتظری : " بهتر است که تجار و بازاریان مساله احتکار و گرانفروشی را کنار بگذارند . " (مطبوعات)

ـ نامه خانواده های زندانیان سیاسی : " بیش از دوهفته است‌که فرزندان ما که اکثرا" بلاتکلیف و بدون اطلاع وابلاغ بازداشت و در بندهای مختلف زندان اوین بسر میبرند ، دراعتصاب غذا هستند و ناکنون مسؤولین زندان و دادسرای انقلاب هیچگونه ترتیب اثری به خواستهای آنان نداده و برای ارعاب عده‌ای ازآنان را به زندانهای انفرادی انتقال داده‌اند و وضع‌جسمانی عده‌ای از آنان دراثر اعتصاب غذای طولانی بشدت وخیم ودرخالت بحرانی است . " (ا . ا .)

ـ زواره‌ای معاون‌وزارت‌کشور : " برخورد مسؤولین مملکت در طول این دوسال با ضد انقلاب برخورد قاطعی نبوده است .... اگر با ضد انقلاب قاطعانه برخورد شود بقیه سرجایشان می‌نشینند . " (ج . ا .)

ـ ارتش حمله شدید افراد مسلح را به سردشت دفع کرد . (ک .)

ـ مسؤول سیاسی و ۱۴ افسر حزب دموکرات در مریوان نیرباران شدند . (مطبوعات)

ـ یکی از پایگاههای حزب دموکرات در روستای دزلی بتصرف سپاه پاسداران مریوان درآمد . (ا . ا .)

ـ سخنگوی دولت : " ازنظر دولت گروهها و احزاب سیاسی به چهار دسته تقسیم میشوند : ۱ ـ بنشینان انقلاب،که دولت از آنها حمایت می‌کند . ۲ ـ موافق انقلاب ۳ ـ مخالف انقلاب ۴ ـ گروههای متخاصم . " (ا .)

ـ وزیر آموزش وپرورش : " ناکنون بواسطه‌نام بیش از ۴۰ هزار نفر از نیروهای موس را وارد آموزش وپرورش کسیم . " (ج . ا .)

ـ مجلس لایحه قانونی ادغام بنیاد مسکن در وزارت مسکن را در شور اول تصویب کرد . (ک .)

ـ اطلاعیه بانک مرکزی : بانک ایران وروس تا آخر دیماه به مالکیت ایران درمی‌آید . (مطبوعات)

ـ معاون وزیر کار : " برای تعیین حداقل دستمزد کارگران به قیمت۶۰ قلم از کالاهای اساسی توجه خواهد شد . " (خ . پ .)

ـ رجایی : " تمام مسایل بین ما وآمریکا در رابطه با مساله گروگانها قابل حل است . " (مطبوعات)

ـ وزیر دفاع به آمریکا درمورد تصرف جزایر ایران در خلیج فارس هشدار داد . اوگفت : " عکس‌العمل ما درمورد آمریکا اگر بخواهد به خاک ما تجاوز کند شدید خواهد بود . " (ک .)

ـ وزارت دادگستری آمریکا ضمن استناد به گفتگوهای حساسی‌که برای آزادی گروگانهای امریکایی جریان دارد ، خواستار توقف دعاوی علیه ایران شد (ا .)

ـ بودجه نظامی آمریکا در سال ۱۹۸۱ تا ۴۰ میلیون دلار افزایش می‌یابد . (ا . ا .)

ـ ارتش سوریه مناطق اشغالی جنوب لبنان را زیرآتش گرفت . (مطبوعات)

ـ نیروهای امنیتی السالوادور درحمله به یک بیمارستان چریکهای چپ‌گرا ، ۲۵ چریک را کشتند . (ا . ا .)

ـ پلیس هندوستان با دستگیری یکهزار کناورز به راهپیمایی ۶ هفته‌ای کناورزان خاتمه داد . (ک .)

آن یکی نحوی به‌کشتی در نشست
گفت : هیچ از نحو خواندی ؟ گفت لا
دل شکسته گشت کشتی بان ز تاب
باد کشتی را به گردابی فکند
هیچ دانی آشنا گردن ؟ بگو
گفت : کل عمرت ای نحوی‌فناست
محو می‌باید نه نحو اینجا ، بدان
آب دریا مرده را بر سر نهد
چون بمردی تو ز اوصاف بشر
ای که خلقان را تو خر می‌خوانده‌ای
گر تو علامه زمانی در جهان
رو به کشتی‌بان نمود آن خود پرست
گفت نیم عمر تو شد بر فنا
لیک آندم گشت خاموش از جواب
گفت کشتی بان بدان نحوی بلند
گفت : نی ، از من تو سباحی مجو
زانکه کشتی غرق در گردابهاست
گر تو محوی بی خطر در آب ران
ور بود زنده ز دریا کی رهد ؟
بحر امرارت نهد بر فرق سر
این زمان چون خر براین یخ مانده‌ای
تک فنای این جهان بین این زمان

مولوی ـ دفتر اول مثنوی

تقویم دیماه

در ایران

۵ دیماه ۱۳۵۷ :

شهادت استاد نجات‌الهی

استادکامران نجات‌الهی به ضرب گلوله های دژخیمان آریامهری در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دروزارت علوم به شهادت رسید .

با گسترده شدن قیام مردم ، دانشگاه این سنگر همیشه‌ی آزادی که نقشی اساسی نیز درگسترش قیام داشت بدستور جلادان تعطیل شد تا شاید به این وسیله صدای آزادیخواهی را خاموش‌کنند .

در ۲۹ آذر۵۷ استادان وابسته به " سازمان ملی دانشگاهیان" در اعتراض به بسته شدن دانشگاه در دبیرخانه دانشگاه تهران متحصن شدند . در ۲ دیماه نیز استاد نجات‌الهی به همراه ۷۰ استاد دیگر دانشگاههای مختلف در وزارت علوم دست به تحصن زدند . حمایت بیدریغ مردم وهمبستگی عظیمشان با استادان متحصن چنان شدت یافت که رژیم وحشت زده از پیامدهای این همبستگی سعی در درهم شکستن تحصن استادان کرد و برای این طرح ترور نجات اللهی را در ۵ دیماه به اجرا درآورد . اما این عمل وحشیانه نه تنها نتوانست صدای آزادی را خاموش‌کند که آنرا شعله‌ورتر نیز ساخت .

۹ دیماه ۵۷ :

قتل‌عام در مشهد

ماموران حکومت نظامی دربرخورد با مردم مشهد دست به قتل عامی وحشیانه زدند . در این روز راهپیمائی مردم در سوگ شهدای دوم دیماه مشهد که بدستور سرلشکر معدوم میرهادی‌کشته شده بودند از مدرسه نواب براه افتاد . انبوه جمعیت هنوز درچهار راه لشکر مستقر نشده بودکه شلیک گلوله ها سوی مردم آغاز شد . جنایت آنچنان هولناک بودکه بعضی از سربازان محرومه‌که نظام خونریز نتوانسته بود آنها را بفریبد ، اولین گلوله ها را نثار فرماندهان دژخیم صفت خویش ساختند . سرهنگ کلالی که مردم را به رگبار مسلسل بسته بود. بدست مردم خشمگین نابود شد . موسسات امپریالیستی و نهاد های آریامهری چون انجمن ایران و آمریکا ، انجمن ایران وانگلیس ، کارخانه بیسی‌کولا و خانه مستشار امریکائی واداره آگاهی به آتش خشم مردم سوخت . سه مزدور نیز توسط مردم در میدان شهدا به جرم کشتار مردم اعدام شدند . فردای این روز نیز نظامیان جلاد به خیابانها ریختند و مردم را بخاک وخون کشیدند .

۱۰ دیماه ۱۲۹۰

سربداران آزادی

ثقةالاسلام ، قهرمان آزادی همراه با ۸ مجاهد وآزادیخواه دیگر به جرم دفاع از میهن و بدستور سالدانهای روسی در تبریز بدار کشیده شدند .

با پذیرفتن اولتیماتوم روس توسط مجلس سنی براخراج " شوستر " کارشناس مالی و پرداخت غرامت به روس ، باردیگر تبریز ، سرزمین آزادی بپاخاست تا دلیرانه قزاقان روسی را بیرون راند .

روز دهم آذر نبردی سخت میان روسهای اشغالگر و مجاهدین تبریز بوقوع پیوست . علیرغم کثرت نفرات روسها ، مجاهدین شکستی کوبنده برآنها وارد کردند . جنگ روزها ادامه داشت و قزاقها که نابودی خود را نزدیک میدیدند به حیله متوسل شدند و حملات خویش را متوجه زنان وکودکان مظلوم و غیرمسلح کردند وآنها را برای ترساندن مجاهدین وحشیانه به آتش کشیدند . این درندهـ خوییها اثر خود را گذاشت ومردم راکه از کمک پایتخت نشینان و روسای قوم ناامید شده بودند به ترک جنگ واداشت و مجاهدین ناگزیر برای آنکه بخاطر آنها مردم صدمه نبینند از شهرخارج شدند.

روز هفتم دیماه قزاقها به جستجوی آزادیخواهان پرداختند . روز نهم دیماه مجاهدین ثقةالاسلام ضیاء العلما ، صادق‌الملک ، آقا محمد ابراهیم قفقاچی ، حسن وقدیر دویسر علی مسیو و ۳ آزادیخواه دیگر گرفتار شدند .

دهم دی یکی از دردناکترین روزهای تبریز بود و ثقةالاسلام و ۸ مجاهد دیگر بر دار آزادی سر باختند .

۱۲ دیماه ۱۳۴۱

کارگران چه‌معصومانه می‌میرند

۸ کارگر در سخت‌ترین شرایط کار و با حداقل امکانات ایمنی در ریزش تونل شماره ۱۴ درجاده آمل ـ تهران زیر خروارها خاک مدفون شدند . خبر اگرچه کوتاه بود اما بیانگر قانون حاکم برنظام اجتماعی سرمایه‌داری بود که " برای رفاه دیگران ، زحمتکشان باید در سخت‌ترین شرایط معصومانه بمیرند " در این سال ، ریزش تونل شماره ۱۴ سومین حادثه از این نوع بود . در دوحادثه قبل نیز ۴ کارگر کشته شده بودند .

۱۴ دیماه ۵۷

ژنرال هویزر به‌ایران آمد

درگیماگرم قیام ضد سلطنتی دولت امریکا برای حصول اطمینان از حفاظت دقیق تجهیزات نظامی و جاسوسی مخفی امریکا در ایران ، ژنرال هویزر را به ایران فرستاد . منابع وزارت دفاع امریکا گفتند که هویزر با مقامات نظامی ایران به مشورت پرداخته است . بموجب گزارش های بعدی ، هویزر ملاقاتهایی نیز با بعضی از شخصیت های غیرنظامی مخالف رژیم شاه برقرار کرده بود .

۱۶ دیماه ۱۳۴۶

شهادت جهان‌پهلوان تختی

جسد تختی قهرمان محبوب مردم در هتل سمیرامیس که متعلق به یکی از سرسپردگان رژیم گذشته بود بدست آمد . روزنامه های زیرسانسور نوشتند " تختی خودکشی کرد " اما مردم که قهرمان خود را خوب می‌شناختند و ددمنشی رژیم پهلوی را نیز تجربه‌کرده بودند بخوبی دریافتندکه رژیم جنایتکار قهرمان خلق را به شهادت رسانده است . غلامرضا تختی‌که در محله زحمتکش نشین خانی‌آباد متولد شده و درعمق دردهای مردمش زندگی کرده بود در ۲۳ سالگی به عضویت تیم ملی‌کشتی آزاد

پیکر به دار آویخته ثقةالاسلام ویاران او درتبریز

ایران درآمد . در سال ۱۳۳۰ برای اولین‌بار در مسابقات جهانی شرکت کرد و مدال نقره گرفت . تختی در میدانهای بین‌المللی کشتی سه مدال طلا و ۴ مدال نقره گرفته بود ، اما بزرگترین پیروزیش در زندگی فتح قلب مردم بودکه تنها جایگاه قهرمانان خلق است .

او که پیرو راه پیشوای ملی مصدق بزرگ بود مورد خشم " دیکتاتور " قرار داشت . رژیم تمام نیروی خود را بکار گرفت تا تختی را در آزادی زندانی کند راه ورزشگاهها را برویش بست و کارگزاران خود را برای بدنام کردن تختی به پخش شایعه درباره قهرمان واداشت . اما جنان پهلوان‌که پیوندی عمیق با مردم داشت همچنان قهرمان مردم باقی ماند و خواهد ماند .

۱۶ دیماه ۱۳۵۷

پایان اعتصاب بزرگ مطبوعات

اعتصاب بزرگ مطبوعات پایان یافت و خون شهدا آزادی قلم را بازگرداند و روزنامه نگاران دوباره قلم بدست گرفتند تا دردها و خواست های مردم را بدور از اختناق و سانسور منعکس‌کنند . این اعتصاب در ۱۵ آبان با حمله ماموران حکومت نظامی به سه روزنامه بزرگ تهران ، کیهان ، اطلاعات و آیندگان آغاز شد . هدف از این حمله واداشتن روزنامه‌نگاران به نوشتن آنچه زیرالهای شاه می‌خواستند بود اما اعتصاب یکپارچه دست اندرکاران مطبوعات نقشه نظامیان شاه را نقش برآب کرد . رژیم شاه در مقابل کوشید که با تهیه نشریات فرمایشی و بوسیله قلم بمزدان حرفهای ، این اعتصاب را خنثی کند. اما با آگاهی خلق این حیله نیز بی اثر ماند . سرانجام حکومت نظامی به زانو درآمد و روزنامه ـ نگاران و کارگران و کارکنان شریف مطبوعات رها شده از سانسور کار خویش را جهت آگاهی مردم آغاز کردند .

۱۹ دیماه ۱۳۵۶

تظاهرات خونین در قم

مردم قم در اعتراض به مقاله‌ای اهانت آمیز در باره امام خمینی‌که بدستور رژیم‌شاه درمیکی‌از روزنامه ها چاپ شده بود به راهپیمائی پرداختند. ماموران پلیس و گارد مخصوص به مردم حمله کردند و درگیری آغاز شد . تابلوی مرکز حزب رستاخیز توسط مردم کنده شد و ماموران به سوی مردم شلیک‌کردند وتظاهرات به برخوردی خونین تبدیل شدکه درآن چندین نفر کشته شدند و این بهانه‌ای بود برای قیام خلق تا بساط رژیمی دست نشانده و خونخوار را درهم بپیچد .

۲۱ دیماه ۵۷

۶۵ زندانی سیاسی آزاد شدند

قیام قهرمانانه مردم دری دیگر از زندان شاه را گشود و ۶۵ فرزند خلق آزاد شدند . فرزندانی‌که عشق مردم را در سینه داشتند و به جرم همین عشق به بند کشیده شده بودند و سرانجام نیز توسط همین خلق آزادی را بدست آوردند . درمیان آزاد شدگان شکرالله پاک نژاد ، نسرین رضائی و معصومه شادمانی ، از معروف‌ترین زندانیان سیاسی کشور نیز بودند.

۲۳ دیماه ۵۷

دانشگاه ، سنگر آزادی گشوده شد.

صدها هزار نفر ازمردم پایتخت درهای دانشگاه را گشودند و محاصره دوماهه دانشگاه را شکستند .

با اعلام " هفته بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی " از سوی سازمان ملی دانشگاهیان در ۲۰ دیماه درهای دانشگاه صنعتی بروی دانشجویان، استادان و کارکنان باز شد .

آیت‌الله طالقانی طی اعلامیه‌ای در ۲۱ دیماه ضمن تایید اقدام سازمان ملی دانشگاهیان گفت : " ... این بسی موجب خشنودی است‌که دانشگاهیان برای گشودن دانشگاه ، خود مستقلا" اقدام کرده‌اند ... "

در ۲۳ دیماه نحصن ۲۵ روزه استادان وابسته به سازمان ملی دانشگاهیان پیروزمندانه پایان یافت و سیل جمعیت به سوی دانشگاه تهران روانه‌شد.

۲۶ دیماه ۵۷

شاه فرار کرد

شاه خونخوار سرانجام در اثر مبارزات پیگیر مردم از ایران گریخت و به مصر پناهنده شد . مردم جشن گرفتند و همه مجسمه های دیکتاتور و پیکره‌های یاد بود سال های سیاه را سرنگون کردند .

درجهان

۱ دیماه (۲۲ دسامبر ۱۸۹۴ میلادی)

آغاز محاکمه دریفوس

محاکمه دریفوس ، افسر نویخانه ارتش فرانسه براثر یک نوطئه و باتهام جاسوسی برای آلمانها ، خیانت به میهن و افشای اسرار نظامی آغاز شد . فرشتگان چشم بسته عدالت ! درگیر ودار یک بازی ناجوانمردانه سیاسی در ۵ ژانویه ۱۸۹۵ دریفوس را محکوم به حبس ابد در جزیره وحشتناک "شیطان" کردند . دریفوس ۱۲ سال از زندگی خود را درزندان گذراند اما سرانجام با کوشش افراد و گروههای آزاده فرانسوی ، بیگناهی او اثبات شد . در این راه بویژه " امیل زولا" نویسنده معروف ، برای دفاع از دریفوس همت گماشت و علیرغم محدودیت ها و کارشکنی های سرشار از تعصب و تزویر ، بیگناهی او را به کرسی نشاند .

۵ دی (۲۶ دسامبر ۱۸۹۳ میلادی)

مرگ مائوتسه تونگ

مائوتسه‌تونگ انقلابی بزرگ چین در دهکده شائوشان ایالت هونان در یک خانواده دهقانی دیده به جهان گشود . از همان‌کودکی روحیه طغیان واعتراضی‌که سراسر چین را دربرگرفته بود در وجود وی تجلی یافت . هنگامی‌که مائو دوران جوانی را طی میکرد ، جنبش انقلابی چین به رهبری سون‌یاتسن بالاخره موفق شد درسال ۱۹۱۱ سلطه سلطنت فئودالی " تسین " راکه بمدت دوهزار سال درچین فرمانروایی میکرد سرنگون سازد ، لیکن بزودی قدرت بدست ضدانقلابیون افتاد و مانند سایر انقلابهای چین در سده گذشته به شکست انجامید . مائو درباره این وقایع میگوید : " این وقایع که بسیار پشت سرهم اتفاق افتاد ، برفکر جوان من‌که حالت شورشی داشت تاثیر ابدی گذاشت . "

پس از شکست انقلاب ۱۹۱۱ مائو ماهها پیاده دهات ایالت زادگاه خود را زیرپا گذاشت . این راهپیمائی تاثیر بزرگی در پیوند مائو با توده ها و شناخت مسائل آنان داشت . او ماهها به بررسی قیامهای صد ساله چین پرداخت و درهمین زمان به تشکیل کلاس شبانه‌ای برای تعلیم کارگران انقلابی دست زد .

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نیز تاثیر بسزائی درحرکت انقلابیون چین گذاشت و بقول خود مائو" مارکسیسم

لنینیسم را برای چین به ارمغان آورد . " در اوائل ژوئیه ۱۹۲۱ اولین کنگره حزب کمونیست چین تشکیل شد ، که مائو یکی از نمایندگان شرکت کننده درآن بود . از این پس زندگی مائو با حیات حزب کمونیست چین درهم‌آمیخت . رهبری مبارزات قهرمانانه خلق چین توسط حزب کمونیست به پیروزی ۱۹۴۹ منجر شد و جمهوری دموکراتیک به رهبری کارگران در چین استقرار یافت . بعد از پیروزی انقلاب ، حزب کمونیست به رهبری مائو به مبارزه ادامه داد و به ایجاد و گسترش کمونهای دهقانی ، رشد صنایع سنگین ، تشکیل ارتش خلق و آموزش فرهنگ انقلابی همت گماشت ، وتوانست دیدگاههایی را که بازگرداندن سرمایه‌داری و توجیه آنرا هدف قرارداده بود ، بیگیرانه افشاکند و به مبارزه با آن برخیزد .

مائو در سال ۱۹۷۵ بدرود حیات گفت ، چین در سال هـــای اخیـــر و بویژه بعد از مرگ مـــائـــو به راه دیگری رفت ، که برخی اشتباهات مائو نیز دراین امر بی‌تاثیر نبوده است .

۱۱ دیماه (ژانویه ۱۹۵۹ میلادی)

سالروز انقلاب پیروزمند خلق کوبا

نبرد مسلحانه خلق کوبا سرانجام با فرار باتیستا ، دیکتاتور خونخوار ، به پیروزی رسید . قیام به رهبری انقلابی بزرگ فیدل کاسترو در ۲۶ ژوئیه سال ۱۹۵۲ با حمله به پادگان مونکادا شروع شده بود . اگر چه این حمله با شکست روبرو شد و کاسترو و یارانش دستگیر شدند . اما در این روز شعله های انقلاب آخرین بقایای دیکتاتوری و استعمار را درخود سوزاند . و خلق کوبا در ۹۰ مایلی نیرومندترین و خونخوارترین قدرت امپریالیستی جهان کشوری آزاد را بوجود آورد و پایگاه الهام‌بخش و یاری دهنده برای سایر خلقهای ستمدیده جهان‌شد . پس از پیروزی تمام کارخانه های سرمایه‌داران وابسته و نیز کلیه بانکها ملی اعلام شد . در طول ۲ سال ۱۵۰۰۰ مدرسه در نقاط دورافتاده ساخته شد و ۸۵ هزار دهقان صاحب زمین شدند و ۳۰۰۰ شرکت تعاونی خلق تاسیس شد . این اولین قدمها در راه ساختن دنیای تازه‌ای بودکه درآن انسانها بدون بهره‌کشی از یکدیگر و بدور از ظلم وستم کنار هم زندگی کنند .

۱۱ دیماه (ژانویه ۱۹۶۵)

آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین

خلق قهرمان فلسطین با شلیک اولین گلوله‌های آتشین اعلام کردکه خود را برای نبرد مرگ و زندگی با صهیونیست ها وارباب امپریالیستشان آماده ساخته است . آغاز انقلاب مسلحانه نوراًمید و رهایی را در دل میلیونها فلسطینی تاباند .

انگلستان استعمارگر که از سال ۱۹۲۰ فلسطین را تحت تسلط خود گرفته بود هرگونه حرکت اعتراضی و آزادیخواهانه فلسطینی ها را بشدت و با شکنجه و اعدام سرکوب می‌کرد و درعین‌حال سازمانها و احزاب صهیونیستی را گسترش می‌داد .

درسال ۱۹۴۸ نیروهای انگلیس پیش از عقب نشینی از خاک فلسطین سلاحهای خود را در اختیار تروریستهای صهیونیست قرار دادند . قتل عام های وحشیانه مردم فلسطین توسط اشغالگران صهیونیست ، خلق فلسطین را واداشت تا برای بازپس گرفتن وطن اشغال شده خود نبرد مسلحانه را بمثابه تنها راه رهایی انتخاب‌کند و نخستین ضربه را براوش اشغالگر در حماسه " کرامه " وارد سازد .

خلق فلسطین با تکیه برنیروی خود و با قدرت ایمان و عشق به میهن‌سرانجام سرزمین اجدادی‌خودرا بازپس خواهد گرفت و فلسطین آزاد فلسطینی ها را پایه خواهد گذاشت .

۱۸ دیماه (۸ ژانویه ۱۶۴۲ میلادی)

مرگ گالیله

گالیله ، ستاره‌شناس وریاضی‌دان بزرگ ایتالیائی زندگی را بدرود گفت . او در ۱۵ فوریه ۱۵۶۴ میلادی در " پیزا " بدنیا آمد . در فلورانس به تحصیل پرداخت وعلوم پزشکی وریاضیات را آموخت و سپس به نجوم مشغول شد .

گالیله در ۲۵ سالگی به استادی دانشگاه پیزا رسید و اولین اختراع او ترازوی آبی بود . دوران زندگی گالیله مقارن اواخر قرون وسطی‌بودکه حاکمیت سیاه کلیسا برجامعه هرگونه اندیشه خارج از چهارچوب کلیسایی را نابود می‌کرد وهرآن کس را که درصدد شکستن دیوار جهل ونصب بود درآتش خشمی کور میسوزاند درچنین دورانی‌که دستگاههای ضد مردمی " تفتیش عقاید " کلیسا نشیمان هراندیشه متکاملی را به بهانه مغایرت با نوشته های " کتاب مقدس " ارتداد و لامذهبی قلمداد میکرد و صاحبان چنین اندیشه‌هـائی را کـافر و مرتد می‌نامید ، گـالیلـه تحت تاثیر فرضیه های دیمقراطیس معتقد شد که هرگونه تغییری درعالم ناشی از حرکت جزیی اتم‌است او درسال ۱۶۳۲ درباره عقاید بطلمیوس و کپرنیک و درباب حرکات منظومه شمسی کتابی نوشت و اظهارات کوپرنیک را مبنی بر حرکت زمین بدور خورشید تایید کرد . اما این عقیده گستاخانه ، عوامفریبان را خوش نیامد . جراکه باعتقاد آنها و آنگونه که آنها از " کتاب مقدس " برداشت می‌کردند خورشید گرد زمین می‌چرخید ونه برعکس واگر چنین اندیشه هایی درمیان‌مردم رواج می‌یافت بساط سیاه ظلم و جهل‌آنها را درهم می‌نوردید . از این‌رو گالیله به رم پایتخت کلیسا فراخوانده شد تا زانو بزند واز ابراز چنین عقیده کفرآمیزی ! استغفار کند تا خدایان زمینی گناهش را ببخشایند . گالیله در ۲۲ ژوئن ۱۶۳۳ توبه‌نامه معروف خود را که توسط پاپ " اوربین هفتم " تهیه شده بود امضا کرد و تا پایان عمر نیز تحت نظر مامورن " تفتیش عقاید " بود .

۲۰ دیماه (۱۰ ژانویه ۱۶۵۳ میلادی)

استعمارگـران برای تحمیق مردم روزنامه منتشر کردند

" گازتا " اولین روزنامه خبری جهان در شهر " ونیز " منتشر شد . هدف از انتشار این روزنامه نه آگاهی بخشیدن به مردم که تحمیق آنان بود . این روزنامه به توصیه مارکوپولو ، کارگزار استعمار و با سرمایه روحانیون یسوعی منتشر شد تا جنگی غیرعادلانه را که درآن محرومان و زحمتکشان نابود میشدند جهاد وانمود کند ومردم را به شرکت در جنگ با ترکان عثمانی تشویق کند .

۲۴ دیماه (۱۴ ژانویه ۱۸۷۵ میلادی)

تولد « آلبرت شوایتزر »

آلبرت شوایتزر طبیب ، شاعر ، موسیقیدان و صلحدوست بزرگ قرن بیستم در دهکده کوچکی بنام " کایزر سبک " در آلزاس فرانسه متولد شد . پس از اخذ دکترای طب برای کمک به افریقائیان محروم وستمدیده به افریقا رفت و تاپایان عمر نیز ، زندگی خود را وقف درمان بیماریهای آنان کرد ، و در ۱۹۵۲ به پاس این خدمات جایزه صلح نوبل گرفت . او سرانجام در ۴ سپتامبر ۱۹۶۵ در بیمارستانی‌که خود ساخته بود درافریقا زندگی را وداع گفت .

۲۶ دیماه (۱۶ ژانویه ۱۹۳۸)

بمباران بارسلون

بمباران وحشیانه " بارسلون " توسط هواپیماهای بمب‌افکن نیروهای سلطنت طلب اسپانیا این شهر را به آتش وخون کشاند . هدف سلطنت طلبان از این عمل وحشیانه‌که منجر به نابودی بیش از دوهزار نفر شد درهم شکستن آخرین مقاومت جمهوریخواهان بود . جنگهای داخلی اسپانیا که بمباران بارسلون گوشه‌ای از عملیات جنگی آن بود ، به شکست نیروهای جمهوریخواه و پیروزی ژنرال فرانکو ، دیکتاتور معروف اسپانیا انجامید .

۲۶ دیماه (۱۶ ژانویه ۱۹۱۸ میلادی)

لغو قرارداد ۱۹۰۷ دربارهٔ ایران

دولت شوروی به رهبری لنین چند ماه پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر ، قرارداد شوم ۱۹۰۷ میلادی وسایر قراردادهایی را که دولت روسیه تزاری به ایران تحمیل‌کرده بود ، لغوکرد .

قرارداد ۱۹۰۷ در سن‌پترزبورگ میان دولت های روس وانگلیس بسته شد وبراساس‌آن ایران به دومنطقه نفوذ میان دوکشور تقسیم میشد . بموجب این قرارداد روسیه منافع ونفوذ انگلیس را درمناطق جنوبی و جنوبشرقی ایران و انگلیس نفوذ روسیه را در بخش های‌شمالی کشور به رسمیت می‌شناختند .

۲۷ دیماه (۱۷ ژانویه ۱۹۶۱)

شهادت لومومبا ، قهرمان افریقا

پاتریس لومومبا میهن‌پرست بزرگ کنگو و قهرمان آزادی افریقا در جریان یک توطئه و بدستور استعمارگران توسط " موسی چومبه " و " مونونگو " نوکران استعمار به شهادت رسید .

لومومبا در دوم ژانویه ۱۹۲۵ دردهکده "کاتاکو- کومب " و درخانواده‌ای روستایی بدنیا آمد . دوران کودکی را همچون سایر هموطنان ستمدیده‌اش در فقر سپری‌کرد . اختلافات طبقاتی وتمعیض نژادی از همان

کودکی او را رنج میداد ، بطوریکه بعد ها گفت : " من از همان دوران کودکی بطور مبهم اینطور استنباط میکردم‌که سیاهان و سفیدپوستان به لحاظ زندگی ، فقر و بیچارگی شباهتی بیکدیگر ندارند " . بخاطر علاقه شدیدی که به مطالعه داشت ، پدرش می‌خواست‌که او آموزگار علوم دینی شود اما عموی او که استواری در ارتش بلژیک بود او را به سیاهگیری در ارتش تشویق میکرد . ولی خود او در فکر دیگری بود .

لومومبا درحالیکه در آموزشگاه پرستاری تحصیل میکرد ، شبها با علاقه‌ای بیکبر به مطالعه آثار ولتر، روسو ، هوگو ، مولیر و ... می‌پرداخت . در سال ۱۹۴۳ به امید پیداکردن کارهمسیار شهر کیندو شد ودرسایه تلاش وکوشش زندگی مختصر ولی همچنان فقیرانه‌ای برای خود دست وپاکرد . در خلال‌سالهای ۱۹۴۸ – ۱۹۴۷ او درمیان ۱۲ میلیون کنگوئی از افراد انگشت شماری بودکه میتوانست با صراحت عقاید خود را بیان کند . دراین ایام پاتریس‌لومومبا خطاب به میسیونرهائی که صبر وشکیبائی را درمشاهده تبعیض های نژادی باو توصیه می‌کردند گفت " نوع دوستی شما در آئین مسیح چندش‌آور است . شما را بخدا همانگونه که میگوئید آیا همه مردم دربرابری وسیاوات زندگی می‌کنند ؟ "

مطالعه آثار میهن پرستان سیاه و مشاهده فقر و سیه روزی هموطنانش ، او را به ناسیونالیستی نزلزل‌ناپذیر تبدیل کرد . وی در ژوئن ۱۹۵۶ به اتهام اختلاس به ۲ سال زندان محکوم شد و در دفاع از خود بدوستانش گفت " من کاری نکرده‌ام ، من مقداری از بولهائی راکه بلژیکیها از راه غارت و چپاول درکنگو جمع‌آوری کرده بودند برداشتم . عمل من در رژیم استعماری که " بورژوازی سفید " توده های سیاهپوست را غارت می‌کند نوعی نهایت بوده است "

پاتریس لومومبا در ۱۰ اکتبر ۱۹۵۸ سازمان سیاسی " جنبش ملی کنگو" را بنیان نهاد . تز این سازمان سنتی براصل ایجاد هماهنگی و اتحاد گروههای سیاسی بدون توجه باختلافات مسلکی و درجهت تاسیس آزادیهای سیاسی واستقلال کنگو بود .

با افزایش آگاهی توده ها و برخاستن موج تظاهرات آنان برای استقلال کنگو ، پس از فرار و نشیبهای بسیار ، لومومبا به نخست‌وزیری برگزیده شد وخود را برای جشن استقلال در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۰ آماده کرد . درحالیکه استعمارگران و سرمایه – داران بوسیله موسی چومبه تعمه جدائی " کاتانگا" استان زرخیز کنگو را ساز می‌کردند . لومومبا در جشن استقلال خطاب به مردم میهنش گفت " استقلال کنگو بمنزله یک گام بونر در راه آزادی همه کشورهای افریقاست " .

پس از جشن استقلال ، نوطئه ها و کارشکنی‌های سوداگران و کارگزاران استعمار شدت یافت . " موسی چومبه " در الیزابت ویل" حکومت جمهوری اعلام کرد . در ۱۳ ژوئیه رئیس جمهور کازاوابو و لومومبا طی پیامی بدبیرکل سازمان ملل خواستار اعزام نیروهای سازمان جهت جلوگیری از پیاده شدن واحد های نظامی بلژیک درکنگو شدند . چندی بعد کازاوابوکه باحمایت لومومبا بریاست جمهوری رسیده بود خود اسیر نوطئه بلژیکیها شده و دربیانی رادیوئی لومومبارا ازنخست‌وزیری عزل‌کرد و لومومبا نیز اعلام نمودکه " کازاوابو خائن به میهن است " شب چهاردهم سپتامبر کودتای نازه‌ای در لئوپولدویل بوقوع پیوست . گروهیان سرهنگ شده " موبوتو " با نوطئه افسر بلژیکی سرهنگ " مارلیر " رئیس‌جمهور و نخست وزیر را عزل کرد .

چندی بعد لومومبا دستگیر ودر زندان نیسویل نگهداری شد . اوکه خطر را احساس کرده بود در حضور جمعی گفت " آنها قصد جان مرا دارند . من مانند گاندی میمیرم . اگر فردا زندگی را بدوردگفتم قاتل من سیاه پوستی است‌که یک سفید پوست او را صلح کرده است . ملت کنگو میدانندکه من جانم را فدای آزادی و استقلال کشورم کردم " . سرانجام در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ لومومبا درالیزابت‌ویل ناجوانمردانه به قتل رسید .

" بیاد اعتصاب مطبوعات "

ـ طرحی‌منتشر نشده از اردشیر محصص

ـ زیر سرنیزه روزنامه نمی‌نویسیم ...

شماره‌های‌قبلی "پیروزی"را درتهران‌وشهرستانها ازمراکزیر تهیه‌کنید :

ـ تهران :	انتشارات‌باران ـ خیابان انقلاب ،خیابان‌فروردین
	انتشارات‌پیمان ـ خیابان‌انقلاب ،بازارچه‌کتاب
	انتشارات‌پیوند ـ خیابان‌انقلاب ،روبروی‌دانشگاه
	انتشارات‌توس ـ خیابان‌انقلاب ،خیابان‌دانشگاه
ـ اراک :	علی‌سپهرپورتلفن۲۶۸۲۷
ـ اصفهان :	مطبوعاتی‌اتحاد ،چهارباغ ،نبش‌شیخ‌بهائی
	مطبوعاتی‌باقری ،میدان‌احمدآباد
	مطبوعاتی‌صمد ،دروازه‌دولت
	مطبوعاتی‌مشعل ، چهارباغ‌مقابل‌مدرسه‌حضرت‌صادق
ـ بروجرد :	مطبوعاتی‌شهرام
ـ تبریز :	مطبوعاتی‌ملازاده ،خیابان‌خمینی
ـ قائم‌شهر :	مطبوعاتی‌آزاد
ـ کرج :	مطبوعاتی قلیچ‌خانی ،میدان کرج
ـ کرمان :	کتابفروشی‌شهرکتاب ، خیابان شریعتی
ـ مسجد سلیمان :	مطبوعاتی‌توفان
ـ همدان :	مطبوعاتی‌کاظمی ،میدان‌امام‌خمینی
	مطبوعاتی‌ذوالفقاری ،اول خیابان‌شهدا
ـ کرمانشاه :	خیابان‌مصدق ـ کیوسک‌مطبوعاتی مقابل‌روزنامه کیهان

برابری
آزادی
برادری